



عطش بنزین - يك قسمت مهم از خونریزیها بر سر معادن نفت است.
 احتیاج غذای موتور را بجای بنزین بذرغال تبدیل میکند
 اولین اتوبوس که با بیخار حرکت میکند

فهرست مندرجات

.....
اقتصادی و سیاسی اقتصادی سال ۱۹۳۴	خ ۰ ا	تاریخ علوم
د د اخذ از محلات خارجی		اتومبیل
هنر در ایرای جدید	-	بشر از نظر مادی
تفسیر زبان فارسی دنیا	-	
تکامل موجودات زنده ا. جمشید		
خاتمه: منظره دنیا.		

ای یکمرتبه منتشر میشود
شماره های
 ۱۲، ۱۱، ۱۰
 خرداد ۱۳۱۴
 ~~~~~  
**قیمت اشتراك**  
 سالیانه ۲۰ تکه شماره ۲ ربال  
 آدرس: و تنها محل  
 تکفروشی مطبوعه سروس  
 خیابان وزارت جنگ  
 دفتر دنیا



# کتابخانه علمی

خرداد ۱۳۱۴

تاسیس بهمن ماه ۱۳۱۳

شماره های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲

## تاریخ علوم

علمی

با سایر حیوانات را در زمانی که این حیوان وجود داشته است در نظر بگیرد و همینطور برای دانستن علل ظهور (استرو لوژی) در کله باید موفقیت جغرافیائی، اقتصاد، طرز اداره آنجا را بیاد آورد. ذیاجدیت میشود که تغییرات علم بخصوص علوم ریاضی و طبیعی در ادوار مختلفه بمد اسلوب فوق بحث شود

۱- علم در مصر قدیم - مصر قدیم مملکت فلاحتی و اجتماع آن کاملاً تابع خواص طبیعی نیل بوده است. اکثریت توده دهقان فقیر اقلیت متمول، فرعون خدای زمین و کهنه حافظین منافع خدایان زمین و آسمان بودند. علم هم که زاده اجتماع است البته متناسب با اوضاع اجتماعی مصر بود مثلاً احتیاج به تقسیم اراضی هندسه را تولید نمود و همچنین احتیاج به تقسیم آب محاسبه زمان را بوجود آورد.

و به همین مناسبت نیز میباشد که علوم ریاضی و طبیعی در نزد مصریها کاملاً تجربی بوده است. طرز نوشتن اعداد، ترکیب علامات، نمایش واحد و صد و غیره حاصل علوم مصر قدیم بوده است ترتیب در اعداد یعنی احاد و عشرات و

مقدمه - هر يك از عوامل طبیعی و اجتماعی توابعی از متغیر مفهوم «زمان - مکان - ماده» میباشد، زیرا هر کدام حالت خاص اتحاد این سه مفهومند. روابط مختلفه در بین این توابع و این متغیر بر قرار است پس باید روابطی نیز بین عوامل موجود باشد بقسمی که با همین یکی از این عوامل سایرین معین شوند. فلسفه مادی به د اسلوب دیالک -

تیک ثابت میکند که حقیقت تصور واقعیت میباشد ولی هیچ وقت مساوی با آن نمیشود بطوری که میتوان ضربی برای صحت حقائق یعنی ارتباط حقایق با واقعیت ها معین نمود. البته این ضرب به ساختمان مغزی و فکری متفکر مربوط است پس هیچوقت روابط فوق را در حالت محدود نمیتوان معین نمود پس يك متفکر مادی سعی میکند بكمك دیالک تك ضرب ثابت فکر خودیش را یاد کند و این روابط را هر قدر ممکن است دقیقتر بدست آورد مثلاً بکنفر عالم فسیل شناس سعی میکند که بیاقتن بکقسمت از استخوان يك حیوان سایر اعضای آن را حدس بزند. البته برای اینکه حیوان مصنوعی با اصلی بیشتر شبیه باشد باید يك سلسله شرایط از قبیل آب و هوا و درجه حرارت و تناسب

بشر از نظر مادی: مقاله مهمی است که بشر را از نظر بیولوژی، پسیکولوژی و سوسیولوژی مورد مطالعه قرار داده و در حقیقت خلاصه یک دوره پسیکولوژی است.



محسمه سازی و پیشرفت نقاشی و حجاری را تولید نموده در هیئت نیز بعضی اطلاعات و پیشرفت های تجزیه ای از قبیل حرکات آفتاب و ماه و کواکب تولید شد و ارضاد جزئی هم کرده اند که برای تقسیم زمان لازم بوده است .

بر ۳۶۵ روز بودن سال آگاهی داشته و بمد ها اطلاع یافته اند که يك ربع نیز اضافه دارد و باین ترتیب هر چهار سال را ۱۴۶۱ روز حساب نموده و آنرا دوره سوئسی میگفتند . راجع به آسمان گمان میکردند که عبارت از دریای آبی است که بر زمین احاطه دارد و کواکب تابع های خدایان میباشد که در عقب تابع ایزیس در حرکتند ( احترام باب و استفاده کهنه از آن بواسطه عدم خلطه و آمیزش با ممالک دیگر ) . در طب نیز دست داشته اند و در ادویه آنان ترکیبات امونیاکی دیده شده است ۲ - کلد و آشور - ( ۲۲-۶ قرن ق م )

کلده جلگه ایست بین دو رود دجله و فرات زمین آن حاصلخیز است ولی آبیاری آن امر مشکلی است زیرا آب این رود در مواقع مختلف سال متغیر است .

آشور بر خلاف دارای آب و هوای سرد و سخت است این جلگه اغلب در محل عبور قبائل مختلفه واقع بود . بمناسبت این اختلاف کامل محیط مردمان این سر زمین با مردمان مصر کاملاً مختلفند و برخلاف آنها مردمانی جدی بیرحم و کاری و خون آشام ترین ملل مشرق زمین بوده اند . این موضوع هم بمناسبت کوچ کردهای اقوام مختلف در این سرزمین و اختلافات داخلی است .

بر خلاف عرفان مصری ها اینها عملی بوده اند و بعضی اینکه بهترین بناها را برای قبور بسازند برای شاهان و امرا زیباترین قصور را میساختند . این اختلافات و جنگها و کوچ کردها باعث میل کلدانیها بدانستن آتیه و اهمیت اینقسمت در نزد آنها شد و چون تمام مردمان اولیه به قوای طبیعت معتقد بودند در این موضوع از آنها استمداد جسته و تمام مذاهب آن ها روی این قسمت است ، کهنه غیب گوئی میکردند خداوندان

مات را تشخیص و بجهان میزان علامات فوق الذکر را مرتباً تکرار مینمودند . ضرب و تقسیم را بصورت جمع و تفریق های متوالیه عمل مینمودند موضوع مهم در نزد ایشان قضیه کسور بود و ماست که در تقسیم اراضی مورد استعمال زیاد دارد . بر خلاف محاسبات امروز که مخرج نمایش تعداد تقسیمات واحد میباشد مصریها کسور را بطوری نمایش میدادند که صورت همه ثابت و برار واحد بود ( مثلاً ۱/۵ و ۱/۷ و غیره ) اما چون باین ترتیب همه کسور را نمیتوانستند نمایش دهند کسور مشکله را به کسور دیگری که بطریق فوق بتوانند نمایش دهند تجزیه میکردند

مثلاً آن مقداری را که ما امروز به کسر ۲/۵ نمایش میدهم در نزد آنها بمجموعه کسور  $\frac{1}{15} + \frac{1}{3} = \frac{2}{5}$  نمایش داده میشد و همچنین  $\frac{1}{233} + \frac{1}{174} + \frac{1}{58} + \frac{1}{24} = \frac{2}{29}$  و باین طریق سایر کسوری را که صورت آنها واحد نبود تجزیه مینمودند و این مسئله موضوع مهمی در محاسبات مصریها بوده است و در جدولیکه اسمش تجزیه کسوری است کسوری که مخارجشان از ۳ تا ۹۹ باشد مندرج است و طرز تعیین این تجزیه ها کاملاً تجربی و از روی محاسبه احتمالی قطعه ، خطی که نمایش مقدار کسری از قطعه خط نمایش واحد بوده است ، معین میشده باین واسطه همه جا صحیح ولی تقریبی است چون در تحت تاثیر طغیان نیل که حدود اراضی را معدوم میکرد مجبور بودند که مقیاس و تقسیمات صحیحی از اراضی مختلفه در نزد خود داشته باشند علم هندسه در نزد آنان کاملاً تجربی بوده است و فوره و لوباشان اغلب تقریبی میباشد مثلاً مساحت چهار ضلعی نزد آنها برابر است با مضرب نیم مجموع های اضلاع مقابل و  $\pi$  در مساحت دایره برابر ۳٫۱۶ بوده است . بقعیده فیثاغورث نیز بطور تجربی به بعضی قضایا آگاهی داشته اند . میدانته اند که مثلثی با اضلاع ۵ و ۴ و قائم الزاویه میباشد و آنرا نکار میبرده اند و نیز نخهای ۱۲ قسمتی که قسمت های ۵ و ۹ کرده کرده دار بوده است استعمال مینموده اند

اهمیت دادن وضعیت قبور برای زندگی ابدی باعث ساختمان اهرام مصر شد و از آنرو هنر اقتصاد سال ۱۹۳۴ : مقاله مهمی است که از منابع مهم و درجه اول اقتصاد بتوسط متخصصین زیر دست اقتصاد تهیه شده است .



سیارات منطقه البروج را یافته بودند و باین وسیله خسوف و کسوف را تبیین می نمودند ولی بیشتر کارشان جنبه پیش بینی داشت .

طب کلدانیها نیز مانند مصریها از دو قسمت تشکیل میشد یکی تئوری تشخیص مرض که مبتنی بر خرافات و موهومات بود دیگر آدویه که بر چهار نوع تقسیم می شد .

۳- یونان قدیم ( رجوع شود بمقاله عرفان و اصول مادی ) اوضاع مادی و اجتماعی یونان را به چهار مکتب میتوان تقسیم نمود

الف - مکتب ایونی - علمائی که در ۱۳ شهر ایونی در ادوار مختلف ظاهر شده اند و ارسطو آنها را فیزبولوک مینامید زیرا همه در موضوع مبدا اشیاء فکر کرده اند و آنها را از نقطه نظر عقاید فلسفی بدو دسته تقسیم میکنیم اولاً دسته که فکر میکردند عالم از چه جسمی تولید شده و از چه جرمی تشکیل یافته دسته دوم که تنها باین قسمت فکر نکرده بلکه نیز میخواستند بدانند عالم چگونه تشکیل شده است . از دسته اول طالس ( در حدود ۶۰۶ قبل از میلاد ) و اناکسیمندر ( در حدود ۵۹۰ ) و اناکسیمن ( در حدود ۵۹۰ قبل از میلاد ) به ترتیب آب و بی نهایت و هوا را مبدا اشیاء میدانستند .

از دسته دوم هراکلیت ( ۵۷۶ تا ۴۸۰ ق م ) مبدا را آتش دانسته و تشکیل را در حرکت میداند اولین آثار دیاک تیک از اوست ، به تولید چیز از هیچ معتقد است ( ابدالت منطقی ) . اناس گور ( وفات در ۴۲۸ ق م ) مبدا را از ماده بی شکل و تشکیل را از تفکر میداند ( ایده الیست صرف ) لوسیپ و دموکریت ( متولد ۴۶۰ ق م ) دنیا را یر از اجزاء متحد الشکل موسوم به اتم دانسته و به بقاء ماده معتقد بوده و حرکت را ابدی و بی نهایت میداند و تغییرات فیزیکی را نتیجه تصادم اتمها میداند ( مادی کامل )

ب - مکتب فیثاغورثی - فیثاغورث در قرن ششم قبل از میلاد میزیسته در ساهوس متولد و عقاید او اخلاقی بوده و در گروتون

آنها در بین ستاره گان بوده زیرا ستاره گان در بیابانها راهنمای آنها بوده . در موضوع آتیه خود بان ها معتقد شدند . باین ترتیب که برای هر فرد ستاره می دانستند و مطابق حرکت این ستاره در آتیه آن شخص پیش بینی می کردند و باین ترتیب بنای استرولوژی در نزد ایشان رخنه شد و گهنگه متصدیان امر بودند و در معابد رصد خانه هائی داشتند در بین این ارباب کم کم گهنگه به قسمت های صحیحی از علم هیئت نیز پی بردند از قبیل حرکات آفتاب و تمیز سیارات از ثوابت و محاسبه سال تاثانیه و کشف بعضی آلات از قبیل ساعت آبی و شاخص و غیره .

سایر علوم نیز در نزد آنها آنهائی است که مورد احتیاج بوده ، مانند حساب و هندسه برای تقسیم و محاسبات که بعدها یونانیها از آنها استفاده کرده اند .

در محاسبات آنها بر خلاف مصریها عدد ۶۰ فوق العاده مهم بوده است بطوری که برای واحد يك علامت مخصوص و برای ۶۰ برابر آنها علامت دیگری داشته و آنها را بتوالی می نوشته اند مثلا

۸ مجذور = ( ۶۰ + ۴ ) یعنی ۶۴  
۹ مجذور = ( ۶۰ + ۲۱ ) یعنی ۸۱

و اما بچه منظور عدد ۶۰ را انتخاب کرده اند معلوم نیست . ممکن است چون ۶۰ عبارت از آخر عدد ۳۶۰ ( ایام سال ) میباشد آنرا انتخاب کرده اند و با چون ۶۰ ۲۲ ۳ ۰ عدد مهمی بوده است و یا بمناسبت اینکه ضلع مسدس که مساوی شعاع است دایره را به شش قسمت ۶۰ درجه تقسیم مینماید و غیره این انتخاب صورت گرفته است .

در بندهندسه موضوع زاویه خیلی اهمیت داشته است تقسیم دایره را به ۳۶۰ درجه می دانسته اند و برای تعیین طول و عرض کواکب و مشاهده حرکت آنها ربع دایره مدرج حامل لوله رصد را بروی دایره مدرج دیگر حرکت میدادند ( اساس تئودولیت باورنیه ) از روی حرکت

انسان حیوان فلسفی و اجتماعی است هر فرد در هر قدرزندگان فردی خود را با زندگانی اجتماعی خویش بیشتر ارتباط دهد کاملتر است . بعقائد کلی بیعلاقه بودن تنزل بدرجه حیوانی است ، تنها نظریه کلی که میتواند برای علم ، صنعت ، اجتماع و هنر بشر امروز هارمونی و هم آهنگی تولید کند اصول عقائد مادی دیاک تیک است ! دنیا



عکس العمل یلی تئیسیم یونان دیده میشود که همان توحید است.

فیثاغورث معتقد به مناطق خمسه و طالس معتقد بکرویت زمین و حرکت وضعی و انتقالی است.

گزنون طرفدار عقاید اناکسیمن و اناکسیماندر و معتقد است که زمین استوا نه است که قاعده اش در بی نهایت و در فوق آن طبقه هوایی است بی نهایت وسیع و ستارگان در آن پراکنده اند. بعد از ایشان دونفر از شاگردان آنها یعنی پارمنیدایی و منلائوس فیثاغورثی تقریباً در يك موقع موفق به اثبات کرویت زمین شده اند یار منید دو دلیل تشخیص میدهد یکی فیزیکی و دیگری نظری و معتقد ببقاء ماده نیز میباشد

عقائد عرفانی سقراط و افلاطون و ارسطو تولید شده و بعرفان کلیون و ایقوریون و رواقیون تبدیل میشود. البته علم نیز مطابق این عقاید غلط از ترقی صحیح خود که منتها حدان در نزد فیلولائوس است ( معتقد به کرویت زمین و سیارات و حرکت وضعی و انتقالی ) باز مانده و راه غلطی را شروع می کند.

نباید تصور کرد که اصولاً تفکر در این موقع را کند مانده است بلکه فقط جنبه تجربی و عملی علوم که در مبارزه بشر با طبیعت بکار میرود راه غلط پیموده و از مرحله اصلی دور افتاده است و الا ریاضیات و مباحثات پیموده در علوم بیش از پیش گردیده است زیرا بیکاری یک طبقه بخصوص که موجد اصلی فلسفه آبندوره است افزونتر از سابق گردیده است

تئوری اعداد و محاسبات در این دوره ترقی زیادی نکرده است و یونانیان بکمیت متصل بیش از کمیت منفصل اهمیت داده اند.

فقط در مکتب فیثاغورث است که اعداد و معنی آنها موقعیت مهمی در الهیات داراست تئودور سیرنی اصمیت  $\sqrt{3}$  و  $\sqrt{5}$  و  $\sqrt{17}$  را پیدا کرده است.

مکتبی تاسیس نمود که شاگردان او طرفدار عقاید او بودند بعد از مرگ او در یونان پراکنده شدند و مهمترین آنها فیلولائوس است.

ج - مکتب الیاتیون - در ایلیاد که شهری در یونان کبیر میباشد کزنوفان (کنوفونس) در قرن ششم مقارن با دو مکتب مزبور مکتبی ایجاد نمود که از علمای اولیه آن بعضی تاحدی مادی و طبیعی بوده اند مانند پارمنیدس و ذوالنون که بالاخره طبقه سوفاتیون را تشکیل دادند

د - مکتب رواقیون و کلیون و ایقوریون و شکاکین طرفداران فلسفه اخلاقی و عرفانی سقراط - کاملاً عرفانی و مهم ترین این ها افلاطون و ارسطو است که بالاخره بمکتب اسکندر به ختم می شود.

علماء دسته اول ایونی مقارن موقعی می باشند که ایونی در حال ترقی و تابع لیدیه است بنابراین چون کاملاً راحت و در فکر تجارت و ترقی میباشد باید عقایدی تجربی و طبیعی داشته باشند همینطور هم بوده است طالس معتقد است که آب مبداء اشیا است شاید بندر بودن ملاحظه یعنی محل سکنتی طالس در این امر دخالت داشته باشد و دلایلی از قبیل نمو نباتات بوسیله آب و ذبح روح بودن آن بواسطه حرکت اقامه می نماید. طالس بکرویت زمین معتقد است و طول و عرض جغرافیائی و کسوف را تعیین نموده و ارتفاع اهرام مصر را بطریق ساده ها تعیین کرده است.

انا کسیماندر مبداء اشیا را جسمی بی نهایت میدانند و آنرا بینهایت مینامید و از طالس بوده و شاخص را یونان آورده است و معتقد با ستوانه بودن زمین است.

انا کسیمن - معتقد است که مبداء اشیا هوا میباشد.

در این موقع فیثاغورث و کزنوفان مکاتب فیثاغورثی و الیاتیون را افتتاح مینمایند و بمناسبت مطابقت زمانی عینا دارای همین عقایدند فقط چون در خود یونان بوده اند در عقاید آنها

هر دوشینی در طبیعت با هم بی نهایت متعادل و بی نهایت متضاد  
قانون نفوذ ضدین یا اصل اول دیالک تیک  
میباشند!



و  $(x^2 + y^2 + z^2)^2 = a^2(x^2 + y^2)$  راه حل مشترکی برای مسائل قطر مکعب و واسطین هندسی تعیین کرده است. بعلاوه منحنی چینی با انحناء مضاعف بدست آورده است افلاطون بتقلیل حدود و رسوم و تداریف فائل بوده و رای قابلیت انحلال مسائل اسلوب تحلیل و برای حل آن اسلوب ترکیب را بکار مبرده است .

ادوکس کشیدن شرط قابلیت نسبت را بیرون آورده است

منشم راه حلی را که ارشیتاس رفته است تعقیب نموده و به فصل مشترک دوسهمی را بایک سهمی و یک هذلولی تسهیل کرده است .

ارسطو با استدلال کرویت زمین را ثابت نمود. اولاً بدلیل اختلاف منظر کواکب ثانیاً به دلیل مساوی بودن جذب بمرکز (سقوط سنگ) ثالثاً به دلیل مدور بودن سایه زمین در خسوف . کره سماوی را جسم جامدی فرض می کند که کواکب بران کوبیده شده اند و زمین مرکز آنست .

ولی هم او پس از آنکه در فلسفه اولی جوهر را از عرض ، فوه را از فعل ، هیولی را از صورت تشخیص میدهد و کلیات خمس و مقولات عشر را بیان میکند و بواسطه تبدلات متوالیه هیولی و صورت وجود ذهنی و هیولا تقلیل علل اربعه را بهلترین ثابت مینماید وارد فلسفه طبیعی شده و عالم را به ناصوت و لاهوت و علوی و سفلی قسمت میکند و در عالم علوی فلک الافلاک را دارای حرکت الهی یعنی مستدیر که اکمل حرکات است دانسته و ترتیب در حرکت هفت فلک دیگر در دو ناپاکی مشاهده میکند و عالم فعلی را بترتیب دارای چهار کرده آتش و باد و آب و خاک میداند .

در طب گویا مریضخانه های چندی درمهمترین نقاط مختلف مفتوح بوده است و مهمترین علمای این فن بقراط است که نوشتجات او در طرز مداوا در دست است . در طب ثوری و روحی نفس ارسطو

در هندسه سه مسئله مهم که بمدد سطراره و یرگار لاینحل بوده اند مطرح کرد که نقل مجالس دانشمندان بوده است سه مسئله عبارتند از : سه قسمت کردن زاویه ، مساحت دایره و تعیین قطر مکعب و بحث اضلاع .

برای مسئله اول هیپاس دیلیس سوفسطائی راهی باین ترتیب کشف کرده است که بوسیله وصل در مرکز ربع دایره بنقاط قاطع عمودهای خارجه از ثلث یکی از اقطار و مکان هندسی نقاط قاطع شعاع دایره را به سه قسمت تقسیم مینماید .

این مکان هندسی را بعمل نقاط یابی تعیین مینماید که معادله اش چنین است  $\theta = \pi - 2a \cos ec \theta$  سوفسطائی دیگری بواسطه اشنباه دایره با کثیرالاضلاع منظمی که عدد اضلاعش خیلی زیاد باشد این مسئله را حل مینماید .

از همه هندسیون یونان مهم تر بقراط است که مبحث دایره را در هندسه داخل کرده است و طریقه مخصوص برای حل مسئله سوم تعیین کرده است که بمسئله واسطین هندسی موسوم است باین طریق که

$$\frac{a}{x} = \frac{x}{y} = \frac{y}{b}$$

پس  $x^2 = ay$  و  $y^2 = bx$  پس  $x^3 = a^2 b$  و چون فرض کنیم  $b = 2a$  بدست میاید

$$x^3 = 2a^3$$

یعنی قطر مکعب  $x = a \sqrt[3]{2}$  خواهد بود .

اهمیت مسئله هلالین بقراط از اینجهت است که ثابت میکند که سطح هلالین متساوین برابر نصف سطح مثلث محاطی است . باین طریق ثابت میکنند که ممکن است سطح کثیرالاضلاعی باشد .

ازشیتاس تاریخی بوسیله قطع سه سطح منحنی استوانه و مخروط و دایره دوار به معادلات :

$$x^2 + y^2 + z^2 = \frac{a^2}{b^2} x^2 + y^2 - ax$$

هر شیبی محصول عوامل و شرائط بی نهایت زیاد است . بانفی و تغییر هر یک از عوامل آن شیبی نیز نفی شده شیبی جدید بوجود میاید .  
بیان دیگر اصل اول دیالک تیک



مهم است . افلاطون بدن را دارای سه مرکز مهم میدانند سروشینه و شکم که بترتیب نمایندگان تعقل واحساسات و شهوات اند .

ابر خس از اسکندریون با دلائل چند حرکت ماه و آفتاب و ستارگان را بدور زمین ثابت نمود و اسطرلاب را کشف نموده است .  
و قواعد هندسی چندی در هیئت دارد ( راجع بخسوف ) .

منالافوس کتاب مثلثات کروی را تدوین نموده است وزیجی مطابق عقاید ابرخس تدوین کرده است .

بطلمیوس متهای عقاید هیتی یونان را در کتاب المجستی بطلمیوس (almajeste) جمع کرده است و این شخص راجع به تجربیات و ارساد قبل از خود و عقاید ابرخس و ارسطو نتیجه میگیرد بدین طریق :

زمین کروی و در مرکز عالم قرار گرفته است و دور زمین کواکب بترتیب دوایری می پیمایند که مرکز مسیر دومی بر اولی است و مرکز سومی بر دومی باین طریق ای سیکلهائی می پیماید که هفت عدد اول بمناسبت کوچکی شعاع معلوم است که آنها را ۷ قلمی نامند که بترتیب عبارتند از قمر ، عطارد ، زهره ، شمس ، مریخ و مشتری و زحل و در سابرین چون شعاع این ای سیکلهای خیلی بزرگ است شبیه است بدوایر متشابه که آنها را فلک الافلاک مینامند .

نباید تصور کرد که در این دوره هیچ تجربه وجود نداشته بلکه رصد های زیاد و صحیح تاسیس شده است و آلات بالنسبه مهمی اختراع گردیده است ولی مهم اینست که این متفکرین وقتیکه میخواهند از این تجارب نتیجه اخذ کنند بمناسبت عدم اقتضای محیط نمیتوانند نتیجه صحیح اخذ نمایند و براه غلط میروند

از علمای مهم تجربی این دوره باید اربستارک و ارشمیدس و اراتستن و ثوذوسیوس و پرودونیوس را ذکر نمود .

۴- تمدن و علم اسلامی : فقط در دوره خلای راشدین و امویه هیچگونه علمی وجود نداشت و ادبیات ترقی کرده است .

ولی در دوره خلقی عباسی مخصوصا مامون و هارون راه علم مخصوصا هیئت و ریاضیات باز شده و بیشتر کتب علمای یونانی و مکتب اسکندریه بفرنی ترجمه شد از قبیل هندسه اقلیدس و نفس و منطق ارسطو و المجسطی بطلمیوس و غیره . در این دوره علمای زیادی پیدا شدید ، و رسدها کرده اند از قبیل بحیمی بن منصور (۲۱۵) که در شام سیه بغداد زیجی بنا نمود و محمد بن جابر حامی و خالد مروزی عسی اسطرلابی که در دمشق زیجی بنا نمود و جابر ابن محمد بنانی که در نظامیه بغداد زیجی بنا نموده است ولی این علما هیچوقت از حد معرفت علمای اسکندریه پیش نرفته اند ولی آلات رصدیه را کامل نموده و رصدهای صحیحی نموده اند . بعد از بغداد هیئت در نزد سایر حکومت های جزء اهمیت یافت و علمائی ظاهر شدند ولی چون از طرفی دائما بین آنها جنک برقرار بود و گاهگاهی اقوامی

مهاجر از قبیل سلاجقه ، مغول ، و غیره هجوم مینمودند میل بدانستن آتیه در این موقع در ممالک اسلامی شرق وجود داشته و باعث میشود که هیئت علمی یونانی بصورت استرولوژی جلوه گر گردد و علمای هیئت ایرانی اغلب منجمین حکام بزرگ بوده اند مثل عبدالرحمن عوفی منجم عضدالدوله که زیجی درست نمود و ابوالولای بوزجانی که در بغداد زیجی ساخت (۶۳۴ هـ) ابوریحان بیرونی برای سلمان محمود زیجی بنا کرد و بالاخره همین کار را خیام برای ملکشاه سلجوقی و خواجه نصیرالدین برای هلاکو خان و غیاث الدین جمشید برای الغ بیک انجام دادند . در بین غیبگوئیا ارساد مهمه نیز وجود داشته که از نظر علمی مفید است . آلات مهمه منجمین ایرانی و اسلامی بیشتر همان آلات یونانی ها از قبیل اسطرلاب و کوه المکی و ذات الحقیق و ذات الشمتین بوده است .

ریاضیات مانند سایر علوم کم و بیش همان است که در نزد یونانیان بوده است . مثلاً بحث در نکات مختلفه هندسه اقلیدسی دیده

کمیت و کیفیت بیکدیگر مبداء میشوند . در عین اینکه باهم متضادند متعادل می باشند .  
حال خاص اصل اول دیالک تیک ( اصل سوم دیالک تیک )



میشود (۱) و مهم ترین ریاضیون عبارتند از ابوسهل و یحیی صاحب کتاب الاصول و احداث النقطه و ابواسحاق ابراهیم بن هلال و ابوالوفاء بوزجانی و خوارزمی و کوشیار جنبلی و غیره

طب عملی و جراحی در این دوره بر حسب احتیاج زرقی کرده است. مهمترین اطباء بوعلی سینا است کتاب قانون و شرح نفیس او هر دو بر فنون و اصول و تعالیم منقسم اند و دیگری محمد بن زکریا رازی است که از فلاسفه مادی اسلامی و طرفدار عقیده دیمقراطیس و قدم هیولی است و در کمالی تخصص داشته و از اقوال اوست ( مهما قدرت ان تعالج بالاغذیه لا تعالج بالادویه ) دیگر محمد بن زین طبری

۵ - تجدد و علم در اواخر قرون وسطی در اروپا - در قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی در نتیجه جنگهای صلیبی اوضاع اروپا آماده يك تجدد علمی بود. به بنیم که این تجدد در کدام قسمت ظاهر شد ؟

فرانسه و انگلیس که بواسطه جنگهای صد ساله و دوگل دوچار خرابی و هرج و مرج است اسپانی نیز تازه میخو اهد از تحت تسلط اعراب خارج هود و دوچار جنگهای داخلی است : در مشرق روم شرقی دچار تاخت و تاز مغول است پس قاعده باید در آلمان و لهستان و ایتالیا و اروپای مرکزی که عبارت از شهر های مستقل و اتحادیه های آزاد میباشدند این تجدد ظاهر شود و حقیقه هم همین طور است. در آلمان و لهستان منجمین مانند کپرنیک و تیکو براهه و هولیوس و مایر و در ایتالیا

(۱) رجوع به کتاب «شرح ما اشکل سمصدرات کتاب اقلیدس» تالیف خیام چاپ ارانی طهران.

ریاضی دانانی مانند گالیله و کاوالیری و درارویای مرکزی علمائی مانند گولان و کرکواردوسن و نسان ظاهر شدند و علم را ترقی دادند.

ولی در قرن شانزدهم بتدریج متناسب با آنکه آثار اقتصاد بورژوازی در انگلستان و فرانسه و اسپانی وارد شد ایجاب میکرد علم و هنر با آن داخل گردید زیرا بورژوازی تمام عقاید پشت پازده و هر چه برای جلب نفع و پیشرفت صنعت مفید است اهمیت میدهد. بدیهی است که بکچنین رژیم باید یعلم و تجربه اهمیت بدهد.

۶ - ترقی علوم در قرون جدید - از همین موقع هیئت و علوم ریاضی مرتباً ترقی کرد و تا کنون پیش میرود و ما در اینجا فقط بشرح اشخاصی که مبادی هیئت جدید را کشف کرده اشاره می کنیم.

بدلیلی که فوقا ذکر شد چون دیگر اشکالی برای پیشرفت علوم باقی نبود در ریاضیات و هیئت استعمال حروف را شروع کردند و دکارت

طریقه هندسه تحلیلی را بنام نمود و لایت نیس با کشف ردیف ها حساب جامعه و فاصله را شروع نمود و لاگرا نژ آنرا تکمیل کرد. مونتاساس هندسه ترسیمی را ریخت و امروز اینشتین با بنیای فرضیه نسبی بکقدم در ترقی ریاضیات کمک کرده است.

علم فزیک یا تجربیات بیکن و دکاوت و یاسکال و غیره شروع و با تئوری نیوتون کامل گردیده و بالاخره کشفیات الکتریکی ترقیات آنرا باوج رسانده است.

شیمی جدید را لوازبه شروع نموده و کاوندیش آنرا کامل نموده امیل فیشر اساس شیمی آلی را ریخت و مندلیف جدول تناوبی را کشف کرد.

در هر دوره تکامل ، عوائق همراه خود آندوره تولید میشود. هر قدر تکامل جلوتر میرود عوامل انهدام قوی تر می گردد تا در نقطه معین ایندوره را در هم شکسته دوره تکامل جدید که بنوبه خود همین خط سیر را خواهد داشت ایجاد نماید. این حکم در تمام طبیعت و در اجتماع که نیز جزئی از طبیعت است قانون تکاپوی ضدین یا اصل دوم دیالک تیک ( صادق میباشد ! )

ولی امروز متناسب با اوضاع مادی فعلی علم نیز مانند اقتصاد دو چار بحران شده ترقی حقیقی وقفه پیدا کرده فقط صنعت جنگی خونریزی پیشرفت میکند. ( رجوع به رساله تئوریهای علم ) چون مقدمه تجدد با اکتشافات هیئت جدید شروع میشود بهتر آنست که این مقاله را با مختصری از احوالات پیشقدمان این علم ختم کنیم .

کپرنیک لهستانی پس از آنکه در نزد رزبو موتابی تحصیل هیئت بطلیموس و فیثاغورث را نمود بعد از تفکر زیاد و مقایسه این دودومی بنظرش صحیح تر آمده و پس از ارضاء زیاد بان معتقد گردید و هیئت خود را مبنی برگردش زمین و سیارات دور آفتاب تدوین نمود ولی آشکارانگردد بدیهی است که چرا باید اول دفعه در اروپای مرکزی این عقیده ظاهر شود زیرا همیشه مخالفت های اساسی در نقاط دور از مرکز استبداد ظاهر میگردد .

پس از آن تبکوورا به دانمارکی دنباله ارضاء اوزار گرفت و رصدهای نافی در عالم هیئت نموده است ؛ بالاخره اول مخالفت صحیح را گالیه فلورانی نمود زیرا پس از ارضاء زیاد بمدد دوربین اختراعی خود صحت هیئت کپرنیک را تصدیق و آنرا گوشزد عموم نمود ولی با مخالفت پاپ مواجه شد زیرا بر علیه منافع مادی او حرف میزد و پس از آنکه مدتی در محبس ماند در مقابل انجیل قسم بخبط خود یاد نمود ولی آیا این قسم ها در اوضاع مادی اثری میبخشد؟ اوضاع اقتصادی آن زمان با انتشار این نظریه صحیح موافقت میکرد و منتشر شد .

در ۱۵۷۱ کپلر در نتیجه ارضاء خود قوانین مهم ذیل را کشف و نام خرد را در تاریخ علم ثبت کرد

۱ - ستاره سیار مداری را تحت قانون مساحات حول آفتاب می پیماید

۲ - این مدارات بیضی هائی بکانون آفتاب

میباشند ۳ - زمان انتقالات سیارات با مکتب نیم قطر اطول مسیر آنها متناسب است  
بتدریج علوم ریاضی تکمیل شده محاسبه جامع و فاضل کشف شد هندسه تحلیلی دکارت ظاهر گردید قانون سقوط اجسام بوسیله کالیله کشف شد قوانین حرکت منحنی الخط را الیس ورن کشف کردند فقط تاریخ علم منتظر بکنفر بود که از این قواعد صحیح نتیجه صحیح اخذ نماید بالاخره آن بکنفر ظاهر شده و آن نیوتون بود . نیوتون پس از آن که مدتی در راه علم زحمت گشید قانون مهم خود را کشف نمود و یک دوره مکانیک نظری بر روی آن بنا کرد و باین وسیله قوانین کپلر را با دلیل ریاضی ثابت کرد و قانون او اینست « هر دو جرم با قوه متناسب مستقیم با اجزای آنها متناسب معکوس با مجذور فاصله آن ها یکدیگر را جذب میکنند »

حقیقه خنده آور است که بعضی از صوفی مابان عصر حاضر بمناسبت اعتقاد خود این شعر مثنوی را بدندان گرفته و دلیل کشف قانون جاذبه نیوتون بوسیله مولوی میدانند

ذره ذره کاندین ارض و سماست  
جنس خود را همچو گاه و کپرباست  
خواننده مادی ماطعا میداند گه نیوتون  
در تحت چه شرایط محیط و چه اطلاعات بخصوصی  
این قانون را بوسیله اندازه گیری تجربی و سنجش نتیجه گرفته است و مولوی هرگز بوسیله یک دم روحانی و یک جذبه عرفانی از وسط هوا نمیتواند این قانون را کشف نماید و ما بمدد دیالکتیک خواهیم فهماند که این ادعا بدون اساس است دیالکتیک بما میگوید که هر قضیه را با دم میان تمام قضایا بحث کرد والا عده از خواص آن از بین میرود . به بنیم این شعر در بین چه اشعاری است . مولوی در خاتمه حکایت سلطان محمود و دزدان بضعف و بطلان خود اقرار نموده میگوید :

باطلند و می نمایم رشد  
زانکه باطل باطلان را میکشد

طبیعت مادی در خارج از انسان مستقلا یعنی بدون ارتباط ب فکر بشر موجود است که ما آنرا « واقعیت » مینامیم . تصویر این واقعیت در فکر بشر « حقیقت » است که مانند واقعیت دائما در تغییر است . مغز و عمل اختصاصی آن که تفکر باشد حالت خاص تشکیلات و تغییرات مادی است ! پایه طرز تفکر مکتب مادی .



بوده و به ملوبات هیئت تحریری روز بروز افزوده میشد  
 امروز هیئت از چهار قسمت تشکیل شده  
 است: ۱- علم اوصاف ( تعیین موقعیت و مختصات  
 اجسام سماوی ) ۲- مکانیک آسمان ( تعیین  
 حرکت اجسام سماوی ) ۳- فیزیک آسمان  
 ( تشکیل بنزینگی و شیمیائی اجرام سماوی )  
 ۴- علم تکوین ( یعنی تحقیق دستگاه تشکیل دنیا  
 بطریق علمی )

قسمت چهارم از نظر کلیات از قسمت های فوق مهم تر  
 است. اول کسانی که باب این علم را افتتاح نموده  
 اند ( صرف نظر از افسانه های قرون وسطی )  
 کانت و لابلاس میباشد و عقاید جدیدی را در این  
 علم ما در مقاله مکانیک آسمان در شماره های  
 بعد با تفصیل کافی ذکر خواهیم کرد .

طهران ۱۴ فروردین ۱۳۲۴ خ . ا .

ذره گاندرین بارش و سماجت  
 جنس خود را همچو گاه و گهربانت

معدنه نان را می کشند بنا مستقر  
 می کشد مر آب را تف جگر  
 بدیهی است که مقصود مولوی بیان  
 وجودینک میل و جذبیه جومی است و بجاذبه جرمی  
 کاری ندارد .

با کمی دقت بطلان این عقیده بر ما واضح  
 میشود در طبیعت جذب قطب های مختلف الجنس  
 و در اجتماع میل زن و مرد ، دولت اقتصاد مخالفت  
 انگلیس و امریکا چین و ژاپون ایتالیا و آلمان  
 ( هر فاشیست ) غلط بودن عقیده فوق را با ما میفهماند .  
 باری از مطلب دور افتادیم بموضوع اصلی  
 بر گردیم :

بعد از نیوتون دیگر هیئت علمی تاحدی کامل

صنعتی

اتومبیل

کلیات - ساختمان - طرز کار - اختلاف سیستم ها با یکدیگر

دائمی صنعت اتومبیل کافی است که تذکر دهیم  
 سال پیش در امریکا ، تطابق احصائیه به هر چهار  
 نفر آدم یک اتومبیل میرسید .

قریب ۱۵ - ۱۸ سال است که اتومبیل  
 وارد ایران شده است و میتوان گفت که هنوز  
 در ایران یک متخصص خیلی دقیق برای این  
 صنعت وجود ندارد .

برای هر مملکت بر حسب چاده هائی که  
 دارد یک سیستم مخصوص اتومبیل ها مناسب تر  
 است . هنوز معلوم نیست کدام سیستم اتومبیل  
 برای ایران مناسبتر میباشد .

اتومبیل ماشینی است که حرارت  
 احتراق بنزین ، فط ، الکل ، گاز ، ذوغال  
 سنک و یا الکتربسته را مبدل به کار  
 او حرکت می سازد . ساختمان آن بر حسب  
 نوع ماده محترقی که بکار میرد فرق میکند .  
 اما در اینجا فقط اتومبیل بنزینی را شرح میدهم

اتومبیل از ماشین هائی است  
 کلیات که در زندگانی امروز هر  
 کس با آن سروکار زیاد دارد  
 و بنابراین بر هر کس لازم است که آنرا تاحدی  
 بشناسد . از طرف دیگر چون اتومبیل دارای  
 اجزاء مختلف است هر کس آنرا شناخت بیک  
 سلسله موضوعات مهم در شعب مختلف صنعت  
 متوجه می شود: در اتومبیل موتور انفجار ، الکترو-  
 موتور ، دینام و ، اکومولاتور ، چرخ مضرس  
 و یک سلسله اجزاء مهم دیگر وجود دارد که  
 توجه هر صاحب ذوق صنعتی را جلب میکند .  
 همین مناسبت شناختن اتومبیل با آنکه محتاج  
 مقدمات زیاد است . برای صاحب ذوق صنعتی  
 تاحدی سهل است .

از دیاد روز افزون مورد استعمال اتومبیل ، ما را  
 مجبور میکند که خواننده خود را با اصول کلی  
 این ماشین مهم آشنا سازیم ، راجع پیشرفت

طبیعت مادی که وحدت مکان زمان - ماده « باشد اولی است و  
 حیات سلول و روح سلسله عصبی که خواص یکنوع از انواع بی نهایت زیاد  
 تشکیلات ماده است ثانوی میباشد .

زیرا امروز این نوع از سایر انواع معمول تر است \*

در این مقاله ساختمان، کار و اختلاف سیستم‌ها توجه نموده در مقالات دیگر شماره‌های بعد مجله دنیا هر يك از اجزاء را دقیقتر تشریح کرده عیوب احتمالی هر يك از اجزاء و طرز برطرف کردن این عیوب را ذکر خواهیم کرد. نیز يك مقاله مخصوص آموختن راندن خواهد بود.

### ساختمان و اجزاء اتومبیل

ابتدا به اجزاء اتومبیل دقت میکنیم بدون اینکه کار هر يك از آنها را شرح دهیم. يك اتومبیل تشکیل یافته است از: I - موتور که در جلو قرار دارد، II - دستگاه انتقال حرکت از موتور به چرخهای عقب. این دستگاه زیر اطاق اتومبیل است، III، شاسی با استخوان بندی اتومبیل که تمام اسبابها روی آن قرار دارند، IV رول و اسباب های مربوط به آن که در جلوی اطاق قرار دارد و شوفر بوسیله آنها میراند و V اطاق اگر از بالا بیک اتومبیل نگاه کنیم یا مقطع افقی آنرا درست کنیم شکل (۱) بدست میاید که شامل اجزاء سابق الذکر است بدین ترتیب: a) موتور، dcb اسباب انتقال حرکت از موتور به چرخهای عقب (b چرخ لنگر و کلاچ، c جعبه دنده، d دیفرانسیال)، e شاسی، f رول g چرخهای عقب و h چرخهای جلو.

I - موتور - موتور تشکیل یافته است از: استوانه هاسیلندر، ۳، ۶، ۸ یا ۱۲ عدد) که اگر پهلوهای اتومبیل استناده بموتور نگاه کنیم استوانه ها پهلوهای هم‌واگر از جلوی اتومبیل نگاه کنیم پشت سرهم خواهند بود. این استوانه ها از بیرون دیده میشوند، ۲ یستونها تویی هائی هستند که تویی استوانه ها قرار دارند و دسته آنها پیاپی است و درست قالب استوانه هستند. ۳ - میل پاتاغان که حرکت یستون رابه میل لنگ که زیر استوانه هاست نقل میدهد و میل پاتاغان در بالا بزیر یستون و در پائین بمیل لنگ وصل است. ۴ - میل لنگ که میل زانوداری است و زیر موتور قرار

دارد این میل باندازم استوانه‌های موتور زانو دارد و دسته یستونها بدان متصل است، از بهترین فولادهای کروونیکل ساخته شده است ۵۰- سوپاپ‌ها در بچه‌های فنری هستند که بالای استوانه‌ها قرار دارند و گازها از آنها داخل یا خارج می‌شوند هر استوانه دو سوپاپ دارد یکی برای ورود و دیگری برای خروج گازها، ۶ میل سوپاپ که در طرفین میل لنگ قرار دارند و میچرخند و سوپاپ‌ها را باز می‌کنند یا می‌بندند، ۷ چرخ لنگر که بانتهای میل لنگ متصل است و در عقب موتور است. کسی که از جلوی اتومبیل نگاه می‌کند آنرا دایره خواهد دید، ۸ کارتیر جعبه فلزی که موتور داخل آن قرار گرفته است، ۹ - کاربوراتور که با يك لوله بی‌الای سیلندرها ارتباط دارد و از طرف دیگر بوسیله لوله هوا و بنزین می‌کشد، ۱۰ لوله گاز برای ورود گاز بسیلندرها، ۱۱ لوله دود برای خارج کردن دود های سوخته، ۱۲ اسباب تولید جرقه برای روشن کردن گاز در سیلندر ها که شامل مولدالکتریسته است (ماگنتویا انومولاتور) و بوبین که فشار برق را زیاد میکند، ۱۳ دنده تقسیم که برق را بسیلندرها قسمت می‌کند، ۱۴ شمعه‌ها که هر کدام بی‌الای يك استوانه نصب شده اند و جرقه در آنها تولید می‌شود، ۱۵ سیم‌ها که اسبابهای مختلف را برای جریان برق بهم ربط می‌دهند و، ۱۶ رادیاتور که آب دور موتور را بوسیله پروانه که جلوی موتور است سرد میکند.

شکل (۲) بعضی قسمت های يك موتور را نشان میدهد:

a) سیلندر، ۵) یستون، ۶) سوپاپ  
۱) میل لنگ، ۲) میل پاتاغان، ۳) میل سوپاپ.  
۱۷) چرخ لنگر، b) کارتیر، ۱۲)  
رادیاتور، ۱۱) پروانه، باد بزن، رادیاتور، ۱۳)  
هندل که در جلوی اتومبیل است و با چرخاندن آن موتور را روشن می‌کنند، c) لوله دود و d) لوله گاز.

چنانکه واضح است يك قسمت موتور در این

هر فرد بشر نیز مانند هر حیوان و نبات جزئی از طبیعت مادی و تابع قوانین علت و معلولی آنست.



می باشند یعنی هر يك از چرخها محور مخصوص برای خود دارند و این دو محور در ديفرانسیال بشرحی که ذکر خواهد شد مقابل هم قرار گرفته اند .

موقعیکه اتوموبیل مستقیم می رود دو نیم محور مساوی هم گردش می کنند ولی موقعیکه می پیچد يك نیم محور کمتر و دیگری بیشتر میچرخد . محورهای چرخهای جلو را بوسیله رول می توان طرف دست چپ یا راست تمایل داد . رول نایکی از دو نیم محور و این نیم محور به نیم محور دیگر مربوط است .

چرخهای اتوموبیل دو لاستیک دارد . بیرون لاستیک سخت و داخل لاستیک نرم . داخل پراز هواست تا سبکتر نباشد و در عین حال باندازه کافی لاستیکی باشد یعنی در مقابل تکانها تسلیم شود . فشار هوای داخل لاستیک میزان معین دارد که برای هر ماشین و هر فصل فرق میکنند . در سواری سبک مانند فورد ، شورله و اسسکس برای چرخهای عقب دو اتمسفر فشار لازم است که با فشار سنج میتوان آنرا معلوم کرد ولی شوfer در نتیجه تجربه مقدار تقریبی آنرا حدس میزند . برای چرخهای جلو نیم اتمسفر کافی است . برای سواری سنگین مانند ستودیکر ، هودسن و بویک بیشتر از نیم اتمسفر لازم است . اگر فشار باندازه کافی نباشد ماشین تکان میدهد و اصطکاک زیاد می شود . موتور داغ می شود بنزین زیاد مصرف میکند .

آهن طرفین که حکم رکاب و روپوش چرخها را دارد گل گیر ، نامیده میشود که ضمنا از پرت کردن گل ممانعت میکند . فولاد جلوی موتور سپر است که موقع تصادم تا حدی از ضرت وارد بر موتور جلوگیری میکند ، کاپت آهنی است که روی موتور را پوشانیده تا حدی جنبه زینت و زیبایی دارد .

IV - رول - عبارت از میله است که قسمت بالا مقابل شوfer دایره دارد که شوfer میتواند آنرا دوران دهد . در قسمت پایین این میله بوسیله يك پیچ و يك دنده یکی از نیم محور های چرخهای جلو مربوط می شود . هر قدر

شکل باز است تا استوانه های داخل آن دیده شود .

II - دستگاه انتقال حرکت از موتور به چرخهای عقب . این دستگاه شامل است به : ۱ - کلاچ که عبارتست از یکمده ورقه های مدور توخالی از ینبه کوهی و باسیم مس بافته شده است . در حالت معمولی کلاچ به چرخ لنگر محکم تکیه کرده است و اگر بوسیله یاروی اهرم آن فشار داده شود از چرخ لنگر جدا می شود ، ۲ - جمبه دنده که تقریباً زیر پای شوfer و نزدیک کلاچ است . توی جمبه دنده سه میل موازی هم است و آنها را میل اول ، میل کمک و میل دوم می نامند . میل اول و دوم پشت سر هم و راست هم میباشند ولی بهم متصل نیستند میل کمک موازی آنهاست و بوسیله دنده به میل اول همواره متصل است و همراه آن می گردد . بالای جمبه دنده اهرمی است که پهلوی دست شوfer است و شوfer بوسیله آن دنده میل دوم را به دنده های میل کمک یا به خود میل اول مربوط می کند . جمبه دنده به کلاچ مربوط است . حرکت موتور که چرخ لنگر و کلاچ را میچرخاند میل های جمبه دنده را نیز می چرخاند .

۳ - ديفرانسیال . میل جمبه دنده به میل کاردان که زیر اطاق اتوموبیل در وسط از جلو به عقب کشیده شده است مربوط است و آنرا حرکت میدهد .

میل کاردان بوسیله ديفرانسیال که نزدیک چرخهای عقب است این چرخها را حرکت می دهد .

ديفرانسیال دارای يك دنده بشقابی و دودنده طرفی آنست که ارتباط و عمل آنها را شرح خواهیم داد .

III - شاسی - که اجزاء آن عبارتند از : ۱ ) چهارچوب ، ۲ ) چرخها و فنرها که فشار اطاق اتوموبیل بر آنهاست ( بعضی کارخاجات تمام اتوموبیل را باستثنای اطاق آن شاسی مینامند) .

چرخهای جلو روی محور های خود آزادند . چرخهای عقب به نیم محور ها متصل

و تکیه بیستون بالا میاید از حد معین بیشتر نمیتواند حرکت کند. کار بیستون چهار نوبت دارد. نوبت اول بیستون پائین می آید و پشت سر خود یعنی فضای بالای استوانه را مکیده فشار هوای آنجا را کم میکند و گازهای سوختنی بواسطه فشار هوا از کاربوراتور وارد فضای بالای بیستون میشود. این نوبت را تنفس می نامید. شکل (۳) استوانه و بیستون و میل پاتاغان را که زبر بیستون وصل است. در ۴ نوبت نشان میدهد. از چپ بر است. چهار نوبت دیده میشود. شکل دست چپ شروع نوبت تنفس است که بیستون پائین می آید و گازها را میمکد. نوبت دوم نوبت تراکم است (حالت دوم شکل شروع نوبت فشار را نشان میدهد) بیستون بالا میرود و گازها را در بالا فشرده متراکم میکند.

چنانکه واضح است در نوبت تنفس در پیچه دود بسته و در پیچه گاز باز است. در نوبت دوم هر دو در پیچه باز است نوبت سوم نوبت سوختن است. (حالت سوم شکل شروع سوختن) در این موقع جرقه میزند گازها میسوزد و فشار زیاد تولید شده بیستون را پائین میزند. هر دو در پیچه بسته است. تمام فشار گاز بر بیستون وارد شده با زور زیاد میل لنک و چرخ لنگر را می چرخاند قوه اصلی موتور در همین نوبت سوم تولید میشود. نوبت چهارم نوبت دفع است.

(حالت چهارم شکل شروع نوبت دفع) بیستون بالا میرود و در پشت سر خود گازها را بطرف بالا می راند. در این موقع در پیچه گاز کاربوراتور مثل دو نوبت پیش بسته است ولی در پیچه لوله دود باز است و گازها بدین ترتیب بیرون میرود. لنگر چرخ و وزن بیستون باعث میشود که بیستون دو باره پائین میاید و این چهار نوبت دوباره تکرار میشود. چنانکه فهمیدیم باید سوپاپها (در پیچهها) که هر سیلندر دو عدد از آنها دارد در موقع معلوم باز و بسته شوند تا بموقع خود گاز وارد و دود سوخته خارج شود. این عمل بوسیله میل سوپاپ انجام میگیرد. در طرفین میل لنک دو میل سوپاپ است که بوسیله دنده به میل لنک مربوط

بیشتر رول را دوران دهند پیچ و دنده بیشتر چرخیده نیم محور چرخ جلو را بیشتر پیچ میدهد. اگر رول سائیده شد در مقابل حرکت زیاد رول فقط مقدار جزئی حرکت برای چرخ های جلو پیدا میشود، و این خطرناک است زیرا در حقیقت اختیار رول از دست شوهر خارج است. اهرم رول که به نیم محورها متصل است باید خوب باشد و هر ده هزار کیلو باید بازدید شود.

V. اطاق اتوموبیل - ممکن است کالسکه ویا کروکی باشد. کالسکه محفوظ تر است ولی کروکی را بدلیخواه میتوان باز کرد. چون اتوموبیل هر قدر بلند تر باشد مرکز ثقل آن بالاتر است بنا بر این امکان برگشتن برای اتوموبیل کالسکه بیشتر است. در این اواخر از این نظر اتوموبیلها را خیلی پست میسازند ولی این نوع اتوموبیل فقط برای جاده آسفالتی خوب است. در محلی که امکان تصادم با سنگ وجود دارد این نوع اتوموبیل فائده ندارد.

طرز کار کردن اتوموبیل - اساس کار اتوموبیل بر اینست که ماده سوختنی (نفت، الکل و معمولتر از همه بنزین) از مخزن بوسیله لوله وارد کاربوراتور شده در آنجا با هوا مخلوط گردیده گاز قابل سوختن و ترکیدن درست می کند که از یک لوله وارد فضای بالای استوانه ها می شود. در آنجا بوسیله جرقه که در شمع تولید میشود میسوزد و حرارت زیاد در مدت کم درست میکنند. بتوسط این حرارت گازها منبسط می شود و بیستون را پائین میزند. بیستون بوسیله میل پاتاغان به میل لنک زور داده آنرا میچرخاند. بیستون که بشکل یک فنجان فولادی داخل استوانه است می تواند با آزادی کامل داخل استوانه بالا و پائین رود. هر یک دفعه بالا و پائین رفتن یک مرتبه میل لنگ و چرخ لنگر را که بدان متصل است میچرخاند. معمولاً میل لنک و چرخ لنگر ۵۰۰ تا ۸۰۰ دور در دقیقه میگردند و ممکن است سرعت گردش به ۳۰۰۰ دور در دقیقه هم هم برسد.

مادیات و محیط مولد فرد و جریان اجتماع است ولی محیط تابع اراده

فوق مادی افراد نیست.







روسی ۶۹ ر تکاشف دارد استعمال آن بصرفه زید بکنتر است و برعکس انگلیسی موتور واضع نمیکند. اگر نفت داخل بنزین کنند تکاثف آن بالا میرود تا تکاثف ۷۳ را میتوان در اتومبیل بکاربرد ولی بیش از آن تقلب است و موتور واضع نمیکند تکاشف بنزین طیاره ۶۴ است. مقدار راهی که بایک پیت بنزین می توان حرکت کرد بر حسب نوع راه و سیستم اتومبیل فرق میکند. بطور عموم میتوان برای هر پیت بنزین ۱۰۰ کیلومتر راه در نظر گرفت.

بنزین که وارد سلیندرها شد باید بسوزد برای سوزاندن عموماً سه سیستم موجود است. گرم گرم جرقه برق و بالاخره فشار (یعنی گاز که فشار دید بخودی خود گرم شده می سوزد به این طریق در موتور های دیزل که در کارخانجات کار میکنند بیشتر معمول است اگر فشار به ۳۰ اتمسفر رسیده هوا تا ۴ درجه گرم میشود و این درجه حرارت برای احتراق کافی است).

گرم گرم که داخل استوانه است بواسطه حرارتی که در بافت میکند گاز را مشتعل می سازد.

در اتومبیل جرقه برق معمول است و از سه سال باینطرف بعضی کارخانجات شروع کرده اند که اصول دیزل را در موتور اتومبیل ها بکار برند مانند «بوسینگ» و از سیم اخیر چند اتومبیل هم وارد ایران شده است.

جرقه برق در شمع که در فضای بالای استوانه است تولید میشود. باید دزدن جرقه بانوبت باشد و در لحظه معین باید جرقه بزند. برای تولید جرقه سیمهای مخصوص موجود است که در آنها جریان با فشار زیاد موجود است. جرقه برق موتور از سایر اجزاء حساس تر است بیشتر عیب ووب موتور از عیب روشن شدن جرقه است. اگر خواننده بکسی دو قانون مهم الکتریسته را در این مورد مطالعه کند بهتر

است. فرض کنید یک توپ لاستیک فوتبال را با تلمبه پر میکنید. هر قدر بیشتر تلمبه بزنید

ورود هوا و g) محل اتصال به لوله گاز را نشان میدهد.

بنزین از انبار بنزین باطابق چوب پنبه میرود. در آنجا یک سوزن و یک چوب پنبه موجود است که بنزین را میزان نگاه میدارد. اگر بنزین زیاد شد چوب پنبه بالا و سوزن پائین میرود راه گرفته میشود و اگر کم شد سوزن بالاتر رفته بنزین وارد میشود.

بنزین از آنجا بوسیله یک لوله نازک موسوم به ژیکر به اطاق مخلوط رفته با هوا مخلوط و بدین ترتیب گاز سوختنی تشکیل میشود، باید نسبت وزنی بنزین و هوا ۱/۱۶ باشد. اگر مقدار بنزین از این مقدار بیشتر شد گاز مخلوط را گاز غنی مینامند. در اینصورت موتور داغ میشود؛ ماشین خوب نمیکشد و آب میجوشد لوله دود صدا میدهد و از آن دود سیاه خارج میشود. اگر هوا زیاد و بنزین کم شد مخلوط را گاز فقیر مینامند در این صورت ماشین نمیکشد، موتور سرد است، صدای کور در لوله گاز شنیده میشود. موتور ممکن است پس بزند و گاز استوانه وارد کاربوزاتور میشود زیرا گاز انرژی کافی ندارد (خطر آتش گرفتن) و رود از مخزن گاز مخلوط بداخل استوانه بوسیله لوله گاز که در شکل (۲) نشان داده شده انجام میگیرد.

معلوم است هر قدر بیشتر گاز وارد سلیندرها شود قوه موتور بیشتر و گردش آن تند تر است. مقدار گازی را که به موتور داده می شود بوسیله یک پدال یعنی صفحه که پای شوهر بدان تکیه دارد، یا یک اهرم کوچک یا یک دگمه که پشت رول است میزان میکنند توی لوله گاز یک درجه مخصوصی است موسوم به سوپ در وصل که اگر با یکی از وسائلی که گفتیم بدان فشار وارد آوریم لوله باز می شود و گاز بیشتری عبور میکند. از آن بعد لوله گاز به چهار یا شش شعبه (بر حسب تعداد سلیندرها) تقسیم شده هر لوله یک استوانه میرود.

بنزین انگلیسی غلیظ است و جرم زیاد دارد. تکاشف آن ۷ تا ۷۱ ر است بنزین

**اقتصاد نزدیک مادر سیاست است!**



سنجیدن فشار را ولت‌متر و اسباب سنجیدن شدت را آمپر متر میگویند مقاومت سیم ها را باهم می سنجند .

دینامو هم مثل باتری برق میدهد یعنی با فشار معلوم الکتریسته را با شدت معین از سیم عبور می دهد .

بعضی اسباب های دیگر برق را در یک سیم گاه از یک طرف و گاه از طرف مخالف عبور می دهند در این صورت میگویند در سیم جریان متناوب وجود دارد .

یک مطلب دیگر را هم یاد میگیریم . یک قطعه مفتول را بشکل مار پیچ می پیچیم و یک مفتول دیگر را روی آن باز مار پیچی می پیچیم ولی هر دو مفتول رو پوش دارند و بهم متصل نیستند . از یک سیم جریانی که شدتش متغیر است عبور میدهد در سیم دیگر هم یک جریان دیگر پیدا میشود . جریان سیم دوم را **جریان القائی** مینامند ، ایندو مار پیچ را که روی هم پیچیده شده است شوهرها **بویین** می نامند .

یک مطلب دیگر را هم یاد بگیریم . قدرت برق ، هم بفشار برق و هم بشدت جریان برق مربوط است . اگر به آبشار شبیه کنیم قدرت جریان آب آبشار هم بارتفاع یعنی فشار آب و هم شدت یعنی مقدار آب جاری مربوط است . اگر ما جریانی داشته باشیم میتوانیم بمیل خود فشار آنرا کم کنیم ولی در مقابل شدت آن زیاد میشود یا شدت را کم کنیم ولی فشار آن زیاد شود ولی با وجود این تغییر قدرت جریان ثابت است اسبابی که این کار را میکند **ترانسفور ماتور** نام دارد مثلاً بویین که گفتیم اگر دو مار پیچش یکنوع نباشند یک ترانسفور ماتور است . یعنی جریانی را که فشارش کم است واز مار پیچ داخلی قطور آن میگذرد بجریانی که فشارش زیاد است واز سیم نازک خارجی میگذرد مبدل میسازد . حال برویم سر حرف خود . بنزین بوسله جرقه میسوزد . برای تولید شدن جرقه جریانی که فشارش زیاد باشد لازم است . باتری مثلاً فقط ۶ ولت میدهد و حال

فشار هوای توپ بیشتر است . حال یک توپ کوچکتر گرفته هم نقدر تلخه بزنیید . البته فشار هوای توپ کوچکتر بیشتر است . یا اینکه یک توپ به بزرگی توپ اولی گرفته تلخه بزنیید ولی بیشتر از حالت اول با زدن توپ فشارش بیشتر از توپ اول خواهد بود .

اگر یک چنین تویی که فشار هوایش بیشتر است به یک توپ دیگر که فشار هوایش کمتر است با یک لوله لاستیک وصل شود البته هوا از اولی به دومی خواهد رفت و هر قدر تفاوت ایندو فشار بیشتر باشد هوا در لوله لاستیک شدیدتر جاری است . هر قدر لوله لاستیک کشادتر باشد هوا شدیدتر میتواند جریان کند .

این مثال را میتوان عیناً به الکتریسته مربوط کرد . اگر یک اسباب بتواند اختلاف فشار الکتریکی ایجاد کند میتواند برق را در یک سیم گردش دهد . اختلاف فشار برق باعث جریان برق میشود و هر قدر این اختلاف فشار بیشتر باشد جریان شدیدتر است .

سیم هم مثل لوله لاستیک اگر سهولت جریان را عبور داد جریان شدید است و اگر مقاومت کرد جریان ضعیف است .

این مطلب را که **اختلاف فشار برق ، شدت را زیاد و مقاومت سیم شدت را کم میکند قانون « اهم »** مینامند .

هر اسباب که اختلاف فشار درست کند می تواند جریان تولید کند . مثلاً اکو مولاتور های سری که در اتومبیل دیده آید از این اسبابها است .

اگر چند اکو مولاتور را بهم وصل کنند دستگاه را **باتری** میگویند ، پس باتری برق یعنی جریان الکتریسته میدهد ، چون فشار لازم را برای جریان دادن برق دار است . هر اکو مولاتور معمولاً ۲ ولت و هر سه عدد از آنها که ردیف باشند ۶ ولت فشار دارد . ولت واحدی است که فشار برق را با آن می سنجند مثل اینکه درازی را با ذرع اندازه می گیرند . شدت جریان را با آمپر اندازه می گیرند اسباب

علم ، مذهب و هنری که در مهد یک جامعه طبقاتی پیدا می شود

جنبه طبقاتی دارد .

هم جریان باتری وصل کرده وهم جریان بر فشار یکی از شمعها را متصل میسازد . پس بوسیله این اسباب از يك طرف در موقع لزوم سیم جریان ثانوی یعنی سیم جریان جرعه وصل می می شود و در همین موقع قطع و وصل جریان در سیم اولی صورت میگیرد تا اینکه جرعه تولید شود .

جرعه معمولا در انتهای نوبت تراکم ولی کمی قبل از اینکه پیستون به نقطه مراجعت خود برسد تولید می شود . تقریبا ۲ میلیمتر قبل از رسیدن به آخر خط سیر مانده جرعه میزند . این فاصله را آوانس می نامند ولی اگر پیستون برگشت و بعد جرعه تولید شد آن فاصله را که از شروع مراجعت پیستون تا موقع جرعه است روتارد میگویند .

علت آوانس دادن اینست که پیستون تندکار میکند ( ۱۰ تا ۲۰ مرتبه در ثانیه ) و وقت کم برای سوختن گاز لازم است و اگر آوانس ندهیم وقت نیست که گاز بسوزد . هر قدر موتور تندتر کار کند باید بیشتر آوانس بدهیم ولی اگر ابتدا بواسطه تندی موتور آوانس زیاد داده باشیم و بعد موتور آهسته کار کند بزحمت خواهد افتاد .

اگر با بودن آوانس زیاد هندل زده شود ممکن است برعکس بچرخد و به دست شخص صدمه شدید بزند و دست بشکند . بنابراین بجهت این کار ابتدا باید روتارد داده شود . اگر موتور بواش کار می کند باید روتارد بدهیم . ولی اگر با بودن روتارد موتور کار زیاد انجام داده تند بچرخد موتور داغ می شود . زیرا در این حالت موقعیکه جرعه میزند پیستون قدری پائین رفته و راه کم دارد تا پائین استوانه بیاید بنابراین کار هم کمتر مصرف می کند و زیادی حرارت سوختن گاز در خود گاز میماند و موتور را داغ می کند . برای آوانس و روتار داد موتور پشت رول اهرم کوچکی می دادند . در ماشینهای تازه تبدیل آوانس و روتارد به خودی خود انجام میگیرد ( اتوماتیک است ) . برای وصل کردن سیم ها لازم است نوبت کار

انکه برای تولید جرعه در شمع چند هزار ولت فشار لازم است ، پس باید جریان باتری را ابتدا از ماریبیج قطور بویین عبور دهیم و از ماریبیج نازک بویین جریان بر فشار بدست آوریم پس دستگاه تولید جرعه عبارتست از باتری ، بویین و شمع .

شمع رجوع بشکل ۶ که بالای استوانهها نصب است در خارج يك طبقه دارد فلز که روی شکل با عدد ۲ نمایش داده شده و زیر آن بک طبقه چینی و در داخل يك میله هادی دارد که بین آن فلز اطراف در محلی که روی شکل با علامت ( X ) نمایش داده شده است جرعه تولید می شود . برای اینکه در ماریبیج ثانوی بویین جریان بر فشار تولید شود جریان اولی را قطع و وصل میمانند . و این عمل بوسیله چکش برق صورت میگیرد هر وقت بینک و سیمه جریان اولی قطع شده در بیج ثانوی بویین برق تولید می شود که تقسیم شده به شمع سیلندر ها میرود .

اما میدانیم جرعه در هر سیلندر باید موقع همین تولید شود . این موقع معین وقتی است که پیستون گازها را در بالا متراکم کرده است . يك اسباب کوچک که شامل چکش برق و تقسیم کننده برق است در موقع لازم برق را در هر يك از سیلندر ها تولید می نماید . چنانکه در سیم کشی خواهیم گفت آهن بدن اتومبیل یکی از قطب های باتری وصل است و به همین جهت کافی است هر اسباب برق که در اتومبیل است فقط يك سیم وصل شود و قطب دیگر به بدن اتومبیل متصل باشد . بنا بر این طرز اتصال در چکش برق و تقسیم کننده بدن ترتیب خواهد بود : يك قطب باتری به آهن کل اتومبیل وصل است و سیم دیگر آن به چکش برق آمده از آن گذشته به ماریبیج قطور بویین میرسد و بعد به بدن اتومبیل وصل می شود پس چکش برق میتواند در ضمن دوران جریان باتری را قطع و وصل کند .

اما زانوی بویین هم بوسیله اهرم اسباب « چکش برق و تقسیم کننده » بشمع وصل است . این اهرم مرتبا میگردد و در این ضمن

علم و هنر وقتی میتواند از آن آوده وسیع شمرده شود که در مهد جامعه بی طبقات نشو و نما کند !



پائین روی میل لنگ يك بادامك وجود دارد و آن میله قائم که به اهرم سوپاپ مربوط است بر روی بادامك تکیه کرده است . حال فرض کنید موتور کار میکند . میل لنگ میگردد و بواسطه چرخ دنده میل سوپاپ ~~که~~ موازی میل لنگ و بدان مربوط است نیز میچرخد . بادامك ها هم که روی میل سوپاپ قرار دارند میگردند . اگر برآمدگی بادامك زیر میل قائم افتاد آنرا بالا میزند و هر وقت از زیر آن رد شد پائین میاید ، بدین ترتیب بر حسب وضع قرار گرفتن بادامك ، سوپاپ موقع معین باز و موقع معلوم بسته میشود .

هر وقت پیستون شروع پائین رفتن کند سوپاپ گاز نیز شروع باز شدن میکند موقع تراکم البته هر دو سوپاپ بسته است . آخر نوبت سوم یعنی آخر احتراق سوپاپ دود شروع باز شدن میکند هر وقت پیستون تمام دود را خالی کرد سوپاپ بسته میشود .

گفتیم سیلندرها داخل جعبه قرار دارند و نسبت بخارج محفوظند . چون پیستون ، میل پانچان و میل لنگ خیلی تند کار میکنند برای اینکه از سائید شدن فلزات جلوگیری شود باید داخل روغن باشند . این روغن توی جعبه زیر موتور است که « کارتر » نامیده میشود . میل لنگ موقع چرخیدن روغن میگیرد و بسیلندرها میدهد . یک تلمبه کوچک روغن را با فشار میل لنگ میدهد . فشار این تلمبه توسط يك فشار سنج ( مانومتر ) که قابل شوهر است معلوم میگردد .

روغن مانع سائیده شدن فلزات میشود و تا حدی هم وسیله سرد کردن موتور است و خود روغن در ضمن میسوزد . روغن خوب نباید نقطه اشتغال پست داشته باشد یعنی کمتر از ۱۷۰ درجه نباید بسوزد . علاوه بر این نباید جوهر گوگرد داشته باشد زیرا این جوهر بفلز موتور صدمه میزند . نباید خیلی روان و خیلی باغلیظ باشد .

موتور را پیدا کنیم . مثلاً بوسیله هدل میل لنگ را تا حدی میچرخانیم که پیستون در سیلندر اول نوبت تراکم را انجام داده تا بالا برود . بعد ملاحظه میکنیم « تقسیم کننده » در ضمن دوران در کدام نقطه است ، سیم شمع سیلندر اول را بدان نقطه وصل میکنیم ، زیرا در آخر تراکم سیلندر اول باید شمع این سیلندر جرقه بزند .

بموقع باز بسته شدن سوپاپ هارا یکبار دیگر در شکل (۴) توجه میکنیم . بالای سیلندر دوسو پاپ است که بموقع خود باز بسته میشوند . شکل (۴) این عمل را با وضع ساده و تقریبی نشان میدهد . مواط گاز سوختنی از لوله گاز وارد میشود . سوپاپ ك میله سر بهن است که هر وقت پائین افتاد و از E فضای بالای موتور و فتری که بدان وصل است بر آن فشار آمد سوراخ اطراف میله محکم گرفته میشود و گاز فضای C ( مربوط به لوله گاز و کاربوراتور ) وارد فضای E ( فضای بالای استوانه ) نمیشود ، بالا رفتن سوپاپ بوسیله میله قائمی است که زیر سوپاپ است پس دو میله قائم پهلوی استوانه زیر دو سوپاپ موجود است که هر وقت هر کدام بالا رفت سوپاپ بالای آن باز میشود علت بالا رفتن این میله های قائم وجود يك میله افقی است که به میل سوپاپ موسوم است . میل سوپاپ موازی با میل لنگ است و بوسیله دنده به میل لنگ مربوط است یعنی هر وقت میل لنگ چرخید این میل سوپاپ هم میچرخد . بر حسب تعداد دنده هائی ~~که~~ یکی روی میل سوپاپ و دیگری روی میل لنگ است نسبت عدد دورانهای میل سوپاپ و میل لنگ معلوم می شود ، روی این میل سوپاپ برآمدگی های فلزی بشکل برك موسوم به بادامك وجود دارد که فاصله آنها با فاصله سیلندر ها مساوی است یعنی زیر هر سوپاپ در

تمام ترقیبات علم و صنعت منوط به وضع اجتماع است . اجتماع فعلی بشر به راه بن بستنی رسیده است که اگر بدین وضع بماند مساعد برای نمو تمدن و صنعت نیست . چه بیکاری برای اختراع ماشینهای بهتر و فلاکت برای تولید هاهکارهای هنر سد محکمی تشکیل داده است . پیشرفت اجتماع و صنعت در سالهای اخیر منحصر به پیشرفت های مربوط بخونریزی است ، باید مهدی که برای نمو تمدن مساعد باشد ایجاد شود !



در زمستان باید روغن شل تر و در تابستان غلیظتر بکار برد .

بواسطه انفجار و سوختن مواد سوختنی در موتور حرارت زیاد تولید میشود و باین جهت سیلندرها گرم میشوند باید آنها را سرد کرد زیرا اگر داغ شود روغن میسوزد و ذرات ذوغال پیدا میشود و بدن بیستون و استوانه را زخمی کرده موتور را ضایع وقوه کتشر آنها کم میکند برای جلوگیری از این عمل دور سیلندرها یک فاصله است که بداخل موتور ارتباط ندارد و از آنجا آب جاری است . این آب حرارت سیلندرها را گرفته طرف جلو اتومبیل میرود در آنجا از لوله هامیگذرد بواسطه حرکت اتومبیل و یک پروانه که در جلو است هوا بسرعت از اطراف این لوله عبور میکند و آب را سرد میکند این آب دوباره دور سیلندرها رفته حرارت آنجا را گرفته دوباره در جلو سرد شده بر میگردد . این دستگاه سرد کردن رادیاتور نام دارد آب رادیاتور از بالا ریخته میشود و هر وقت گرم شد باید تجدید شود .

گردش آب رادیاتور بوسیله یک تلمبه و یا سیستم ترموسیفون صورت میگیرد برای بکار انداختن موتور باید میل لنگ را دوران دهیم .

این عمل یا بوسیله هندل یا بوسیله ستارتر که معمولا شوهر هاسلف مینامند صورت میگیرد هندل اهرمی است که آنرا توسط میل کمک به جلوی میل لنگ مربوط کرده آنرا دوران میدهند . در ضمن میل لنگ و چرخ لنگر میچرخد . بیستون ها بالا و پائین میرود . سلیندر ها گاز مخلوط را میمکند . جرقه تولید میشود و بالاخره ماشین شروع بکار میکند .

ستارتر عبارتست از یک الکترو موتور کوچک . الکترو موتور یعنی اسبابی که اگر برق داخل آن شود میگردد . این اسباب را سر

راه جریان باتری قرار میدهند . منتها بوسیله یک دگمه باید این جریان وصل شود . این دگمه زیر رول است ، هر وقت شوفر با پا روی آن فشار داد جریان باتری به الکترو موتور رسیده آنرا میچرخاند و میل آن که بوسیله دنده مخصوص به چرخ لنگر ارتباط دارد چرخ لنگر را میگرداند بدین ترتیب میل لنگ میچرخد و بیستون ها حرکت نموده گاز مکیده موتور را بکار میاندازند . هر وقت ماشین روشن شد دنده ستارتر از دنده چرخ لنگر بخودی خود جدا میشود و از اینجهت این اسباب را معمولا سلف میگویند (سلف بانگلیسی یعنی خود بخود) . در اتومبیل یک سلسله اسباب هایی وجود دارد که کار کردن آنها برق لازم دارد . یکی از آنها تولید جرقه است که تشریح شد . کار کردن ستارتر ، بوق ، چراغ ها و غیره تمام محتاج برق است .

برق تمام این اسبابها از چند اکومولاتور که مجموعه آنها باتری نامیده میشود بدست میاید . اکومولاتور هایی که معمولا بکار میروند اکومولاتور سربی میباشد که مابعد آنها جوهر گوگرد و صفحات آنها یکی سرب و دیگری « اکسید قهوه سرب » است . هر یک از این اکومولاتور ها معمولا ۲ ولت فشار دارند و بنابراین اگر ۳ عدد آاز آنها ردیف وصل شود باتری ۶ ولت فشار خواهد داشت . جوهر گوگرد این نوع اکومولاتور باید ۲۸ (۲۸ درجه بومه) غلظت داشته باشد . ( غلظت جوهر گوگرد را با درجات بومه معلوم میکنند . ) هر وقت غلیظتر شد باید آب مقطر در باتری ریخت . مواد خارجی باعث خراب شدن اکومولاتور میشود . از انواع دیگر اکومولاتور که گاهی بکار میروند مهمتر از همه اکومولاتور قلیائی یا اکومولاتور ایدسون است که مورد استعمال زیاد پیدا نکرده است . برای اینکه اکومولاتور برق داشته باشد

همواره فداکاری علمی ، صنعتی و اجتماعی افراد برای پیشرفت جامعه بشر مفید بوده است . ما امروز در دوره زندگی میکنیم که جامعه فداکاری اجتماعی را بیشتر از سایر فداکاریها لازم دارد زیرا چنانکه در حکم قبل بیان شد در این جامعه غلط دیگر نمو علم و صنعت و هنر مجال است . اوضاع مادی فعلی مولد این فداکاری اجتماعی در توده مخصوص از افراد بشر است ! دنیا



موتور میل لنک و چرخ لنگر را میچرخاند . این حرکت مرتباً به کلاچ ، بعد به جعبه دنده ، میل گردان و دیفرانسیال انتقال پیدا کرده چرخهای عقب را میچرخاند و حرکت تولید می شود . چرخهای جلو فقط برای هدایت است .

ساختمان این دستگاه ها بر روی این اصل است که ما میل خود بتوانیم حرکت را تند، و کند کنیم ، باستیم ، حرکت کنیم ، سر بالا و سر پائین برویم .

قطع و وصل میل لنک با چرخهای عقب بوسیله کلاچ است . کلاچ عبارتست از یک چند صفحه مدور که وسط آن هم بشکل یک دایره خالی است . جنس این صفحات از ینبۀ کوهی ( آسبست ) است که بجهت استحکام داخل آن تارو بود ها از سیم های فلزی کشیده شده است . این صفحات همیشه بوسیله فنر های محکم به چرخ لنگر فشرده شده است . اگر چرخ لنگر بگردد صفحات مزبور هم که بر روی آن با فشار تکیه دارد همراه آن میچرخد ولی اگر شوهر با پای خود به فنرها زور بدهد ( کلاچ بکند ) کلاچ از چرخ لنگر آزاد میشود یعنی در این صورت ممکن است موتور کار کند و میل لنک و چرخ لنگر بچرخد ولی چون حرکت به کلاچ منتقل نمی شود چرخهای عقب و خود اتوموبیل حرکت نکنند . هر وقت باز کلاچ برداشته شود و فنرها آن را بروی چرخ لنگر فشار دهند شروع به چرخیدن میکند و میل مخصوصی را که به کلاچ متصل است میگرداند .

جعبه دنده که از دنده ها یعنی چرخهای دندانه دار و میل ها تشکیل یافته است بوسیله یک میل که در سطر فوق ذکر شد به کلاچ وصل است . کلاچ این میل را چرخانده

باید آنرا بر کنند . زیرا برق آن موقع حرکت اتوموبیل منظمأ مصرف میشود . برای پر کردن در اتوموبیل یک دینامو کار میگذارند . دینامو اسبابی است که اگر بچرخد برق بس میدهد . میل لنک موتور در موقع کار کردن دینامو را میچرخاند و دینامو برق تولید میکند این برق از باتری رد شده آنرا بر میکند . گاه شوهر زیاد برق مصرف میکند . در این صورت دینامو برای پر کردن باتری کافی نیست بلکه باید آنرا در کارخانه پر کرد .

برق باید به بوبین ، شمعها ، بوق ، چراغها و غیره برسد . برای انجام این امر سیم کشی باید شود . سیم کشی اتوموبیل تا حدی بفرنج است و ما بوسیله شکل ( ۷ ) فقط خط سیر سیمهای مهم را نشان میدهم - ۲۶ باتری ، سیم پدال ( زیر پای شوهر ) ۳ - سیم کل ، که به بدن اتوموبیل متصل است ، بدن اتوموبیل یک قطب باتری را تشکیل میدهد و بدین ترتیب سیم کشی آسان میشود یعنی در هر نقطه آهن کل بایک سیم دیگر باتری برق میدهد .

۱۶ - دگمه سلف ، ۱۴ - سیم برای ستارتر ، ۱۲ - خود ستارتر ، ۲۰ - آمپر متر ، ۳۶ - سیم کوموتاتور ( برای کلید چراغ و بوق ) ۳۷ و ۲۱ - اکو مولاتور ، ۱۸ - چراغ جلوی شوهر توی اتوموبیل ، ۲۵ سیم برای چراغ عقب ، ۲ - چراغ عقب ، ۲۷ - بوبین ، ۲۲ - سویچ ( کلید برق ) ، ۱۱ - سیم چکش برق ، ۴ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ - سیم شمعها ، ۳ - دینامو ، ۱ - بوق ، b - چراغ جلو ، ۳۹ - سیم بوق و c - دگمه بوق .

حال باید ملاحظه کنیم حرکتی که بوسیله دستگاه موتور تولید می شود چگونه باعث حرکت اتوموبیل می گردد . گفته شد که

تاریخ بشر تاریخ جنگهای نژادی نیست !!! و گرنه جنگهای خونین بین ملل هم نژاد و ائتلاف ها بین ملل مختلف صورت نمیگرفت ( جنٹ انگلیس - امریکا و ژاپن - چین - اتحاد نژاد فرانسوی و آلمانی در سوئیس ) منافع طبقاتی مولد این تئوری غلط است !



در جمبه دنده حرکت تولید کرده این حرکت را به میل گردان و چرخهای عقب میرساند .  
 برای اینکه کار جمبه دنده را خوب بفهمیم باید قانون طلائی مکانیک را بدانیم که بیان می کند : بهر نسبت که از قوه صرفه جوئی می شود مسافت بیشتر می گردد . مثلاً برای بالا رفتن از سربالائی کوه مقداری قوه لازم است . شما میتوانید قوه کمتر بـرای سربالا رفتن بکار ببرید ولی در عوض باید راه را پیچ و خم کرده مسافت زیاد طی کنید . یا اینکه باهرم در فاصله زیاد قوه کم بکار ببرید ولی در عوض قوه زیاد در فاصله کم اثر مینماید . در جمبه دنده هم از این قانون استفاده میشود . اگر برای حرکت دادن و کشیدن بدن اتوموبیل قوه زیاد لازم شد همان نسبت مطابق قانون طلائی که گفتیم سرعت کم میشود . جمبه دنده این سرعت و قوه را منظم میکند . جمبه دنده از سه میل تشکیل یافته است که یکی از آنها میل اول ، دیگری میل دوم و سومی میل کمک نامیده میشود . مطابق شکل ( ۸ ) میل اول و دوم روی يك خط قرار دارند ولی بهم متصل نیستند ، میل کمک موازی آنهاست . میل اول به میل کلاچ و میل دوم به میل کاروان متصل است . کلاچ میل اول را میچرخاند و میل اول میل کمک را و میل کمک میل دوم را و میل دوم میل کاروان را ، میل اول با دنده به میل کمک همواره وصل است یعنی اگر کلاچ بچرخد حتماً میل اول میگردد و میل کمک هم حتماً میچرخد زیرا بوسیله دنده به میل اول وصل است . ولی گردش میل کمک کمتر از میل اول است زیرا در محل ارتباط چرخ دنده های میل اول و میل کمک دنده میل اول کوچکتر از دنده میل کمک است . میل کمک میل دوم را میچرخاند ولی ارتباط میل دوم با میل کمک بوسیله چند نوع چرخ

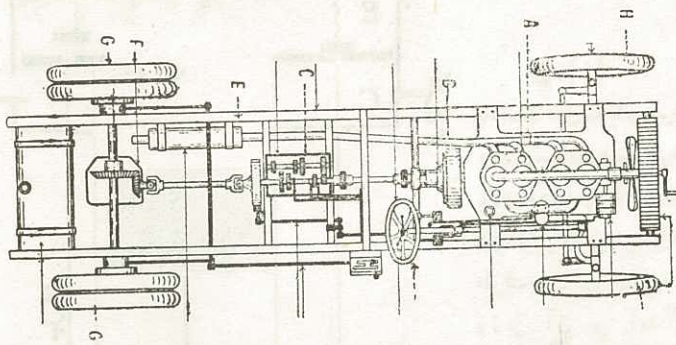
دنده است و ما باختیار خود میتوانیم هر کدام آنها را که خواستیم بهم مربوط کنیم ، معلوم است دنده میل دوم که به دنده میل کمک وصل می شود هر قدر کوچکتر باشد میل دوم و میل گردان و چرخهای عقب تند تر میچرخند و ماشین تندتر حرکت میکند . دنده عوض کردن یعنی عوض کردن طرز ارتباط میل کمک میل دوم . در بعضی اتومبیلها میتوان چهار دنده عوض کرد ولی در اتومبیل های معمولی بیش از سه دنده عوض نمیشود . هر وقت موتور باید قوه زیاد مصرف کند با دنده ( ۱ ) دنده میل دوم به دنده کمک وصل میشود . اگر قوه کمتر لازم باشد دنده دوم میل دوم را به میل کمک مربوط میکند . بالاخره اگر میل اول و دوم بهم مستقیماً فشرده شوند میل اول مستقیماً میل دوم را حرکت می دهد و بوجود میل کمک احتیاج نیست . اگر میل اول نه مستقیماً و نه بوسیله میل کمک به میل دوم ارتباط نداشته باشد میگویند دنده خلاص است . عوض کردن دنده ها بتوسط اهرم مخصوصی است که پهلوئی دست شوfer است . هر وقت لازم شود که دنده ها را عوض کنند باید تمام میلها از حرکت موتور جدا شده باشند زیرا اگر نخواهیم دنده ها را در عین اینکه با سرعت زیاد میچرخند داخل هم قرار دهیم البته خرد میشوند . بجهت جدا کردن موتور از جمبه دنده باید کلاچ کرد . در اینصورت موتور کار میکند ولی جمبه دنده ساکن میماند و بدین ترتیب میتوان ارتباط دنده ها را عوض کرد .

داخل جمبه دنده روغن و گریس ریخته میشود که سائیده نشود . هر ششماه باید عوض کرده شود . موقع شروع ب حرکت باید کلاچ کرده موتور را روشن کنیم .

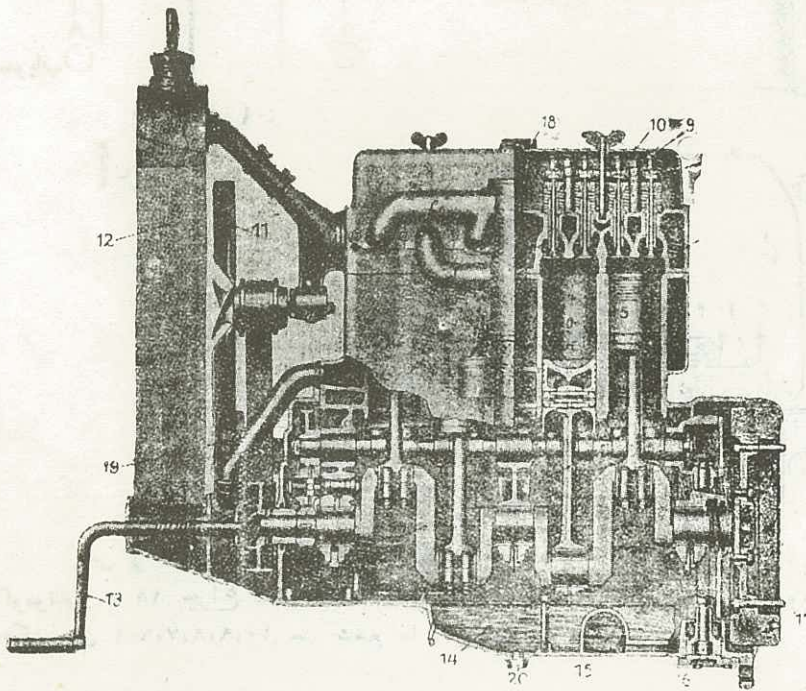
بقیه مقاله اتوموبیل را در صفحه ۳۱۷ بخوانید .

تحت لوای دیالک تیک تضادین طبقات و ملل دارد از میان میرود !

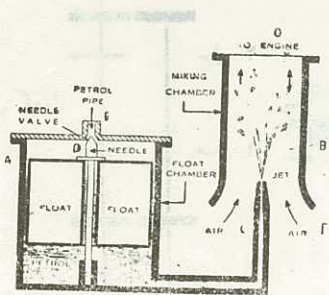




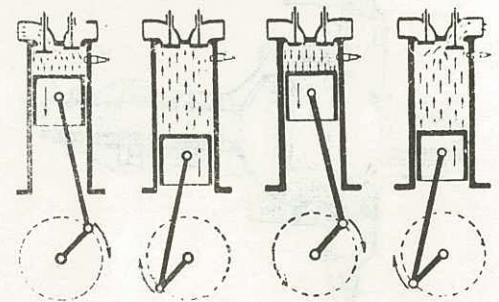
س (۱) : موتور ،  
 BA چرخ لنگر و کلاچ  
 C جسمه دنده ، D  
 دیفرانسیال ، E شاسی  
 F رول ، G چرخهای  
 H چرخهای جلو



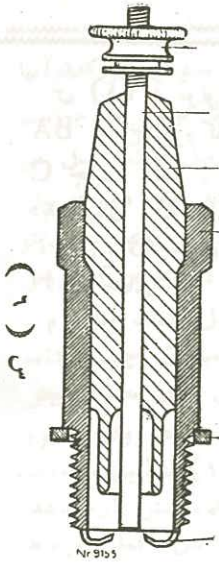
س (۲) سیلندر a  
 ۵ پیستون ، ۶ سوپاپ  
 ۱ میل لنت ، ۲ میل  
 یا تاغان ، ۳ میل  
 سوپاپ ، ۱۷ چرخ  
 لنت ، b کارتر ،  
 ۱۲ رادبانور ، ۱۱  
 پروانه ، ۱۳ هندل  
 c لولته دود ، d  
 لوله گاز ،



س (۵) a .  
 اطاق چوب بنه ،  
 b اطاق مخلوط  
 کردن ، c ژیکر  
 d لوزن ، e لوله  
 بنزین ، f لوله  
 لوله گاز

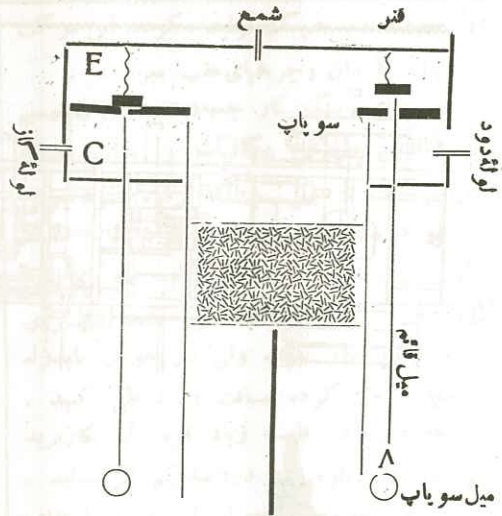


شروع و ضم دود جرقه و انبساط شروع تراکم شروع میکند

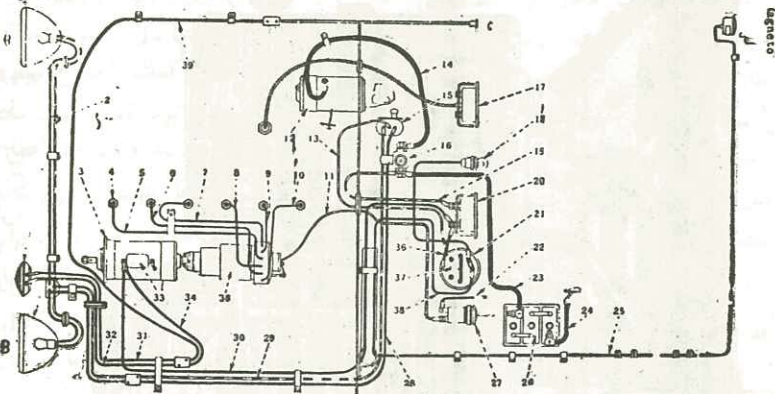


( ۳ )

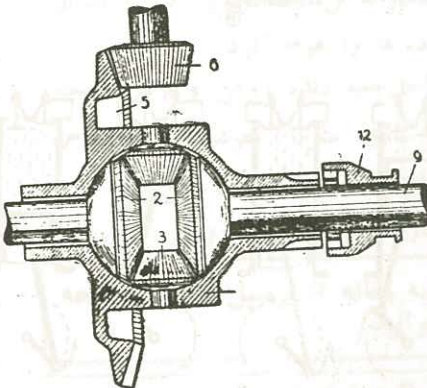
س ( ۴ )  
 بادامک میل سوپاپ طرف  
 راست میل قائم و سوپاپ را  
 بالازده دود می تواند خارج  
 شود ولی چون فنر سوپاپ  
 طرف چپ را یاغین زده  
 وزیر آن بر آمدگی  
 نیست سوپاپ از بسته است.



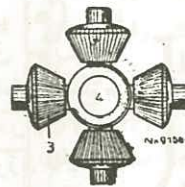
س ( ۴ ) :



س ( ۷ ) ۲۶ | باتری ، ۳ سیم کل ، ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۶ سلف ، ۲۰ آمپر متر ۳۶  
 کوموتاتور ، ۱۸ چراغ شوهر ، دوم سیم چراغ عقب ، ۲۷ بوئین ، ۲۲ سویچ ، ۱۱ سیم  
 چکش برق ۱۰ ، ۹ ، ۸ ، ۷ ، ۶ ، ۴ ، ۳ سیم شمع ها ، ۱ بوق ، ۲۹ سیم بوق .

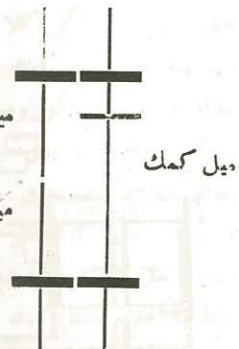


س ( ۹ ) :



س ( ۸ ) :

۵ دنده بشقابی ، ۶ دنده انتهای میل گردان ، ۹ نیم محور ، ۲ دنده  
 انتهای نیم محورها و ۳ دنده های ساتلیت .





جدول ساعات دنيا



غرض از زمان اروپای مرکزی زمان ممالک آلمان ، بوسنی ، دانمارك ، ایتالی ، لوگزانبورك ، نوروز ، اطريش ، هنگری ، سوئد ، سوئیس ، چکوسلاوی ، ترکیه غربی می باشد . غرض از زمان اروپای غربی زمان ممالک بلژیک ، بریتانی کبیر ، هلند ، اسپانی فرانسه است . زمان اروپای شرقی زمان ممالک شوروی ، بلغاری ، رومانی ، ترکیه شرقی است . بقیه ممالک هر کدام با يك مرکز زمان را مطابقه مینماید . امریکا مملکت خود را از این نظر به پنج قسمت میکند ( کولونیا ، شرقی ، مرکزی ، گوستانی و ناحیه اقیانوس کبیر ) زمان این نواحی منطما با هم یکساعت فرق دارند یعنی منطما نسبت به ساعت اروپای مرکزی ۹، ۸، ۷، ۶، ۵ ساعت عقب هستند .

طول موج دستگاههای ارسال تلفن بی سیم دنيا

| دستگاه           | طول موج | دستگاه               | طول موج | دستگاه            | طول موج | دستگاه             | طول موج |
|------------------|---------|----------------------|---------|-------------------|---------|--------------------|---------|
| اکسبورك          | 560     | فرانكفورت كنار ماين  | 390     | باريس برج ایفل    | 1445    | باريس پست باريسى   | 327     |
| بارسلون (سپانيا) | 349     | فرايبورك آلمان       | 569     | باريس راديو باريس | 1724    | لندن گرايد         | 1000    |
| بسل سوئیس        | 244     | ژنو                  | 759     | لندن گرايد        | 1000    | پوزن (لهستان)      | 335     |
| لگراديو كوسلاوى  | 430     | گلوئتس آلمان         | 253     | براك چكوسلاوى     | 485     | برسمورك براتيسلاوا | 279     |
| برگن (نروژ)      | 364     | گراتس اطريش          | 352     | ريگا لتلاند       | 524     | روم                | 441     |
| برلين ، 0        | 284     | هامبورك              | 372     | زالتسبورك اطريش   | 218     | شونينگسن هالاند    | 1950    |
| » وتيس لين       | 419     | هاووور               | 566     | سويلا (سپاني)     | 268     | شته تين (آلمان)    | 284     |
| برن (سوئیس)      | 404     | هلسينگفورس           | 453     | شتوت کارت (»)     | 380     | والنسيا (سپاني)    | 497     |
| بورنه موت انگليس | 488     | اينسبورك اطريش       | 384     | ورشو              | 1412    | وين                | 516     |
| برمن آلمان       | 270     | كاسل (آلمان)         | 273     | زوريش سوئیس       | 459     |                    |         |
| برسلاو (»)       | 325     | كانيرس لارتن (آلمان) | 560     |                   |         |                    |         |
| بروكسل بلژيك     | 208     | كيل (آلمان)          | 232     |                   |         |                    |         |
| بوداپست هنگری    | 550     | كونيگس برك (»)       | 217     |                   |         |                    |         |
| دانتسيك شهر آزاد | 453     | كونيگس و ستر هاوزن   | 1635    |                   |         |                    |         |
| دورتموند آلمان   | 283     | كپنهاك               | 281     |                   |         |                    |         |
| درسدن (»)        | 219     | لانگس برك آلمان      | 472     |                   |         |                    |         |
| دوبلين           | 414     |                      |         |                   |         |                    |         |
| ادنبورك سكاتلند  | 288     |                      |         |                   |         |                    |         |

## مجله دنیا بشما یاد میدهد :

۱ - فلسفه - مقالات جبر و اختیار ، عرفان و اصول مادی ، ماتریالیسم دیالکتیک ، را اگر با دقت بخوانید به اصول عقائد علمی مکتب مادی دیالکتیک آشنا خواهید شد .  
 ۲ - اقتصاد - از مقالات ماشینیسیم ، قیمت - ارزش - کار ، حقوق و اصول مادی ، بول از نظر اقتصادی ، اقتصاد سال ۱۹۳۴ میتوان بگذرود اصول کلی اقتصاد را آموخت .

۳ - راجع به بشر - از مقالات روح و حیات هم مادی است ، خوابیدن و خواب دیدن ، تکامل و ارث ، بشر از نظر مادی ، زن و ماتریالیسم ، هنرگر میتوان بک نظریه دقیق کسب نمود .

۴ - راجع به علوم دقیقه : بوسیله مقالات اتم و بعد چهارم ، تعیین حد اقل و اکثر انتگرالها ، فرضیه نسبی ، تاریخ علوم ، اجسام رادیواکتیو مصنوعی میتوان مطالبی را که در فله ترقی علوم نظری واقع است درک کرد .

۵ - راجع بصنعت : مقالات صنایع عظیم دنیای امروز ، تلهویزیون ، عکاسی صوت ، بی سیم ، طیاره ، اتوموبیل مرکز تولید برق کلین گمبرک ، برج ایفل ، ماهیمنی که خط را میخوانند .

یابه اصول صنایع مهم بشر امروز را نشان میدهد .

۶ - راجع به هنر ( صنایع ظریف ) : در مقالات هنر و ماتریالیسم ، تاریخ سازی در هنر ، هنرنو در ایران ، نهضت جدید هنر ، ترجمه گلهای سفید ، من یک سیاهم ، اصول مادی و اجتماعی هنر را برای شما تشریح میکند .

۷ - منظره دنیا : منظره عمومی روابط اقتصادی و سیاسی دنیا را نه فقط بشکل اخبار بلکه باتشریح و تفسیر علل بیان میکند .

۸ - بالآخره اطلاعات مفید و مطبوعات جدید و سؤال و جوابهای مجله برای شما منبع مفید و اطلاعات و مشغولیاست .

چنانکه واضح است هرکس بر حسب فن و رشته کار خود از يك سلسله از مقالات مجله دنیا میتواند استفاده کند و از شعب دیگر يك نظریه کبی کسب نماید . نه فقط هر يك از سلسله مقالات با هم ارتباط داشته بگذرود منظمی را تشکیل میدهند بلکه سلسلههای مختلف مزبور دوباره باهم ارتباط اساسی دارند بقسمیکه تمام مندرجات مجله بیکدستگاه معلومات مربوط و منظم کلی را تشکیل میدهد .

مقالات علمی این مجله باختصاص مشکل است بنا براین فقط برای خوانندگانی مفید خواهد بود که در قسمتهای مربوط تاحدی سابقه داشته باشند . خواندن آنها به عموم توصیه نمیشود . احکامی را که در مجله دنیا بخط درشت نوشته شده است بدقت بخوانید و حفظ کنید تا فهم و منطق قوی پیدا کنید .

## سال جدید مجله دنیا

با بیان ساده تری منتشر خواهد شد . بمشتر کین اطلاع داده میشود که وجه آبونمان سالیانه را که ۳۰ ریال است بدفتر مجله ارسال دارند : هرکس در دوره سال اول ناقص دارد اطلاع دهد تا ارسال شود ، محل تکفروشی باز فقط دفتر مجله خواهد بود . فقط چند دوره کامل سال اول در دفتر مجله برای فروش حاضر است .



دو نیم محور که هر کدام یکی از چرخ های عقب - مربوط است و بر سطح دنده بشقابی عمود می باشند ( محور ۹ یکی از آنهاست )  
 بوسیله دنده بشقابی میچرخند و چرخها را می گردانند . دینفرانسیمال باید دو عمل انجام دهد یکی اینکه چرخهای عقب را حرکت دهد دیگر اینکه در صورت لزوم ممکن میکند که یک چرخ - تند تر و دیگری کند تر بچرخد . اینکار برای موقع پیچیدن اتومبیل است .

اول انتقال حرکت بدین ترتیب است که میل گردان دنده ۶ و این دنده دنده بشقابی ( ۵ ) را می چرخاند . به دنده بشقابی داخل يك جعبه دو دنده متصل است ( ۲ در شکل ۹ ) هر يك از دنده های داخل جعبه محور یکی از چرخهای عقب وصل است .

در حالت معمولی که اتومبیل مستقیم حرکت می کند دنده بشقابی و این دو دنده با هم يك قطعه تشکیل داده باهم میچرخند و چرخها را با يك سرعت میچرخانند .  
 گفتیم کار دوم دینفرانسیمال برای کمک پیچیدن اتومبیل است .

وسط دو دنده داخلی مقابل ( دنده های ۲ ) که هر کدام به محور يك چرخ وصل است میله کوچکی است که دو سر آن دو دنده دارد ( دنده های ۳ روی شکل ۹ ) این دنده ها را ساتلیت مینامند . چنانکه از روی شکل واضح است ساتلیت ها دو دنده محور چرخ ها ( دنده های مقابل ۲ ) را بهم مربوط کرده اند .

دنده بشقابی و جعبه که شامل هر چهار دنده است ( دو عدد از آنها یعنی دنده های ۲ بمحورهای چرخها و دو عدد دیگر یعنی دنده های ۳ یعنی ساتلیت ها ) تمام يكقطعه تشکیل میدهند که همراه دنده بشقابی یعنی در سطح قائم میچرخند و محور چرخها را میگردانند ، پس واضح است که موقع حرکت مستقیم معمولی دنده های ۲ و ۳ همدیگر را مثل دو چرخ دنده حرکت نمیدهند بلکه نسبت بهم مثل يك جسم جامد میباشند .

و دنده ( ۱ ) را ارتباط دهیم زیرا اول شروع حرکت اتومبیل سرعت ندارد و قوه زیاد برای حرکت دادن آن لازم است . پس از آن باز کلاچ برداشته شده گاز داده میشود . بعد از آنکه اتومبیل قدری سرعت گرفت کلاچ کرده دنده ۲ و بعد از مدتی دنده ۳ را بکار میاندازم . در این حالت اتومبیل با قوه کم ولی سرعت زیاد حرکت میکند . اگر سر بالائی بیش بیاید باید قوه زیاد برای کشیدن اتومبیل مصرف شود و دنده ۳ برای مقاومت باقوه زیاد نیست بنابراین این ابتدا دنده ۲ و بعد اگر لازم شد ، دنده ۱ را بکار میبریم . اگر اتومبیل تکان زیاد بدهد باید دنده ۲ یا ۱ بکار برده شود . برای عقب زدن اتومبیل در جعبه دنده زیر میلهها بین میل کمک و میل ۲ ( میان دنده ۱ میل کمک ) دنده کوچک محکمی است . اگر میل کمک این دنده را بچرخاند و این دنده عقب دنده میل ۲ را بچرخاند البته جهت گردش میل ۲ مخالف حالت سابق می شود و میل گردان و چرخهای عقب هم در خلاف جهت حالت سابق میچرخند یعنی اتومبیل عقب میرود . قوه که موتور باین دنده میدهد خیلی زیاد است بقسمی که اگر در سر بالائی های شدید دنده ۱ هم نتواند ماشین را بکشد میتوان عقب عقب بالا رفت .

تمام دنده ها در يك جعبه ( کارتر ) قرار گرفته است که گاهی با کارتر موتورهم متصل است و در بعضی اتومبیلها مجزی است .  
 گفتیم که میل دوم جعبه دنده میل گردان را میگرداند . این میل يك میله فولاد طولی است که در وسط اتومبیل از جلو بعقب کشیده شده و عمل آن انتقال حرکت به دینفرانسیمال است .

دینفرانسیمال شکل ( ۹ ) تشکیل یافته است از يك چرخ دنده بشقابی که سطح آن قائم است ( ۵ در شکل ۹ ) . انتهای گردان يك دنده دارد ( ۶ ) که به دنده بشقابی گیر کرده است . میل گردان دنده ۶ را میچرخاند و این دنده باعث چرخیدن دنده بشقابی میشود .

تازن استقلال اقتصادی در جامعه پیدا نکند یعنی جزء افراد تولید کننده ضروریات زندگی نشود ، حکم عروسک اجتماعی و از پیچه مرد را خواهد داشت و عملاً دارای حقوق اجتماعی مساوی با مرد نخواهد بود .

اما اگر اتومبیل بخواهد بچرخد مثلا شوهر بوسیله رول اهرم چرخهای جلو را طرف دست چپ متمایل کند میل کردن و دنده بشقابی مانبد معمول کار میکنند ولی چون سر اتومبیل گج شده است چرخ عقبی دست چپ نمیتواند آزاد حرکت کنند و بزین می کشد یعنی در حرکت کند می شود . محور چرخ چپ عقب هم کنند میچرخد و دنده سر محور طرف چپ ساتلیت هارا تا حدی از حرکت نگاه میدارد بهمان نسبت که ساتلیت ها در يك جهت نگاه داشته میشود باعث میشود که محور طرف راست بیشتر بچرخد ، ساتلیت ها در این حالت برعکس حالت سابق دور محور خود میچرخند و همین چرخیدن آنها علت اختلاف گردش چرخهای راست و چپ طرف عقب اتومبیل است .

تا اینجا طرز تولید و انتقال حرکت را بیان کردیم . در خاتمه این مبحث با سباب های مربوط بعمل راندن توجه میکنیم .

در دسترس شوهر قرار گرفته است : کلایچ (که شرح آن داده شد) . دگمه پدال برای گاز دادن ، اهرم اوانس و روتارد ، رول اهرم به جهت عوض کردن دنده

شرح تمام این اسبابا بموقع خود داده شد . دگمه ساسات برای اینست که موقع روشن کردن هوا بسته شده گاز غنی یعنی گازی که بیشتر نزن دارد وارد موتور شود . دگمه سلف برای اتصال جریان باتری به الکترو موتور ستارتر است تا اینکه ماشین روشن شود . يك ترمومتر درجه حرارت آب را معلوم می کند . يك فشار سنج ( مانومتر ) برای تعیین فشار تلمبه روغن ، اسباب تعیین سطح نزن که ممکن است لکترو سکی باشد . دگمه بوق . بوق يك الکترو موتور است که اگر دگمه آن را فشار دهیم جریان وارد آن شده الکترو موتور می چرخد و يك دگمه روی دیافراگم فولادی

کشیده شده صدای بوق بوجود می آید . دو ترمز معمولاً یکی باتی و دیگری دستی . ترمز عبار تست از اسبابی برای زود نگاه داشتن اتومبیل و تشکیل یافته است از يك تسمه که دور طبل را گه پهلوی چرخ است گرفته است . هر وقت تسمه محکم به طبل بگیرد مانع حرکت طبل و چرخ می شود . باتر مزبائی اتومبیل را فوری نگاه میدارند .

ترمز دستی برای موقعی است که بخواهند اتومبیل مدتی در یکجا نگاه داشته شود .

امپرمتر اتومبیل دو طرفی است و شدت برق را نشان میدهد که باتری خالی و باپر می شود . يك ساعت سرعت حرکت را معلوم می کند که اتومبیل در یکساعت چند کیلو متر حرکت می کند . ساعت دیگر معلوم می کند که اتومبیل اساساً چند کیلو متر راه طی کرده است . سوئیچ عبارت از کلید وصل برق به بوین و شمع هاست . يك کلید دیگر برای چراغها است که در جلو شوهر و پشت رول است .

با این اسبابا شوهر اتومبیل را در حرکت اداره کرده وضع آنرا همواره تحت تقشش خود را میدهد .

قبل از حرکت باید وضعیت اتومبیل را شناسد مخصوصاً هر رول يك هوا دارد و شوهر باید آنرا بداند . غرض از هوا اینست که بمجرد چرخاندن رول اتومبیل نمی پیچد بلکه باندازه چند درجه ( هوا ) رول را باید چرخاند تا اتومبیل به پیچد . این هوا برای اینست که اتومبیل تکان نداشته باشد .

حرآعلائی هوا ۳۰ درجه است یعنی اگر رول ۳۰ درجه به پیچید باید اتومبیل به پیچد . اگر از این بیشتر شد اجازه راندن نیست . معمولاً هوا در حدود ۱۰ تا ۱۵ درجه است .

**بیان غلط ایده آلیسم هگل : هر چیز که واقعا هست صحیح است و هر چیز که صحیح است واقعا هست .**

( این بیان غلط فاحش دارد زیرا مثلا این همه جنك و بحران و بدبختی های اجتماعی مانند بیکاری و فلاکت و ظلم واقعا هست ولی مطلقاً صحیح نیست . موقعیت طبقاتی فلسفه هگل مولد این فکر در روی بود . او جز عطبه بود که آنچه که در جامعه آن روز واقعا موجود بود نفع او و بنا بر این بنظرش صحیح بود . )



هوای متراکم کار نمیکند متوجه این خطر میشوند اگر ترمز پائی هیدرولیک یا هوائی باشد ترمز دستی حتما باید مکانیکی باشد. ترمز بیدروغن داشته باشد و ترمز تمام چرخها باید يك میزان باشد. شوهر های تنبل ترمز يك جفت چرخ را باز میکنند

آنچه که گفته شد برای راجع بسیستم ها تمام سیستم های اتومبیل

عمومیت داشت البته بین اتومبیلها بعضی خصوصیت ها نیز وجود دارد. اتومبیل های سواری ۴ سیلندر ۳ تا ۲۴ و گاه تا ۸۰ اسب قدرت دارند. اتومبیل ۶ سیلندر ۳۰ تا ۱۵۰ اسب قدرت دارد.

کشیدن بنزین از مخزن بنزین بتوسط فشار است و در بعضی سیستمها مانند کراسلر بوسیله برق است. مصرف بنزین سیستمها نیز با هم فرق دارد. علاوه بر این اما مقدار بنزین بر حسب نوع راه، بار، فصل و ارتفاع محل تغییر میکند مثلا در طهران بیشتر است. مهمتراز همه مقدار بنزین برآوردن شوهر مربوط است.

ماشین های سواری سبک تازه بابک پیت (۱۶ کیلو) بنزین ۱۰۰ تا ۱۲۰ کیلو متر راه می روند و حال آن که ماشین های سنگین با این مقدار ۹۰ تا ۱۰۰ کیلومتر حرکت میکنند. درباری برای هر کیلو متر باید  $۴۱۰ \times ۸۵$  گرم بنزین حساب کرد. ماشین های ۳ تن مثل «مان» برای ۳۰۰ کیلومتر راه کوهستانی (مثل طهران - بهلوی) ۸ پیت مصرف می کنند.

مقدار روغن برای ماشین سواری ۲ یا ۳ در صد از مصرف بنزین. باری پنج تا هفت در صد.

می دانیم که شامی روی فنراست. عده فنرها عموما چهار است. فورد دو فنر دارد یکی جلو و دیگری عقب. در فنرهای متعدد یکی شاه فنر است که سنگینی زیاد را حمل می کند. فورد بواسطه اینکه دو فنر دارد

چنانکه گفته شد باید موتور پس از کلاچ و قرار دادن روی دنده بامولیکه روی دنده خلاص است روشن شود پس از آن اگر کلاچ است پاز کلاچ برداشته شده گاز داده شود. عوض کردن دنده پس از سرعت گرفتن اتومبیل باید زود صورت گیرد. واضح است دهر دنده عوض کردن باید کلاچ کرده شود تا موتور از جبهه دنده جدا شود.

اگر شوهر زیاد بادنده حرکت کند بنزین زیاد مصرف می شود آب زود داغ میشود و میجوشد. در سرازیری نباید کلاچ کرد زیرا در این موقع خود اتومبیل پائین میاید و میل لنگ را میچرخاند و موتور با آنکه خاموش است بیستونها در آن حرکت می نماید. هوای موتور حکم ترمز را دارد و اگر بوسیله کلاچ کردن موتور از اتومبیل جدا شود بدون ترمز یعنی با سرعت سرازیر شده خطرناک می گردد. موقع ایستادن ابتدا باید کلاچ بعد ترمز کرده بعد اتومبیل را روی دنده خلاص قرار داد. اگر بی کلاچ ترمز کنند ایستادن ممکن است ولی اتومبیل زود ضایع می شود. مناسبتر است که تا ممکن است ترمز بکار برده نشود یعنی موقع ایستادن را پیش بینی کرده در زمان معین کلاچ کرد تا محتاج ترمز نشد.

مولیکه اتومبیل تند می رود نگاه داشتن آن فشار زیاد لازم دارد. چندسال است ترمز های مایع (هیدرولیک) که با روغن کار میکنند و ترمزهای هوائی بیشتر معمول شده است. در این ترمزها با فشار کم میتوان برای ترمز کردن قوه زیاد تولید کرد. اساس ترمز های هوائی اتومبیل های «سکودا» بر اینست که موتور در ضمن حرکت هوارا متراکم می کند و با این هوای متراکم بوسیله يك شیر می توان اتومبیل را ترمز کرد. بعضی شوهرها در سرازیری موتور را از کار میاندازند و بدین ترتیب هوای متراکم ندارند و در سرازیری موقع مواجه شدن با خطر که ترمز بواسطه نبودن

با هگل فلسفه باوج و در عین حال بانتهای مسیر خود میرسد. از آن بعد دوره تفکر علمی است. یعنی بوسیله علوم همیشه قوانین و روابط طبیعت و ارتباط کلی بین آنها تحقیق میشود و احتیاج به گردش در لایرنت های دسگاههای فلسفی لفاظان نیست.

خیلی می تواند تمايل پيدا کند و از اين جهت به خیلی جاها می تواند برود . پاتنت دو فنر داشتن مخصوص فورد است و سال ۱۹۳۵ پاتنت تمام ميشود . فورد مطابق وعده که داده است سال آتیه يك ميليون اتومبيل فقط با ۸ سيلندر خواهد ساخت . البته ساختمان و مکانیک داخلی فورد بنا براین قدری بفرنج تر خواهد شد . محبوبیت فورد نزد شوferها تا کنون سادگی ساختمان آنست. تاکنون معلوم نشده است کدام سیستم اتومبيل برای ايران مناسب تر است ولی از فروش معلوم می شود که فورد و شورلت در ايران بیشتر فروش ميرود. فورد بواسطه سادگی ساختمان ( هر شوfer به

آسانی مکانیک آنرا ياد ميگيرد ) و بواسطه اين که خیلی جاها ميرود و شورلت بواسطه استقامت . مصرف بنزين شورلت بيشتر است . فورد سرعت زيادتر دارد . برای سواری سنگين بويك خیلی مطلوبست زیرا بسيار محکم است و نمی شکند و سالها بی عيب کار میکند . عيبی که پيدا میکند در سائیده شدن قفل ميل گردان است . بنزين زياد مصرف می کند . هودسن از بويك محکم تر است . کمتر خراب ميشود ولی کلاچ آن زود می سورد ، زیرا از چوب پنبه است . اسکس در ايران خیلی مطلوب بود . سال ۱۹۳۴ با هم تروپلان صورت قشنگی بخود گرفت که زياد طالب داشت ولی معلوم شد که زياد ميشکند.

### فلسفی و اجتماعی

## بشر از نظر مادی -۳-

صنعت ظريف يا فائزى های ديگر که از نظر حفظ وجود ارزش دارد در آيد ( فرويد ) . چنانکه ذکر شد پایه احساسات بر مفيد يا مضر بودن قضايا از نظر حفظ فرد و نوع است . احساسات ساده نيز ( همانطور که تاثرات و تجسمات پایه تشکيل قضايای بفرنج ذکا هستند ) وسيله تشکيل قضايای بفرنج تر احساساتی ميباشند. قضايای بفرنج تر روحی مهم که در ساختمان آنها احساسات نيز دخالت میکنند عبارتند از لذت ، **خوشحالی** ، **جذب** ، **عشق** ، **محبت** ( جلب قضايای مفيد ) **الم** ، **نهرت** ، **ترس** ، **غمگيني** ، **رحم** ، **خشم** ، **غضب** ، **انتقام** ، ( دفع مضر ) و بالاخره **هيچان** که همراه اغلب قضايای سابق الذکر است . چون مطابق آنچه که ذيلاً تشریح ميشود انسان حيوان اجتماعی است اجتماع نيز بنوبه خود در افراد تاثير نموده يك سلسله صور بفرنج مرکب از احساسات اجتماعی مانند **فداکاری اجتماعی** ، **علاقه علمی و صنعتی** ، **خود نمائی** ، **وجدان** ، **وظیفه** ، **شرافت** ، **اخلاق** ، **ميل شديد بصنایع** ظريف ( عموماً تحت تاثير ميل تناسلی ) و غيره توليد می نماید. شرح اين صور احساسی مربوط با اجتماع و بايد در مبحث اجتماع ذکر شود .

در شماره قبل بيولوژی مخصوصاً ساختمان و عمل دستگاه عصبی انسان و بعد از بسبب و نوژی قضايای مربوط به ذکاء را بيان نموديم . حال ابتدا بقيه پسيکولوژی يعنی قضايای احساسی را شرح داده بعد به بيان خاصيت اجتماعی بشر می پردازيم .

سابقاً اشاره کرديم که مشخص مهم موجود زنده تبادل مواد و توليد مثل يعنی حفظ فرد و نسل است . که بالاخره مجموع هر دو را ميتوان خاصيت واحدی دانست خواص عمومی ماده مانند حجم و جرم مقاوم وغيره تابع قانون تکابو ( شماره هشتم ) می باشند ، دو خاصيت مزبور نيز که مشخص بعضی از تشکيلات ماده ( موجود زنده ) است البته تابع قوانين ديالک تیک خواهد بود . خاصيت حفظ فرد و نسل مراحل و در هر مرحله صورت مخصوص دارد . حفظ فرد در نبات بدون شعور ولی در حيوان بکمک شعور و در انسان علاوه بر شعور بوسيله غريزه اجتماعی صورت می گيرد .

ميل حفظ نسل در انسان تحت تاثير مقابل اجتماع و سانسور های اجتماعی صورت مختلف بخود ميگيرد . ممکن است بصورت

« صلح و آزادی » پارول مشترك تمام جوانان ترقی خواه دنياست !



هر چیز که بر ای دو میل اصلی حفظ فرود نسل و میل های ثانوی مانند میل های اجتماعی که اسم برده شد مفید باشد تو لید لذت می نماید . میل بجلب آن مفید درجات میل ، طلب ، علاقه ، محبت ، عشق و جذب را میتواند دارا شود ، خوشی حالتی است که پس از جلب مفید و یا امید جلب آن برای موجود پیدا میشود . عشق تناسلی یعنی میل مفرط زن بمرد ومرد بزنی از نظر تولید مثل در بعضی موارد مخصوصا در موجودات جوان که از یکطرف تحت تاثیر قوه شدید بیولوژیک و از طرف دیگر بی تجربه می باشند ممکن است حالت شدیدی پیدا کند . این میل شدید را محبت واگر شدیدتر باشد عشق می نامند ، که پس از رفع احتیاج زائل میشود . باز عرفان ماها در اینجا نیز سفسطه کرده میگویند تمام الم تشکیلات عشق است . ستارگان که همدیگر را جذب مینمایند عاشق یکدیگرند البته ما با این دسته که با کلمات بازی میکنند و اصطلاحات دقیق را بطور غلط بجای هم بکار برده لفاظی مینمایند کاری نداریم اینها اتم را هم زنده میدانند چون میگویند مطابق تحقیقات جدید الکترون داخل اتم متحرک است یعنی مفهوم حرکت وزندگی را تشخیص نمیدهند و نفس متحرک در اتم و میل متوفیات را چون متحرک است زنده میدانند قوای جاذبه در طبیعت انواع دارند و غرض ما از مفهوم عشق قوه جاذبه فیزیکی مانند جاذبه دو نوع الکتروسیته و یا جرم نیست . عشق بطور اختصاص علاقه شدید زنده برای جلب مفید است . این علاقه ممکن است فقط برای حفظ فرد باشد مانند عشق کره به گوشه یا تحت تاثیر احساسات

تناسلی پیدا شود مانند عشق يك زن و مرد جوان نیز ممکن است تحت تاثیر احساسات اجتماعی باشد مانند عشق برنارد بائسی و یا گراف زیلین برای انجام يك نقشه صنعتی . البته عرفا برای عشق معنویات قائلند . نمی فهمند چرا يك مرد پیر وزن پیر با صورتهای چین خورده وقوای ضعیف و تجربه زیاد دیگر عاشق هم میشوند . علت این اعتقاد عرفان مادی بجهت اینست که در حالات خاصی عشق تناسلی شدید شده علاقه به جلب مفید فردی را تحت الشعاع قرار میدهد و همین مسئله باعث شده است که يك عده اشخاص سطحی بی منطق يك چنین جاذبه کاملا طبیعی و مادی را بکلی روحانی ومعنوی بپندارند . باختصاص در مشرق زمین دوری زن ومرد از هم بشهوت يك صورت عرفانی شدیدی دانه است و معشوقه های خیالی و فانتزی با کمرباریکتر از مو و صورت مدور چوماه ، زلفی چون مار یا عقرب ، غمغمی مانند خرطوم فیل در ادبیات مشرق زمین جاوه گر شده است . کار بجائی رسیده که معنویت پرستان حقیقت فلسفی را که موضوع تفکراتشان بوده بصورت بت و صنمی که واجد تمام شرائط مزبور است در آورده اند . چنانکه واضح است این احساسات نیز محصول میل تناسلی فردی و تاثیر اجتماعی دوره های عرفانی است . تشکیل هر يك از مراحل سابق الذکر میل از يك طرف منوط به درجه مفید بودن قضیه از طرف دیگر مربوط بحالت روحی موجود است .

میل صرف جلب شدن فکر بطرف قضیه مفید است . اگر آثار عمل برای جلب مفید پیدا شود میل مبدل به طلب می شود . محبت میل شدید است . میل و طلب و محبت اهمیت

جنون کهنه پرستی : کهنه پرستانی که اشعار ، احادیث و اخبار گذشته را محتوی جمیع پیشرفتهها و اکتشافات جدید میدانند مجنونند . نمی فهمند اگر حقیقه ادعای آنها صحیح بود این پیشرفتهها بوسیله همان آثار صورت می گرفت و اگر امروز هم وظیفه پیشرفت را بعهده آن ابا حطیل واگذار کنند بشر جبراً به قهرا بر میگردد .

اگر حقیقه تمام مطالب علوم جدید در آن عبارات باین سختی محبوس شده است که عوام و خواص هیچیک نتیجه نگرفته اند عدمش به وجود ! موقعیت اجتماعی یکدسته یعنی تلاش برای معاش مولد این جنون در این گروه است !  
دنیا

بیولوژی دارند و برای حفظ موجوده فیدند. اگر میل بقدری شدت پیدا کند که يك قسمت از قوای دیگر روحی سلب شده قضایای مفید و مضر دیگر باندازه کافی توجه را جلب نکنند مرحله عشق است. این مرحله غیر طبیعی و يك نوع جنون موقتی است، جنون گسستن ارتباطات لازم و اختلال تعادل قواست. حالت جذبه و

بیخود شدن حالت اغراق شده عشق یعنی جنون کامل است. در این حالت تاثیرات که وسیله اساسی ارتباط موجود با واقعیت خارجی میباشند بکلی ضعیف شده محتویات روحی به صورت و اشکال وهمی و فانتزی مبدل میگرددند. جذبه از امراض اجتماعی است یعنی در مراحل فلاکت مخصوص اجتماع جبراً پیدا می شود از نظر تسلی يك توده اهمیت بیولوژیك پیدا میکند (رجوع به مقاله عرفان و اصول مادی). با آنکه این حالت برای حفظ توده مزبور مفید است با وجود این حالت توده را باید غیر طبیعی دانست.

غیر طبیعی در این جا عبارت از آن انشعابات فرعی است که از جریان تکامل دبالک تیکمی کلی خارج شده و بهمین جهت محو می گردد.

جنبه بیولوژیك ترس توجه موجود رنده به عوامل مضر است. ترس باختصاص درمواردی پیدا میشود که وسایل دفاع ضعیف تر از عوامل مضر مهاجم تشخیص داده شود. و حال آنکه صرف تشخیص مضر بودن نفرت است.

چنانکه واضح است در قضایای مزبور قضایای بفرنج درك همراه احساسات است. رحم قضیه بفرنج تری است. يك قسمت این قضیه کاملاً احساس اجتماعی است. چون انسان اجتماعی است و فلاکت يك فرد آن مستقیم و یا غیر مستقیم مضر بحال اجتماع و افراد دیگر است جاذبه مادی سلسله عصبی را در موارد مخصوص بحالتی درمی آورد که همان حالت ترحم باشد. ترحم را میتوان بدرد تشبیه کرد. درد آن احساس نامطبوعی است

که بشخص وجود قضیه نامساعدی را نشان میدهد. ترحم وجود قضایائی را که من غیر مستقیم ممکن است نامساعد باشد خبر میدهد. این ارتباط ممکن است مخفی و در ماوراء شعور باشد و از اینرو بعضی بی شعوران وجود ترحم را نیز دلیل بر جریان و سیلان روح ملکوتی بشر دانسته اند.

اگر در حیوانات دقت کنیم جنبه اجتماعی ترحم واضح میشود. در حیوانات کاملاً انفرادی آثاری از مفهوم ترحم مشهود نیست و حال آنکه کلاغ که بشکل دستجات زندگی میکند در مقابل نیش یکی از ارباب خود حالات و اعمال مخصوص نشان میدهد.

ترحم علاوه بر علت غیر مستقیم اجتماعی ممکن است علت مستقیم فردی مانند منظره نامطبوع یا صوت ناهنجار و غیره داشته باشد. علت غیر مستقیم ترس مخفی از قیام بیچارگان و ابتلاء شخص به بدبختی است.

خشم و غضب و انتقام حالات احساسی موارد دفاع از مضر و خوشحالی و حال تحسین حالات مواقع استفاده از سفید میباشند. تمام اینها ممکن است با هیجان همراه باشند.

هیجان عبارتست از عمل شدید سلسله عصبی که با سایر اعمال فیزیولوژی مانند حرکات خنده، گریه، طیش قلب، جمع شدن خون در سر و غیره همراه است.

خود نمائی و جاه طلبی خواصی هستند که تحت تاثیر اجتماع در افراد پیدا میشوند. جنبه بیولوژی این خواص که از نظر اجتماعی جنبه مضر پیدا میکنند واضح است و ممکن است بر منافع دیگر فردی غلبه نماید.

فداکاری باختصاص يك قضیه احساس بفرنجی است که احساسات اجتماعی اساس تشکیل آنست. در نتیجه احساس مخفی منافع مادی و تا حدی تربیت صحیح و منطبق دقیق ممکن است يك فرد بطور وضوح ارتباط

تغییر طرز تولید و تقسیم در اقتصاد یعنی تغییر در پایه يك اجتماع يك سلسله تغییرات در عقاید و افکار و آداب و رسوم و مذهب و علم یعنی تغییرات در ساختمان فوقانی جامعه تولید مینماید. پس تمام آنچه که معنوی جلوه میکند تابع صرف مادیات جامعه و بالاخره نوعی از تظاهرات آنست!



جامه که نفع مادی آن عائد هريك از افراد جامعه ميكردد پيدا ميشود ، از اينرو ، چنانكه نظرا بيش بيني ميشود و عملا هم اينطور است بايد در ميان ماديون ديالك تيك فداكاري اجتماعي يعني صداقت ، صميميت ، چشم پوشي از نفع موقتي شخصي وغيره بيش از افراد ايده اليست و احساساتي و عارف و عقيده پرستان باشد. زيرا آنها ارتباط دقيق افراد را باهم وبا جامعه بهتر تشخيص ميدهند . قانون علت و معلول بطور وضوح نشان ميدهد كه صرف يك سلسله تلقينات وهمي مانند اهرمين جهل ، فرشته اخلاق ، روح پاك ، زدودن دل ، بوليس خفيه وغيره نمي تواند قواي اجتماعي يك فرد را محكم كند زيرا زدودن دل از نظر تربيت اجتماعي همانقدر موهوم است كه مسلط شدن بر آسمان بوسيله سيمرغ يا قاليچه سليمان . همانطور كه طرز تفكر واسلوب مادي در حقيقت اين موهوم را محو كرد عملا وسائل پرواز را فراهم كرد بايد در اجتماع نيز وعده وعيد و تلقين دستورات موهوم به تشريح و توضيح علل مادي تشكيل اجتماع و تربيت وعادت دادن افراد به حفظ انتظام آن مبدل گردد .

تا اینجا واضح گرديم كه بچه ترتيب محيط خارج در سلسله عصبي اثر مينمايد و سلسله عصبي بر حسب ساختمان و محتويات هر وقت چگونه صور بفرنج قضايای مربوط ذكاء و احساسات را تشكيل ميدهد . حال متذكر ميشويم كه پس از تشكيل صور مزبور سلسله عصبي نسبت به محيط خارج عكس العمل انجام ميدهد كه همان عمل و رفتار وي ميباشند .

در اینجا البته از حرکات مربوط بتغييرات مادي بدن كه جزء تغييرات طبيعت بيجان است صرف نظر ميشود. جزء اساسي ابي عمل حرکت است حرکت ممكن است انعكاسي ، ارادي و با ماوراء ارادي باشد. اگر باها را روی هم انداخته زير كنده زانو

محكم داخلي بين خرد و اجتماع را تشخيص داده عملي كه ظاهرا فقط بحال اجتماع و بطور غير مستقيم بحال خود اومفيد است و صورت فداكاري دارد انجام دهد . بواسطه تاثير يك سلسله عوامل خارجي ممكن است اين حال تقويت پيدا کرده نفع فوري را تحت الشعاع قرار دهد .

تمام عوامل تربيت و اجتماع باعث ميشود كه يك شخص فداكار از عمل فداكاري خود بيش از عوامل ديگر لذت ميبرد . احساسات مربوطه براستي و درستي . عزت نفس ، اجتناب از تعلق تماما مادي و از آثار اجتماع مي باشند . چنانكه در مبحث اجتماع بيان خواهيم كرد تشكيل شدن اجتماع در مرحله انساني از مراحل حيوانات بواسطه تاثير مادي محيط بوده است افكار وعادات و كردار بشر محصول اجتماع و تحت تاثير همين عامل قوي داراي خواص همين است كه از آن جمله ميل بحفظ و تكامل اجتماع است و در اين امر نفع مادي بزرگ از نظر حفظ فرد و نسل بطور غريزه احساس ميكند كه بدون شك صحيح هم است . راستي و درستي و عزت نفس و امثال اينها فداكاري است چه در و غوغو ، دزد و متعلق نفع نزديك تري دارند و اجتناب از آنها فداكاري لازم دارد كه شرح آن گذشت هر قدر محيط مادي تقاضا كند و درجه تكامل قدرت تشخيص منطقي بيشتر باشد و بطل مادي اجتماعي بودن انسان و خواص مادي وي زيادتر بي نروده شود اين فداكاري اجتماعي هم كاملتر صورت ميگيرد درستكاري و عزت نفس در موضوع يك فرد كه بفرض در گوشه ستاره جدي زندگاني ميكند صورت خارجي ندارد بلكه اين خواص وقتي مفهوم پيدا ميكند كه اجتماعي در كار باشد. و چون تشكيل اجتماع يك عمل مادي است پس اين خواص جنبه مادي داشته فقط و فقط بواسطه ميل بحفظ انتظام تشكيلات

قضايای طبيعى و اجتماعي با هم اين اختلاف را دارند كه در طبيعت بيجان موجودات بي شعور ولي در اجتماع موجودات ذي شعور يعني موجوداتي كه فكر و احساسات دارند بر هم تاثير متقابل مينمايند . پس نبايد منتظر بود كه اجتماع هم چون جزئي از طبيعت است بخودي خود تكامل پيدا كند . وجود اين تكامل در همان عمليات و رفتار اجتماعي ما تظاهر پيدا ميكند .

ضربتی بزیم یا بدون اختیار حرکت میکنند . هر حرکتی که بواسطه يك عامل خارجی بدون اختیار ما صورت گرفت حرکت انعكاسی است از این حرکات انعكاسی در بدن زیاد است مانند طپش قلب در موارد مخصوص ، جمع شدن خون در سر بواسطه حرکت انعكاسی جهاز گردش خون وغیره . مرکز حرکات انعكاسی با حرکات ارادی فرق دارد ولی ممکن است نتیجه بعضی حرکات انعكاسی (مانند حرکات دست بچه) بجدار مغز رسیده بصورت حرکات مرحله دیگر یعنی به صورت حرکات ارادی انجام داده شود (تراز کردن دست بطرف غذا) . برای اثبات مادی بودن حرکات ارادی وجود حرکات انعكاسی وسیله مناسبی است چه بلا ارادی بودن این حرکات آنها را بحرکات نباتی که با قوانین حرکات طبیعت بیجان صورت می گیرند کاملا شبیه میکند .

مرکز حرکات ارادی در مغز است و همان آنکه مرکز حرکات انعكاسی ناحیه سوب کور تیکال میباشد .

انجام میدهد ( تمایل و افتادن ) ماوراء ارادی است یعنی با شعور واضح اراده تمایل صورت نگرفته بلکه در ماوراء شعور یعنی بدون اینکه شخص از حکم دماغ آگاه شود عضلات مربوط حرکتی انجام داده اند . حرکات ماوراء ارادی در زندگی معمولی زیاد دیده میشود . اگر يك بچه ظرف پر از آب یا شیر را در دست گرفته بخوهد نریزد ظرف تمایل پیدا میکند و حال آنکه بدون این تصمیم ظرف مایل نمی شود . دو چرخه سوار که میخواهد از يك سنگ سر راه جاده دوری کند مستقیما بطرف سنگ میرود . اگر دو آرنج را بر میز تکیه داده دو دست را مقابل هم نگاه دارند و بخود تلقین کنند یکی از دو دست بطرف بالا حرکت میکند حقیقه پس از مدتی بواسطه وجود حرکات ماوراء ارادی دست بطرف بالا میرود . اگر چند نفر دور میز دست خود را بر میز تکیه داده بر خود تلقین نمایند که میز حرکت می کند حقیقه میز بواسطه حرکت ماوراء ارادی عضلات دست فدری حرکت مینماید : جنگیر ها از چهل عده استفاده کرده چنین حرکات را به حاضر شدن ارواح و اجنه نسبت میدهند . تلقین با این تنزل که در منور الفکر ما وجود دارد جای تعجب نیست که بجای اصول ساده و مادی ، روح پرستی و سمیرا تقسیم پیرزن های امریکارواج میگردد . تلقین انجام يك امر در اشخاص تولید حرکات ماوراء ارادی و یا اراده در ماوراء شود میکند . تا حال به تاثیر محیط و جذب و فعل و انفعال آنها در سلسله عصبی و عکس العمل سلسله عصبی نسبت بمحیط خارج توجه کردیم اکنون به حالات اختلال در جریان مزبور متوجه میشویم

اولا - خواب معمولی عملیات مشخص سلسله عصبی را که شعور و آگاه بودن از خواص آنست بطور موقت عموما میگذارد . سلب قدرت شعور از سلسله عصبی بواسطه خواب طبیعی از خواص ساختمان خود ایندستگاه و دفاع آن در مقابل کار زیاد است . بدین معنی که بواسطه کار کردن

حرکات ارادی قبل از شروع وسیله شعور بز خود شخص معلوم میشود و همین خود دسته ایده ایست را با شتاب انداخته عقیده با اختیار و آزادی اراده را تولید کرده است . ما از شروع يك عمل ارادی مطلع میشویم ولی اگر تصمیم گرفتیم که آن کار را انجام ندهیم يك عامل جدید پیدا شده است که از علل عمل جدید باید شمرده شود . هر عمل پس از آنکه تولید شد معلول جبری تمام عوامل موجود در فکر بوده است که ما در لحظه شروع بواسطه شعور از آن مطلع بوده ایم .

حرکات ماوراء ارادی عبارت از حرکاتی میباشد که حقیقه ارادی میباشد ولی عمل اراده در شعور ظاهر و واضح نیست بلکه در ماوراء شعور است . مثلا هر شخص از تیر نازکی که روی جوی کم عمق است باسانی عبور میکند ولی اگر همین تیر روی مجرای گودی قرار گیرد شخص میلرزد و میافتد . حرکتی که

اشخاص آخرین علت تولید تغییرات در اجتماع نیستند بلکه خود آنها نیز محصول يك سلسله عوامل قوی تر و موثر تر موجود در داخل خود اجتماع میباشد . نظریه مائریالیسم تاریخی



و ترشح شدن مواد مخدر مخصوص بدن سلسله عصبی بیهوش میشود و بیهوشی عکس العمل کار حیاتی و روحی است ولی بیهوشی کار روحی را موافقه عقیم میکند و هر وقت عوامل مؤثر در بیهوشی تمام میشود دستگاہ عصبی به حال خود بر میگردد و این بیهوش آمدن و بازگشت شعور عکس العمل بیهوشی است .

خواب دیدن بواسطه وجود محتویات و حالات مخصوص دستگاہ عصبی است . هر فرضیه که در فکر ما در حال بیداری تولید می شود اثری از خود میگذارد که بواسطه علل معین ممکن است در موقع خواب تهیج پیدا کرده در شعور که حال ضعیف دارد آشکار گردد ( رجوع به مقاله خواب ) . بوسیله خواب میتوان از حالات گذشته روحی اطلاع پیدا کرده ولی به آیه نمیتوان پی برد . چنین اعتقاد نیز ارتجاعی و ایده ایستی است .

بوسیله هیپنوز میتوان حالت خواب را از راه تلقین ایجاد کرد یعنی بوسیله اعمال ماوراء ارادی که سابقا به نظائر آن اشاره شد همان اعمال که باعث خواب طبیعی میشد تقلید گردیده حالت بیهوشی ایجاد شد . این خواب با خواب طبیعی اختلاف دارد و بعضی قدرت های سلسله عصبی در این خواب بحال خود باقی میماند و مخصوصا حالت عمومی شعور بحال خود باقی است و اراده سلب میشود . بدینوسیله میتوان بمریض روحی که در حال هیپنوز است تلقین شود که حرکات و اعمال مخصوصی را انجام دهد . با این ترتیب بعضی اعمال که اراده مانع آنها بوده صورت گرفته مریض ممکن است معالجه شود .

امراض مهمی که ممکن است به سلسله عصبی و بنا بر این با اعمال روحی متوجه شود عبارتند از : امراضی که متوجه اعضاء تاثیرات مانند چشم و گوش میشود ( این امراض در

حقیقت جزء امراض روحی نیستند ) مانند کوری الوان ، اختلال در شنیدن و شنیدن و غیره ۲ - اختلال در شعور و هشپاری این مرض بیهوش شدن است ، مریض خاصیت شعور را از دست داده دیگر از وجود خود مطلع نیست ۳ - اختلال در توجه . مریض شعور دارد و هشپار است ولی هشپاری بحالت پراکنده است و مریض نمی تواند توجه خود را مانند اشخاص طبیعی در يك نقطه متراکم کند ، ۴ - اختلال در حافظه . مریض نسیان دارد و جاده های ارتباطی که تشکیل میشود بزودی محو میگردد ۵ - اختلال در عمل درک . مریض قدرت ندارد اجزاء تاثیرات را بهم مربوط کرده يك صورت مرکب بوجود آورد . در نتیجه این مرض شخص نمیتواند اجزاء فکری را در تحت تشکیلات منظم در آورده فکسر یا قضاوت یا استدلال کند . قطعات جسته گریخته صور به رنج ظاهر شده بزودی محو میگردد . مریض در هر لحظه متوجه يك چیز است و این توجهات بهم مربوط نیستند ۶ - اختلال در احساسات . در مریض حالت احساسی خوشی ، غم ، هیجان ، انتظار ، خمودگی و غیره به مراتب شدیدتر از حالت معمول است . مرض اشخاص عصبی ، مالیخولیائی ، خون سردی شدید ، وسواس و غیره از این نوع است ؛ بالاخره ۷ - اختلال در حرکات . این مریضا حرکات معمولی را نمی توانند مرتب انجام دهند . لکنت زبان ، حرکات سر ، عضلات صورت ، پلک چشم ، فلج و غیره جزء این نوع امراض است .

تمام این امراض بوسیله تغییرات مادی در سلسله عصبی بوجود میاید جز اینکه علت مادی یعنی تغییرات سلسله عصبی را در بعضی از این اختلالات مشاهده کرده اند و از اینجهت آنها را امراض عضوی می نامند ولی تغییر عضوی در بعضی دیگر با وسایل معمولی فعلی قابل مشاهده نیست

احتیاجات و مادیات روزانه جبرا عقائد مذهبی و فلسفی را در مغز افراد و در جامعه تولید کرده است . پس از تولید نیز ، این فنومن ها دائمی و متوازی با تغییرات اجتماع تغییر پیدا کرده اند ، مادیات اصلی و اولی و این تظاهرات فکری ، فرعی و ثانوی میباشد !

به تناسل ، لواط ، سحق ، استمناء ، لباس پرستی ، عضو پرسی ، میل به زدن و کشتن و خونخواری ، میل به تحمل ضرب زخم از نظر تناسلی و غیره عادات غیر طبیعی و هیستری . خود را خیلی بالا دانستن ، میل بدروغ و اغراق ، دزدی و مردم آزاری .

( ایندو مرض بواسطه عادت و تاثیر محیط و تربیت غلط پیدا میشوند یعنی علت روحی دارند و تغییرات مادی سلسله عصبی در ایندو مرض معلوم نشده است ) ؛ ۱۰ - حلق و اباهی . این مرض بواسطه نمودن کردن سلولها ( بواسطه تاثیر امراض دیگر ) پیدامی شود و آثار آن بی ترتیبی ، ناپاکی کم فهمی ، مطیع بودن و بی ارادگی و دروغگویی ۱۱ - فلج ، از کار افتادن قدرت حرکت اعضاء . علت مرض تاثیر عوامل خارجی در مراکز حرکات . مثلا در ممتز بعضی از این مریضها - پیروکت پیدا کرده اند در صورتیکه فلج ۱۰ سال بعد از ابتلاء بسفلیس بوده است . این مریضها تعقیب جزائی ندارند بنسب این مریضها دار المجانین و محبس های طبی محفوظ باشند تا جامعه از ضرر آنها در امان باشد . اشتغال منظم و تسکین حالات هیجانی و معالجه برای برطرف کردن علت مخصوص مرض ممکن است در اغلب امراض مزبور مریض را بحالت طبیعی عودت دهد . در خاتمه این مبحث بسکولوژی تذکر میدهم استعداد های مختلف افراد متفاوت است . مخد و صا سه نوع مهم استعداد در اشخاص تشخیص میدهند و هر فرد ممکن است دارا و یا فاقد یک یا دو و یا هر سه استعداد باشد که عبارتند از : ۱ - استعداد ذکاء که غرض قوه استدلال و تجزیه و ترکیب باشد . این اشخاص منطقی دقیق دارند ( داشتن حافظه نیز بکثرت استعداد ذکاء است ولی با وجود این چون استدلال مهمترین قضایای ذکاء است در اغلب موارد غرض از استعداد ذکاء همان قوه استدلال است ) ۲ - استعداد احساسات . افرادی که دارای این استعدادند ذوق و سلیقه ظریف دارند و بالاخره ۳ - استعداد عمل که ممکن است با هر یک از دو استعداد مزبور

آن امراض روحی را امراض عملی می نامند . واضح است بتدریج از عده امراض عملی کاسته و بر عده امراض عضوی افزوده میشود زیرا بالاخره تمام امراض روحی عضوی میباشد . علت تولید امراض ممکن است مکانیکی مانند تکان خوردن مغز ، مجروح شدن یک قسمت سلسله عصبی و یا شیمیائی و فیزیولوژی مانند تاثیر سموم ( الکل یا سموم بدن ) و یا روحی مانند شادی یا غصه ناگهانی باشد .

ضمناً باید متوجه بود که در امراض مختلفه روحی چند نوع اختلالات سابق الذکر با هم پیدا میشود و دلیل این امر ارتباط زیاد اجزاء سلسله عصبی با یکدیگر است و امراض مهم عصبی عبارتند از مالیخولیا . اثر مهم آن اختلال در تجسمات ( یعنی تشکیل تجسمات جنونی و غیر طبیعی ) و اختلال در احساسات ( شدید شدن احساسات غم ) و اختلال در حرکت ( تبدیلی ) است ؛ ۲ - مانی . آثار مرض اختلال در رشته افکار ( افکار مجزی و جسته جسته ) ، اختلال در احساسات ( هیجان و میل شدید تناسلی ) ، اختلال در حرکت ( بی آرامی حرکات سریع و شدید ) ؛ ۳ - پارانویا . آثار این مرض که جنون معمولی است اختلال در افکار است بدین ترتیب که بر عکس حال سابق یک سلسله تجسمات جنونی ولی با دوام منظم و مرتب وجود دارد ، ۴ - هذیان که در مواقع تب شدید پیدا میشود . آثار آن نیز اختلال در نظم و تربیت افکار است • جنون حاد . آثار آن اختلال در توجه ( فقدان توجه ) تشکیل توهمات بجای تجسمات ، احساسات و حرکات تیز و شدید . ۶ - جنون الکلی . آثار آن اختلال در شعور ( بی اطلاعی ) ، پیداشدن احساسات غیر طبیعی مانند ترس زیاد بی علت ۷ - جنون مورفین و کوکائین . آثار آن ضعف احساسات و حرکات . پیدا شدن تنزل اخلاقی مانند میل به دروغ ، دزدی و تقلب و غیره . ۸ - نور استنی . آثار آن اختلال در احساسات و حرکات مخصوصاً در قضایای مربوط

ارتباط قضایا را نباید در مغز درست کرد ، بلکه باید آنها را در طبیعت واقعی کشف نمود ،



کرده اهمیت اجتماع را از نظر حفظ فرد و نسل فهمیده بعد اجتماع تشکیل داده است . انسان قبل از اینکه در خصوص اجتماع خود فکر کند اجتماعی بوده و اجتماع داشته است اجتماع در فکر او و فکر او در تکامل اجتماع دائما تأثیر متقابل کرده اند .

قبل از شروع بموضوع اجتماع باید بیک نکته توجه کنیم . قدرت منطق انسان در وی قدرت نطق ایجاد کرده است . بوسیله این قدرت بشر میتواند تمام قضایای بفرنج روحی را با یک علامت اختصاری که لغت و کلمه باشد بشکل یک صوت ادا کند و بوسیله این صوت تجسم همان صور روحی را در فرد دیگر ایجاد نماید . در مراحل کاملتر اجتماع می تواند همین علامات اختصاری را تصویر کند بوسیله افراد دیگر از دیدن آن خطوط و تصاویر صور بفرنج روحی را مجسم نمایند . این قدرت فهمیدن و فهماندن که رابطه بین افراد را آسان می کند یک عامل مهم برای تکامل اجتماع که جنبه بیولوژی دارد گردیده است .

قدرت منطق وسیله تولید نطق و برعکس نطق نیز باعث دقیقتر شدن قدرت تجزیه و ترکیب است بشر بواسطه این قدرت مفهوم های پیچیده را بصورت ساده در آورده آنها را بهم مربوط کرده مفهومات کلی تر و قوانین عمومی تر تشکیل داده از احکام بهتر نتیجه منطقی میگیرد . ابتدا تمام زبانها و خطوط بدون قوانین منظم تشکیل می شوند ولی در مراحل بعد بشر زبانها و خطوط را کاملا دقیق از روی و حساب تدوین مینماید (زبان و خط ریاضی ، شیمی . خط موسیقی وغیره) با آنکه عمل نطق جزء حرکات ارادی است بواسطه اهمیت اجتماعی آن در اینجا بدان اشاره کردیم . از طرف دیگر چون لغات زبان شامل افکار است از یک حیث میتوان آنرا جزء محصولات دستگاه فوقانی جامعه که در صفحات بعد اشاره میشود تشریح کرد .

ابتدا بتشکیل اجتماع در عهد طبیعت توجه می نمائیم . واضح است که اجتماع با تشکیل خانواده

توأم باشد . صاحبان این استعداد میتوانند یک نقشه را بواسطه مداومت و حوصله و دقت عملی کنند . در اطفال باید هر سه استعداد را نمودار برای انجام دادن کار اجتماعی از هر نوع استعداد حد متوسطی لازم است که تقریبا تمام افراد حد متوسط هر سه استعداد را دارا میباشند و بنابراین هر فرد میتواند سهم خود را در کار کلی اجتماعی بطرز متساوی انجام دهد . استعداد کلی هر فرد مجموع استعدادهای مختلف اوست . در بعضی یک نوع استعداد خیلی نمودار کرده استعداد دیگر تقریبا معدوم میشود . این اشخاص از یک نقطه نظر زنی میباشند . ممکن است استعداد کلی یک فرد معمولی از مجموع استعدادهای یک زنی بیشتر باشد ولی چون تمام استعدادهای یک اندازه نمودار کرده آثار مهم از نقطه نظر یک استعداد مخصوصی از وی ظاهر نشود . چنانکه شیخ بهائی که دارای استعداد های متعدد بود میگوید : غلبه کردم بر هر ذوفنونی و غلبه کرد بر من هر ذوفنی

تا حال در بیولوژی و پسیکولوژی بشر دقت کردیم . حال او را بعنوان

### بشر اجتماعی

یک حیوان اجتماعی . تحت مطالعه قرار میدهم . اول بفهم چر انسان برخلاف اغلب حیوانات دیگر اجتماعی است . اختلاف اساسی انسان با حیوان ساختمان مغز و بنابراین قدرت منطق اوست یعنی انسان قدرت تجزیه و ترکیب زیادتری دارد و بنابراین حفظ فرد و نسل خود را که خاصیت ممیز و مشخص موجودات زنده است بهتر انجام میدهد . علت مادی تشکیل اجتماع ساختمان مادی مغز انسان و بهتر تاهین کردن وسائل مادی و تناسلی برای افراد است . چون تحولات طبقات حیوانات بیکدیگر بجز انقلابی است ، تشکیل شدن اجتماع هم با پیدا شدن انسان توأم است . تمام آثار تاریخی بما واضح میکند که تا بشر بوده اجتماع نیز وجود داشته است . یک موضوع را نباید اشتباه کرد . این طور نیست که چون انسان قدرت منطق داشته ، ابتدا فکر

فلسفه که به شکل تمام میشود و فویرباخ آنرا منقرض می کند تنها یک نتیجه مثبت و مفید برای بشر ارث می دپالک تیک است !



ساحل زندگی میکرده و در امتداد ساحل باقیم  
 های مختلف پراکنده شده است . شکار در ابتدا  
 وسیله منظم غذا نبوده زیرا انسان وسیله شکار مرتب  
 نداشته و نمیتوانسته است بفدای شکار مطمئن  
 باشد . در همین دوره آدم خواری هم دیده  
 میشود که مدت بالنسبه زیاد دوام دارد . پس  
 از مدتی تهر و کمان اختراع میشود . تیر و کمان  
 ماشینی بالنسبه کامل و مهمترین وسیله تولید دوره  
 توحش است . در این موقع شکار غذای منظم  
 میشود و آدم خواری بتدریج از میان میرود .  
 وضعیت دوره توحش برای ملل هر دو قاره ( قاره  
 قدیم یعنی آسیا و اروپا و افریقا قاره جدید یعنی  
 امریکها و استرالی ) یکی است .

در دوره نیم وحشی کوزه گری شروع  
 میشود . جلگه مسکن انسان است ابتدا دورسپدها  
 گل میگریفتند که از آتش محفوظ باشد و از  
 اینجا پی برده اند که گل رست بدون سبب داخلی  
 هم قابل قبول شکل است . چرخ یا بدین ترتیب  
 اختراع میشود . فلز استخراج میشود ، شمشیر  
 ساخته میشود که نظیر تیز و کمان دوره توحش  
 است . ( اسلحه آتشی و کازی نماینده دوره  
 تمدن و دوره معاصر میباشد ) . دوره نیم وحشی  
 در قاره جدید و قدیم با هم یکی نیست . زیرا  
 در این دوره تربیت حیوانات و نباتات شروع  
 می شود و نباتات و حیوانات دو قاره با هم فرق  
 دارند . در قاره قدیم حیوانات و غلات باستانی  
 ذرت وجود دارد . قاره جدید ذرت و از  
 حیوانات فقط لامال دارد . قاره جدید تا ورود  
 اسپانیاییها در مرحله نیم وحشی بود . در قاره  
 قدیم تربیت مواشی بیشتر بدست سامی ها و  
 آریائی ها بوده است . لغات مخصوص حیوانات  
 در زبانهای آریائی اروپا و آسیایکی است ( لغت گاو )  
 و معلوم میشود که این لغات قبل از تجزیه شدن  
 این نژادها معمول شده است . استعمال گوشت  
 و شیر حیوان باعث شده است که نژاد سامی  
 و آریائی بیشتر تکامل یابد . مغز نژاد هائی  
 که فقط نبات میخورند در « مکزیك » کوچک  
 مانده است .

محل زندگانی بشر در مرحله نیم وحشی

درجات تمدن هزاران علت مادی دارد که  
 اختلاف نژاد هم محکوم آنها است والا مثالهای  
 سابق الذکر عملا وجود پیدا نمیکرد . تئوری  
 نژاد تئوری طبقاتی است . پس از اینکه رژیم  
 اقتصادی جدید پیدا شد و ملل با روابط دوستانه  
 بدون جنگهای صنفی و طبقاتی زندگی کردند  
 واضح خواهد شد که برای تقدم يك نژاد  
 مخصوص هیچ نوع سری وجود ندارد .

از آنچه که گفته شد واضح میگردد به  
 جهت تعیین علل و عوامل تکامل جامعه و ارتباط  
 آن با طبیعت و ارتباط اجزاء آن با یکدیگر  
 بایستی بخود جامعه توجه نمود .

دو عامل ریشه تشکیل جامعه است که  
 یکی میل به حفظ فرد و دیگری میل بحفظ  
 نسل باشد . بدیهی است ایندو خاصیت حیوانی  
 در انسان نیز وجود داشته است . این دو عامل که در حقیقت  
 یکی میباشند در آن واحد بر روی یکدیگر تاثیر متقابل  
 داشته اند یعنی از یکطرف شرایط تولید مواد  
 ضروری و از طرف دیگر شرایط تولید مثل ،  
 خصوصیات جامعه را ایجاد کرده جامعه مرکب  
 دو باره در شرایط مزبور تاثیر میگرد .

ما به تکامل جامعه از هر دو نقطه نظر  
 توجه مینمائیم . اگر هر کدام را جداگانه مورد  
 دقت قرار میدهم از نظر اسلوب بیان موضوع  
 است و گرنه هر دو نوع تکامل يك تکامل واحد  
 که همان تکامل جامعه باشد تشکیل میدهند .

از نظر تولید مواد مطابق آنچه که از  
 آثار گذشته بدست آمده است بشر ابتدای زندگانی  
 دهقانی جمعی داشته است بدین معنی که وسائل  
 تولید متعلق به جمع بوده و عموم در تولید و  
 تقسیم شریک بوده اند .

مراحل زندگی بشر را بدوره وحشی ، فیم  
 وحشی و متمدن تقسیم مینمایند . اختلاف این  
 مراحل از نظر پایه تکنیک و وسائل تولید است .  
 در دوره وحشی بشر بالای درختان زندگی می  
 کرده ، بتدریج ادای اصوات منظم و تشکیل  
 نطق شروع شده ، ماهی گیری و اختراع آتش  
 که تقریبا با هم توأم است اول گوشتخواری  
 است . بواسطه ماهی گیری بشر همواره در



جلکه است (بین النهرین ، هند ، جنوب روسیه) همانطور که بشر وحشی از جنگل نمیتواند خارج شود بشر نیم وحشی هم نمیتواند از وسط جلگه ها خارج شده بچنگل برود . بشر نیم وحشی ابتدا حیوان را اهلی کرده است و زراعت ظاهراً ابتدا برای تغذیه حیوان بوده است .

دوره نیم وحشی تقریباً با اختراع گاو آهن تمام می شود . این اختراع یکی از قدم های مهم در اجتماع بشر است . قبل از این اختراع بشر فقط در باغهای کوچک زراعت مختصر می کرده است . از این بعد زراعت در مزارع وسیع شروع می شود . امکان زیاد شدن نفوس از این بعد است . باعلائم حروف هجا دوره تاریخ و تمدن شروع میگردد .

در آخر دوره نیم وحشیگری و شروع دوره تمدن قبائل که دستجات طبیعی و خانوادگی باشند وجود دارند . طبقه زیر دست و زیر دست وجود ندارد . زن و مرد هیچکدام مهور مادی یکدیگر نیستند . جنگ مابین قبائل و عشائر وجود دارد . قبیله مغلوب ممکن بود از میان برود و اسیر دائمی و باجگذار قبیله دیگر نمیشد . در این دوره جمعیت همه جا کم است تربیت هوشی و تشکیل گله های حیوانات اهلی شروع میشود .

این دوره را تشکیل میدهد ولی چون با استحکام سنگهای سیلیسی نیست هنوز بعضی اسلحه های سنگی نیز وجود دارد . در این دوره تحویل به تمدن احتیاج بقوای بدنی انسان زیاد است و از اینرو اهمیت مخصوص به اسیر کردن افراد قبائل زیر دست اهمیت داده می شود ، اقتصاد با غلامان و اسرافت مخصوص آخر این دوره است ، تملك خصوصی یعنی انتقال پیدا کردن وسائل تولید يك قبیله به عده کوچکتر و بالاخره با مشخص معین در اواخر دوره نیم وحشی است ولی زمان آن در بین ملل مختلفه بدقت معلوم نیست ، در هر صورت این پیش آمد انقلاب بزرگی در اوضاع اجتماعی پیش می آورد ، قدرت زن سلب می شود مقام زن متمدن به مراتب کمتر از مقام يك زن نیم وحشی میگردد ، دوره چوپانی پیدا می شود . بتدریج تمام حقوق اجتماعی زن از بین می رود و زن فقط وسیله تولید بچه و حفظ اموال خصوصی مرد در خانه است .

از آنروز تا کنون دیگر زن نتوانسته است خود را از این اسارت خلاص کند . احترامات زن در ممالک « متمدن » فعلی ظاهری است ، زن در متمدن ترین ممالک هم تمام حقوق اجتماعی مرد را ندارد . با فاشیسم رسمان بر این احترامات ظاهری زده میشود . زن فقط این حقوق را وقتی پیدا میکند که چهار دیوار محیط کوچک و محقر خانوادگی را به میدان وسیع اجتماع میدل سازد یعنی بر عکس اجتماع وسیع بشر حکم خانواده برای افراد پیدا کند . از نتایج تملك خصوصی تعیین دقیق وارث و بنا برین تشخیص دقیق پدر و طفل است . تا زمان سولون در تاریخ یونان اثری از ارث نیست . حقوق مادری به حقوق پدری تبدیل می شود . تضاد در تقسیم کار

همانطور که جامعه بشر دوچار بحران است و روز بروز بحران شدیدتر

و خلاص از آن تکان شدید تری را ایجاب میکند ، همواری با آن ، تئوریهای علمی بشر نیز دوچار تضاد و بحران و خلاص از آن محتاج تکان شدید است . این تکان شدید همان فتح قطعی ماتریالیسم دیالک تیک و استعمال اسلوب دیالک تیک در کلیه علوم است .

« دیالک تیک عمومی » که مجله دنیا تدوین می کند منظره علوم جدید

را که با اسلوب دیالک تیک تحقیق میشود نشان میدهد ! دنیا

بین زن و مرد و خانه و مزرعه پیدا می شد .  
تهیه اجناس برای معاوضه و تهیه پول و تجارت  
شروع میشود . در جامعه آزاد مقابل اسیر و  
فقیر مقابل غنی وجود پیدا می کند .

پول با آن جادوگری مخصوصی که بمیل  
صاحب خود به تمام اجناس حتی به زن خوشرو  
و غلام قوی می تواند مبدل شود در جامعه  
عرض اندام می کنند . از این بعد زن و  
غلام مال است یعنی می توان آن را خرید ،  
فروخت یا هر کار دیگر که با یک  
شیئی میتوان کرد با آن نیز بجای آورد . طبقه  
تجار که پول یعنی آن جادوی عجیب و غریب  
را باسانی بمقدار زیاد صاحب میشوند پیدا میشود  
اما گفتیم پول نیز جنس است و مانند هر جنس  
دیگر . محصول و نماینده کار یک عده از افراد  
است . تجار که بدون کار مفید اجتماعی  
صاحب آن می شوند حکم طفیلی را دارند .  
این طفیلی ها از آنروز بعد مانند قارچ کفک  
که روی مربا نمو میکنند در مهد جامعه نشو  
و نما مینمایند و تا تولیدکننده و مصرف کننده  
مستقیماً باهم مقابل نشوند این طفیلی ها وجود  
خواهند داشت .

مونوگامی (ظاهری) یعنی زناشویی یک مرد و یک  
زن ، مالکیت خصوصی ، راست مرد ، تشکیل خانواده ،  
حقوق ارثی تمام بیکدیگر ارتباط داخلی دارند  
و باهم شروع می شوند و در حقیقت لازم و ملزوم  
بیکدیگر میباشد . ابتدا تمام افراد جامعه نسبت  
بجامعه حق و وظیفه داشته اند ولی با شروع این  
اوضاع یک طبقه فقط حق و طبقه دیگر فقط  
وظیفه دارند .

از یکطرف دایره خانواده کوچک شده  
واحد برای تشکیلات جامعه میشود و از طرف  
دیگر عده آحادی که جامعه را تشکیل میدهند  
زیادتر باهم مرکب شده جامعه وسیعتری ایجاد  
مینمایند جامعه در آن واحد تنگ و وسیع میگردد .  
جمعیت در مراکز معین زیاد میشود . چند قبیله  
یک ملت تشکیل میدهند . جنگ ضروری و سلحشوری  
یک حرفت مخصوص میشود . استحكامات دور

مراکز جمعیت ساخته میشود . در داخل یک  
جامعه تجزیه شدن ملت بطبقات متضاد بطور  
وضوح صورت میگردد . یک طبقه که مقتدرتر است  
است تشکیلاتی بنام حکومت میدهد که اقتدار  
و تسلط خود را مسجل کند یعنی قدرت که با تمام اجتماع  
التماس داشت از اجتماع عمومی خارج و اسلحه  
دسته مخصوص می شود و با هم حکومت حالت استقلال  
پیدا می کند که ظاهراً غیر از طبقات موجود در  
جامعه و در حقیقت نماینده یک طبقه از جامعه  
است . بوسیله جنگ اموال ملل دیگر را بغارت  
آوردن و زن و مرد آنها را اسیر کردن از  
اخلاقهای مطلوب و شغل طبقه مقتدرولی کار کردن  
قیمح و زشت و مخصوص طبقه پست است  
( یونان قدیم ) . در دوره قرون وسطی زراعت  
بیشتر رواج دارد .

سحر و جادوی پول در قرون قدیم که  
ایام جوانی پیدایش پول است قویتر است و تاجر دوره  
قدیم ربا و تنزیل زیاد تری در مقابل گرو گرفتن  
ملك دریافت مینماید و بهمین اندازه تاجر قرون  
قدیمه طفیلی تر است . توده فقیر روز بروز زیاد  
تر میشد از همان دوره شروع تولید جنس برای معاوضه  
همان در ابتدای دوره تمدن است . دو نوع مال التجاره و  
جنس حالت خاصی پیدا میکند . اول پول که خاصیت  
جادویی آنرا بیان کردیم دومی کار بدنی که  
آن نیز از حیث جنس بودن خواص مخصوص  
دارد . یکعده قوه بدن خود را در مقابل مزد  
روزانه بعنوان یک جنس بی بازار میاورند . این  
دو نوع جنس که در میان اجناس دیگر موقعیت  
مخصوصی پیدا کرده اند کاملاً متضاد میباشد .  
تضاد عمده آنها در اینست که اگر با  $A$  واحد پول  
مواد خام خریده شده و  $b$  واحد پول به کار  
داده شود می توان بجای  $A+b$  واحد پول  
 $A+B$  واحد پول بدست آورد بقسمی که  
 $B-b$  زیاد تر از خرج اول باشد زیرا  $b$  واحد در مقابل  
کاری که حقیقه  $B$  واحد ارزش دارد داده شده است بدن  
ترتیب  $b+B$  واحد پول به  $A+B$  واحد عوض  
شده یعنی مقدار آن باندازه  $B-b$  که ارزش  
اضافی نام دارد زیاد تر شده است . نقطه مقابل

بشر پیش از آنکه فکر اجتماع کند اجتماع داشته و طبیعت در وی اثر نموده  
یعنی بشر تجربه پیدا میکند . فکر درباره طبیعت و اجتماع ثانوی و نتیجه  
وجود اولی طبیعت و اجتماع است .



بدبختی های اتفاقی اجبارا در جامعه پیدا میشود . یعنی اتفاق و اجبار با هم جمع میشوند

چون جمع شدن اتفاق و اجبار از نظر اصول کلی مادی مهم است ابتدا به يك مثال از علوم طبیعی توجه میکنیم . چنانکه میدانیم وحدت ضدین اصل اول دیالکتیک است بنا بر این امکان یکی شدن اتفاق و اجبار که ضد هم میباشد باید ضروری باشد و همینطور هم هست . اتفاق قضایائی را میگویند که ظاهرا در آنها ارتباطی نتوان پیدا کرد و اجبار نتیجه شدن ضروری يك قضیه از قضیه دیگر است .

در مقاله جبر و اختیار واضح کردیم که در حقیقت قضیه را اتفاقی گویند که ما علت و اجبار آنرا ندانیم و گرنه تمام قضایای طبیعت جبری است . مجموع اتفاقات يك جبر کلی را تشکیل میدهند . در فیزیک و شیمی راجع به فشار و درجه حرارت گازها يك تئوری موجود است که آنرا « تئوری سینه تیک گازها » مینامند . مطابق این تئوری مولکولها ( ذرات ) گازها که بشکل گلوله های کروی کوچک الاستیک فرض میشوند داخل فضائی که برآزگاز است تماما حرکت میکنند . این کرات اتفاقا یکی با دیگری تصادم شده پرت میشود بعد باز هم اتفاقا به کره دیگری تصادم میکند بطرف دیگر پرت میشود بعد به کره دیگر که همین مقدرات را داشته است میرسد و این مواجه شدن ها دائما در کار است . اگر داخل هر يك از این گلوله های مثل لاستیک يك مغز کوچک باندازه مغز يك ایده ایست وجود داشت خیال میکرد که تمام قضایا اتفاقی است و در این هرج و مرج کجا ممکن است قانون جبری حکمفرما باشد . اما ما میدانیم که این گاز در ظرف محدودی است و بنا بر این حجم معین دارد و درجه حرارت معلوم در محیط اطراف آن موجود است . این شرایط اجبارا باعث میشوند که گلوله ها بطور کلی و متوسط انرژی حرکت معین داشته باشند و مقدار مدتل ضربت هائی که به جدار

این خاصیت را کار نشان میدهد یعنی کاری که حقیقه B واحد ارزش دارد به b واحد پول تبدیل گردیده است . هر قدر تفاضل B-b بیشتر باشد تضاد بین پول و کار یعنی درجه استثمار بیشتر است . جنس تامدتی که برای مصرف تولید میشود دسری نیست و این خاصیت عجیب نتیجه تولید برای معاوضه است . چنانکه واضح شد اولین تشکیلات اجتماعی تشکیلات قبیله است . با پیدایش طبقات حکومت پیدا میشود .

دوم کراسی کامل قبیله از میان میرود . ابتدا خود قبیله تجربه می شود . يك عده سینه قبیله و اشراف قبیله را تشکیل میدهد و عده دیگر در خارج قبیله توده صاحبان جنس موسوم به کار میباشد ( این دسته در روم قدیم به پلیس معروف بودند ) که خارج قبیله هستند . بعدها حکومت هر دو را از میان برده ارتباط جدیدی بین دو طبقه جامعه ( که یکی از آنها ریشه همین حکومت است ) ایجاد مینماید .

در ملل زرمین این حالت قبیله دیده نمیشود حکومت محصول اوضاع يك جامعه است و تشکیل آن ربطی باختلاف محلی خانواده ها ندارد . وضعیت مالکیت داخل يك جامعه مولد آن است . قدرت حکومت با تضاد طبقات زیاد میشود و وضع مالیاتها از همان زمان های قدیم مشهود است . در دوره تشکیلات قبیله قوه مقننه و مجریه و قضائیه با خود قبیله توأم است و حال آنکه در حکومت ها پولیس و آلت مجریه تشکیلات مافوق جامعه میباشد .

وجود این وضع از ابتدای تاریخ نبوده و تا آخر تاریخ هم نخواهد بود و این دوره زندگانی کوتاه آن فاصله زمانی بسیار کوتاهی را از تاریخ کنونی بشر اشغال مینماید و طول مدت آن در مقابل تاریخ آینده دیگر بی اهمیت تر و جزئی تر است . این ناموس اجتماعی نیز مانند نوامیس دیگر روزی به موزه سپرده خواهد شد . قطعی شدن جامعه یعنی شدید شدن دو جنس پول و کار باعث میشود که امروز عده بیشتری از افراد معاوضه کننده خود به جنس قابل معاوضه تبدیل شوند .

تحت لوای دیالکتیک دارد تضاد حقوق اجتماعی مرد وزن در يك اجتماع از میان میرود .

اجتماع خود را فهمیده است و میدانند که میتوانند خود را از چنگال این نوع اجتماع که مخلوق خود بشر است خلاص کند .

فریود میگوید معالجه مریض روحی بدین ترتیب است که وجود مرض در شعور مریض ظاهر شود یعنی مریض وجود مرض را بفهمد این حکم در باره اجتماع نیز صادق است .

متوجه شدن به عیب اجتماع قدم اول معالجه آن است . همانطور که موجودات مقتدر خیالی آسمان که مخلوق خود انسان بود بزمین کشیده شدند این تسلط سحر آمیز و کور کورانه اجتماع بر فرد که نیز مخلوق انسان است از میان خواهد رفت . میتوانیم آنچه را که راجع به تکامل اجتماعی وسائل تولید گفتیم خلاصه کنیم .

چنانکه گفتیم وسائل تولید که در مراحل اولیه متعلق بجمع بوده بعد بواسطه يك سلسله علل که شرح آن خارج از موضوع این مقاله است ( رجوع به مقاله ما شینیم و قیمت - کار - ارزش ) این وسائل از طرف يك عدم غصب میشود . از آن بعد در داخله چنین اجتماعی نیز که وسایل تولید دست عدم محدود باشد يك سلسله تغییرات دیالکتیک بظهور میرسد . زندگی ارباب و رعیت و غلام در قرون قدیمه و فتودالیم در قرون وسطی و سرمایه داری قرون جدید تکامل این نوع اجتماع است که در حقیقت «آنتی تز» برای جامعه اولیه ( که «تنز» برای این تکامل باشد ) خواهد بود . تز جدید برای آنتی تز مزبور جامعه بی طبقات است . پس از آن نزاع طبقاتی از میان رفته نزاع با طبیعت عامل تکامل جامعه باقی خواهد ماند .

حال به تکامل از نظو تولید مثل توجه مینماییم . تکامل مهم در تشکیل شدن خانواده مربوط بمیل تناسلی نوع بشر است . ولی ممکن بود که نوع تولید جامعه در نوع خانواده بلا تاثیر باشد؟ البته نه . یعنی اگر چه خانواده اساسا بواسطه خاصیت حفظ نسل تشکیل یافته و این خود در حله نالی حفظ فرزند است بنابراین طرز تولید جامعه نیز بطور ثانوی در آن تاثیر کرده ، در خانواده نیز مانند جامعه تقسیم کار ، فرمانده و فرمان بر پیدا شده است .

ظرف وارد مایند مقادیر مشخص باشند یعنی گاز فشار معلوم که محصول ضربت های گلوله های مزبور به جداز ظرف است داشته باشد . حقیقه هم دستور عمومی گاز ها که این ارتباط دقیق و اجباران ( ضربت ها ) را نشان میدهد یکی از مهمترین قوانین علوم طبیعی است .

حال به اتفاقات اجتماع توجه کنید . فرو شنده ها و خریدار ها ( مثل گلوله های لاستیک مثال قبل ) وارد بازار میشوند . این يك با آن دیگری مواجه میشود بعد با یکی دیگر ، اولی یا شخص چهارم و غیره . نتیجه این مواجه شدن ها مربوط به حالات دو نفر مواجه شونده است مثل اینکه نتیجه ضربت مکانیکی دو گلوله مربوط به مقدار و امتداد و جهت سرعت و سایر خواص خود گلوله است . این دو بیچاره و آن متفکر اقتصادی و اجتماعی بدبخت مکتب ابدی الیسم خیال میکنند این مواجه شدن اتفاقی است گرانی و ارزانی جنس یا سایر حالات ارتباط بین این دو نفر مربوط به خوش جنسی یا بد جنسی یعنی مربوط به پاکی یا نا پاکی «روح» این دو نفر است و کر نه هر دو نفر در عمل خود آزادند . این حکم را دز مورد فروشنده جنس پول و فروشنده جنس کار که باهم مواجه میشوند نیز صادق میدانند و مطابق تئوری آنها مزد يك نوع اعانه و محصول پاکی روح بگمده معین است .

اگر يك متفکر مادی که قوانین جامعه را مانند قوانین فیزیک و شیمی دقیق و جبری میدانند باشخاص مزبور توجه کند باز قانون کلی مواجه شدن و رد شدن افراد مزبور را پیدا خواهد کرد زیرا فقط يك متفکر مادی دیالکتیک میتواند دقیق و علمی فکر کند و بسحر و جادو خواه خاصیت آب دعا باشد یا نفس رمال یا سحر پول پشت پا زند . ما علل اجتماعی حربص شدن یکدسته را بخوبی میتوانیم بفهمیم و آینده اجتماع را پیش بینی علمی کنیم . با وجود مخالفت های عده معلوم ، بالاخره علم و صنعت و هنر که کسب آن امروزه انحصار برای دسته مخصوصی دارد در دسترس عموم خواهد بود . بشر عیوب

تحت لوای دیالکتیک دارد تضاد بین سرمایه و کار از میان میرود .



حیوانات دیگر پیدا شده است و خاصیت جفت بودن در حیوانات دیده میشود پس باید در انسان هم باشد. این عقیده بکلی غلط است. انسان را با هر حیوان نمیتوان مقایسه کرد بلکه هزاران عامل دیگر هم در انسان مؤثر است. مثلاً پرندگان در موقع تخم گذاری جفت زندگی میکنند زیرا ماده در موقع تخم و پروراندن جوجه محتاج کمک است. این عامل بیولوژیک که عجزه کمک باشد علت تشکیل شدن جفت است و حال آنکه در اغلب حیوانات ذیفقار همه نوع ارتباط نر و ماده مشهود است. چنانکه در مبحث تکامل رژیم تولید بیان کردیم انسان مانند حیوانات دیگر از حیث ساختمان بدن زیاد مسلح نبوده است و میل بحفظ بقاء فرد که اولی تر از میل تناسلی است او را مجبور بشکلی دستجات میکند. دسته جمعی زندگی کردن در اغلب حیوانات ذیفقار دیده میشود. این نوع زندگی مخالف با تشکیل خانواده که جفت و جفت و مجزی شدن است میباشد. در این دستجات اولیه قهراً حسادت تناسلی و قبیح بودن میل تناسلی به نزدیکان نمی توانسته است موجود باشد زیرا اگر بود زندگی دسته جمعی بهم میخورد و این خود مخالف با منافع حفظ بقاء فرد بود. زندگی با دستجات با تشکیل خانواده متضاد است اگر آن باشد این نیست و اگر این شروع شود آن دیگری از میان میرود. واقعا هم در تاریخ همینطور دیده میشود. بنابر این تفسیر اولین شکل خانواده باید زناشویی جمعی باشد یعنی يك دسته مرد و يك دسته زن زناشویی عمومی داشته باشند. این طرز حقیقه وجود داشته است و علت اینکه جز مورگان و انگلس دیگران بدن نکته متعرض نمیشوند اینست که قبیح بودن این وضعیت از نظر اجتماع امروز آنها را چنان میترساند که نمیتوانند اصلاً بدین نکته توجه کنند.

مورگان بواسطه وضعیت مخصوص قوم و خویشی که بین خانواده های بومی آمریکا دیده است متوجه این نکته گردیده. در تمام بومی های آمریکا و هند دیده میشود که بچه های دو

اولین تحقیقات مهم علمی راجع به خانواده از «باخاوفن» شروع میشود. پس از آن «ماک لنان» و بعد «مورگان» و بالاخره «انگلس» این تحقیقات را کاملتر مینمایند. «کونوفنیش» «کارل گاتوسکی» نه فقط از تحقیقات زیور جالوئر نرفته اند بلکه در تفسیر مادی آخرین مرحله تحقیقات سابق مغلطه کرده اند. مقارن با دوره که وسایل تولید ضروریات زندگی عمومی بوده در جامعه تمام زن و مرد نیز بیکدیگر و تعلق داشته اند. بهمین جهت رابطه پدری و فرزندی مابین افراد وجود نداشته بلکه جامعه «ماتریارکال» بوده است و برای هر طفل نسب مادری وی مشخص بوده است. بعد بتدریج مونوگامی و جفت بودن يك مرد با يك زن و بنابر این مشخص بودن پدر و پیداشدن ارتباط با پدر و خانواده «پاتریارکال» شروع میشود. (اسمانه راجع به محبت ترا و او کشتن پسر آگامنون مؤدرا خود را و تبرئه شدن او در محکمه خدایان يك چنین تحول را نشان میدهد) این دوره مقارن با غضب شدن وسایل تولید بدست عده محدود میباشد.

مطابق تحقیقات علمای سابق الذکر (مخصوصاً مورگان و انگلس) در دوره های قدیم هر چهار نوع خانواده وجود داشته است: زناشویی مشترك چند مرد محدود با چند زن محدود، زناشویی يك مرد با چند زن، يك زن با چند مرد و يك زن با يك مرد. نیز تحقیق شده است که در ادوار و محل های مخصوص در قبائل «اندوگامی» و در خانواده های داخل يك قبیله «اکسوگامی» وجود داشته است. اکسوگامی یعنی يك خانواده از قبیله زن را از خانواده دیگر قبیله میدزیده است. اندوگامی یعنی زناشویی اجباراً بین زن و مرد يك قبیله صورت می گرفته است.

مورگان اول کسی است که خانواده های دوره ماقبل تاریخ را بطور علمی تحقیق کرده است. در تحقیقات این عالم چند نکته مهم است. دلیل تصورات اشخاصیکه عقیده دارند انسان از ابتدا جفت زندگی میکرد اینست که انسان از تکامل

بوسیله دیالک تیک تضاد بین روح و جسم معلوم میشود.

برادر بهم برادر و خواهر خطاب میکنند و این بچه ها برادر های اولی را اعم از اینکه پدر یا عمو باشند پدر میدانند. همینطور بچه های دو خواهر بهم برادر و خواهر و این بچه ها بدو خواهر اصلی اعم از اینکه مادر یا خاله آنها باشند مادر خطاب میکنند. ولی بچه های يك برادر و يك خواهر همدیگر را پسر عمو و دختر دایی و غیره میدانند و این بچه ها به آن خواهر و برادر اصلی عمه و دایی خطاب میکنند. این ارتباطات چو در تمام بومی ها دیده میشود صرف یکنوع عبارت سطحی نیست بلکه عملا هم دیده میشود که این نسبتها از نظر ارتباط اجتماعی هم موضوع خارجی دارد. در بومی های جزیره هاوایی خانواده هایی که يك مرحله پست تر است دیده میشود. در آنجا بچه های يك برادر و يك خواهر هم بهم برادر و خواهر خطاب میکنند. مورگان عقیده دارد پس باید يك نوع خانواده هم قبل از مرحله خانواده بومیهای هاوایی موجود باشد بقسمی که میتوان شروع و تکامل ارتباطات خانوادگی را بدین ترتیب بیان کرد. در دستجات اولیه ابتدا زناشویی دسته جمعی وجود داشته است. بنظر نمی آید که این زناشویی اولیه عاری از نظم و ترتیب باشد اگر هم بوده خیلی کوتاه بوده است و از آن اثری عملا دیده نمیشود ولی برعکس چنانکه از ارتباط خانوادگی بومیهای هاوایی و بعد از آن بومیهای امریکا و هند بر میآید ابتدا زناشویی دسته جمعی اینطور بوده است که در يك گله انسان افراد يك نسل یعنی برادر، خواهر، پسر عمو، دختر عمو، پسر دایی و با هم زناشویی جمعی داشته اند ولی زناشویی این نسل با نسل پیر قبل و یا نسل جوان بعد که اطفال همین نسل باشند ممنوع بوده است (بومیان هاوایی). علت این منع بطور واضح اختلاف سن است. یکدوره بعد زناشویی محدودتر میشود و زناشویی برادر و خواهر منع می گردد یعنی در يك نسل همه مردها شوهر های همه زنها بوده اند جز خواهران تنی خود.

برادر بهم برادر و خواهر خطاب میکنند و این بچه ها برادر های اولی را اعم از اینکه پدر یا عمو باشند پدر میدانند. همینطور بچه های دو خواهر بهم برادر و خواهر و این بچه ها بدو خواهر اصلی اعم از اینکه مادر یا خاله آنها باشند مادر خطاب میکنند. ولی بچه های يك برادر و يك خواهر همدیگر را پسر عمو و دختر دایی و غیره میدانند و این بچه ها به آن خواهر و برادر اصلی عمه و دایی خطاب میکنند. این ارتباطات چو در تمام بومی ها دیده میشود صرف یکنوع عبارت سطحی نیست بلکه عملا هم دیده میشود که این نسبتها از نظر ارتباط اجتماعی هم موضوع خارجی دارد. در بومی های جزیره هاوایی خانواده هایی که يك مرحله پست تر است دیده میشود. در آنجا بچه های يك برادر و يك خواهر هم بهم برادر و خواهر خطاب میکنند. مورگان عقیده دارد پس باید يك نوع خانواده هم قبل از مرحله خانواده بومیهای هاوایی موجود باشد بقسمی که میتوان شروع و تکامل ارتباطات خانوادگی را بدین ترتیب بیان کرد. در دستجات اولیه ابتدا زناشویی دسته جمعی وجود داشته است. بنظر نمی آید که این زناشویی اولیه عاری از نظم و ترتیب باشد اگر هم بوده خیلی کوتاه بوده است و از آن اثری عملا دیده نمیشود ولی برعکس چنانکه از ارتباط خانوادگی بومیهای هاوایی و بعد از آن بومیهای امریکا و هند بر میآید ابتدا زناشویی دسته جمعی اینطور بوده است که در يك گله انسان افراد يك نسل یعنی برادر، خواهر، پسر عمو، دختر عمو، پسر دایی و با هم زناشویی جمعی داشته اند ولی زناشویی این نسل با نسل پیر قبل و یا نسل جوان بعد که اطفال همین نسل باشند ممنوع بوده است (بومیان هاوایی). علت این منع بطور واضح اختلاف سن است. یکدوره بعد زناشویی محدودتر میشود و زناشویی برادر و خواهر منع می گردد یعنی در يك نسل همه مردها شوهر های همه زنها بوده اند جز خواهران تنی خود.

بوسیله دیالک تیک تمام طبیعت برای متفکر يك موجود متعادل شکل واحدی میشود

پس از این دوره مرحله جفت بودن مرد و زن (اعم از اینکه يك مرد و چند زن و یا يك زن و چند مرد باشد) و پس از آن مرحله مونوگامی یعنی زناشویی يك مرد با يك زن دیده میشود. مطابق تشریحات سابق الذکر تشکیل خانواده خصوصی با وجود گله متضاد است. واقعا هم تشکیل خانواده جفت و مونوگامی وقتی دیده میشود که اجتماع بشر باندازه کافی ترقی کرده محتاج وجود گله نیست.

بتدریج بواسطه زیاد شدن اقوام دیگر زناشویی جمعی کمتر شده زناشویی جفت شروع میشود. زناشویی يك مرد و چند زن و یا يك زن و چند مرد جزء این نوع زناشویی است. در تمام این ادوار زن محترم و رئیس است و برخلاف ادعای جهان کنیز مرد نبوده و در دستگاہ خانواده عمومی زن فرمانده بوده است. زنها در يك خانواده عمومی ثابت بودند و حال آنکه ممکن بود مردی را از يك خانواده بیرون کنند و مجبور شود بخانواده عمومی دیگر برود.

جفت شدن زناشویی بدین ترتیب است که زنها حق پیدا میکنند خود را از جامعه برای يك مرد معین بخرند.

در امریکا زناشویی جفت آزاد آخرین نوع زناشویی است ولی در قاره قدیم مونوگامی شروع شده است. علت مادی این قضیه اینست



مفهوم معاشقه بمعنی «رومانتیک» آن که بمیل تناسلی بشریک حال عرفانی و کبریائی میدهد درمهد مونوگامی ظاهر میشود و عشق بمعنی دوره تمدن در دوره های وحشی و نیم وحشی گری موجود نیست. در زناشویی جمعی دوره توحش هم البته انتخاب جفت وجود داشته ولی بحال معاشقه قرون وسطی نبوده است.

چنانکه واضح است در دوره وحشی و نیم وحشی گری قدرت زن در خانواده بنوبه خود بیشتر از مرد و هر کدام در شعبه کار خود (مرد در جنگل و زن در خانه) ارباب و فرمانده بوده اند. با شروع دوره تمدن زن آلت تولید بچه و حفظ اموال برای شوهر خود میشود. دائره زناشویی جمعی بتدریج کوچکتر و بالاخره معدوم میشود ولی فقط برای زن. امروز هم در حقیقت هنوز مونوگامی نیست. خیانت به زناشویی اگر از طرف زن باشد کاملاً مخالف با اخلاق و منتحق مجازات شدید است ولی برای مرد ایراد مهمی نیست (اگر جزء افتخارات شمرده نشود). در قرون وسطی مونوگامی با از دواجهای اجباری که در نتیجه سیاست های خانوادگی پیدا شده بود دوتقرراً بوسیله یک کاغذ پاره که در عین حال یک زنجیر محکم اجتماعی بود تا آخر عمر دوچار یکدیگر می نمود. در قرون معاصر ظاهراً انتخاب معاشقه در کار است ولی اقتصادیات مانند سیاست خانوادگی قرون وسطی در حقیقت این اختیار را نیز به اجبار تبدیل نموده است. این فشار اجبار مخصوصاً به زن وارد میشود زیرا زن تحت تسلط مادی مرد است. در ایندوره هام برای مرد ولی مخصوصاً برای زن زناشویی محصول و نتیجه محبت نیست بلکه محبت مجبور است که در ضمن زناشویی اجباری تولید شود. این نوع مونوگامی بطور ضروری با فحشاء لازم و ملزوم یکدیگرند یعنی این نوع زناشویی اجباری که ظاهراً بطور انتخاب بین یک زن و یک مرد صورت میگیرد قهراً فحشاء را تولید میکند. نه فقط روحیه و ارزش اجتماعی یکدسته معین از زنها (فواحش) خیلی پائین میاید بلکه روحیه

که بتدریج تمول خصوصی افراد زیاد شده محتاج سرپرستی است. زن در خانه سرپرست اموال مرد است. از اینجا معلوم میشود که زناشویی دسته جمعی مقارن با دوره توحش، زناشویی جفت (با تضمین حالات تعدد زن برای یکمرد یا تعدد مرد برای یک زن) معاصر با دوره نیم وحشی و مونوگامی (تعلق یک زن بین مرد) از آثار دوره تمدن است. در دوره های وحشی و نیم وحشی اقتدار و اهمیت زن بیشتر بوده بهین جهت عده زیادی ربه النوعها و خدایان زن وجود داشته اند.

اهمیت حقیقی زن در دوره های مزبور بر مراتب بیش از احترامات ظاهری «خانم» های عروسک ماب دوره تمدن است. با شروع مونوگامی و دوره تمدن تسلط مرد بر زن نیز شروع میشود (رجوع به کتاب ادیسه از همرا در ایندوره بهلوانان (مرد) اهمیت درجه اول را دارند. پیدا شدن غلامان در طرز تولید اجتماعی عامل مهم در این اوضاع قرون قدم بوده است زن دائمی یک حال اسارت را مانند غلامان پیدا میکند در صورتیکه در دوره های وحشی و نیم وحشی گری زن هم مثل مرد آزاد بوده است. بمجرد اینکه تملک خصوصی در زناشویی پیدا میشود نقطه کاملاً مقابل آن که فحشاء و عمومیت کامل زن باشد ظاهر میگردد. هر قدر مونوگامی در ظاهر شدید تر میشود فحشاء هم قویتر میگردد تا آنکه در شهرهای بزرگ «متمدن» صنف مهمی از زنها که جامعه تمام خواص انسانی را جز هیکل از آنها سلب کرده است، بعنوان صنف فاحشه دیده میشود.

بنابراین شرایط موجود در این جوامع غلط سبب ایجاد فحشاء است که از یکطرف بواسطه فقر مادی و از طرف دیگر بواسطه حالت مخصوص مونوگامی عده از زنها را مجبور میکند که با همومیت دادن کامل (بلا شرط) زنی خود فقط در مقابل پول اعاشه کنند.

اصلاح این مرض اجتماعی باید با سایر اصلاحات که از ریشه و اساس در جامعه صورت خواهد گرفت توأم باشد.

طبیعت مقصودی را تعقیب نمیکند چون داشتن هدف از خواص موجود ذی شعور است. تمام تغییرات طبیعت علت و معلولی است.

تمام مرد ها تنزل فاحش میکنند . الواطی و لهو ولعب اجباری تمام مرد ها را مبتلا میکند . برای تغییر این وضعیت باید اوضاع مادی تغییر کند . زن باید با مرد دارای حقوق مساوی اجتماعی باشد . غرس این نیست که زن عین مرد باشد بلکه اینست که زن بعنوان متخصص در يك رشته از کار های اجتماعی دارای تمام حقوق متخصصین دیگر باشد و انتخاب هر نوع تخصص برای وی ممکن گردد . در اینصورت ممکن است مونوگامی حقیقی یعنی تعلق حقیقی فقط بیک مرد به فقط بیک زن حقیقته وجود خارجی پیدا کند زیرا فقط در این صورت ممکن است يك طرف از اسارت طرف دیگر خلاص شده عقد و طلاق آسان بر روی میل تناسلی دو طرف باشد .

پس از آنکه از يكطرف تکامل طرز تولید و از طرف دیگر تکامل خانواده را فهمیدیم به تکامل دستگاه فوقانی اجتماع توجه مینمائیم .

جامعه از افراد تشکیل یافته است . اما هر صورت بفرنجی که از احاد تشکیل یافته است دو حالت ممکن است داشته باشد . حالت اول اینکه احاد در تشکیل صورت مرکب عمل شبیه و متساوی انجام دهند مانند دانه های کبریت داخل يك قوطی کبریت و بادانه های گندم يك خروار غله ولی نیز عکس است وظیفه و عمل احاد با هم متفاوت باشد مانند سلولهای که بدن انسان را تشکیل داده اند . ما این نوع صورت های مرکب را **دستگاه مینامیم** و جامعه نیز يك دستگاه است و عمل اجزاء مرکب کننده آن کاملاً یکی نیست . هر فرد جامعه با فرد دیگر از حیث ارتباط و وسائل تولید با افراد دیگر فرق دارد . یکی پدر خانواده ، دیگری زن و امیر و محکوم رئیس خانواده ، یکی فروشنده کار خود بوسیله عمل زراعت ، دیگری صاحب گاو و زمین یعنی وسائل تولید . یکی صاحب سهام يك کارخانه و دیگری مزدوران کارخانه است . یکی فروشنده و دلال دیگری مأمور اجرای تبلیغات برای حفظ منافع طبقه مخصوص

بشت کرسی کلیسیا و مسجد است . تمام این افراد با کار های متنوع خود دستگاه جامعه را تشکیل میدهد . پس جامعه را میتوان چنین تعریف کرد: **جامعه در فاصله مهین از زمان و مکان دستگاهی است که ارتباط مادی متقابل افراد را در این فاصله از زمان و مکان در بر دارد این ارتباط متقابل است و در مدت زمان مهین دوام دارد .** اساس این ارتباط کار است . کار از يكطرف وسیله ارتباط افراد در جامعه از طرف دیگر وسیله ارتباط جامعه با طبیعت است . لوازم زندگی بشر در طبیعت بحالت حاضر و آماده موجود نیست بلکه بشر بوسیله کار آنها را به صورت قابل استفاده در می آورد و این رابطه جامعه وی با محیط مادی است . از طرف دیگر کار لازم برای تولید محصولات اجتماعی ما بین افراد بطرز مهین تقسیم میشود و این تقسیم کار و محصول آن ارتباط بین افراد را نشان میدهد .

فهمیدیم که فرد و اجتماع باهم فقط رابطه جزء و کل را ندارند بلکه جامعه دستگاهی است و هر فرد در داخل آن مقام و موقعیت مشخصی دارد . همانطور که از توده کردن بیج و مهره و چوب و جرم يك ماشین بوجود نمی آید بلکه هر جزء هر چرخ باید در مقام خود قرار گیرد ، از توده کردن افراد نیز جامعه تشکیل نمیشود . هر فرد را نمی توان مجزی خارج از جامعه و مستقل فرض کرد . خاصیت فرد وقتی مشخص میشود که مقام آن در تمام دستگاه جامعه مهین باشد . چون انسان همواره اجتماعی بوده پس اجتماع همیشه مهند نشو و نمای بشر بوده بنابراین باسانی می توان فهمید که انسان همواره تحت تاثیر عوامل اجتماعی که مافوق فرد است بوده و این آزادی روح ، پرواز روح مجرد باسمانها و لاطائفات دیگر عرفا صرف بواسطه جهل آنها نسبت به بشر و اجتماع است . اما از طرف دیگر نباید اشتباه تصور کرد که اثر فرد در جامعه صفر است . البته اجتماع از افراد تشکیل یافته است و خصوصیات روحی و شخصی افراد هر قدر

دیالک تیک اختلاف کیفی دو قطب جذب کننده را در طبیعت باختلاف کمی مبدل نموده بدین ترتیب تضاد را معدوم میکند .



ترتیب يك طبقه و يك جامعه دارای يك فكر طبقاتی و یا اجتماعی است که اکمل تجلیات و تظاهرات خاصیت روحی بشر است . بواسطه وجود این تظاهرات است که دیده می شود جامعه علاوه بر بی و بنیان اصلی که دستگاه تولید و ارتباط کار باشد يك دستگاه ارتباط فوقانی و سطحی نیز دارد که همین اکمل تجلیات یعنی مذهب و علم ، قوانین و اخلاق و بالاخره هنر باشد .

البته این دو دستگاه فوقانی و تحتانی درهم تاثیر متقابل دارند . دستگاه تحتانی یعنی ارتباط کار و تولید حکم اساس و اصل و دستگاه فوقانی حکم تظاهر ثانوی را دارد . دستگاه تولید و اوضاع مادی محیط مولد افکار ، عقائد ، عادات ، رسوم و ذوق و سلیقه است . ولی این فنومن های ثانوی دو باره نسبت بدستگاه تولید عکس العملی انجام داده در تعادل بین جامعه و طبیعت و بین اجزاء جامعه تغییرات تولید مینمایند . دستگاه تولید و کار جدید دوباره در فنومن های دستگاه فوقانی اثر می نماید و این امر بدین ترتیب دوام پیدا می کند .

اگر قدری بجامعه توجه کنیم خواهیم دید که جامعه از اشیاء و اشخاص تشکیل یافته است ولی این اشیاء و اشخاص را برای تشکیل جامعه روی هم انباشته نکردند بلکه ساختمان اشیاء و نوع ارتباط آنها با اشخاص و همچنین افکار اشخاص نسبت با اشیاء و جامعه و طبیعت بر حسب زمان و مکان متغیر است و بنا بر این اختصاصات جامعه بوسیله اشیاء ، اشخاص ، رابطه اشیاء و اشخاص و بالاخره افکار اشخاص معلوم میگردد . اشیاء و ارتباط آنها با افراد ساختمان اساسی و افکار اشخاص دستگاه فوقانی را تشکیل میدهد ولی تمام این دستگاه تحت يك تشکیلات کلی است که جامعه نامیده میشود . بنا بر این بجهت تعیین درجه تکامل يك جامعه دقیق نیست که

هم کوچک و ریز و بی اهمیت باشد بالاخره جزء عوامل مشخص اجتماع است . بنا بر این واضح می شود که محیط مؤثر در فكر است و نوع فكر در جریان جامعه باندازه خود تأثیر دار پس از عوامل خارجی و مادی محیط و مشخص جریان و تکامل جامعه است و فكر افراد در این زنجیر متوالی يك حلقه معلوم را تشکیل میدهد و ابتدا عامل اساسی نیست . افکار محدود ممکن است نتوانند بفهمند چرا ما مقام يك رهبر حزبی و سیاسی، يك سردار و یا پیغمبر را اینقدر بنظر او با این میاوریم .

البته کار این افراد نسبت بیکدیگر زیاد از افراد دیگر مهم است ولی مختصر تفکر دقیق نشان میدهد که تاجریان اجتماع که نتیجه يك تکامل طولانی است يك چنین مقام را ایجاد نکنند افراد نمی توانند منشاء اثر باشند . رهبر سیاسی وقتی موضوع پیدا میکنند که يك حزب سیاسی در کار باشد ولی حزب سیاسی در وسط کویر لوطیابین زمین و آسمان پیدا نمی شود . باید يك طبقه با منافع همین موجود باشد تا حزبی تشکیل دهد و وجود رهبری را ایجاد کند . همین حکم درباره سایر افراد صادق است . تا تکامل ماشین و اقتصاد بعد همین نرسد مخترعی با حواص معلوم ظاهر نمی گردد . از تکامل جامعه می توان تکامل فرد را کم و بیش معلوم کرد ولی عکس این عمل ابتدا ممکن نیست . جامعه دائما در تغییر و عموماً در حال تکامل بوده است .

ارتباط کار افراد قهرأ با يك ارتباط فکری همراه است زیرا اجزاء این دستگاه کار که عبارت از افراد انسان باشند شعور دارند و بنا بر این از تکاپوی جریبان انجام کار آگاه و با هم در ارتباط فکری می باهند . علت مادی تکامل نطق نیز بدین ترتیب معلوم میشود . محتویات فكر يك فرد محصول تمام عوامل محیط یعنی طبیعت و اجتماع است . بدین

**دیالیک تیک تضاد اتصال و انفصال ( توالی و عدم توالی ) تئوری موجی اترو**

کوانت ها را در يك تئوری کلی تر که تئوری دینامیک امواج باشد بر طرف میکنند .

( تئوری اخیر را فقط فکری میتوان فهمید که ماتریالیسم دیالیک تیک را بفهمد و کسی میتواند اصول

این مکتب را درك کند که در زمینه طبقه که این نظریه رهبر اجتماعی اوست بایستد )



بالتر از تمدن امروز است «شوی نیسم» و کهنه پرستی و ارتجاع است. حال به آثار فکری بشر که دستگاه فوقانی نامیدیم توجه مینماییم.

تشکیلات سیاسی و اجتماعی حد فاصل بین قضایای دستگاه تولید و تمدن فکری است. تمدن فکری شامل سیاست، آداب و رسوم و حقوق و قوانین، مذهب، فلسفه، علم و هنر (صنایع ظریف) است. تاریخ اجتماع بشر تاکنون تاریخ نزاع طبقات بوده است یعنی در داخل یک جامعه اختلاف طبقات و اختلاف منافع طبقاتی وجود داشته است. حکومت دستگاهی است که بوسیله طبقه قویتر تشکیل شده استیلا آن را بر طبقه زیر دست تأمین مینماید. تشکیلات قانون گذاری، قضائی رهبری تعلیم و تربیت و ذوق هنری تحت قدرت دولت است. بنابر این واضح است که در جامعه طبقاتی، قوانین، طرز حفظ حقوق، آداب و رسوم، مفهوم های خوب و بد، زشت و زیبای اخلاقی، تولیدافکار در اطفال و افراد و ذوق صنایع ظریف نیز تمام طبقاتی بوده بفتح طبقه معین خواهد بود. نباید ایده الیست شده تصور کرد که چنین دستگاه خوشی و سعادت تمام افراد را تأمین مینماید. یک ملت یک دستگاه متحد و بکنواخت نیست. در داخل ملت طبقات و منافع متضاد آن هارا و نسبت اکثریت و اقلیت آنها را باید در نظر گرفت. جنگهای بین دولت که در تاریخ دیده میشود جنگ بین طبقات مقتدر دولت است و اینجا هم اختلاف منافع مادی مولد این جنگهاست نزاع های تاریخ بر خلاف عقائد فاشیست های بیچاره نزاعهای نژادی نیست زیرا چه بسا نژاد های متفاوت بواسطه اشتراك منافع مادی با هم میسازند (آلمانی و فرانسوی در سویس) و چه بسا ملل هم نژاد بر سر اختلاف منافع میجنگند (امریکا و انگلیس و همچنین چین و ژاپون) در دستگاه فوقانی جوامع طبقاتی غیر از حکومت مهمترین تشکیلات عبارت از

یک رشته باریک قضایای اجتماعی را اساس مقایسه قرار دهیم. مثلا کاملا غلط نیست اگر کسی مقدار صابون یا کاغذی را که در زمان معین در جامعه مصرف میشود مبداء مقایسه قرار دهد ولی این سنجش کاملا دقیق هم نیست زیرا هر یک از اینها یک جزء از اوضاع اجتماعی را نشان میدهند. مقایسه دقیق وقتی صورت میگیرد که ما وسائل تولید را با تمام خواص و ارتباطات اجتماعی آنها مبداء مقایسه قرار دهیم زیرا تمام فنون های اجتماعی محصول این ریشه مادی اجتماع است. یکعده بیچاره تصور میکنند تمدن هندویله ایران قدیم با آنکه در آنها وسائل تولید خیلی ناقص بود کاملتر از تمدن صنعتی امریکای امروز است. ولی اندک دقت واضح میکند دستورات اوستا، و مذاکرات رای و برهمن از نظر زندگی امروزی دیناری ارزش ندارد. فکری که آنروز بزرگ جاوه میکرد برای اطفال دبستانی امروزی ما سبک و مضحک است. نصاب و راهنمایی های جهانداری به شیردردنیای امروز که شروع به تشکیل جامعه های عاری از طبقات کرده است پوچ است. اگر فرض از تمدن آثار فکری از مننه قدیم است که برای امروز بی ارزش است و از حیث وسائل مادی هم که قضیه واضح است. از نظر ما این دو موضوع اساسا از هم جدا نمیشوند. افکار مادی دیالکتیک که قویترین و دقیق ترین دستگاه منظم فکری بشر است در زمان افلاطون یا قرون وسطی حتی در دوره صنعتی قرن هیجدهم نمیتوانست بوجود بیاید زیرا اساس مادی تولید برای این دستگاه فوقانی فکری فراهم نشده بود و برعکس مدیحه سرائی مثل قرون وسطی هم نمیتواند جزء آثار صنایع ظریفه عصر حاضر بشمار رود. اگر شما در ایران چهار نفر کاسه لیس و کلاش باهم شاعر و ادیب میشناسید نباید تصور کنید که اینها مشخص درجه تمدن امروزی هستند. اینها بقیه السیف تنزل روحی و اخلاقی پوسیده قدیم میباشد. چنانکه می بینید تمام شعب جامعه هم مربوط است و ادعای اینکه تمدن قدیم

دیالکتیک تضاد زمان و مکان را در فرضیه نسبی از میان هیبرد. این فرضیه بایستی بدست ماتریالیسم دیالکتیک تکمیل شود.



و آداب این دوره نیز بنوبه خود در دوره بعد  
نسخ میگردد

در يك جامعه بی طبقات قوانین و آداب  
و رسوم و اخلاق جنبه طبقاتی خود را از دست  
میدهد و آنچه که فقط برای حفظ منافع طبقاتی  
است از میان میرود .

يك مثال واضح و يك موضوع آزادی  
است . بشر چون حیوان اجتماعی است میل  
های اجتماعی دارد و در تشکیلات جامعه ولو  
بطور نادانسته موثر است . اما جامعه و این شعور  
اجتماعی بشر دائما در تغییر است و دیالکتیک  
اجتماع در همین تضاد تازه با کهنه است . يك  
سلسله نزاعهای منظم تازه با کهنه وجود دارد  
فکر تازه برای اینکه بتواند اثر خود را ظاهر  
کند طرفدار آزادی عقیده میشود و مطبوعات  
و نطق میشود . فکر کهنه که طرفدار جمود  
و عدم تغییر است با آن مخالف میگردد ، بنابراین  
آزادی ریشه مادی اجتماعی دارد . در انقلاب  
فرانسه ثومالیسم کهنه پرست مخالف و بورژوازی  
تازه نفس طرفدار آزادی بود . آزادی از  
مقدسات بشمار میرفت فداکار های اجتماع در  
راه آزادان قبل میدادند .

آزادی پرستش میشد . ادبیات قرن هجدهم  
فرانسه تقریبا تمام وقف بیان این موضوع بود  
اما در دوره های جدید جان آن تازه نفس ها کهنه  
پرست میشوند و چون طبقه تازه نفس جدید  
از آزادی برای پیشرفت خود استفاده مینماید  
آزادبخواهان دبروز مخالف اصول پارلمانی و  
آزادی میشوند .

دلایل فلسفی برای خر کردن میتر اهند  
میگویند اکثریت بشر جاهل است باید جامعه  
را مانند يك کله گوسفند اداره کرد . پارلمان  
منشاهفساد است . فاشیسم به مجرمین سیاسی یعنی  
اشخاصی را که جانی و خائنی نبوده بلکه با  
کمال شرافت و فداکاری طرفدار يك عقیده  
(خواه صحیح و خواه غلط) میباشد بدون محاکمه در  
محبس های جدید الا اختراع هزاران نفری شکنجه دادن  
و کشتن بصلاح جامعه میدانند اینها مخالف حقوق «ازیل»

احزاب طبقاتی است و علاوه بر این تشکیلات  
صنفی (مانند اتحادیه مهندسين ، اطباء و غیره)  
نیز جزء این نوع آثار فکری دستگاه فوقانی  
است .

در جامعه بی طبقات حکومت بخودی  
خود میبیرد و تشکیلات جزئی طبقاتی از میان  
میرود ولی يك سلسله تشکیلات بجهت تنظیم عمل  
تولید و تقسیم ایجاد میشود . در این تشکیلات  
تمام افراد شرکت مینمایند . پس بجاست که  
شمار جدید «اداره کردن بدست صنف مدبر  
و تربیت تمام افرادی برای شرکت در صنف  
مدیر» باشد .

دیگر از اکمل تجلیات و آثار فکری  
عادات ، رسوم ، قوانین و اخلاق است . واضح  
است تمام این فنون های اجتماعی نیز تا کنون  
تحت تاثیر مهترین عامل قوی اجتماعی یعنی  
اختلاف طبقات و مطابق با سبب زحمت تولید و  
استفاده از تقسیم محصول بوده است . بتمام  
قوانینی که در دوره های مختلف بین مال متذوق  
وضع شده است رجوع کنید با اندک توجه  
خواهید فهمید که تمام آنها برای حفظ منافع  
يك طبقه است و جنبه مطلق ندارد . شاید يك  
عده بیچاره عدل را يك مفهوم مطلق و عدلیه ها  
را تشکیلات آسمانی بدانند ولی اگر در عدالت  
محکمه های مختلف توجه کنید خواهید دید يك  
نفر در مقابل يك محکمه بعنوان قتل و دزدی  
و فساد محکوم باعدام میشود ولی در يك محیط  
یا دوره دیگر مجسمه همان شخص بعنوان اینکه  
از با شرف ترین افراد بشر بوده است برپا میشود .  
دلیل این امر چیست؟ بطور واضح دلیل قضیه  
اینست که این محاکم طبقاتی و این عدل نسبی  
میباشد حتی کوچکترین آداب و رسوم مانند کلاه  
گذاشتن یا کلاه برداشتن ، لباس دم دار ، مخصوص  
(فراك) را ، لباس مجامع مخصوص قرار دادن و نظائر اینها  
تمام طبقاتی و نسبی میباشد .

طریقه تعیین حق بوسیله دوئل یا طرز  
تربیت بچه امیر های دوره ثودالیسم در دوره  
بورژوازی مورد تمسخر واقع می شود و قوانین

دیالکتیک تضاد بین ماده و انرژی را در فورمول  $\Delta m = E/c^2$  از میان  
میبرد  $\Delta m$  تغییر جرم جسم متحرک ، E انرژی آن و c سرعت نور .



هستند یعنی میگویند ممالک باید فراریان سیاسی را بهم رز کنند تا سرانهادر ممالک اصلی خودشان در کمال راحتی پدیده شود . خلاصه همان عقیده آزادی مقدس دیروز امروزه جزء جنایات درجه اول و در شماره اعمال مذموم مانند قتل و سرقت و غیره است . بدبختی امروزی بشر دیگر کمتر با سبیلهای امراض و یا خطر های طبیعی مانند زلزله و طوفان است بلکه این عوامل داخلی اجتماع بزرگترین سهم میباشند و تمام افراد بشر باید ابتدا بر ترفع آنها بپردازند

حال مذهب و علم که جز فنون های دستگاه فوقانی جامعه است توجه مینمائیم . بشر از تکامل موجود است زنده حالت فعلی خود را پیدا کرده است کسی قبل از اینکه استدلال کند و قضایا را بهم ربط دهد دارای خواص حیوانی و نباتی و جمادی داشته یعنی مثلا گرسنه میشده و با حرکت انکس و ازادی مفید را برای حفظ فرد و نسل جلب و مضر را دفع مینموده است و همین اعمال و تجربیات اساس علم و اطلاع وی است یعنی اول عمل کرده بعد علم پیدا کرده است بواسطه ملاحظات و تجارب متعدد که ناشی از احتیاجات مادی وی است بشر به ارتباط بعضی قضایای طبیعت مانند تاب و شبانروز فصول زبادی باران در بهار و زرد شدن درختان در خزان ، مردن و غیره متوجه شده است . در ضمن یکسلسله قضایای اقلایی نیز مانند رعد و برق و نظایر آنها توجه بشر را جلب کرده است . قضایای شبیه به ناخوشی ، تولد و مرگ نیز از نظر زندگی مادی بشر مهم بوده توجه وی را جلب می نموده است بطور خلاصه در درجه اول مادیات و احتیاجات زندگی و درجه دوم بعضی اتفاقات بشر را مجبور بملاحظه و کشف روابط بین قضایای طبیعت نموده و بدین ترتیب علم تشکیل شده است . پس مادیات زندگی مولد اساسی علم است . اما یک سلسله قضایای دیگر نیز بنوبه خود در نوع

تکامل علم تاثیر مینماید . زیاد شدن تعداد تجارب و ملاحظات قهرا بشر را مجبور بطبقه بندی آنها و ترکیب آنها و استنباط قوانین و اصول کلی استنتاج از اصول کلی مینماید . در عین حال این تکامل در مذهب و اجتماع صورت میگیرد . اجتماع خود دارای طرز تولید و طبقات معین و مشخص است . آیا در ترکیب اطلاعات تجربی و استنباط قوانین کلی ممکن است که عوامل اجتماعی بلا تاثیر باشد؟ البته نه . یعنی عقاید کلی از یک طرف محصول همان ملاحظات مادی روزانه و از طرف دیگر محصول حالت اقتصادی جامعه است . این عقاید کلی که بدین ترتیب تشکیل میشود البته متوازی با عوامل مولد خود یعنی تجارب بشر و نوع رژیم اقتصادی و اجتماعات ولی تکامل دیالکتیک پیدا میکند . عقاید کلی ابتدا بصورت میتولوژی بعد مذهب ، پس از آن فلسفه و بالاخره بحالات اصول منطقی و دیالکتیکی علم در میآید چنانکه واضح است بیولوژی ، مذهب ، فلسفه ، و علم نیز مانند تمام شعب دیگر دستگاه فوقانی اجتماع محصول مادیات محیط میباشند .

در دوره صیادی و ماهیگیری افکار بشر خیلی مادی است و هنوز مستقیما با قضایای طبیعت مواجه است و دوچار فلسفه بافی نگردیده است و قتیکه در سطح زمین امراء کوچک بر قبایل فرمانروایی میکند بشر هم بارباب انواع و خدایان متعدد معتقد است . چون در زندگی روزانه خود ، مرگ افراد دیگر بشر و حیوانات را می بیند و علم وی باندازه نیست که بداند روح و حیات از خواص ماده است لاجرم بوجود یک موجود مستقل و لطیف که روح باشد اعتقاد پیدا میکند . اعتقاد بقاء روح بزرگان ، اجداد ، خدایان و انتقال آن از یک جسد بجدد دیگر از همان دوره نیم وحشی شروع میشود . تنوژی و عرفان امروز باتمام عبارت بردازها از معتقدات دوره بشر نیم وحشی قدمی جلوتر نرفته است .

تمام خصوصیات جامعه بشر منوط به وضع مادی آن ، طرز تولید و تقسیم اقتصادی است . بنا بر این ما دستگاه تولید و تقسیم را « پایه » و خصوصیات دیگر جامعه مانند علم ، مذهب ، سیاست ، هنر و غیره را « ساختمان فوقانی » مینامیم . ساختمان فوقانی اجتماع تابع پایه آنست .



و قتیکه رژیم اقتصادی در سطح زمین عوض میشود ملوک الطوائفی از میان رفته امپراطورها و سیاست‌های جهانگیرانه پیدا میشود رئیس‌رب‌النوع‌ها مانند امپراطور زمین مقتدر، جبار، گاه مهربان و گاه خشمگین است. در این دوره‌ها و دوره فلسفه ایده‌آلیسم بشر فقط بکمک عقیده می‌خواهد توانین کلی را قبول کند و حال آنکه در دوره علمی دانستن و کشف روابط علت و معلول مورد توجه بشر است.

پیدایش و خصوصیات میتولوژی و مذهب نیز مانند سایر شعب تجلیات کامل روحی منوط بوضع مادی جامعه است. یعنی تشکیلات مذهب در دوره ملوک الطوائفی با سرمایه داری اعم از کلیسیا و معبد و غیره با درجات روحانی با بودجه و غیره با هم فرق داشته است هر قدر جامعه صنعتی معاوضه جلوتر میرود و حاکمیت شخصی در زمین غیر محسوس تر و اثر عوامل مهم (مانند پول) سری تر میشود خصوصیات شخصی رب النوع مقتدر دوره فئودالیسم محو تر و حالت وی روحانی تر میگردد. عالم نیز مانند بازار تجارت بک عامل مؤثر مخفی غیر مرئی که نوع و علت تاثیر آن بر بشر مجهول است پیدا میکند. مکتب مادی همه جا با نهایت دقت تاثیر اقتصاد جامعه را در خصوصیات عقائد مذهبی نشان میدهد. بک موضوع باستی با کمال دقت در مد نظر گرفته شود. اغلب دیده میشود که در معنی دقیق و اصطلاح کلمات را درهم مینمایند. این امر در باره مذهب نیز صادق است. باید جدیدت کرد مفهوم کلمته مذهب با نهایت دقت از مفهوم کلمات «فلسفه» و «علم» جدا شود. مذهب عبارت از بک دستگانه عقیده است که به ارث از نسل به نسل انتقال می یابد و با آنکه حقیقته دائم‌آدر تغییر است، معتقدین و پیشوایان آن آنرا جامد و دائم‌اصحیح و لا یتغیر میدانند. این مجموعه عقائد بک سلسله عبادات مانند قربانی دعا و غیره برای پیروان خود وظیفه قرار میدهد. اجرای این اعمال محتاج بک سلسله تشکیلات اجتماعی

است که کارکنان آن بک صنف مخصوص یعنی صنف روحانی را تشکیل میدهند. پس دستگانه عقائد شامل عبادات که توسط تشکیلات روحانی اجرا میشود مذهب است. اگر کسی بخواهد این کلمه را بمعانی دیگر بکار برده مفهوم دیگر برای آن قائل شود و پس از اخذ نتیجه دوباره آنرا بمعنی اولی استعمال کند مطلقه کرده است. غرض از این تذکر اینست که از مطلقه جهانی که مثلاً تئوری اتم با شور و وجدان اجتماعی بشر را که حس حفظ بقاء است مذهب می نامند جلوگیری شود.

در عقاید مذهبی مطابق با خصوصیات تبدیلی احترام، پرستش، شخص پرستی و غیره وجود دارد.

دوره نظریات کلی که از تکامل مذهب تشکیل میشود دوره فلسفه است که نیز یکی از اکمل تجلیات بشر یعنی جزء دستگانه فراقانی است، پس از آنکه تعداد اطلاعات بشر زیاد شد احتیاج به طبقه بندی و تممیم آنها پیدا می شود، و فلسفه بعنوان علم علوم ظاهر میشود چون فلسفه ارتباط مستقیم با مادیات ندارد فقط تجزیه دقیق علمی میتواند ارتباط دقیق آنرا با مادیات نشان دهد، اولاً فلسفه اطلاعات بشر را عمومیت میدهد پس اطلاعات علوم جداگانه در نوع آن دخالت اساسی دارد. اما پایه هر بک از علوم منوط بدرجه تکنیک و تمدن بشر است از طرف دیگر تکامل تکنیک تحت تاثیر اوضاع اجتماع و احتیاج به وسائل تولید معین است. بالاخره آن فکری که می‌خواهد اطلاعات را عمومیت دهد جزء بک طبقه از طبقات جامعه و تحت تاثیر عقائد اسلاف و طبقاتی است بنا براین نوع افکار فلسفی کاملاً محصول اوضاع مادی محیط و اجتماع است.

دوره میتولوژی بدوره مذهب و این یکی بدوره فلسفه تکامل پیدا می کند. در دوره فلسفه (به معنی اخص) تمام علوم جزء فلسفه است

نزاع طبقاتی اختراع مکتب مادی نیست بلکه واقعا وجود دارد و مکتب مادی آنرا کشف کرده است.



ملت واحد با روحیات و ایده نولوژی بکنواخت تشکیل دهد. روحیات و ایده نولوژی هر طبقه محصول وضعیت اجتماعی و مادی و سیاسی و اقتصادی آن طبقه است. بدیهی است که در صور بفرنج دستگا، فوقانی میتوان خطوط مشخص فنومن هارا معلوم کرد.

حال به نوع دیگر از فنومن های دستگه فوقانی که هنر (صنایع ظریف) باشد متوجه میشویم. در این باب به مقاله «هنر و ماتریالیسم» شماره اول نیز رجوع شود. هنر عبادت از يك قطعه مرکب مادی است (اعم از اینكه اجزاء ترکیب خطوط، الوان، اجسام بااصوات وغیره باشد) که وسیله سرایت و انتقال احساسات است. پس يك قطعه هنر اجزاء مادی دارد که با هم به ترتیب زمانی و مکانی معلوم ترکیب شده در شخص معین احساس مخصوصی را ایجاد مینمایند. ایده ایست ها در اینجا به حساب خود شان يك اسلحه تیز بر علیه مکتب مادی پیدا کرده اند. میگویند لذت از زیبایی تصویر صورت جوزا در آب يك دریاچه صاف که از پشت درختان دیده میشود و یا دانه های باوری برف قله دماوند که در مقابل مهتاب درخشیده هنگام شب چشم سیاح کره گرد را متوجه عظمت و زیبایی این قله مهیب میسازد، شورو هیجانی که از شنیدن فلان شعر یا قطعه موسیقی تولید میشود چه جنبه مادی دارد؟ برای يك فکر دقیق منطقی تحقیق ارتباط مادی قطعات هنر هیچ اشکال ندارد. یکی از شعب هنر مثلا موسیقی را که خیلی دور از مادیات به نظر میاید توجه میکنیم. يك سنفونی از «بتون» يك شاهکار هنر موسیقی است که در گوش تمرین کرده و تمدن تاثیر بسیار قوی میکند حال به بینیم این قطعه هنر چطور محصول مادی محیط است.

اولا ساختمان بیان، ارك و يك سلسله دیگر از اسبابها بدرجه تکنیک جامعه بستگی دارد. ثانیا یکدسته اشخاص آنها را مبترازند که تشکیلات جامعه بدانها اجازه و امکان داده است فقط متخصص این کار باشند. فقط وقتی

ولی بعد چون میدان هریک وسیع می شود از فلسفه جدا می شود.

از آن به بعد دوره علمی شروع میگردد. ما در دوره علمی زندگی می کنیم. اختصاص دور علمی اینست که فیلسوف به معنی قرون وسطی و قدیمه نمی تواند موجود باشد زبرادانه علم بقدری وسیع است که يك فرد نمی توانسد تمام علوم را بطور دقت بداند ولی برای فهمیدن و بحث دقیق نتایج کلی باید اقلا يك علم اختصاصی را بخوبی دانست. از طرف دیگر تخصص در يك فن بدون آشنائی به اصول کلی افراد بشر را به ماشین های بی شعور تبدیل میکند پس قهراً فلسفه لفاظی از میان رفته هر علم با اصول کلی و فلسفه آن علم تحصیل میشود. در جدید ترین جامعه ها فلسفه همراه علوم اجتماعی اقتصادی، بسیکولوژی، بیولوژی شیمی، فیزیک و ریاضی تحصیل میشود. از این معلوم میشود که مهمترین مناظر دستگه فوقانی در جامعه امروزی بشر تشکیلات علمی یعنی دارالعلم ها لابراتوار ها، کتابخانه ها و غیره است و طرز تحقیقات علمی و صنعتی که در مقاله مخصوص بدان اشاره خواهیم کرد درجه تمدن بشر امروز را نشان میدهد. مهد علم قرن بیستم (که فلسفه هم جزء آن است) دیگر گوشه اطاق فیلسوف منحنی یا صومعه عارف نبوده بلکه فضای کارخانه و لابراتوار و مزرعه است از این مشروحات واضح میشود که عقائد کلی بواسطه خاصیت روحانی بشر پیدا نشده از تجارب روزانه بوجود میاید. غرض از عقائد کلی يك دستگه کلی از افکار، احساسات و قوانین رفتار و عمل است. هر دستگه عقائد کلی که در يك جامعه شیوع یافت روحیات جامعه نامیده میشود و اگر تدوین شده حالت منظم بخود گرفت بدان در اصطلاح علمی «ایده نولوژی» اطلاق میگردد. در جامعه طبقاتی ممکن نیست که تمام طبقات دارای روحیات و ایده نولوژی مساوی باشند. فقط فاهیم کوه نظر میتواند اشتباها تصور کند که يك جامعه با وجود تمام اختلافات طبقاتی ممکن است يك

تضاد ه ناع مادر ه دیشفت است.



و آن فکری که این قطعه در آن اثر مینماید اگر با هم ارتباط و توافق مخصوص پیدا کردند احساس مزبور ایجاد میشود. هم آن قطعه و هم نوع احساس و شخص احساس کننده تابع صرف قوانین مادی محیط میباشد. ترکیب الوان خواه بواسطه مفید بودن، یا غرابت بنا تولید احساسات شبیه با احساسات آزادی، موفقیت و غیره تاثیر هنری خود را انجام میدهند. عامل مهم در تاثیرات موسیقی اثر آن از نظر تناسلی است که به این بولوزی آن باید بهتر تدقیق شود.

از آنچه که گفته شد معلوم میشود علت زیبایی را در ارزش قطعه هنر (از نظر مفید بودن برای حفظ بقاء فرد یا نسل) و در حالت شعور فکر متاثر شونده باید جستجو کرد. چرن تکنیک و مسائل تولید، ساختمان جامعه، افکار و عقائد افراد جامعه بر حسب مکان و دائما بر حسب زمان متغیر است پس زیبایی مفهوم نسبی پیدا کرده آن نیز مانند خود جامعه در تکامل میباشد درجه تمدن جامعه ما نیز وقتیکه جلوتر رفت بخودی خود در عده زیادی از آثار گذشته محو شدن اثر زیبایی (مخصوصا آنچه که مربوط به جامعه است) مشاهده خواهد کردید این آثار از آن ببعد فقط ارزش تاریخی خواهند داشت. آنروز ارزش مطالب مجله دنیا که امروز مورد مخالفت طبقاتی جمعی است واضح خواهد شد

که جامعه تا حد معین تکامل پیدا کرد پیداشدن یکدسته موسیقی دان و حرفت موسیقی ممکن است. ثالثا يك قطعه موسیقی دارای آهنگ و اسلوب مخصوصی است. یعنی اصوات آن دارای نظم و ترتیب معلومی است. اختلاف اصوات از حیث ارتفاع (زیر و بمی)، شدت و طنین اختلاف مقداری و مادی است. غرض از نظم و ترتیب یعنی توالی اصوات مختلف با فاصله های زمانی معین در ردیف منظم. پس آن بیچارگانی که خیال میکنند لذت، خوش آمدن، درجه زیبایی قابل اندازه گرفتن نیست اگر قدری منطق داشته باشند میفهمند که تمام اختلافات و تمام تاثیرات در همان اندازه گیری است. عدد ارتعاشات صوت در فلان محل مخصوص از آهنگ موسیقی اگر قدری تغییر کند بکلی زیبایی زائل میشود. رابعا هر قطعه موسیقی مانند هر قطعه دیگر هنر يك محتوی مخصوصی دارد. فلان قطعه موسیقی باقاشی يك احساسات معین مذهبی یا جنگی و غیره رامیخواهد تولید کند (مانند بحر رجز از بحور اشعار عربی). همین محتوی خود ارزش مادی اجتماعی دارد. شجاعت، جنگ، مذهب و غیره تمام تحت تاثیر مادیات تولید شده حالت خاص پیدا کرده اند. چنانکه گفتیم هنر قطعه است که وسیله سرایت دادن احساسات میباشد. خود قطعه هنر

## اقتصاد و سیاست اقتصادی سال ۱۹۳۴

۱ - اقتصاد عالم در سال بحران ۱۹۳۴

وضعیت تولید صنعتی - بکناخت نبودن آن در ممالک مختلف - نقصان تجارت های خارجی و شروع « از هم پاشیدن » اقتصاد عالم - بحران و دپرسیون الاحتی سال ۱۹۳۴ اعتبارات و پول در دوره دپرسیون - انفلاسیون توام با عدم اطمینان بخبرید اشیاء قیمتی - سرمایه و کار در دوره دپرسیون

۲ - خصوصیات ممالک مختلفه

آلمان و بیلان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی آن - فرانسه - بریطانیای کبیر - امریکا - ژاپن قبل از شروع مقدمته تذکر میدهم که در رژیم اقتصاد فعلی دوره های تناوبی وجود دارد. غرض از يك دوره تناوب تجارت از مدتی است که تا وضعیت اقتصاد، سابقه دوباره قرار شود طول



تکرار شود باید قاعده سکدوره رونق شروع گردد ولی چنانکه معلوم خواهد شد این دوره تناوب خصوصیات جدیدی نشان میدهد  
ضمنا تذکر داده می شود که در این مقاله اقتصاد شوروی ~~کنار~~ گسداشته شده است .

### اقتصاد عالم در سال

دبرسیون ۱۹۳۴

سال ۱۹۳۴ اولین سال دبرسیون و دارای مشخصات معین بود و نتایج مهم اقتصادی سال مزبور چه بوده است ؟

مهمترین نتیجه اینست که با وجود اینکه یکدمت بیش از ۵ سال از شروع واضح بحران و ۲۰ سال از یائین ترین نقطه بحران تناوبی اقتصاد می گذرد هنوز دوره دبرسیون دوام دارد و باستانهای چند مملکت (اسکاندیناوی و انگلیس) امیدرواج (۱) و رونق بازار برای آینده هیچ مملکت وجود ندارد . در سال ۱۹۳۴ حجم محصولات صنعتی قدری بیشتر شد . اما باید تذکر داد که قسمت خیلی جزئی از این ازدیاد نامتناسب و دائمیست و تغییر محصولات صنعتی بر بوط بقوای داخلی جامعه معاوضه بوده قسمت اعظم آن نتیجه احتیاج و ضرورت مواد جنگی و اقدامات سیاست اقتصادی است البته نتایج عوامل اخیر موقتی و و صورتی است و بدون شك باختلالات و اشکالات جدید منجر خواهد شد . ازدیاد گردش سرمایه نتیجه بروز دوام راست و اولامحدود کردن تولید محصول و ثابا متناسب کردن مقدار محصول با ضعف قوه مصرف بازار . شعار تجارتنی امروز عبارتست از « مصرف کم و قیمت زیاد » در صورتیکه شعار دوره های اول رژیم فلهی کاملا برخلاف یعنی « مصرف زیاد و قیمت کم » بوده است . بدین لحاظ انحصار های دولتی تشکیل شده حداقل قیمت از طرف دولت معلوم میگردد این قضیه بهتر از هر جا در اقتصاد فلاحتی مشاهده میشود . ملایم شدن بحران فلاحتی که از گران شدن محصولات فلاحتی معلوم میگردد بواسطه اینست

(۱) که اصطلاح علمی اقتصادی آن

proseperité است

محصول صنعتی تولید میگرد (عمل تولید) مثلا a واحد مواد اولیه خریده میشود ، b واحد مزد پرداخته میشود و c واحد ارزش اضافی کار در ضمن تولید بجنس افزوده میشود محصولی که  $a + b + c$  واحد ارزش دارد بیازار می رود . در بازار ارزش  $a + b + c$  که شکل جنس صنعتی بود بمعادل خود جنس پول تبدیل میشود . حال از این مقدار باز يك قسمت که البته از a بیشتر است صرف خرید مواد اولیه و يك قسمت دیگر که البته از b بیشتر است صرف مزد میشود (عده کارگر بیشتر بواسطه رونق بازار مشغول کار است) : زیرا این دفعه پول موجود باندازه c واحد بیشتر از عمل تولید قبل بود . در عمل تولید جدید يك ارزش اضافی کار  $d > c$  ( زیرا تعداد مشغولین بیشتر است ) جزء سرمایه اصلی می شود . تا رونق بازار وجود دارد این تصاعد هم خط سیر صعودی خود را داراست . پس از آن يك مدت بالنسبه کوتاه وقفه در عمل تولید ایجاد شده و جریان جنس ( غرض از جریان عبارت است از جریان جنس در بازار و تبدیل آن به پول است ) حالت ثابتی را دارد . پس از آن از بازار اشباع میشود و يك دوره بحران شروع می گردد . عکس حالت سابق دیده میشود . مقدار پولی که در هر عمل تولید صرف تولید جنس میشود کمتر از حالت سابق و نفع و تعداد مشغولین نیز کمتر میباشد . بیکاری و ورشکستی و فلاکت شروع می شود . پس از آن دوباره يك حالت تحویل از بحران برونق ظاهر میگردد . اینحالت تحویل را « دبرسیون » می نامند ، در دبرسیون آثار بحران خفیف تر می شود و امید رونق و رواج بتدریج بیشتر می گردد ، پس هر دوره کامل تناوب اقتصاد شامل سه جزء است که منظمآ تکرار میشود: رونق بحران و بعد دبرسیون چنانکه از مقاله ما واضح خواهد شد سال ۱۹۲۸ در اغلب ممالک اوج رونق است و از آن بعد بحران شروع میشود سال ۱۹۳۴ دوره دبرسیون میباشد که اگر نفاوذ ایندوره های تناوب مرتبا

عوامل طبیعی و احتیاج بشر مولد مذهب است ،



به انگلیس اظهار نظر کرده میتوان بخوبی فهمید که چقدر اقتصادی فعلی عیقا نامتناسب است .  
 بی ترکیب و غیرموزون شده است :  
 « . . . بوسیله مثالهای جداگانه که زیاد شدن تقاضای بازار ذوغال و آهن باینکه قدری بالا رفتن اسهام را نشان میدهند مطابق باطرز علوم اقتصادی قدیم نمیتوان یک حکمیت کلی راجع به بازار نمود .

حکمیت کلی باین قبیل اعداد وجداول قدیمی شده است فقط وقتی این احصائیه ها مفید واقع میشوند که تمام جزئیات آنها تشریح شده خیلی مفصل باشند . از روی اعداد ، نمی توانیم بگوئیم اقتصاد انگلیس در ترقی با تنزل بوده ظاهرا هر دو در آن واحد وجود داشته است .

تمام احصائیه محصولات  
**وضعیت تولید** صنعتی سال ۱۹۳۴ هنوز  
**صنعتی در ممالک** حاضر نشده است . احصائیه  
**سرمایه داری** « انس تی توت تحقیق رواج اقتصاد » در آلمان

(Institut für Konjunkturforshug)

منظره ذیل را نشان می دهد ( محصول سال ۱۹۲۸ مساوی صد فرض میشود )

| حداعلای ترقی ژوئن | حداعلای تنزل ژوبه |
|-------------------|-------------------|
| ۱۹۲۹              | ۱۹۳۲              |
| ۱۰۹٫۸             | ۶۱٫۵              |
| زانوبه            | آوریل ژوبه        |
| ۱۹۳۳              | ۱۹۳۴              |
| ۶۷٫۲              | ۶۸٫۸              |
| ۷۸٫۸              | ۸۴٫۵              |
| ۷۳٫۸              | ۷۲٫۲              |

(ارقام مربوط به ژوبه تا اکتبر از سالنامه بانک « شرکت اعتبار دولتی » اخذ شده است . ارقام « انس تی توت تحقیق رواج اقتصاد » قدری بالاتر شاید باشد )

پس معادل محصولات صنعتی در سال ۱۹۳۴ فقط قدری بیشتر از سال ۱۹۳۳ خواهد بود . از اینجا میتوان مهمترین نتیجه را گرفت که : سال ۱۹۳۴ بطور کلی فقط از دیاد خیلی جزئی در محصولات صنعتی ممالک نشان میدهد انتقال از دوره «دپرسیون»

که مخصوصا مطابق نقشه و تشکیلات منظم تولید محصولات فلاحتی محدود شده است تحدید حصول مخصوصا در اجناس مهم فلاحتی ذیل دیده می شود : غله ، قهوه ، چائی ، قند ، پنبه ، بریشم ، کائوچو . ( بدی محصول در سال ۱۹۳۴ خواه بوسیله اوضاع عمومی و خواه بواسطه تنزل اوضاع دهقان در بعضی ممالک برای بهبودی بوقتی سابق الذکر کمش کرده است )

این پیشرفت بهتر نمایان میشد اگر در بعضی ممالک مخصوصا ژاپن و آلمان یک تغییر شکل ناگهانی بواسطه صنعت جنگی بوجود نیامد این توسعه مصنوعی بازار محصول قدری ناگهانی و شدید بود که یک عدم تعدل و بی ترکیبی در منظره اقتصادی ممالک مزبور تولید کرده است . در اثر همین مخارج بی مصرف تمیزات که قسمت زیادی از قوه تولید جامعه اشغال شده و تولید طبیعی رژیم اقتصادی فعلی لطمه کامل می بیند . این تحدید محصول که بواسطه کوچک شدن بازار پیدا شده است واضح ترین جلوه بحران اقتصادی است . نزاع بر سر بازار مصرف باعث شده است که سیاست حفظ محصولات داخلی شدیدتر و سرحد اقتصادی ممالک نسبت بهم مسدود تر شده و بالتبعه تقسیم کار اقتصادی بین المللی روبه تحلیل گذاشته است . علت مهم این تمایل جنگ است زیرا کلیه ممالک میخواهند تمام وسائل جنگ را اع-م از مواد غذایی ، مواد خام ، صنعت سنگین ، صنعت شیمی ، صنعت ماشین و غیره تاحدی که ممکن است ولو با قیمت بیشتر در مملکت خود تهیه کنند .

بنابراین مختصر بهبودی اوضاع اقتصادی ۱۹۳۴ نامتناسب ، متناقض و مصنوعی است . بدون از یاد سرشار سرمایه ثابت نمیتوان منتظر دوره رونق تجارتی بود . ولی انجام دادن چنین عمل هم بواسطه وجود سرمایه ثابت بلا مصرف ، نزدیک بودن جنگ دنیاگیر ، ترس از انقلابات داخلی و مستعمرات و غیره محال بود . از عبارت ذیل روزنامه « منچستر گاردین » ( ۱۰ نوامبر ۳۴ ) که راجع

تاریخ در همه جا تکرار میشود .

|       |       |                    |
|-------|-------|--------------------|
| ۹۹/۸  | ۸۸/۴  | بریتانیای کبیر     |
| ۱۱۶   | ۱۰۸   | نروژ               |
| ۱۰۹/۷ | ۸۳/۷  | سوئد               |
| ۸۰/۹  | ۶۲/۸  | کانادا             |
| ۶۶/۷  | ۵۷/۷  | ممالک متحده امریکا |
| ۱۱۴   | ۱۱۴/۲ | ژاپن               |

اگر در اعداد مزبور دقت کنیم ملاحظه خواهیم کرد که واقعا محصولات صنعتی ممالکی که مقیاس حقیقی پولشان طلا است الآن کمتر از سال ۱۹۳۲ است، ولی مابین دستجات ممالک دیگر تباین و اختلاف خیلی زیاد موجود است محصولات صنعتی امریکا (USA) که پولش ۴۰ درصد شکست خورده است مانند ممالک طلا یا ژاپن است. تولید در ایالات که مقیاس پولش مصنوعا طلاست بالاتر از کانادا که پولش کاملا شکست خورده است می باشد. ما نمیخواهیم منکر شویم که شکست پول موقه تأثیری در ازدیاد تولید محصولات صنعتی دارد ولی عدم تناسب مقدار محصولات صنعتی را ایداً نمیتوان بوسیله اختلاف معیار پول توجیه نمود

در اینجا نیز علت این عدم تناسب و بکنواخت نبودن مقدار محصولات صنعتی را اصول مادی اقتصاد برای ما بیان میکنید بدین ترتیب: سرمایه جامد اساس مادی جریان تناوبی تولید سرمایه داری است. (سرمایه جامد مانند بنای کارخانه و ماشین آلات مقابل سرمایه جاری است که در بازار جریان دارد. ولی سرمایه ثابت مانند پولی که صرف خرید مواد اولیه میشود مقابل سرمایه متغیر است که بعنوان مزد داده میشود). بطور کلی امروز هم درجه تکامل و تازگی و وسعت سرمایه جامد نماینده ترقی تولید صنعتی است.

(در این مورد موضوع اینست که آیا سرمایه جامدی که تازه تهیه شده است مولد محصولات مفید اقتصادی و یا آنکه مولد محصولات

بدوره «رونق» هنوز شروع نشده است. اقتصاديون خود ممالک مزبور نیز بدین نکته اشاره کرده اند. مطابق احصائیه محصول صنعتی ۱۹۳۴ (مخصوصا بوسیله عقب رفتن موقتی رونق در امریکا) در تغییر بوده است! باوجود این گویا محصول صنعتی آخر سال ۱۹۳۴ قدری بالاتر از سال قبل است و بطور کلی تقریباً ثلث مقداری را که بوسیله بحران سالهای ۱۹۲۹-۱۹۳۲ از دست رفته بود دوباره دست آورده است. (انتقال از مجله «اقتصاد و احصائیه») این ارقام اقتصاد دنیا یکنواخت نبودن نشان نمیدهند چه در ممالک مختلف اختلاف عظیم از این نقطه نظر تکامل دربرسیون بین ممالک مختلفه موجود بوده است. یکی از عقاید عمومی طرفداران انفلاسیون (شکست پول) اینست که وضعیت اقتصادی در ممالکی که پولشان شکست خورده است بهتر از ممالکی است که پولشان حقیقتاً مجازا بوسیله طلا بودن مقیاس پول ثابت نگاه داشته شده است

جدول ذیل عدم صحت این ادعا را در باره محصولات صنعتی نشان میدهد.

(محصولات صنعتی سال ۱۹۳۸)  
(صد فرض میشود)

| ممالکی که مقیاس حقیقی پولشان طلا است                       | معدل  | نوامبر |
|------------------------------------------------------------|-------|--------|
| فرانسه                                                     | ۷۵/۶  | ۷۴     |
| هلند                                                       | ۶۳/۹  | ۶۳/۹   |
| بلژیک                                                      | ۶۹/۹  | ۶۸/۱   |
| ممالکی که مقیاس حقیقی پولشان مصنوعا طلا نگاه داشته شده است |       |        |
| آلمان                                                      | ۹۱/۰۲ | ۸۷/۳   |
| لهستان                                                     | ۵۳/۰۷ | ۶۳/۹   |
| ایتالیا                                                    | ۷۳/۵  | ۹۴/۷   |
| ممالکی که پولشان شکست خورده است                            | معدل  | اکتبر  |
|                                                            | ۱۹۳۲  | ۱۹۳۳   |

تمدن بشر باید از حیث شکل ملی ولی حقیقة عمومی و بین المللی باشد فقط با این طرز ممکن است تمدن ملل متمدن تر برای تمام بشر نافع شده در عین حال حق اقلیت و ضعیف محفوظ باشد.



جنگی است اهمیت زیادی ندارد . جدول ذیل وضعیت تولید صنعتی را نشان میدهد

| بریتانی کبیر |       | آلمان |      | امریکا |      |
|--------------|-------|-------|------|--------|------|
| B            | A     | B     | A    | B      | A    |
| ۷۰,۹         | ۱۱۶,۹ | ۲۰,۴  | ۳۱,۴ | ۲۰,۵   | ۱۳   |
| ۸۷,۳         | ۱۵۵,۳ | ۲۲,۳  | ۳۷,۲ | ۱۸,۲   | ۱۲,۸ |
| ۹۶۷          | ۱۷۳,۹ | ۴۲,۷  | ۵۱,۴ | ۲۲,۶   | ۱۱,۷ |

(ماه تا ۱۹۳۲) (ماه تا ۱۹۳۴) (ماه تا ۱۹۳۴) (ماه تا ۱۹۳۴) (ماه تا ۱۹۳۴) (ماه تا ۱۹۳۴)

(A) ساختمان منازل ساختمانهای متفرقه کمی فوق العاده اشتغال ساختمانی که در امریکا و آلمان دیده می شود دو مقابل شدت اشتغال مزبور در انگلیس نشان می دهد که بدون شك اختلاف عظیمی در دیرسبونی ۱۹۳۴ بین سه مملکت مهم سرمایه داری موجود است

موضوع اصلی در این مورد اینست: چرا تجدید و توسعه سرمایه جامد عموماً و در موضوع ساختمان خصوصاً در ممالک مختلف این قدر متفاوت است؟ چون شرح جداگانه تمام ممالک مفصل می شود فقط به علل مهم می پردازیم علت کمی توسعه و تجدید سرمایه جامد در امریکا اینست که در دوره تناوبی گذشته سرمایه جامد باندازه معتناهی تجدید و توسعه پیدا کرده و در حقیقت سرمایه جامد سرشار و فراوانی در مملکت مزبور بواسطه طول دوره رونق و رواج ایجاد شده بود. در امریکا در این غنی ترین مملکت سرمایه داری تضاد بین قدرت تولید و مصرف مخصوصاً خیلی شدید شده بود. چون مقدار زیادی سرمایه جامد بدون استفاده مانده دیگر تجدید و توسعه آن با وجود ارزانی تنزیل پول که از چند سال بانظر بطور فراوان در دسترس سرمایه داران است غیرممکن میباشد. (این موضوع بی اساسی تئوری «کامل - کاپس» را که بیان میکند فراوانی سرمایه استقراری از علائم دوره رونق است کاملاً واضح مینماید)

عدم امکان تجدید و توسعه سرمایه جامد و کمی اشتغال ساختمانی از نمو دائمی تولید جلوگیری میکند. رونقی که بواسطه زیاد

| ممالک متحدہ امریکا | آلمان | هلند  | لهستان | ژاپن  | سوئد  |
|--------------------|-------|-------|--------|-------|-------|
| ۱                  | ۱     | ۱     | ۱      | ۱     | ۱     |
| ۳۰,۰               | ۵۰,۲  | ۴۵,۶  | ۴۷     | ۱۰,۸۷ | ۷۵,۲  |
| ۷۹,۲               | ۷۷,۷  | ۸۸,۹  | ۲۱,۶   | ۱۰۹,۳ | ۹۸    |
| ۴۴,۷               | ۵۸,۵  | ۵۴,۹  | ۴۵,۹   | ۱۲۸,۳ | ۸۰,۰  |
| ۵۷,۹               | ۷۸,۰  | ۲۹,۹  | ۵۱,۸   | ۱۴۱,۹ | ۹۷,۱  |
| ۸۵,۲               | ۹۲,۴  | ۱۰۱,۹ | ۳۶,۶   | ۱۲۱,۲ | ۱۱۳,۶ |
| ۸۴,۲               | ۹۲,۹  | ۸۶,۶  | ۵۵,۸   | ۱۱۳,۷ | ۱۰۱,۳ |

(۱) اسائل تولید (۲) اجناس مصرف شده (ارقام « بولتن » جامعه ملل)

از اینجا دیده میشود: در ممالکی که محصولات صنعتی عموماً بالنسبه بالاست (ژاپن، سوئد، آلمان) تولید در شعبه (۱) بشدت بالا رفته و از حیث نسبت خیلی شدیدتر از شعبه (۲) است. در ممالکی که محصولات صنعتی خیلی باینین است (امریکا، هلند و لهستان) تولید در شعبه (۱) مخصوصاً خیلی باینین آمده و در دو سال اخیر فقط خیلی جزئی بالا رفته است. همین موضوع در اشتغال ساختمانی دیده میشود (اشتغال ساختمان سال ۱۹۲۸ صد فرض می شود)

اکثریت دسته منور الفکر بر حسب وضعیت اجتماعی آن عامل اساسی پیشرفت در مرحله امروزی نیست بلکه میتواند از طبقه خود خارج شده وارد جریان ترقی موجود گردد.

سرعت ترقی تولید صنعتی در ژاپن سال ۱۹۳۴ رو به نقصان گذاشته بود

احصائیه محصولات صنعتی ژاپن :  
(از بولتن جامعه ملل)

۱۹۲۹ - ۱۹۳۰ - ۱۹۳۱ - ۱۹۳۲

۱۹۳۳ - ۱۹۳۴ ۷ ماه اول

تغییرات به نسبت چند درصد

|     |     |     |     |     |     |
|-----|-----|-----|-----|-----|-----|
| ۱۱۱ | ۱۰۵ | ۱۰۸ | ۱۱۴ | ۱۳۱ | ۱۳۰ |
| ۸   | ۳   | ۲   | ۲   | ۳   | ۳   |
| ۷   | ۵   | ۲   | ۶   | ۱۵  | ۷   |

دوره تناوب اقتصادی فعلی ژاپن با تناوب

های ممالک دیگر اختلاف کلی دارد . پست ترین

نقطه بحران سال ۱۹۳۱ بود . بزودی در ۱۹۳۱

دوباره صعود کرده حالت ۱۹۲۹ را پیدا کرد .

علل مهم این وضعیت تکرار ذیل است :

الف - تهیه فوق العاده زیاد لوازم جنگی

ب - صنعتی کردن ژاپن از نظر جنگی

بوسیله دولت هنوز کاملاً ادامه دارد

ج دهمینک که اساس آن از یکطرف

کمی مزد و از طرف دیگر وجود انفلاسیون

است که هنوز ادامه دارد .

چون مبلغی که از تولید صنعتی جاری

برای تهیه لوازم جنگی بر داشته میشود

از تجمع سالیانه سرمایه بیشتر است ، چون

قدرت خرید داخله مملکت بواسطه کم شدن

مزد حقیقی که نتیجه انفلاسیون است بتدریج کم

میگردد ، چون ممالک خارجی بر علیه دهمینک

صادرات ژاپن اقدامات اساسی مینمایند بالاخره

بحران های فلاحتی در مملکت مزبور عمیق تر

میشود . میتوان پیش بینی کرد که شاید ترقی

محصولات صنعتی سال ۱۹۳۵ متوقف گردد .

وضعیت دیرسیون سال ۱۹۳۴ در فرانسه

با اوضاع سابق الذکر فرق دارد . پس از آنکه در

سال ۱۹۳۲ بحران به عمیق ترین نقاط رسید تولید

محصولات در ژویه ۱۹۳۳ بتدریج بالاتر رفت

و بعد ۱۵ ماه متوالی لاینقطع تنزل کرد ،

دلایل وضعیت مزبور را میتوان بطریق ذیل

بیان کرد :

شدن مصرف ( شعبه ۲ جدول سابق ) در

ممالک متحده دیده میشود بهمین دلیل پس از

چند ماه بهم میخورد . بهمین جهت در اقتصاد

دوره دیرسیون در امریکا بیخ و خم مخصوصی

مشخص اقتصاد این مملکت است . در اواخر

سال رونق شدید در صنعت فولاد دیده میشود

و علل آن بقرار ذیل است : سفارشات زیاد

اتومبیل برای مودلهای جدید ۱۹۳۵ ، سفارشات

بزرگ برای ساختمان کشتی های جنگی و بالاخره

تهیه ذخیره زیاد فولاد از بیم اعتصاب در صنعت

فولاد . انگلیس ازین نقطه بطریق مقابل امریکا است

در انگلیس دوره رونق تناوب قبل خیلی ضعیف

بود . توسعه سرمایه جامد کم و فقط در بعضی

شعب مانند صنعت نساجی ، ذوغال ، کشتی

سازی فراوان بود . چون صنعت کاهلا تحت حمایت

دولت شد بازار فروش داخلی زیادتر گردید . قرارداد

« اوتاوا » و فشار دولت انگلیس که مهمترین

وارد کننده مواد آذوقه است بر ممالک فلاحتی

مانند دانمارک ، سوئد ، آرژانتین اور و گوئه

بجهت عقد قرارداد هائی که برفع انگلیس تمام

میشد ، برای صنعت انگلیس بازار فروش بالنسبه

بهتری تامین کرد . تولید شدن « سترلینگ بلوک »

یعنی یکدسته از ممالکی که جمعا ۶۰۰ ملیون

جمعیت داشته مقیاس بولشان مربوط به لیبره

انگلیسی است ، یعنی لیبره انگلیسی در مقابل

آنها مقام پول بین المللی را دارد باعث تسهیل

صادرات برای انگلیس شد چند کارخانه جدید

آهن و فولاد ساخته شد . صنعت اتومبیل موتور

و طیاره توسعه پیدا میکند . کارخانجات بزرگ

جدید بجهت تهیه بزمین از ذغال تاسیس شد و

غیره . بر روی این اساس اقتصاد انگلیس سال

۱۹۳۴ بهبودی زیاد پیدا کرده است ، باید

فراوس نکرد که این بهبودی نسبی است یعنی

با آنکه اقتصاد سال ۱۹۳۴ به اقتصاد سال ۱۹۲۹

نزدیک است در هر حال یائین تر از سالهای

قبل از جنگ میباشد .

بغض و نفرت نسبت بیک ملت منحصر بفاکار محدود و اشخاص کوته نظر است . حقیقت مسلم این است که خواص هر ملت نیز مانند خواص هر فرد تابع شرائط زندگانی آن ملت یا فرد است . اگر ملت شخصی که برای خود افتخارات ملی قائل است و ملت دیگر را تحقیر میکند در تحت شرایط ملت تحقیر شده در آید خواص همین ملت را پیدا میکند .



مردم عجله میکردند تا ممکن است زودتر لوازم خود (مانند اتمه نساجی، صابون و غیره) را تا اتمه خوب، از مواد خام خارجی در بازار هست پیش خرید کرده تهیه نمایند. به همین جهت در نیمه دوم سال مزبور این ترقی دوباره تنزل کرد زیرا احتیاجاتی که از ترس ایجاد شده بود برطرف شده و نقصان حقیقی مواد خام بظهور رسید. رقم سابق الذکر از ۱۰۱٫۸ در ماه ژون به ۸۸٫۴ در ماه سپتامبر تنزل کرد و این نقصان بقدری قوی است که فقط نظیر آن موقع شروع بحران دیده میشود! این قضیه واضح میکند که شرایط انتقال دوره دیرسین بدوره رونق در آلمان بر مراتب کمتر از ممالک بزرگ صنعتی دیگر است

بحران در لهستان مخصوصا عمیق بود و دیرسین بالنسبه ترقی بسیار کوچکی در رونق صنعت پیش آورد.

(تولید محصولات صنعتی لهستان سال ۱۹۲۸ صد فرض میشود)

معدل سالیانه ۱۹۳۲ ۱۹۳۳ ۱۹۳۴ نه ماه  
۵۳٫۷ ۵۵٫۴ ۶۲

علل مهم عمق زیاد بحران و کمی بهبودی دوره دیرسین بقرار ذیل است: چون صنایع قدیم مانند صنعت استخراج ذغال و بنه بخصوص در کلیه ممالک سرمایه داری دوچار بحران شدید شده بود، لهستان نیز از این بحران عمومی بی نصیب نگردید

علت دیگر بحران فلاحت است زیرا لهستان صادر کننده محصولات فلاحتی است و از اینرو از بحران فلاحتی صدمه زیاد می بیند و از طرف دیگر قوه خرید داخلی بواسطه فقر روز افزون دائما کمتر میشود. علت دیگر تقلب وزود سرمایه خارجی برای توسعه سرمایه جامد که سالهای قبل رواج داشت میباشد اختلاف زیاد در وضعیت و ساختمان ممالک مختلف در دوره دیرسین فعلی مربوط

بحران در فرانسه خیلی دیرتر از ممالک دیگر شروع شد زیرا صرف سرمایه برای کار انداختن سرمایه موجب شد توسعه وسائل تولید که در دوره رونق شروع شده بود تا سال ۱۹۳۰ و بطور استثنای بعضی حالات تا سال ۱۹۳۲ ادامه پیدا کرد. از اینجا نتیجه میشود که تجدید و توسعه سرمایه جامد در فرانسه موانع بزرگ در مقابل داشت

نیز میتوان گفت: بحران در فرانسه عمر کافی نکرد یعنی تمام تظاهرات یک بحران تناوبی را نشان نداد.

بنا بر این میتوان سال ۱۹۳۴ را در فرانسه دنباله سال بحران ملایم ۱۹۳۲ فرض کرد.

حقیقه تولید محصولات صنعتی در نوامبر ۱۹۳۴ باندازه ۴۷٫۵ نسبت به ۷۲٫۴ (در ژوئیه ۱۹۳۲ یعنی عمیق ترین نقطه بحران) تنزل کرده است. چون تنزل هنوز ادامه دارد بنا بر این محال نیست که از نقطه عمیق سال ۱۹۳۲ نیز جلوتر رود یعنی هنوز شاید عمیق ترین نقطه بحران فرانسه در پیش است

در آلمان دیرسین نوع دیگر تکامل پیدا میکنند تولید محصولات صنعتی مخصوصا ماشین آلات در دوره بحران آلمان بقدری عقب رفت که کسر و خراب شدن خود وسائل تولید هم جبران نمیشد. ماشین های تولید تعمیر و اصلاح زیاد لازم داشت ولی بودجه در مقابل نداشت تا آنکه سال ۱۹۳۳-۳۴ در شعبه اول جدول سابق یک ترقی فاحش در تولید پیدا شد.

احتیاج شدید و فوری تسلیحات بر این امر اضافه شد. بدین مناسبت رقم شعبه اول جدول سابق از نقطه عمیق ۴۷٫۵ (اوت ۱۹۳۲) تا ۸۴٫۳ (سپتامبر ۱۹۳۴) یعنی ۷۷ درصد ترقی کرد متوازی با شعبه اول (ماشین آلات) تولید مواد شعبه ۲ (مواد مصرف) ترقی کرده اواسط سال ۱۹۳۴ به اعلا درجه خود یعنی ۱۰۱٫۸ رسید. در این قسمت تا حدی بحران مواد خام که بواسطه خطر نقصان اسعار پیدا شده بود مؤثر بوده است:

علت مادی پیدا شدن این نفرتها تضاد منافع مادی است. وسیله بر طرف کردن این تضاد تشکیلات صحیح جامعه است نه بغض و حسد و کینه و خون ریزی. این قضایا اگر هم در مادیات قومی مؤثر باشند موقتی است، بشر را نمیتوان به خونریزی دائمی رهبری کرد.

میشد اجناس فروش نرفته باقیمت ارزان بمقدار زیاد به بازار دنیا ریخته میشد بدین ترتیب در ممالک دیگر نیز بحران شروع پیدا میکرد و بر عکس بالا رفتن قیمت و احتیاج در دوره رونق بٹ مملکت باعث زیاد شدن واردات از ممالک دیگر و بنابراین رواج بازار آنها میشد. یکی از اختصاصات دپرسیون فعلی اینست که با وجود زیاد شدن تولید محصولات صنعتی نسبت به نقطه عمیق بحران تجارت خارجی کلی دنیا بیشتر نشده است یعنی شرکت صادرات در ارزش کلی تولید محصولات داخلی در دوره دپرسیون بیشتر تنزل کرده است.

بسرعت توسعه و تجدید سرمایه جامد است. اگر تمام ممالک صنعتی را یکجا در نظر گیریم خاصیت عمومی ذیل واضح می شود که در دوره دپرسیون امروزی تکامل منظم و عمومی و یکنواخت برای تمام ممالک وجود ندارد نمیتوان سان ۱۹۳۴ را بٹ دوره رونق یکنواخت دنیائی فرض کرد.

### تقلیل تجارت خارجی و شروع خرابی در اقتصاد عالم

مهمترین مکانیسم اقتصادی که باعث انتقال حالات مختلفه دوره تناوب اقتصاد دوره های قبل از یک مملکت به مملکت دیگر میشد تجارت خارجی بود. اگر در مملکت بحران شروع

### جدول تجارت خارجی

( ارقام جدول از بوله تن جامعه ملل اخذ شده ولی بعضی غلطها در طرز محاسبه دارد باوجود این از روی آن میتوان تکامل تجارت خارجی را فهمید. ارقام مربوط به ۱۹۳۴ « از شرکت اعتباری دولتی » اخذ شده است )  
( صادرات + واردات : ۱۹۲۹ مساوی صد فرض میشود )

| معدل سالیانه      | ارزش باطلا | میزان قیمت | مقدار | حجم محصولات صنعتی تمام ممالک باستانهای شوروی |
|-------------------|------------|------------|-------|----------------------------------------------|
| ۱۹۳۰              | ۸۰٫۸       | ۸۷٫۱       | ۹۲٫۸  | ۸۵٫۴                                         |
| ۱۹۳۱              | ۵۷٫۶       | ۶۷٫۸       | ۸۵٫۴  | ۷۳٫۵                                         |
| ۱۹۳۲              | ۳۹٫۰       | ۵۲٫۹       | ۷۳٫۹  | ۶۲٫۴                                         |
| ۱۹۳۳              | سه ماه اول | ۴۸٫۰       | ۷۲٫۷  | ۶۲٫۹                                         |
|                   | » دوم      | ۴۷٫۵       | ۷۱٫۸  | ۷۱٫۵                                         |
|                   | » سوم      | ۴۶٫۵       | ۷۴٫۶  | ۷۸٫۰                                         |
|                   | » چهارم    | ۴۶٫۰       | ۸۰٫۲  | ۷۱٫۱                                         |
| معدل سالیانه ۱۹۳۳ | ۳۵٫۱       | ۴۷٫۰       | ۷۴٫۸  | ۷۰٫۹                                         |
| ۱۹۳۴              | سه ماه اول | ۴۵٫۵       | ۷۴٫۵  | ۷۶٫۹                                         |
|                   | » دوم      | ۴۴٫۳       | ۷۴٫۸  | ۷۹٫۷                                         |
|                   | » سوم      | ۳۲٫۴       | -     | ۷۳٫۱                                         |

بازوای داخلی هر یک از ممالک صنعتی بوده تجارت خارجی بر حسب مقدار دوره دپرسیون ترقی نکرده است و بر حسب ارزش دائمی تنزل کرده است.  
کوبا علل این امر بشرح ذیل باشد :  
۱ - تاسیس صنایع سبک در ممالک فلاحتی

چنانکه واضح است ارزش تجارت خارجی کلی دنیا بیشتر تنزل کرده است.  
مقدار تجارت خارجی که سالهای ۱۹۳۰-۳۲ همیشه بالای میزان محصولات صنعتی بود در سالهای ۱۹۳۳-۳۴ یابین آنست  
یعنی علت از زیاد محصولات صنعتی بواسطه

تولید مادی و فکری یک جامعه بموازات هم تکامل می یابند .



به دوره های سابق براب کمتر شده است . بعضی از اقتصاديون ارتجاعی عقیده دارند که خودگي اقتصاد بواسطه سياست حمايت دولتي و محدود بودن تجارت خارجي است . ولي اين ادعا غلط است . زيرا اختلاف شديد بين خاصيت سرمايه بجهت توسعه بي نهايت زياد از يكطرف و كم شدن قوه خريد توده در صورت آزادي كامل اقتصاد بين المللي هم (اگر فرضاً باوجود محال بودن وجود داشت ) از طرف ديگر بهيچوجه برطرف نمي شد چه بعضي ممالك صنعتي بزرگ موفق مي شدند كه بضرر ممالك صنعتي كوچكتر بازار فروش خود را زياد كنند .

بنا بر اين فروش كلسي تغيير نمي كند ( اگر بدتر نمي شد ) . زيرا اجناس مراکز مرغوب صنعتي يعني آنجا كه مصارف توليد از همه كمتر است بيشتري تهيه مي شد و عده بيكاران زيادتر و بنا بر اين قوه خريد كمتر از دوره حمايت دولتي اقتصاد ميگشت .

بي اهميت نيست كه تاثير ثابت بودن واحد طلا و باشكستن بول ممالك مختلفه در تجارت دنيا را مورد دقت قرار دهيم .

مطابق اعداد جامعه ملل سهم تجارت خارجي ممالك مختلفه بر حسب دلار طلا از قرار ذيل است :

| سهم چند درصد صادرات ممالك مختلفه                  |      |      |                 |
|---------------------------------------------------|------|------|-----------------|
|                                                   | ۱۹۳۲ | ۱۹۳۳ | ۱۹۳۴ (نماه اول) |
| I ممالكي كه معيار پولشان حقيقتاً يا مصنوعاً طلاست |      |      |                 |
| فرانسه                                            | ۶،۰  | ۶،۳  | ۵،۶             |
| ايطالي                                            | ۲،۵  | ۲،۷  | ۲،۵             |
| آلمان                                             | ۹،۹  | ۱۰،۱ | ۹،۱             |
| II ممالكي كه پولشان تنزل كرده است                 |      |      |                 |
| ممالك متحده امريكا                                | ۱۵/۸ | ۱۱/۲ | ۱۱/۶            |
| بريطانيای كبير                                    | ۱۰/۹ | ۱۰/۶ | ۱۱/۰            |
| ژاين                                              | ۳/۰  | ۳/۲  | ۳/۵             |
| چنانكه واضح است سال ۱۹۳۴ تجارت                    |      |      |                 |

نيم مستعمره و مستعمره در طول مدت بحران و مدتيكه دپرسیون دوام داشت ، ۲ - اشكالات بازار فروش دوره بحران و دپرسیون مخصوصاً زياد است ، از اين جهت است كه صاحبان صنايع هر مملكت ميخواهند حتي المقدور بازار داخلي را بخود انحصار دهند و موفق ميشوند و اين امر مولد يك سلسله احساسات « وطن پرستي » است . وسائلي اينكار حمايت از امته داخلي به اشكال مختلفه است مانند وضع حقوق گمركي منع ورود اجناس خارجي و تشكيل كنترولان وغيره ، ۳ - تمايلات جنكي باعث شده است كه در ممالك صنعتي به صنعت مواد غذايي و در ممالك فلاحتي به تاسيس حدود اقل صنعت سنگين ، صنعت جنگي ، اتوموبيل ، طياره و غيره اهميت داده شود ۴ - حفظ مظنه بول بعضي ممالك را مجبور ميكند كه واردات را محدود كنند .

از تمام اين مشروحات نتيجه مي شود كه تقسيم كار در اقتصاد بين المللي محدود مي شود و اقتصاد دنيا با اقتصاد هاي محدود ملي كه دائماً نسبت بهم مجزي تر ميشوند تجزيه مي گردد .

ما تذكر ميدهيم كه يك چنين تمايل در اقتصاد دنيا وجود دارد . البته تمايلات ديگر نيز در آن دخالت دارد : ( دمپينگ ) سياست حمايت دولتي اقتصاد را اغلب در هم مي شكند ، ممالك اقتصادي بزرگ نيم مستعمرات و مستعمرات را مجبور مي كنند كه امته آنها را بخرند ، اختلافات محلي و آب و هوا باعث ميشود كه تاخدي تبادل جنس وجود داشته باشد و غيره ليكن معذالك تمايل تجزيه اقتصاد دنيا وجود دارد و در دوره دپرسیون پيش ميرود .

اين تنزل وزن تجارت خارجي يكي از علل مهم اختلاف جريان توليد ممالك مختلفه در دوره دپرسیون است . تاثير مكانيسم اساسي انتقال تغييرات تناوبي اقتصادي از يك مملكت به مملكت ديگر يعني تجارت خارجي نسبت

در زندگاني امروز هر ملت از طبقات تشكيل يافته و ابتدا توده متحد الشكلي نيست . پس هر ملتي را از نقطه نظر هاي مختلف ميتوان مشاهده كرد و امروزه نميتوان از منافع عمومي يك ملت صحبت نمود .

کم شدن اختلاف در ممالک صنعتی باعث شده است که در تقسیم ثروت عمومی بفتح فلاحت تغییر پیدا شده است و از آنجا بطور کلی اوضاع فلاحتی بالنسبه بهتر است. گران شدن اجناس فلاحتی علل مختلف دارد: ۱- شروع دوره دپرسیون در تولید محصولات صنعتی مخصوصا نساجی تقاضای اجناس فلاحتی مانند پشم، پنبه، کتف، کائوچوک و غیره را زیاد کرده است. این يك علت حقیقی برای بهبودی فلاحت است؛ ۲- گران شدن اجناس از محدود شدن عرضه که بواسطه قرارداد های بین المللی صورت گرفت مانند کائوچو و قند؛ ۳- گران شدن بواسطه معدوم کردن اجناس موجود در ذخیره و محدود کردن تولید جدید آن مانند قهوه، ۴- مهمترین علت گران شدن محصولات فلاحتی بدی محصول فلاحت در سال ۱۹۳۴ است که تقریبا در تمام نیمکره شمالی عمومیت داشت،

محصولات فلاحتی نیمکره شمالی بر حسب ۱۰۰ میلیون کیلوگرام:

|              |      |      |        |
|--------------|------|------|--------|
| ۱۹۳۲ تا ۱۹۲۸ | ۱۹۳۳ | ۱۹۳۴ |        |
| ۹۴۱          | ۹۰۱  | ۷۱۸  | گندم   |
| ۲۳۸          | ۲۵۹  | ۲۱۸  | جو     |
| ۲۹۶          | ۲۶۲  | ۲۴۹  | جوسبیه |
| ۴۸۲          | ۴۱۵  | ۳۵۰  | داوسر  |
| ۷۶۱          | ۷۰۴  | ۴۶۷  | ذرت    |

علت مهم خرابی محصولات فلاحتی دنیا چنانکه ذکر شد بواسطه خرابی اوضاع جوی و آب وهوائی عمومی نیمکره شمالی در سال ۱۹۳۴ بوده است و بدین جهت باید آنرا يك حالت انفاقی دانست. البته علل دیگر هم مؤثر بوده است: ۱- محدود کردن اراضی مزروع در مقابل وجه معین از طرف حکومت امریکا ۲- تنزل دائمی اوضاع فلاحتی که بواسطه کم شدن سطح مزروع در نتیجه فقیر شدن دائمی توده دهقان و همچنین بواسطه خرابی عایدات دهقان متوسط و فقیر پیدا شده است. متاسفانه احصائیه های ممالک که معمولا فقط اعداد مددل يك مملکت را درج مینمایند کافی نیستند

خارجی تا حدی بفتح ممالکی که پولشان تنزل کرده است و بضرر ممالکی که واحد طلا دارند بوده است.

بحرانهای فلاحتی بواسطه بحرانهای فلاحتی و داخل شدن بعضی ممالک دپرسیون سال ۱۹۳۴ بمرحله دپرسیون در سال ۱۹۳۴ قدری ملایم تر شده است. چند مثال: (از مجله بین المللی فلاحتی منطبه روم)

ممالک متحده امریکا: (اندکس قیمت «انجمن کار» سال ۱۹۲۶ صد فرض میشود)

|                |      |      |      |
|----------------|------|------|------|
| اکتبر ۱۹۳۲     | ۱۹۳۳ | ۱۹۳۴ |      |
| محصولات فلاحتی | ۷۰/۶ | ۵۵/۷ | ۴۶/۹ |
| « غیر فلاحتی   | ۷۷/۶ | ۷۴/۷ | ۶۸/۱ |

آلمان (اداره دولتی احصائیه ۱۹۱۳ مساوی صد)

|                            |       |       |       |
|----------------------------|-------|-------|-------|
| محصولات فلاحتی             | ۱۰۰/۹ | ۹۲/۷  | ۸۸/۰  |
| محصولات غیر فلاحتی و صنعتی | ۱۳۰/۸ | ۱۱۳/۸ | ۱۱۳/۰ |

بریطانیایی کبیر (۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ مساوی صد)

|                  |      |      |      |
|------------------|------|------|------|
| محصولات فلاحتی   | ۱۱۹  | ۱۱۲  | ۱۰۴  |
| اندکس عمومی قیمت | ۹۵/۴ | ۹۴/۷ | ۹۱/۵ |

چنانکه واضح است در مهمترین ممالک صنعتی اختلاف بین محصولات فلاحتی و غیر فلاحتی کمتر شده است. در ممالک فلاحتی و در ممالک فلاحتی صنعتی اینطور نیست بلکه برعکس است یعنی اختلاف در یکده از ممالک بیشتر شده است،

لهستان (۱۹۲۸ مساوی صد)

|                           |      |      |      |
|---------------------------|------|------|------|
| اکتبر ۱۹۳۲                | ۱۹۳۳ | ۱۹۳۴ |      |
| محصولات فلاحتی            | ۴۶/۵ | ۵۰/۱ | ۵۲/۸ |
| اجناسی که دهقان خریده است | ۶۹/۰ | ۷۲/۱ | ۷۸/۶ |

یوگواسلاوی (۱۹۲۶ مساوی صد)

|               |      |      |      |
|---------------|------|------|------|
| محصولات مزرعه | ۵۸/۸ | ۴۹/۹ | ۵۸/۱ |
| « مواشی       | ۵۸/۴ | ۵۷/۵ | ۶۱/۹ |
| « صنعتی       | ۶۳/۶ | ۶۱/۵ | ۶۳/۹ |

هنگری (۱۹۱۳ مساوی صد)

|                  |    |    |    |
|------------------|----|----|----|
| محصولات فلاحتی   | ۷۰ | ۵۴ | ۷۵ |
| اندکس عمومی قیمت | ۸۲ | ۷۱ | ۸۰ |

هر طبقه، از تجارب علوم مثبتة بفتح طبقاتی خود نتیجه دیگری میگیرد



که از آنها این تنزل فلاحت را واضح دید .  
سطح مزروع نیمکره شمالی ( بر حسب  
میلیون هکتار )

|      |      |                |
|------|------|----------------|
| ۱۹۳۴ | ۱۹۳۳ | معدل ۱۹۲۸-۱۹۳۲ |
| ۸۷٫۲ | ۸۸٫۷ | ۹۲٫۰           |
| ۱۷٫۸ | ۱۹٫۲ | ۲۴٫۲           |
| ۱۷٫۶ | ۱۷٫۹ | ۱۸٫۴           |
| ۲۲٫۰ | ۲۲٫۴ | ۲۴٫۴           |
| ۳۵٫۲ | ۳۶٫۶ | ۳۸٫۴           |
| ۴۶٫۸ | ۵۰٫۵ | ۵۰٫۳           |
| ۳۷٫۴ | ۴۱٫۴ | ۴۱٫۶           |

چنانکه واضح است کم شدن مساحت  
سطح مزروع در امریکا از همه بیشتر است  
و این نتیجه «سیاست محدود کردن» حکومت  
روزولت است از این ارقام نتیجه دیگر نمیتوان  
گرفت زیرا معلوم نیست که این محدود شدن  
از محصولات چقدر مربوط به نقصان کشت و  
زرع و چقدر مربوط بکم شدن سطح اراضی  
مزروع است . بک قسمت مهم از اراضی مزروع  
بواسطه خسارات وارده می بایستی برای محصولات  
جدید شخم شوند و یا اینکه بواسطه زیادی مخارج  
بدون زراعت بمانند

تنزل اوضاع فلاحتی را بوسیله اعداد  
نمی توان نشان داد زیرا کم شدن محصول به  
اوضاع جوی مربوط است ولی ظن غالب اینست  
که تنزل منظم فلاحت مثلا در امریکا فقط بواسطه  
اتفاقات جوی نباشد

عمق بحران های فلاحتی از اینجا واضح  
می شود که باوجود بدی محصول قیمتها فقط  
کمی بالا رفته است

### قیمت اجناس فلاحتی

هر صد کیلو گرام بر حسب فرانک طلا

سپتامبر

۱۹۳۴ ۱۹۳۳ ۱۹۳۲

### گندم

|      |      |      |                   |
|------|------|------|-------------------|
| ۹۸۹  | ۸۳۰  | ۹۴۱  | وینی بک مانی توبا |
| ۵۹۸  | ۷۹۰  | ۷۴۴  | بوئیس آیرس بارلتا |
| ۱۰۲۶ | ۱۱۷۳ | ۱۲۴۶ | شیکاگو ویند سر    |
| ۲۵۶۹ | ۲۲۰۱ | ۲۴۵۳ | برلین جنس داخلی   |
| ۲۷۶۶ | ۲۲۵۵ | ۲۲۵۲ | پاریس جنس داخلی   |

### جو

|     |     |      |      |
|-----|-----|------|------|
| ۹۷۱ | ۸۲۵ | ۱۰۰۲ | ورشو |
|-----|-----|------|------|

### جوسپاه

|     |     |     |                     |
|-----|-----|-----|---------------------|
| ۶۳۵ | ۴۰۳ | ۸۷۴ | برابلا              |
| ۹۵۰ | ۶۵۲ | ۷۱۷ | دوسر لیوریل لایلاتا |
| ۷۸۵ | ۵۸۵ | ۷۸۴ | ذرت لیوریل لایلاتا  |

این جدول بمانند نکات مهم ذیل را نشان  
می دهد : قیمت گندم نسبت سال پیش از نظر  
بدی محصول کم ترقی کرده است : ( قیمت  
گندم در فرانسه و آلمان از طرف دولت ثابت  
نگاه داشته شده است ) . برعکس قیمت بین المللی  
غلاتی که مصرف غذای حیوانات دارد مخصوصا  
دوسر و ذرت خیلی زیاد ترقی کرده است .  
آخر سال بعضی اوقات در امریکا قیمت ذرت بالاتر  
از گندم بود .

علت کمی قیمت گندم در بازار بین المللی  
( درارزاتین قیمت گندم از سال قبل نیز یائین تر  
بوده است ) اینستکه در دوره بحران مقدار زیادی  
گندم ذخیره شده بود .

مازاد صادرات گندم در آخر سال فلاحتی  
بر حسب صد میلیون کیلو بالغ است به :

|      |     |     |     |     |     |             |
|------|-----|-----|-----|-----|-----|-------------|
| ۱۹۲۷ | ۳۰  | ۳۱  | ۳۲  | ۳۳  | ۳۴  | پیش بینی ۳۵ |
| ۶۹   | ۱۳۶ | ۱۵۴ | ۱۶۱ | ۱۸۸ | ۱۷۸ | ۱۰۸         |

می بینیم : باوجود بدی محصول در این سال  
ذخیره آخر سال ۱۹۳۴ از سالهای معمولی بیشتر  
تخمین میشود .

زیادی مقدار این ذخیره نشان میدهد  
که تمام صادرات سال فلاحتی ۱۹۳۴ به ۱۶۶  
صد میلیون کیلو تخمین می شود در صورتیکه  
ذخیره پیش بینی شده ۱۹۳۵ غلط ۱۰۸ است  
( بوله تن مجله فلاحتی روم ) .

مبارزه با فحشاء و فلاکت زنان و حفظ صلح و آزادی شعار عمومی  
زنان دوستدار بشر در دنیا است .

دهاقین کوچک و فقیر که باستی مقدار غله بخرند گرانی قیمت غله ضرر فاحشی بود اختلاف بین مواد غذائی حیوانات و محصولات مویشی دهاقین کوچک که عادات همشان از محصولات مواشی است صدمه زیاد میدند و حال آنکه صاحبان املاک بزرگ که مقداری غله اضافی برای فروش دارند بدی حاصل را با گرانی قیمت تلافی میکنند . دقت در اوضاع دهاقین نشان میدهد که وضعیت توده دهقان باوجود ساکت شدن بحران ، در تمام دنیا نسبت سال پیش بدتر شده است و بدی حاصل امسال به تنزل و فلاکت دهقان کمک کرده است .

برای نشان دادن بدبختی دهاقین محض اختصار فقط بذکر بعضی ممالک اکتفا می شود : وضعیت دهقان متوسط و فقیر لهستان حل هم مانند سابق فلاکت اقتضاح آوری است . روزنامه « رایشس-تست » در وین ( ۱۷ سپتامبر ۱۹۳۴ ) در این باب از روزنامه « دیزا » منطبعه ورشو نقل میکند : فلاکت دهات صورت بی نظیری بخود میگردد . . . عده کبریت برای روشن کردن آتش ندارند و از طرف دیگر آبی که دیگری ( که تا حدی معمول است یعنی گرسنه نیست ) در آن سبب زمینی بخته است در چند کلبه دهقانی بواسطه وجود نمک در آن استعمال می کنند . آب صابون پس از شستشوی رخت نیز همین حال را دارد . کمتر خانه چراغ روشن می کنند . بچه ها لباس و کفش ندارند . شیرخوارگان زیاد میمیرند زیرا بواسطه فقر به طیب و دواحتی يك معالجة زنانگی دسترس ندارند . در خانه ها شیشه پنجره وجود ندارد . پنجره را تخته کوب کرده اند . فلاح دیگر لباس و کفش نمی خرد و ضروری ترین مایحتاج خود را نمیتواند تهیه نماید . وضع دهاقین اطیش بهتر نیست . « روزنامه » نوبه زوربشه آسایونک منطبعه زورش ۵ ژانویه ۱۹۳۵ میخوانیم : دهقان اطیشی مقدرات سخت خود را با این نحو میگذرانند که از اول سال تا آخر سال از صبح زود تا شام

بدی محصول و گران شدن مواد غذائی حیوانی در این سال اختلاف بزرگ بین قیمت های مواد غذائی حیوانی و محصولات تربیت مواشی تولید کرده است

قیمت محصولات تربیت مواشی هر صد کیلوگرام بر حسب فرانک طلا

سپتامبر

۱۹۳۲ ۱۹۳۳ ۱۹۳۴

گوشت خوک

|                   |       |       |       |
|-------------------|-------|-------|-------|
| وزن زنده در پاریس | ۸۸٫۹  | ۱۲۳٫۰ | ۱۴۴٫۹ |
| « » ووتردام       | ۶۲٫۵  | ۸۱٫۲  | ۵۸٫۳  |
| « خالص لندن       | ۱۲۸٫۶ | ۱۳۶٫۳ | ۱۲۴٫۹ |

گروه

|                |       |       |       |
|----------------|-------|-------|-------|
| کینپاک         | ۱۲۴٫۶ | ۱۴۶٫۳ | ۱۷۸٫۶ |
| لندن (استرالی) | ۱۰۵٫۸ | ۱۶۴٫۰ | ۱۸۶   |

پشیر

|                   |      |      |       |
|-------------------|------|------|-------|
| لندن (زلاند جدید) | ۷۱٫۲ | ۸۴٫۰ | ۱۱۳٫۲ |
| تخم مرغ دانمارک   | ۸۵٫۱ | ۹۰٫۳ | ۱۱۵٫۴ |

می بینیم که قیمت ارزان محصولات مواشی مقابل قیمت گران شده مواد غذائی است . علت این قضیه تا حدی اینست که در سال های اخیر تربیت مواشی بواسطه ارزانی گندم توسعه یافته یعنی بمصرف غذای حیوانات رساندن آن بصره نزدیکتر از فروش خود گندم بوده است . يك علت دیگر اینست که در بعضی جاها بدی محصول غلات امسال باعث شده است که دهقان اجبارا يك قسمت از حیوانات را بازار بیاورد .

بدین ترتیب ما به نتایج اجتماعی بدی محصول امسال میرسیم .

با آن که وضعیت تمام فلاحت مخصوصا در ممالک صنعتی بواسطه کم شدن اختلاف قیمت تا حدی نسبت سال قبل بهتر شده است باوجود این وضعیت توده زیاد دهاقین متوسط و کوچک بواسطه بدی حاصل بشدت تنزل نموده است . برای دهقان متوسط که معمولا مازاد غله کمی دارند زیاد شدن قیمت امسال فائده زیاد نداشت زیرا بواسطه بدی حاصل این دهاقین محصول اضافی برای بازار نداشتند . برای

مبارزه با بیسوادی توده از وظائف جدی جوانان امروز ماست



| معدل ماهیانه | اول نوامبر |                    |
|--------------|------------|--------------------|
| ۴۸ر۵         | ۷۴ر۴       | اکوادور            |
| ۳۳ر۹         | ۳۹ر۷       | استلاند            |
| ۴۳ر۷         | ۴۷ر۹       | فنلاند             |
| ۳۳ر۹         | ۴۰ر۲       | بریتانی کبیر       |
| ۳۵ر۳         | ۳۹ر۰       | هندوستان           |
| ۶۱ر۹         | ۶۵ر۱       | ژاپن               |
| ۳۶ر۸         | ۳۹ر۱       | کانادا             |
| ۵۷ر۲         | ۶۳ر۴       | کولومبیا           |
| ۳۷ر۵         | ۴۰ر۹       | کوبا               |
| ۶۵ر۱         | ۶۷ر۱       | مکزیک              |
| ۳۹ر۷         | ۴۴ر۳       | نروژ               |
| ۴۷ر۲         | ۵۲ر۲       | زئلاندد جدید       |
| ۵۵ر۳         | ۵۹ر۱       | ایران              |
| ۳۱ر۱         | ۳۹ر۸       | پرتغال             |
| ۲ر۵          | ۲ر۲        | رومانی             |
| ۳۳ر۳         | ۳۹ر۵       | سپین               |
| ۳۸ر۱         | ۴۲ر۹       | سوئد               |
| ۳۷ر۴         | ۴۰ر۹       | ممالک متحده آمریکا |

از این جدول واضح می شود چگونه خرابی اوضاع پول در سال اول دیر سیون ادامه داشت . از ۳۹ مملکت که جامعه ملل از آنها حصصیه میگردد در ۲۷ مملکت تنزل دائمی پول هنوز مداومت دارد . مملکت ۲۸ چکوسلاوی است که پولش بکینجمله تنزل کرده است . آلمان هم در جدول مزبور نیست زیرا ظاهرا توسط بانک دولتی ارزش پول خود را ثابت نگاهداشته است ولی اگر در حقیقت تبدیل پول آلمان باسعار دیگر توسط بانک دولتی ضمانت نشده باشد به اندازه ۴۰ تا ۵۰ درصد تنزل کرده است .

بزرگترین ممالک صنعتی یعنی آمریکا و انگلیس و ژاپن در جدول مزبور وجود دارد اگر چه سرعت تنزل پول در سال ۱۹۳۴ نسبت به ۱۹۳۱ و ۳۲ خیلی کمتر شده است و اگر چه این تنزل بیشتر بین ماههای نوامبر ۳۳ تا مارس ۳۴ صورت گرفته و ششماه اخیر تا حدی تعادل برقرار شده است با وجود این

جان میکند و دائما بیشتر در دریای قرض و فلاکت و بدبختی غوطه ور میشود ، اگر تخته سیاه اعلانات عدلیه اطربش را کسی نگاه کند باکمال تعجب خواهد دید که الواح مزبور از اعلانات حراج اموال دهاقین که قادر بر ادای دیون خود نیستند براست ، دهاقین اطربش دسته دسته از خانه و ماوی بیرون میروند در سایر ممالک مخصوصا در ژاپون و مستعمرات اوضاع وخیم تر وجود دارد . این بدبختی باعث شده است که نفوس دهقان در ممالک فرانسه آلمان ایتالیا و غیره ناراضی شده است . در آمریکا دولت جدید کرد که تا حدی نتایج بدی حاصل را جبران نموده عدم رضایت دهاقین را تا حد امکان برطرف کند . در ممالک دیگر که اوضاع مالی برای تخفیف فلاکت دهقان کافی نیست توده ناراضی وسیعتر شده منجر به نهضت های دهاقین گردیده است .

یکی از مشخصات مهم اعتبارات پول در دوره دیرسیون فعلی خرابی دوره دیرسیون و تنزل دائمی و متوالی پول و اعتبارات است . این موضوع را در نکات ذیل می توان فهمید : تنزل پول در دوره دیرسیون نیز (ولو با سرعت کم) دوام دارد . تنزل پول در سال های اخیر نسبت بمقیاس طلا برحسب چند درصد

| معدل ماهیانه | اول نوامبر |               |
|--------------|------------|---------------|
| ۱۹۳۴         | ۱۹۳۳       | نوامبر        |
| ۴۰ر۶         | ۳۴ر۶       | آفریقای جنوبی |
| ۶۳ر۴         | ۴۰ر۴       | آرژانتین      |
| ۵۲ر۴         | ۴۷ر۴       | استرالی       |
| ۳۹ر۰         | ۳۳ر۹       | مصر           |
| ۵۸ر۰         | ۵۵ر۹       | بولیوی        |
| ۵۸ر۲         | ۵۵ر۲       | برازیل        |
| ۳ر۹          | ۱ر۲        | بلغار         |
| ۵۰ر۵         | ۴۷ر۴       | دانمارک       |

در دنیای امروز اقلیت نسبت بجامعه فقط حق و اکثریت فقط وظیفه دارد ولی باید بزودی تمام افراد نسبت بدان هم حق وهم وظیفه پیدا کنند

بملك، ماشين آلات و وسائل توليد و اسهام مؤثر واقع نشد. با وجود تنزل پول اختلاف بين بازار پول و بازار سرمايه (اصطلاحی که «اكونوميست ها» بكار ميبرند) باقي ماند يعنی دارنده پول ترجيح ميدهد که سرمايه خود را يا بشکل پول نقد نگاهداشته يا آنرا با موعده کوتاه قرض دهد بجای اينکه آنرا صرف خريد اسهام و ماشين آلات نمايد. در صورتی که تنزيل قروض کم موعده خیلی کم و در امريکا و فرانسه تقريبا صفر است. تنزيل بانگی در ممالک مهمی که پولشان تنزل کرده است حالیه بقرار ذيل است:

|         |        |
|---------|--------|
| نيويورک | ۰.۱۵٪  |
| لندن    | ۰.۲٪   |
| استکهلم | ۰.۲۵٪  |
| توکيو   | ۰.۳۶۵٪ |

از روی جدول ذيل ميتوان فهميد که با وجود تنزل پول و تهديد بچنين پيش آمد (فرانسه و آلمان) و فراوانی پول برای استقراض و کمی ربح، کمتر سرمايه برای ايجاد تشکيلات صنعتی صرف ميشود.

انتشار اسهام برحسب ميليون

| آلمان |      | فرانسه |        | بريطانی کبير |      | ممالک متحده |        |
|-------|------|--------|--------|--------------|------|-------------|--------|
| صنعت  | جمعا | صنعت   | جمعا   | صنعت         | جمعا | صنعت        | جمعا   |
| مارک  | مارک | فرانک  | فرانک  | ليره         | ليره | دولار       | دولار  |
| ۷۱۳   | ۴۲۵۸ | ۵۹۹۲   | ۱۹/۲۸۶ | ۴۵           | ۲۸۵  | ۱۸۹۷        | ۱۰/۱۸۳ |
| ۴۵    | ۷۰۹  | ۱۵۲۶   | ۱۷/۸۶۰ | ۹            | ۱۸۹  | ۱۷          | ۱/۱۹۳  |
| ۵۵    | ۵۶۳  | ۹۲۹    | ۱۳/۷۸۴ | ۱۰           | ۲۴۵  | ۱۱۲         | ۷۱۱    |
|       |      |        |        |              |      |             | ۱۹۳۴   |
| ۲۶    | ۱۹۷  | ۱۲۵    | ۲/۰۹۲  | ۶            | ۲۶   | ۱۲          | ۲۲۵    |
| ۱۳    | ۱۳۶  | ۲۱۳    | ۵/۳۸۹  | ۱۳           | ۷۷   | ۹           | ۳۶۹    |
| ۱۲    | ۲۶   | -      | -      | ۱۴           | ۲۸   | ۳           | ۴۵۴    |

«اقتصاد و احصائيه» ميباشد

می بينم: از چهار دولت بزرگ صنعتی فقط در انگليس باندازه مناسب سرمايه برای ايجاد و توسعه صنعت مصرف شده است. در امريکا با وجود انفلاسيون تقريبا هيچ سرمايه وارد صنعت نگردیده، در فرانسه و آلمان با وجود تهديد انفلاسيون باز

نمی توان گفت که جريان طبیعی اصلی خود سير کرده است بر خلاف: ظن غالب اينست که سال ۱۹۳۵ در بعضی ممالک که ارزش پولشان هنوز ثابت است تنزل واضح پول صورت خواهد گرفت. پيشهاد فرانسه راجع بثابت کردن مقياس ليره و دلار در آن واحد گویا يابن زوديهما عملی نشود.

خصوصيت مهم دوره فعلی

انفلاسيون بدون در اينست که با آنکه توسل به امتعه همه جا باستثنای ژاپن قيمتی انفلاسيون (تنزل پول) وجود دارد ولی بر خلاف

انفلاسيون های حقیقی بعد از جنگ ديگر رونق فروش امتعه يعنی تبديل سريع پول به اجناس وجود ندارد. موقع شروع انفلاسيون ابتدا از طرف طبقات متمولتر خريد اجناسی که زائد بر مصرف روزانه بود صورت گرفت. اثاثيه، اتومبيل و منسوجات بيش از معمول خريده شد صاحبان کارخانجات مواد خام لازم را زياد خريد کردند و اصناف و کسبه انبار های خود را از جنس پر کردند. ولی توسل شدن به امتعه قيمتی يعنی تبديل مقادير زياد سرمايه نقدی

در اين جدول در ارقام مربوط به آلمان قبوض مالیاتی که دولت بين مردم منتشر کرده است محسوب نگردیده،

ماخذ جدول راجع به امريکا از مجله «کرونيکل تجارتي و مالی» برای انگليس از مجله «اكونوميست» برای فرانسه از مجله «احصائيه عمومی فرانسه» برای آلمان از مجله



باشد) از يك مملكت به مملكت ديگر جنبه بازي بورس را از نظر اختلاف مظنه اسعار دارد خطر از بين رفتن سرمايه صاحب آن را مجبور مي كند كه عقب استفاده بزرگتر ننگردد. اين قضيه در تقسيم طلاي موجود بخوبي ديده مي شود. جريان طلا خيالي محدود شده است اگر هم اتفاق افتد از ممالك مقروض بممالك دارنده اعتبارات ميروود.

تغييرات در مقدار عين طلا (واسعار) بر حسب ميليون  
آخر نوامبر ۱۹۳۳

ممالك متحده فرانسه ايطاليا آلمان  
(دولارقديم) فرانك لير مارك دولتي  
۴۰۱۲ ۸۰۰۰۰ ۹۲۰۰ ۴۰۸

آخر نوامبر ۱۹۳۴  
۴۸۰۳ ۸۰۰۰ ۸۳۰۰۰ ۸۳

مي بينيم: ايطاليا در عرض ۱ سال بيش از يك ميليارد لير و آلمان بقيه السيف طلاي خود را از دست داده در صورتی كه امری-كا ۷۰۰ ميليون دلار بخود چلب کرده است. در ممالك ديگر تغييرات جرئتي اتفاق افتاده است.

واضحتر از اين دليل متلاشي شدن سيستم اعتبار بين المللي اينست كه با وجود شروع دوره ديرسيون صادر كردن سرمايه در اين دوره نيز مانند دوره بحران بسيار جزئي مانده است.

معدل ماهيانه صادرات سرمايه بر حسب مليون  
(از بولتن جامعه ملل نوامبر ۱۹۳۴)

ممالك امريكا دولار  
۱۹۲۸ ۱۹۲۹ ۱۹۳۲ ۱۹۳۳ ۱۹۳۴  
۱۱۰ ۶۴ ۲ ۰ ۰

هم مبلغ جزئي براي صنعت مصرف شده است علت اين پيش آمد همان فراواني وسائل توليد و سرمايه جامد است كه مشخص تمام اوضاع بحران و ديرسيون اقتصاد فعلي است منتها در اين تناوب با وضوح كامل تري اثر خود را نشان داده است. براي دارنده پول معني ندارد كه سرمايه خود را از شكل پول و طلا به شكل ماشين و سرمايه صنعتي درآورد زيرا در صورت اخير بواسطه نقصان بازار فروش امكان نفع كمتر است. دخول در دوره ديرسيون عمق ريشه بحران اين دوره تناوب را مخصوصا نشان داد.

تجزيه و متلاشي شدن اقتصاد فعلي كه در صفحات قبل از نظر تجارت خارجي واضح شد در اینجا از نظر سيستم اعتبارات نير واضح تر ديده ميشود. اين موضوع بواسطه اختلاف ربح بين ممالك مختلفه واضح ميشود

ربح های رسمي بانكي آخر سال ۱۹۳۴  
نيويورك لندن صوفيه آتن  
%۰۱۶،۵ %۰۲ %۰۷ %۰۷  
بلگراد مادرید ليسبن ورشو  
%۰۶،۵ %۰۶ %۰۵،۵ %۰۵

اختلاف بين ربح های اعتبارات تجارتي ديگر بيشتر است.

با وجود اين جريان سرمايه های استقراري کوتاه مدت از ممالكي كه ربح در آنها كم است بممالكي كه ربح در آنها زياد است ديده ميشود.

حرکت سرمايه های کوتاه مدت (در صورتی كه با وجود تحديدهات زياد امروز امكان پذير

خط مشي: هر قدر يك فرد كاملتر باشد بهتر درك ميكند كه درجه خوشبختي فردي او منوط به انتظام و خوشبختي توده وسيع جامعه او ميباشد چه (علي رغم عرفان كه افراد بشر را ديو و دد دانسته از جامعه وي متفر بوده در جستجوي انسان ملكوتي است) تمام آثار انساني محصول خواص مادي همين توده وهمين جامعه است. پس هدف جوانان ما بايستي تا مبن زندگي فردي در مهدي اجتماع يك اجتماع كه رفاه توده وسيع را تا مبن ميكند باشد. بدین ترتيب خود پرستي و نوع پرستي كه براي اشخاص جامد دو مفر-وم متضاد است با اصول ديپلك تيك ما كاملا متحد ميشود. ما ارزش عمليات اجتماعي را از روی نفع و ضرر آن نسبت به توده وسيع حكيمت ميكنيم. « خوشبخت و يكسان كردن تمام افراد بشر) بايد رهبر رفتار عمومي گردد.



بريطانی گبير (ليره)

۱۱/۹ ۷/۸ ۲/۴ ۳/۲ ۳/۷

در آمريکا در دوره دبرسيون نيز صادرات سرمايه وجود ندارد . صادرات سرمايه بریطانی کبير فقط قدری ترقی کرده است .

ولسی چوون ايره ۴۰ در ۱۰۰ تنزل کرده صادرات سرمايه انگليس در سال ۱۹۳۴ حقیقته کسر کوچکی از مقدار معمولی است . این سرمايه بیشتر به مستعمرات انگليس رفته و بمصرف استحکام روابط مستعمرات که در حال گسستن میباشد میرسد .

علل وقفه در صادرات سرمايه در دوره دبرسيون همان علل قبل است که عبارتند از : ترس و عدم اطمینان از بکار انداختن سرمايه بحال بودن و یا خیلی مشکل بودن جلب ربح یا نفع سرمايه صادر شده بواسطه محدود بودن اسعار ، ولی مخصوصا ترس از نزدیکی جنگ بین المللی جدید . چون تاحال معلوم نیست که وارد کننده سرمايه در جنگ آتی طرفدار کدام طرف خواهد بود ، صادر کننده سرمايه میترسد که دشمن احتمالی آینده خود را تقویت کند . از این جا قانون عمومی شده است که راجع بهر يك از موارد صادر کردن سرمايه دولت ذی نظر باشد صادر کردن سرمايه ( اگر هم موجود باشد ) جزئی از سیاست خارجی را تشکیل میدهد . وقفه در صادر کردن سرمايه يك عامل مهم برای جلوگیری از تبدیل دوره دبرسيون بدوره رونق و رواج است

تحويل بحران بدبرسيون سرمايه و کار در قطعاً طرز استفاده از دوره دبرسيون سرمايه را بهتر نموده در وضعیت صاحبان سرمايه

بهبودی تولید کرد . ولی برخلاف دوره های دبرسيون قبل در وضعیت کارگر بهبودی حاصل نشده و این موضوع خود از اختصاصات مهم دبرسيون فعلی است .

بهرتر شدن وضعیت سرمايه را در زیاد

شدن نفع اسهام . و یا کم شدن ضرر ورورشکستگی در بعضی ( نه در تمام ) ممالک میتوان دید . منافع شرکت های سهامی در امریکا بر حسب میلیون دلار

( از بوله تن ماهیانه « نشونال سیتی بانک » ضرر ۱۴۷۵ شرکتهای سهامی صنعتی و تجارتي

سال ۱۹۳۲ مبلغ ۹۷ منافع همین شرکتهای سهامی سال ۱۹۳۳ مبلغ ۶۶۱

نفع ۲۵۰ مؤسسات صنعتی بزرگ نیمه اول ۱۹۳۳ مبلغ ۸۰

نفع همین شرکتهای نیمه اول سال ۱۹۳۴ مبلغ ۲۷۷

باستثنای فرانسه و بعضی ممالک دیگر در اغلب ممالک وضعیت بهمین ترتیب است بهبودی وضعیت سرمايه را نیز در کم

شدن فاحش تعداد ورشکستگی ها و بدون ورشکستگی میتوان دید . با اینکه در نه ماه اول سال ۱۹۳۲

در امریکا ۲۵۱۰۷ ورشکستگی ( بدون بانکها ) با مبلغ دینی ۷۵۸ میلیون دلار وجود داشت ، در ماههای اول ۱۹۳۴ فقط ۹۲۰۸ ورشکستگی

با دین ۲۰۶ میلیون دلار پیدا شد فرانسه استثنائی را تشکیل میدهد . ورشکستگی

سیتروئن بزرگترین کارخانجات اتوموبیل فرانسه که ۱۸۰۰۰ عمده داشت اولین ( ولی گویانه آخرین )

واقعه مهم در بحران فرانسه است . بهتر استفاده کردن از سرمايه را میتوان

از روی نرخ اسهام که منطما بالا می رود فهمید :

اندکس نرخ اسهام صنعتی ( ۱۹۲۸ صد فرض میشود )

( از بوله تن جامعه ملل )

آلمان امریکا انگليس ژاپون فرانسه

معدل

سالیهان ۱۹۳۲ ۵۰/۸ ۴۶/۳ ۸۴ ۱۰۰/۶ ۲۴۷

آخر اکتبر ۱۹۳۳ ۶۰/۲ ۷۵ ۱۱۵ ۲۰۶/۱ ۲۳۳

» » ۹۳/۴ ۸۲ ۷۶/۴ ۱۲۸ ۲۱۹/۶ ۱۶۴

این ارقام را در ضمن تغییر و حرکت

زن ( عالی رغم فاشیسم که ویرا فقط به کلیسیا رفتن ، زانیدن و پختن محکوم کرده است ) نباید فقط يك ماشین تولید بچه و خوراك باشد بلکه باید از محبس فکر کش مطبخ بیرون بیاید و جزء عوامل مؤثر پیشرفت اجتماع بشر شود . زن علاوه بر زن بودن باید انسان هم باشد



باید در نظر گرفت زیرا نرخ سهام در سال بعد باهم فرق داشتند. از این اعداد معلوم می شود که فرانسه از این نقطه نظر نیز یک استثنا بین ممالک مهم صنعتی است.

علل بهتر استفاده کردن از سرمایه در دوره دپرسیون بقرار ذیل است:

۱- ارزان شدن محصولات صنعتی در ممالکی که پولشان ثابت بود تا حدی توقف کرد و در ممالکی که پولشان تنزل کرده است بواسطه زیاد شدن قیمت بانجام رسید. ۲ -

انباشته شدن ذخیره های اجناس وقفه پیدا کرد ۳ - بهتر استفاده کردن از کارنیجات و راسیونل شدن کار در ضمن بحران مخارج تولید را کم کرد در جدول ذیل این نکات تشریح می شود:

(استفاده از مجلات « بورد اوف ترد

جورنال « آلمان مجله احصائیه و اقتصاد لهستان کوپونکت گوسلوداکی « امریکا مجله ماهیانه کار فرانسه بولتین احصائیه عمومی فرانسه، سوئد « کومر سیلامدلاندن « اندکس قیمت برای محصولات کامل حاضر صنعتی

ممالکی که معیار پولشان ثابت است ممالکی که معیار پولشان تنزل کرده

| فرانسه             | آلمان              | لهستان             | امریکا       | انگلیس          | سوئد          |
|--------------------|--------------------|--------------------|--------------|-----------------|---------------|
| محصولات کامل صنعتی | محصولات کامل صنعتی | محصولات کامل صنعتی | محصولات کامل | بدون مواد غذایی | محصولات صنعتی |
| اکتبر ۱۹۳۲         | ۷۲٫۳               | ۷۱٫۶               | ۷۲٫۶         | ۷۳٫۵            | ۷۴٫۵          |
| » ۱۹۳۳             | ۵۴٫۴               | ۶۴٫۱               | ۷۸٫۶         | ۷۶٫۱            | ۷۵٫۸          |
| سپتامبر ۱۹۳۴       | ۵۰٫۲               | ۶۲٫۴               | ۸۳٫۵         | ۷۶٫۷            | ۷۷٫۹          |
| اکتبر ۱۹۳۴         | ۴۹٫۸               | -                  | -            | ۷۶٫۵            | -             |

اندکس قیمت را باهم نمی توان مقایسه کرد مگر در حال تغییر. این اعداد نشان می دهد که قیمت اجناس صنعتی در سال اخیر فقط در فرانسه باز هم تنزل کرده است. در ممالکی که پولشان تنزل کرده است قیمت ها قدری بالا رفته است. (تنزل قیمت ها نسبت به طلا حساب میشود در بعضی انفلاسیون از این نظر اهمیت ندارد. مقدار منفعت از این نظر مستقیما تغییری نمیکند).

اجناس « مرئی » که در ایناز های ذخیره موجود است در سال ۱۹۳۴ بیشتر نشده و محصولات فلاحتی نواحی معتدله بواسطه بدی محصول کمتر شده است. با وجود این ذخائر مواد خام « مرئی » بمراتب بیشتر از دوره قبل

(از بحران است.)

در ضمن بحران راسیونل کردن کار تولید محصول بیشتر در مدت زمان کمتر بواسطه نظم و ترتیب و مکانیک دقیقتر) منظم و باجدیت مداومت داده شد. شدت کار بیشتر و مزد حقیقی آن کمتر شد. چون عده مزدوران اغلب ممالک در سال ۱۹۳۴ کمی بیشتر شد بالطبع ارزش اضافی کار آنها نیز زیادتر گردید چون از یکطرف ارزش اضافی بیشتر گردیده و از طرف دیگر سرمایه کلی که این ارزش اضافی روی آن تقسیم خواهد شد بواسطه ورشکستگی ها کمتر گردیده است طبیعی است که نفع سهام ۱۹۳۴ که سال ۱۹۳۵ تقسیم خواهد شد از سالهای بحران بیشتر خواهد گردید

دنیای مذهبی فقط انعکاسی از دنیای واقعیت است. هر طرز تولیدی یک مذهب مخصوصی بخود ایجاد میکند.

بدین ترتیب ممکن شد پس از این که تولید از دست ترین نقطه خود گذشت و تنزل قیمت متوقف شد و وضعیت سرمایه در دوره دپرسیون بوسیله ارزش اضافی که محصول کار است خیلی بهتر گردید .  
تغییری که در ارزش اضافی پیدا شده است از روی اندکس مقدار محصول و مقدار مزد تادیه شده در صنعت بزرگ امریکا معلوم می گردد :

| ۱۹۳۳ « سپتامبر ۱۹۳۳ (حد اعلای سال) ژوئیه ۱۹۳۳ قبل شروع انقلابیون مارس ۱۹۳۳ سپتامبر ۱۹۳۲ | حجم محصولات | درجه اشتغال | مقدار مزد | قیمت حداقل زندگی [۱۹۲۲ مساوی صد] |
|-----------------------------------------------------------------------------------------|-------------|-------------|-----------|----------------------------------|
| ۷۲                                                                                      | ۶۷          | ۶۳          | ۴۳        | ۷۶٫۶                             |
| ۸۵                                                                                      | ۶۰          | ۵۹          | ۳۷        | ۷۱٫۸                             |
| ۹۶                                                                                      | ۶۶          | ۷۲          | ۵۱        | ۷۵٫۶                             |
| ۷۶                                                                                      | ۸۰          | ۷۶          | ۵۹        | ۷۷٫۹                             |
| ۵۸                                                                                      | ۵۸          | ۵۸          | ۵۸        | ۸۱                               |

اعداد اندکس صنایع بزرگ امریکا (بهره تن دلار روز نوامبر ۱۹۳۳)

۱۹۲۵ مساوی صد فرض میشود

۱۹۲۲ مساوی صد

مابین سپتامبر ۱۹۳۲ و ژوئیه ۱۹۳۳ حجم محصولات باندازه ۴۳ در صد زیاد شده در صورتی که مزد پرداخته شده فقط ۱۹ درصد اضافه گردیده است و تنزل حد اقل مخارج روزانه ۲ در صد بیش نیست . از اینجا واضح می شود که طرز کار بیشتر بضرر مزد و بنفع سرمایه تمام شده است .

با آنکه حجم محصولات صنعتی نسبت بمبداء و مقایسه (۱۹۲۳ - ۱۹۲۵) باندازه ۹۰٪ تنزل کرده است مقدار مزد نقدی نسبت بهمان مبداء ۴۹ در صد و عایدات حقیقی (یعنی تغییر عایدات نقدی با در نظر گرفتن تغییر قیمت اجناس لازم برای حد اقل ضروریات روزانه) باندازه ۳۲٫۲ در صد تنزل کرده است راجع به بیکاری احصائیه نشان میدهد که در ژوئیه ۱۹۳۳ یعنی موقعی که مقدار محصولات صنعتی تقریباً بحد مبداء رسیده بود باندازه ۲۸ درصد کمتر مزد نسبت سال های مبداء (۲۳-۲۵) در صنعت اشتغال داشت . اجرای « کود » راجع به کم کردن ساعات کار هفتگی زیاد کردن مزد عمالچاتی که کمتر از همه مزد میگیرند تأثیر مهمی نکرده است .

مقدار مزد تادیه شده باز هم بیش از چهل و دودر صد کمتر از موقع مبداء بود حد اقل مخارج روزانه از ۷۵/۲ تا ۸۱ در صد ترقی کرده بود بنابراین با وجود کود عایدات حقیقی فقط باندازه ۵/۲۸ در صد از سالهای ۲۳ تا ۲۵ کمتر است . ولی گویا گرانی و ضروریات زندگی بیش از آنست که احصائیه دولتی نشان می دهد .

می بینیم : با وجود اینکه نفع سرمایه ترقی کافی کرده است در مزد بهبودی صورت نگرفته است . چون از یک طرف قیمت ها با ارزش دلار ارزان (نسبت به طلا) متناسب نشده و محصولات فلاحتی نیز چندان خوب نبوده است وضعیت روبه بدتر شدن است .

مطالعه در اوضاع اقتصادی ممالک دیگر احصائیه های کم و بیش قابل اطمینان بدست میدهند وضعیت شبیه بانچه که ذکر شدنشان میدهد . علل مهم بهبودی وضعیت سرمایه ولی عدم تغییر مهم وضعیت مزد بقرار ذیل است :

۱ - بیکاری مزمن توده که قبل از دوره بحران در ممالک مهم صنعتی شروع شده بود در

بشر از حیث تمدن رو به کمال میرود ، تمدن غربی باید یکقدم هم جلو تر رفته عیوب اجتماعی آن مانند نزاع و بیکاری و بحران مرتفع شود .  
عده که برای رفع این عیوب به سیر قهقرانی فتوی میدهند جاهلند و منافع مادی و طبقاتی مولد این فکر غلط در آنهاست !



در مقابل مقدار مزد هم به همین نسبت کمتر گردید . بدینوسیله در این ممالک ظاهراً تعداد بیکاران کم شد و مخارج نگهداری بیکاران به خود مزدور محول گردید . بنگارت دیگر القاء شبهه راجع به کم شدن تعداد بیکاران اینست که در بعضی ممالک ( امریکا و آلمان ) کار اجباری معمول گردیده یعنی جوانان اجباراً با اسم کار ( داوطلبانه ) وارد خدمت دهقان میشوند فقط در مقابل کار مزد دریافت نکرده بلکه فقط برای شکم و مختصر پول جیبی کار می کنند .

واضح است که وجود بنگ توده وسیع بیکار تاثیر مهم در مزد دارد بدین ترتیب میل به بهتر کردن ماشین آلات کمتر می شود . البته بدین ترتیب ترقی صنعت کاملاً وقفه پیدا نمیکند زیرا رقابت در صنعت جنگی باعث پیشرفت در صنعت می شود و فقط در صنایع دیگر وقتی تغییرات میدهند که این عمل مقدار مزد را خیلی کم کند و گرنه ارزانی مزد چنین عملی را ایجاد نمیکند .

مثلاً در انگلیس مدتی است ماشینهای راجع به استخراج ذغال تهیه شده است که هم قطعات معدن را شکسته و هم آنها را در واگنهای معدن به خودی خود بار میکند و ۶ عمله با این ماشین میتوانند کار صد عمله آزموده را انجام دهند ( تایمس ۸ سپتامبر ۱۹۳۴ ) . البته چون این اختلاف در تادیه مزد فاحش است چنین ماشین بکار برده میشود .

بواسطه این علل تحویل از بحران به دیرسیون مشکل شده است . از یکطرف چون بیکاری زیاد و وسائل تولید زیاد بدون استفاده مانده است تغییر عظیم در بهبودی اوضاع صنعتی و زیادی سرمایه جامد نمیتواند صورت گیرد

دوره دیرسیون خیلی جزئی و کمتر شد . احصائیه های مربوط بدین قسمت چندان قابل اطمینان نیست . با اینحال نتایج ذیل را می توان گرفت . عده بیکاران امریکا مطابق تخمین های مختلف امروز بیش از ده میلیون است .

در سپتامبر ۱۹۳۴ مطابق ارقام رسمی عده اشخاصی که اعانه بیکاری در امریکا دریافت می کرده اند بالغ بر ۱۸ میلیون بوده در صورتیکه در سپتامبر ۱۹۳۳ بیش از ۱۳ میلیون و ۳۳۸ هزار نفر نبوده است . بنابراین تقریباً یک ششم تمام جمعیت امریکا متاج به اعانه و احسان بوده است . ( اقتباس از تایمس ۵ دسامبر ۱۹۳۴ ) .

در انگلیس که مقدار محصولات در سال ۱۹۳۴ خیلی به مقدار ۱۹۲۹ نزدیک شده بود با وجود این مطابق ارقام رسمی بیش از ۲ میلیون نفر بیکار ماند . باید متوجه بود که صدها هزار نفر بیکار هم جزء صورت های رسمی نبوده اند زیرا با حذف اعانه بیکاران دیگر علتی برای ثبت اسامی آنها موجود نبود . در آلمان عده بیکاران بیش از ۵ میلیون و در ایتالیا بیش از ۱ میلیون است و غیره .

زیاد شدن عده کارگران مشغول که در احصائیه های رسمی اشاره می شود ، در اغلب موارد بکلی القاء شبهه میکند . بواسطه عمومیت دادن کار کوتاه در اغلب ممالک ( ممالک متحده امریکا ، فرانسه ) مقدار معین کار به عده بیشتر تقسیم می شد بدون این که مزد کلی کار تغییر کند .

در ایتالیا آخر سال ۱۹۳۴ عده ساعات کار هفتگی به چهل ساعت در هفته کوتاه شده

دسته بندی های خصوصی : کوه فکری و نداشتن میدان رؤیت وسیع یکدسته از جوانان ما را برای حفظ منافع فردی خود بدسته بندی های خصوصی که هر دسته مانند دستجات حیدر نعمتی ، در صدد اخلال کار دسته رقیب که در عین حال نسبت بهم متملق میباشند هدایت کرده است . فقط افراد کلاش و ضعیف النفس میتوانند در این دسته بندیها شرکت کنند و آنرا کار اجتماعی خود بدانند .

جوانان صالح ما باید از این قبیل صف بندیها خود داری کرده قوه خود را برای پیشرفت یک مرام اساسی که نفع توده وسیع در آن باشد مصروف دارند

و در بعضی موارد که پیشرفتی در صنعت پیدا می شود بیشتر باعث بیکاری و تنزل مزد می گردد .

پس واضح می شود که بر خلاف دوره های تناوبی بحرانهای قبل که بهبودی نفع و مزد باهم متناسب و متوازی بود دیگر در این دوره اینحالت وجود ندارد یعنی وضعیت نفع بهتر ولی مزد بدتر میشود. صحت این موضوع را از ازدیاد کشمکش های مزدوران راجع به مزد مخصوصاً در سال ۱۹۳۴ می توان فهمید . موجهای عظیم اعتصاب در امریکا ، قضایای فوری در فرانسه ، قیام مسلح در اطریش و شورش در اسپانیا این موضوع را نشان می دهد . باوجود فاشیسم بعضی ممالک شدت این کشمکشها دائماً رو بتزاید است .

تغییرات اقتصادی سال ۱۹۳۴ نشان داد که حقیقه مطابق پیش بینی اقتصاددانان مادی این دیرسیون دیگر بطرز طبیعی و معمولی بدوره رونق و رواج تبدیل نخواهد شد .

با آنکه مدت دو سال و نیم از پست ترین نقطه بحران گذشته است ما با وجود این هنوز در تمام ممالک (باستثای چند مملکت) تولید محصولات صنعتی - حالت بحرانی را دارد و حال آنکه در دوره های تناوبی قبل معمولاً در همان مدت مزبور مرتباً رواج و رونق سابق خود را دارا می شد اگر تجویزات جنگی عظیم در کار نبود این بحران سخت تر می بود .

امید هم نیست که سال ۱۹۳۵ تغییری در جریان تولید محصولات صنعتی پیش آید . چون تجدید و توسعه سرمایه جامد دوچار موانعی از قبیل وجود ماشین آلات زائد بر لزوم و عدم اطمینان سیاسی و اجتماعی می باشد بنا بر این تولید محصولات شعبه اول جداول سابق (وسائل تولید و ماشین آلات) منحصر بتعمیر ماشین آلات تهیه و تولید وسائل جنگی و بعضی تکمیلات خیلی جزئی خواهد بود بواسطه وجود این عوامل دلیلی برای تغییر اوضاع اقتصادی وجود ندارد

راجع بمحصولات شعبه دوم جداول سابق ( محصولاتیکه برای رفع احتیاجات معمولی مصرف دارد) می توان ملاحظه نمود که رواجی که در بازار گاهی پیدا می شود باشکلات اساسی که در خود بازار موجود است مصادف میگردد . یعنی چون تولید ماشین آلات مطابق شرح گذشته، محدود است بواسطه عملیات سرمایه بجهت نفع بیشتر تعداد مزدور خریدار جنس زیاد نشده از طرف قوه خرید او کم می شود . سال ۱۹۳۴ تکرار ۱۹۳۳ بود و سال ۱۹۳۵ نیز تکرار سال ۱۹۳۴ خواهد بود یعنی دیرسیون بروج مبدل نخواهد شد

در مشروحات گذشته ما اوضاع اقتصادی را از نظر خود بیان کردیم .

حال عقائد بعضی اقتصاددانان مخالف را بیان می کنم .

« انس تی تو برای تحقیق رواج بازار در آلمان در شماره ۹ ماه اخیر » نوامبر ۱۹۳۴ می نویسد :

( شماره سه ماهه ، سال نهم ، جزء ۳ قسمت A صفحه ۹۰ و ۱۲۴ ) در اقتصاد دنیائی کارهای اقتصادی خیلی ضعیف شده است . . . مطابق احصائیه های اینمؤسسه اندکس بین المللی محصولات صنعتی از ژوئن تا اوت ۶ در صد عقب رفته است تولید صنعتی دوباره به ۱۹۳۳ قنزل کرد ۵۵ است دز قیمت های مواد خامی که بوسیله ماشین تولید میشود و قفه پیدا شده است .

تجارت دنیائی در ماههای تابستانی تقریباً زیاد تر نشده است برحسب مقدار کمی بیش از سال قبل است »

مجله « بستر لوید » مجارستان راجع باقتصاد دنیا در ۲۶ اکتبر ۱۹۳۴ چنین حکم می کند : « اولین نظر در خارج از سرحد برای یک محقق بطور وضوح وضعیت خوشی را نشان نمیدهد . اقتصاد دنیا وقفه پیدا کرده است ، درهم نمی شکند ولی تحویل طبیعی به

اگر میتوانستیم با کار کم ذغال سنگ را تبدیل به الماس کنیم ، قیمت آن از آجر هم کمتر میشود . پس قیمت الماس بسته بمقدار کاری است که برای تهیه آن بکار رفته است .



مواد مصرف شده قدری در صنایع مولده محصولات ضروری رواج تولید کرده است ولی این رونق برای تمام اقتصاد کافی نیست. اگر رونق شامل ماشین آلات نشود و بدین ترتیب تمام شعب اقتصاد بهبودی حاصل نکنند وضعیت دو باره در هم خواهد شکست و از این رونق جزئی موجود چیزی باقی نخواهد ماند.

مجموعه مهم محافظه کاران انگلیس موسوم به « احصائیه » ( ۲۹ دسامبر ۱۹۳۴ صفحه ۱۰۰۹ ) راجع به آینده انگلیس مینویسد « اگر چه تناوب معمولی بمملکت فرصت نفس کشیدن داده است. ولی این حقیقت مسلم است که در سیر ترقی بعضی دوره های انفصال و حتی تنزل موجود است. صرف نظر از این اگر در ممالک خارج متوازی با داخل بهبودی حاصل نشود، در این مملکت یک حد معین برای بهبودی اقتصاد وجود خواهد داشت که از آن نمیتوان تجاوز کرد. »

اقتصادی معروف انگلیس ستر کوش راجع به حل موضوع بحران بوسیله شکستن معیار پول هائی واحد طلا دارند و تشکیل معیار ثابت برای تمام اسعار در محله « اوکونومیست » شماره مخصوص ژانویه ۱۹۳۵ مینویسد: « بلیه یا اصلاح؟ ... اگر بخواهیم از پیش آمدن بلیه جلوگیری کنیم بایستی به سند اساسی اصلاح صحیح، سریع و جسورانه اقدام شود. آنوقت فقط ممکن است اصلاح دنیا ئی عملی شود. »

بوله تن نوامبرو دسامبر « میدلندبانک » انگلیس مینویسد: « بنظر نمیرسد که بهبودی اقتصاد انگلیس در آتیه نزدیک با سرعت سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۳ باز شروع شود در ماههای زمستان گو با یک تنزل موسمی پیش بیاید. و شاید در آتیه بالنسبه نزدیک شروع بهبودی محسوس شود دیکتاتور اقتصادی آلمان « ساخت » در نطق معروف خود در « آپاسن » میگوید علت اینکه رونق دوره تازه که در بعضی ممالک پیدا شده است دائمی نبوده بلکه بوسیله بحرانها قطع میشود اینست که اغلب بوسیله اقدامات مصنوعی صورت عملی بخود گرفته است. . . .

این رواج های ممالک مختلفه مقدمه یک

حالت رونق هم در آن وجود ندارد. در بعضی ممالک وضعیت قدری بهتر ولی در برخی دیگر بدتر است.

منظره تمام ممالک یکسان نیست ولی حتمی است رواجی که بایستی از قوه خود اوضاع اقتصادی مستقلا تولید شود وجود ندارد.

موسولینی چنین اظهار نظر میکند (روزنامه بورس برلین ۲۸ اکتبر ۱۹۳۴) « بحرانی که ما پنج سال است در آن زندگی میکنیم مثل بحرانیهای معمولی اقتصادی نیست. این بحران جزء بحرانیهای تعاونی و معمولی و کوتاهی که صاحبان سهام با نکتی و صنعتی آنها از خواص اقتصاد فملی میدانند نیست، بلکه ما در یک دوره بحران قلمدن می باشیم که تاریخه کلمه قضایای اجتماعی و اقتصادی نفوذ میکند. »

یکی از بزرگترین اقتصادپون انگلیس « سر جوزیا ستامی » مینویسد ( اقتباس روزنامه معادن ۲۹ سپتامبر ۱۹۳۴ ) :

« دستکاه اقتصادی تمام ممالک هنوز بیک حال جمود و وقفه را دارا میباشد که بوسیله هیچیک از قوانین اقتصادی موجود بیان و تفسیر نمی شود ( البته نویسنده سطور مزبور به تفسیر مادی اقتصاد آشنا نیست و گرنه تفسیر علل این جمود برای وی نیز سهل بود. )

می بینیم که تمام اقتصادپون مخالف نیز بالاخره معتقد شده اند که این بحران و این درسیون غیر از دوره های سابق است امیدواری هائی که به ترقی سریع و جریان دوره تناوبی طبیعی در اول سال ۱۹۳۳ رواج داشت بواسطه جریان اوضاع اقتصادی سالهای ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ به یاس مبدل شد. بنا بر این پیش بینی اقتصادپون مخالف نیز راجع به ۱۹۳۵ امید بخش نیست مثلا شماره ژانویه نشیونال بانک سیتی در امریکا مینویسد :

« بواسطه عید نوتل ماههای اول سال بازار قدری خوب خواهد بود ولی راجع به ماههای بعد سال ۱۹۳۵ موضوع مهم اینست که آیا رونق مشمول صنایع مولد ماشین خواهد بود یا نه؟ مصرف روزانه و احتیاج به تولید عوض

بیش بینی راجع به ۱۹۳۵ برحسب نوع مملکت و تفکر اقتصادی از حیث لحن متفاوتست بعضی تا حدی مختصرا امیدوار و برخی کامالا مایوس میباشد جنبه مشترك عقاید مزبور اینست که هر کدام کم و بیش متوجه این حقیقت شده اند که در دوره تناوبی تولید محصولات صنعتی اختلال عمیقی پیدا شده است و دپرسیون فعلی يك دپرسیون طبیعی نیست که پس از آن مطابق قوانین اقتصاد فعلی يك دوره رواج و رونق بوجود آید .

تمام این مخالفین بواسطه وجود عملی و حقیقی قضایای روزانه مجبورند که تجزیه و بیش بینی مکتب مادی را قبول کنند .

رونق عمومی اقتصاد دنیا را فراهم میکنند ولی يك رونق عمومی وقتی می تواند تولید شود که رواج بازارهای جداگانه ممالک بوسیله تجارت خارجی دنیا باهم توافق کنند . این زنجیر ارتباط یعنی تجارت بین المللی هنوز وجود ندارد باید هم اینطور باشد زیرا اعتبار بین المللی از میان رفته است »

اقتصادی مهم امریکا « و . س . تورپ » که باختصاص بتحقیق دوره های تناوبی صنعتی اشتغال دارد در مجله تجارت خارجی ( ژانویه ۱۹۳۵ صفحه ۱۹۴ ) مینویسد : مسئله مهم اقتصاد امروز فقط این است که چگونه باید رونق را ایجاد کرد بلکه باید علاوه شود که چگونه می توان آن را پس از ایجاد برای مدت بیشتر تامین نمود .»

## هنر در ایران جدید

اخلاقی هست و بالاخره هنر منسب اجزای دارد در آثار خود اصول اخلاقی را مورد مباحثه قرار دهد یا خیر

جواب تمام این سئوالات برای فکر سلیم واضح و آشکار است و هر کس اگر نظر مادی بفتح خود نداشته باشد خواهی نخواهی تمام ای سئوالات جواب های مثبت بدهد ولی کسانی که کوچکترین ارتباطی مابین این سئوالات با منافع طبقاتی و یا شخص خود احساس کنند اجبارا باین سئوالات جواب های منفی خواهند داد مثلا جواب همان سؤال اول که آیا هنر

در تحت تاثیر زمان و مکان هست یا خیر برای کسی که زندگانی راحتی دارد و در جامعه مقامی را اشغال کرده است و بهیچوجه نمی خواهد در جامعه کوچکترین تغییری رخ دهد منفی است یعنی بقیده او اشعار فلان شاعری که محتوی افکاری بفتح طبقاتی و باشخصی اوست در هزار سال پیش دارای همان اهمیتی بوده که در هزار سال بعد خواهد بود و چند هزار سال بعد هم این افکار او کهنه نخواهد شد ، زیرا که خوب اینمطلب را می داند : بمحض این که سیر و پیشرفتی در دنیا قائل شود ، لطمه کلی بزنگانی مادی او وارد میاید

يك تعریف از هنر جواب تمام معای فوق را به

قبل از اینکه هنر ایران جدید را در تحت مطالعه قرار دهیم بی مناسبت نیست اساسا در خود موضوع هنر دقت کرده بچند سؤال ذیل جواب بدهیم :

۱ - آیا هنر در تحت تاثیر زمان و مکان هست یا خیر ، یعنی اشعار یکنفر چینی در دو هزار سال قبل از میلاد باید فرقی با رمان يك نفر اروپاوی قرن بیستم داشته باشد یا نه

۲ - آیا هنردارای منظور و مرامی هست و یا اینکه مطابق عقیده طرفداران *l'art pour l'art* ( هنر برای خود هنر ) وظیفه عمده هنرمند کامل کردن صورت ظاهر آن است .

۳ - آیا هنرمیتواند مورد استفاده عموم واقع گردد و یا اینکه فقط عده محدودی می-توانند از آن استفاده کنند

۴ - آیا هنرمند باید آثار استادان سابق را سرمشق خود قرار داده و یا اینکه شخصا هم میتواند اختراع و ابداعی کرده و بلکه بکلی با نمونه های استادان سابق قطع رابطه کند

۵ - آیا منظور اساسی هنر اینست که تسلیت و دلداری و تفریحی برای مردم باشد و یا اینکه هنر می تواند دنیای واقع را نیز تغییر دهد .

۶ - آیا ارتباطی مابین هنر و اصول



بهترین وجه میدهد : هنر انعکاسی از زندگانی اجتماعی است بطوریکه شخصیت هنرمند آنرا تشخیص میدهد . طبیعی است که این هنردر شخصیت دیگران تاثیر کرده و راهنما موجب تغییر احساسات و عقاید و بالاخره موجب تغییر رفتار میشود . البته این نکته بحد خود مهم است که در این ایجاد و تولید شخصیت هنرمند يك عامل بسیار مهمی است ( بدین باید دنیا را بچشم بد و خوش بین باید دنیا را بچشم خوب به بیند ) اما نکته مهم تر را باید در نظر گرفت که : هنرمند در وحله آخر يك محصول اجتماعی بوده ، روحیه او و روحیه آثار او محكوم قوای اقتصادی دوره او هستند .

از این نظر و آنچه راجع بشخصیت هنرمند گفته شد ما این نتیجه را میگیریم که : تمام هنرمندان بزرگ هر دوره ای که ما آنها را میشناسیم و در دوره خود نیز معروف بوده اند آن اشخاصی بوده اند که از يك جریان قوی موجود اجتماعی ( اغلب طبقه حاکمه ) طرفداری کرده افکار و منافع آنها را تبلیغ کرده اند امثال حافظ و شکسپیر و گوته دنیا بیشتر بوجود آورده است ، اما چون منافع طبقه حاکمه را پروا نکند کردند تودهنی خوردند و اسمشان از بین رفت برای آنکه واضح شود که هنر تاجه اندازه در تحت تاثیر قوای اقتصادی میباشد ، کافی است که بيك مثل ذیل اشاره کنیم : شما هر صفحه کتاب حافظ را که باز میکنید اقلاً ۵ تا ده مرتبه به لث های می و جام ویر مغان وساغر و ميفروش و باده و غیره بسر میخورید کاری نداشته باشیم باینکه این می و این باده و معشوقه عرفانی بوده است و یا مجازی فرضا که شراب عرفانی و عشق «معنوی» مقصود بوده است ، باز خود این مطلب جالب توجه است که بزرگترین مظاهر عرفان این عالم « ملکوتی و معنوی » شراب و عشق بوده است ، یعنی دو چیزی که بیش از همه چیز احساسات انسان را قلقلک می دهد چرا تا این اندازه صحبت از شراب است ؟ برای آنکه در حال مستی انسان دردش را فراموش می کند . پس تقاضای زیاد شراب دلیل وجود مصیبت و درد زیاد است .

از طرفی مگر نکفتیم که هنرمند محصول اجتماعی است ، پس خواهی نخواهی هنرمند تا اندازه نیز این احساسات دوره خود را مجسم میکند بلکه ، قوای اقتصادی آن دوره یعنی هنگامیکه ایلات مغول داخل شهر های ایران شده اند ، معلوم است چگونه میبایستی بوده باشد . درس راه حافظ از دربار بدین مغان حال زارع و کاسب ایرانی در موقعیکه هزار ها مغول در سر تا سر ایران تاخت و تاز میکنند و میکشند و میبرند و کار نمیکند معلوم است چگونه بوده است . شاعر بدون اینکه خودش بداند در تحت تاثیر این اوضاع اقتصادی اجتماعی سعی میکنند که بهر وسیله ای که ممکن است از درد و زجر مردم بکاهد اکنون اگر هنرمند از توده زحمت کش و شخصا درد کشیده باشد ، سعی میکند که مردم را نیز بمقاومت و گرفتن حق خودشان تشویق کند ، در آنها حس عدم رضایت تولید کند و آنها را وادار نماید که جانفشانی کنند و حق از دست رفته را بستانند اما يك چنین شاعری به اقبیت فردوسی و خیام گرفتار میشود در صورتیکه حافظ صلاح خود و زمامداران را در آن می بیند که با شراب و شاهد وساغر ولو « معنوی » هم که باشد درد و مصیبت آنها را کمتر کند . در مورد حافظ و هر هنرمندی نباید این مطلب را فراموش کنیم که بيك مرتبه جامعه در اوتاثیر کرده و بيك مرتبه او در جامعه مؤثر بوده است .

آیا آثار بيك چنین هنرمندی همیشه زنده بوده و خواهد بود ؟ نه ، زیرا که هر هنرمندی بالاخره انکار بيك دوره و منافع بيك دسته را تبلیغ و پروا کند کرده است و بمحض اینکه آن دوره تغییر کرد و آن طبقه حاکمه نیز از بین رفت اجباراً از اهمیت آثار آن هنرمند نیز کاسته می شود .

منتها بعضی احساسات هستند که از خواص مشترك تمام جامعه بشریت هستند ، هنرمندی که این احساسات را شرح میدهد ، بیشتر دوام میکند تا دیگران . اما حتی این آثار هم در دوره های بعد ازین میرود ، چه هنرمند دوره بعد همان احساسات را بشکل تازه تری که با دوره زمان خودش مناسبت دارد ، در

فلان شاعر شعر خود را میگوید و این شعر از دهان بدهان میرود ، مردم هم می شنوند و یاد میگیرند و از آن خوششان می آید . گرانترین هنرها تیاتر است . یعنی نه یکمرتبه به تیاتر رفتن بلکه برای مردم يك تیاتر دادن و بقیده من این يك دلیل فوق العاده قاطعی است بر اینکه تیاتر در ایران تا باین دوره عمومیت پیدا نکرده و در آن پیشرفتی حاصل نشده است ، همه میگویند که چرا در زمانیکه ایران با یونان مربوط بوده و فلسفه یونان با ایران آمده است ، تیاتر از یونان با ایران نیامده است . برای آنکه در یونان در اغلب شهرها يك حکومت دموکراسی و ملی وجود داشته ، در صورتی که در ایران حکومت اشرافی بوده است .

ملت یونان برای خود تیاتر تهیه کرده است ، و ما میدانیم که مخصوصا در یونان مردم یعنی توده ملت (باستثنای غلامان ) ، پولداران را مجبور میکرده اند پول برای نمایشی فلان قطعه فلان شاعر بدهند ، در صورتیکه حکومت اشرافی و استبداد ایران قدیم این تحمل را برای مردم زیادی میدانسته است . از تمام این مراتب گذشته ما میدانیم که هنرهای بزرگ آنهائی هستند که عمیقا در توده مردم نفوذ کرده اند .

برویم سر سؤال بعد . آیا هنرمند باید از استادان سابق سر مشق گرفته و یا اینکه شخصا هم میتواند اختراع و ابداعی کند . چه طور است این سؤال را از یکی از شعرای بزرگ خودمان بکنیم . خواننده ای که با اصول مادی آشناست میداند که این فکر ما منطقی نیست ، چه طبیعتا از هر شاعری که بپرسیم مطابق طبقاتی خود جواب خواهد داد . اگر از سعدی بپرسیم و یا از سعدی ما بها در جواب ما باوقار و ملاحظه کاری البته بطوریکه بهیچکس بر نخورد خواهد گفت : نباید تند روی کرد ، آثار اساتید برای ما نمونه خوبی هستند ، البته باید از آنها تقلید کرد ، منتها ما باید سعی کنیم که همان را تکمیل بکنیم . در صورتیکه شما اگر از خیام بپرسید با کمال شجاعت و بی اعتنائی بدون این که از ملك الشعرای زمان بترسد که نان او را قطع

می آورد . و اگر هر مندی دست باین احساسات زد و از عهد و تجسم آن بشکل جدیدی بر نیامد ، اثر او فوری فراموش میشود . دیروز هنرمندان کینه و حسد و شجاعت و حرص را می توانستند به شعر برای مردم تشریح کنند ، امروز میدانیم که در صحنه تئاتر اینکار بدرجات مؤثرتر انجام میگیرد .

با آنچه در فوق گفته شد ما به سئوالات اول و دوم جواب کافی داده ایم ولی به طرفداران عقیده هنر فقط برای خود هنر تذکر میدهم که هنر بدون منظور و مرام از محصولات فکری يك جامعه ظاهر با بدون منظور و مرام بوده است ، یعنی آن عده ای که فساد اخلاقی برای آنها راه چاره باز نگذاشته است و بالکل و افیون تدریجا خود کشی کرده اند ، در صورتیکه خود آنها محصول جامعه ای هستند که منظور و مرام مخصوصی را تعقیب میکنند . برویم سر سؤال سوم . این فکر را سواره برای سواری گرفتن خود پیدا کرده اند . استفاده از هنر ارتباط خاصی با اوضاع مادی اشخاص دارد . هر گاه بیشتر پول دارد بیشتر می تواند از هنر استفاده کند .

آنکه پول دارد برای خود خانه ای که تمام قسمت های آن از روی اصول هنری ساخته شده است تهیه می کند دیوارهای آنرا با آثار استاد های معروف نقاشی می کند مجسمه های زیبا در گوشه های اطاق و در باغچه کنار حوض و عوض فواره کاری گذارد شب ها شخص پولدار بازنهائی که اندام زیبا دارند و لباسهای خوش نقش و نگار بر تن دارند از تیاتر برمی گردد و اکنون يك عده هنرمند برای او موسیقی می نوازند و او با آنها میرقصد و آخر شب نیز قبل از خواب چند صفحه از کتاب فلان نویسنده معروف را میخواند . يك چنین آدمی حق دارد بگوید که من زندگانی خود را وقف هنر کرده ام اما حیف که مردم این هنر را نمی فهمند حق هم دارد مردم زیبایی مجسمه های او را نمی فهمند برای آنکه پول جیبشان بسان اندازه نیست ، اما آن هنری که در خور پول جیب آنهاست ، یعنی هیچ خرجی ندارد آن را خوب می فهمند و آن شعر است .



قطع کند و دست او را از دربار کوتاه کند ، میگوید :

هر چه قدیمها گفته اند خوب باید بدرد خودشان میخورد . من رباعی خودم را میگویم و و بهیچکس کاری ندارم .

بالاخره اگر بنا باشد که از همه قدیمیان تقلید کنند در هنر پیش رفتی بوجود میاید هنرمندان بزرگ آنهایی هستند که از خود اختراع و ابداعی کرده و چیز های تازه ای بوجود آورده اند اما قسمت آخر سؤال ما که آیا هنرمند حق دارد بکلی بانمونه های استادان سابق قطع رابطه کند هنوز بی جواب مانده است خواننده اشای با اصول مادی میدانند که ما در طبیعت و در اجتماع نه فقط بیک پیشرفت تدریجی بلکه بیک تغییر ناگهانی هم معتقد هستیم در اجتماع نیز این اصل صادق است پس اگر در قوای اقتصادی و سیاسی جامعه ای بیک تغییر ناگهانی بعمل آمد یعنی جامعه جدید بکلی در مرحله اول تمام اصول و عقائد و تشکیلات جامعه پیش پست پا زد ( بطوریکه مکرر در تاریخ دیده ایم که این اتفاق افتاده است ) البته این تغییر ناگهانی در هنر نیز تاثیر کلی خواهد داشت هنرمندان این دوره هم بکلی با اصول سابق قطع رابطه می کنند اکنون پس از مدتی این اصول و تشکیلات در اجتماع و عقائد و اشکال در هنر کهنه شده جامعه دیگر و هنرمندان دیگر باز این را از بین برده چیز تازه تری بوجود میاورند

بالاخره همه این حرفها درست . اما ما هنوز نمیدانیم که هنر برای چه لازم است این سؤال را نیز از نظرمادی باید در تحت مذاقه قرار دهیم کدام قسمت زندگانی اجتماعی و با انفرادی بیک جنبه مادی ندارد ؟ زندگانی ما عبارت از برطرف کردن مشکلات است که طبیعت در راه ما گذاشته است .

در هر قدمی که بر می داریم مواجهه با اشکال تازه ای می شویم ،

بالاخره معنای حقیقی تمدن برطرف کردن این مشکلات یعنی تولید لذت و رفع درد است . تمام عوامل و آثار تمدن جز این وظیفه دیگری

ندارند هنر نیز در همین حکم است هنر نیز برای این درست شده است که از درد مابکاهد و لذت برای ما تهیه کند تا این جا همه ما هم عقیده هستیم اما از این بعد دیگر منافع ما از هم جدا می شود بیک عده هنرمندان که طرفدار و مبلغ انکار و احساسات طبقه حاکمه هستند میگویند هنر برای تسلیت و دلداری و مشغولیت مردم بوجود میاید یعنی ما باید این احساس را در مردم تلقین کنیم که درد را تحمل کنند و در مقابل نا ملایمات سر تسلیم و رضا فرود آورند . دسته دیگر آنهایی که در زندگانی دود چراغ می خورند و خودشان علاوه برای دردهای شخصی دردهای اجتماعی را نیز بر عهده میگیرند اینها میگویند ما باید الساعه عواملی که موجب تولید این مصیبت شده است از برده بیرون آوریم نه درد گشندگان آنها را نشان دهیم آنوقت آنها را تقویت و تشویق کنیم بر اینکه این عوامل تولید درد را از بین برده و برای خود لذت تهیه کنند از ما بین طرفداران عقیده اول حافظ و سعدی و گوته و غیره از میان دسته دوم خیام و ولتر بوجود می آید آنها در زندگانی خود راحتی می کنند در صورتی که اینها همیشه بدبخت و در عذاب بوده اند آنها را ما محافظه کار و اینها را متجدد و ترقیخواه میگوئیم .

بالاخره با آنچه گفته شد جواب سؤال ششم یعنی ارتباط مابین هنر و اخلاق نیز داده شده است .

اخلاق یعنی چه کاری بکنیم که برای ما و برای وضعیت موجود جامعه ایسکه ما در آن زندگانی می کنیم مفید باشد و چه کاری بکنیم که ضرر داشته باشد چون راجع به تقصیر و ضرر ماست هنر نمی تواند از آن صرف نظر کند منتها این اخلاق باز ارتباط خاصی با منافع طبقاتی دارد . آنچه برای بیک طبقه خوب است اغلب برای طبقه دیگر بد است ، یعنی مضرات اینست که خواهی نخواهی هنرمندان باین موضوع توجه خاصی کرده اند . اما این را نباید فراموش کرد که هنر کتاب قانون نیست هنر مند قوی آنکسی است که موضوع های اخلاقی را طوری شرح دهد و طوری در خواننده اش القاء کند که



انسان حقیقت آن را احساس کند والا آثار او مانند کتب اخلاقیون میشود که اخلاق و عظمی کنند و خود مخالف آن رفتار میکنند و در نتیجه در خواننده هم بی تاثیر میماند حال با این مقدمه خوب است نظری به هنر ایران و ایران جدید بیندازیم .

بنا بر آنچه گفته شد جواب این سؤال مشکل که چرا ایران که «در مهده تمدن» بوده است قریه است که دیگر در «معنویات» ترقی نکرده و در موسیقی و نقاشی و ادبیات پیشرفتی ننموده است برای ما بسیار آسان است . ما که هر گونه تغییری را مستلزم تغییر طرز تولید میدانیم میگوئیم بهمان علت که دهقان ایرانی هنوز هم با گاو آهن زمین را شخم میزند و اجناس ایرانی هنوز هم کمابیش با شتر حمل و نقل میشود و کاسب ایرانی هم هنوز با منقل و کرسی خود را گرم میکند ، پس ما چطور میتوانیم متوقع باشیم که نویسندگان ایرانی بطرز دیگری جز بطرز حافظ و سعدی چیز بنویسند . طرز نویسندگی و اصولا کلیه هنرهای دیگر در این ششصد ساله اخیر بهمان دلیل فرق نکرده که در اصول و اساس وسائل تولید هم تغییری رخ نداده است . اگر مثلا در افکار آثار نویسندگان تغییری رخ داده مثلا یک شاعر بیشتر اشعار بزمی و دیگری بیشتر رزمی گفته و یا اینکه یکی تشویق بزندگانی و دیگری یاس و نومیدی ایجاد کرده آنها مستلزم نهضت های اجتماعی و ملی بوده است که آن نیز خود در تحت تاثیر اوضاع تولید است . و اگر اوضاع تولید در اروپا تغییر نمیکرد و اگر وسائل نقلیه اروپا دورترین نقاط دنیا را بهم نزدیکتر نمیکردند و اگر حرص سرمایه داران اروپائی روز بروز به تازم نبود و اگر بحران های اقتصادی دول اروپا را مجبور به جنگ بین المللی نمیکرد ( و هزار اگر دیگر ) و بالاخره اگر اروپا برای تامین زندگی خود چشمی به مشرق زمین نمی انداخت ، باز هم دنیا را آب میبرد و ما را خواب . جنگ بین المللی چون ارتباط مستقیمی با زندگانی ما پیدا کرد بطوریکه نفهمترین و بی خبرترین دهقان ایرانی هم متوجه آن شد ، ما را تکان داد و از طرفی احتیاج ما از طرف دیگر سعی اروپائی

ها برای پیدایش بازار های فروش ما را وادار کرد که اتوموبیل و موتور و تراکتور و توب و هزاران وسیله تولید جدیدی که نداشتیم تهیه کنیم . این انقلاب مادی در زندگانی «معنوی» ما نیز تاثیر کرده خواهی نخواهی در هنر نیز بی اثر نمیتواند باشد . موسیقی از دلهوسه دارد یک با جلوتر میگذارد تیاتر از دست امیر ارسلان میخواد خودش را نجات بدهد ، نقاشی ما سعی میکند که از ریزه کاری و نقاب و کپیبه شاید راحت شود . ادبیات مانیز در زرد و خورد است که شاید قصیده و غزل را تبدیل به رومان و نوول و بیس کند . طبیعی است که این پیشرفت بهمچوجه عمومی نیست ، در گوشه و کنار چند نفری نشسته اند و خون جگر میخورند که شاید موفقیتی نصیبشان شود ، اما بی فائده برای آن که از ۱۰ هزار اتوموبیل و ۱۰ تراکتور و مثلا ۵۰ کیلومتر راه آهن و صد عدد رادیو و هیچ تلویزیون و هیچ تراموای برقی و هیچ تراموای زیر زمینی توقع دیگری هم نمی توان داشت . نوشین در تیاتر ، مین باشمان در موسیقی اندره سوربرگین ( درویش نقاش ) در نقاشی هدایت در ادبیات اینها یکی بر سر خودشان و یکی بر سر هنرهایشان می زنند و بدبخانه خودشان هم مثل اینکه نمیدانند که علت عدم موفقیت آن ها چیست . این چند نفر در خود قوه حس می کنند ، شاید با کمال صداقت سعی دارند در اینکه آثار جدیدی تهیه کنند اما تا موقعی که خط مشی برای خود تشخیص نداده و یک فکر منطقی شخصی را تعقیب نکنند ، هر چه بوجود بیآورند بی ارزش خواهد بود . ما به آثار این چند نفر علاقه نداریم منتها چون در آن ها قوه تشخیص داده ایم به هنرمندان این آثار علاقمند هستیم و امیدواریم که اگر وضعیت مادی آنها چشمهای آنها را باز کرد و آنها را طرفدار یک عقیده منطقی نمود ، شاید بتوانند در آتیه آثار بزرگتری ایجاد کنند که در توده متجدد و پیشوا ولو متجدد و پیشوای آتیه هم که باشد ، تاثیری کرده و هر کدام بتوانند رول تاریخی بازی کنند . صرف نظر از اینکه آثار بعضی از آنها هنوز هم بحال نطفه است مهنها باز چون قوه ایجاد هنر در آنهاست میتوانند از عهد بر آیند .



بخود بگیرد . او میخواست یکمترتبه «دلهوسه» را تبدیل به «اگمونت» و «پرگینت» بکند این نکته را فراموش کرده بود : برای اینکه در جامعه‌ای هنر وجود داشته باشد : یکمترتبه هنرمند و یکمترتبه جامعه هنر دوست لازم است جامعه هنر دوست نیز يك « نعمت آسمانی » نیست ، مین باشیان اینرا فراموش کرده بودو اگر هنوز تیرش به سنک نخورد ، است خواهد خورد . قبل از مین باشیان هم دیگران خواستند موسیقی ایران را بعقیده خو دشان اصلاح کنند اما اصلاح موسیقی ایرانی یعنی باین آوردن حد موسیقی فرنگی به موسیقی ایران و این یعنی برگشت بقهرا . من اطلاعی از فن موسیقی ندارم که راجع باساس آن بحث کنم اما همینقدر میدانم که دیگران میخواستند با تار ودنیک کار کنند . در صورتیکه مین باشیان میخواست پایانو و ویلون و ویلونسل موسیقی بنوازد .

درویش نقاش مثل اینکه کمی بیشتر به نفع شخصی خودبکنه مطلب بی برد ، دهسال در ایران نقاشی کرد ، زحمت کشید ، دود چراغ خورد دید که هنر او در محیطش عاشقی ندارد ، بفکر این نیفتاد که عاشقی برای هنر خود در محیط خود پیدا کند شاید چون با استعداد خود اطمینان کامل داشت ، رفت به محیطی که هنر او را دوست داشتند و چون او شخصا موفقیت حاصل کرد ، خوب بود که دیگران درس از او میگرفتند .

هدایت در آثارش صلاح خود را در این دیده است که چشمهایش را هم بگذارد و بسیاری چیزها را که میفهمد نفهمیده بگیرد و لئو اینکه ظاهرا بطور یقین مخالف پرویاکاند در هنر است ، اما هرکس که آثار او را بخواند میداند که چگونه میخواهد افکار خود را تبلیغ کند اگر کسی آثار او را از اولین کتابش موسوم به « پروین دختر سامانی » تا « وغوغ ساهاب » با هم مقایسه کند . بخوبی می بیند که چه تکامل فکری را طی کرده است . در « وغوغ ساهاب » با دنیائی که در ایران زندگی میکند ، خوب آشنا شده است ، در این کتاب همه چیز زیر و زبر میشود ، اما چطور باید دنیای کن فیکون شده را درست کرد ، اینرا ندیده و نشنیده و نفهمیده میگیرد . اما هنوز راه تکامل برای او باز است .

ما برای ابن که هنر ایران جدید را شرح دهیم ، آثار اخیر هر يك از این پنج نفر را مورد مطالعه قرار میدهم تا بحال در صفحات دنیا راجع بیکی از آثار ابن چند نفر کما بیش بحث شده است در این مورد فقط راجع بکلیات آثار آنها چند کلمه ای گفته می شود .

در تیاتر آخری نوشین داد یعنی در ترجمه و اقتباس توپاز تالیف مارسل پانیول و نمایش آن بطور یقین توانائی و استعداد خود را نشان داد و میتوان گفت که نوشین اول کسی است که می خواهد در ایران به تیاتر (اگر میتوانست) سرورویی بدهد ، اما این سعی و کوشش او کافی نیست . نوشین حتی در انتخاب موضوع و اقتباس و بقارسی در آوردن این بیس در تحت نفوذ محیط و اجتماع قرار گرفته است .

با وجودیکه در توپاز مارسل پانیول صریحا از مردم دفاع میشود و بعوامل دیگر حمله می شود در «مردم» نوشین سلاح نویسنده بر علیه مردم بکار رفته است .

بعقیده نوشین مردم بدهستند . این عقیده کهنه زمانهای گذشته است . «من نمی گویم که همه مردم بدهستند اما آن ذره که در حساب ناید .»

برعکس مردم در تحت تأثیر محیط و اجتماع خوب و بد می شوند آنکسیکه تمام روز مشغول زحمت کشیدن است او چه بدی کرده است . فرضا هم بدی بکند تا چه حد می تواند صدمه برساند . نماینده تیب مردم در نمایش نوشین «شریف» است اگر درستکارها و اعلم العلماء ها بدهستند و شریف را بدبار میاورند ، تقصیر مردم چه چیز است . اگر نوشین می فهمد که علت عدم پیشرفت او چیست و مجبور میشد که طرفدار يك عقیده ثابتی باشد دفعه دیگر تیاتر «توپاز» را بشکل مردم در نمیآورد .

مین باشیان نیز گرفتار همین بدبختی نوشین است . او خیال میکند که تنها آرتیست بودن او و اطلاع او از موسیقی کافی است بر اینکه موسیقی ما از وضعیتی که داشت ترقی کرده و صورت بهتری

## تغییر زبان فارسی

چند ده سال است که از تغییر زبان فارسی صحبت می شود و این نهضت امر روز مخصوصاً شدت پیدا کرده است . خوانندگان ما چون میدانند ماتام قضا با را از يك نقطه نظر دقیق معین بحث می کنیم از ماعل این نهضت و همچنین موقعیت ما را نسبت باین نهضت میخواهند مختصراً بانها جواب میدهیم .

نهضت برای تغییر زبان فارسی مخلوط امروز دودلیل کاملاً متضاد دارد که بایستی باهم مخلوط نشود : ۱ - نهضت شوی نیسم ، ۲ - نهضت ترجمه علوم ملل غربی بفارسی .

شوی نیسم را نمی توان وطن پرستی ترجمه کرد . وطن پرستی مادی با شرایط معلوم در موارد مخصوص با خط مشی مجله دنیا موافقت کامل دارد عبارت از اینست که توده که از زمین و آب و آفتاب و معدن يك سر زمین ضروریات حیات خود را تأمین می کنند و در آن سکنی دارند بدان سر زمین علاقه مادی دارند . اگر دست خارجی بخواهد از محصولات این سر زمین که از تبدیل رنج اهالی آن به جنس بوجود آمده است ، استفاده غاصبانه کند آن توده با آن دست خارجی می جنگد . این علاقه عبارت از وطن پرستی مادی یعنی وطن پرستی حقیقی است .

اما اگر این حقیقت حالت عرفانی و پرستش روحانی پیدا کرده زیر پای تجسمات مجازی محو شده این علاقه مادی به پرستش الوان ، خاک ، اسم ، روح ، شخص مبدل می شود یعنی بطور خلاصه حالت پرستش مثل بت پرستی ، روح پرستی جن پرستی را پیدا کند آن را « شوی نیسم » مینامند . از این بیان واضح می شود وطن پرستی حقیقی يك علاقه حساب شده منطقی و مادی و شوی نیسم بکنوع بت پرستی است . حال به موضوع برگردیم .

اولین جنبش در زبان فارسی بعد از عرب زمان صفاریان است که محمد بن و صیف را

مجبور میکند برای یعقوب لیث اصلاً بفارسی شعر بگوید ( ولو اینکه لغات عربی زیاد مخلوط دارد ) علت مادی این جنبش فوراً بهر فکر منطقی میرسد . یعقوب عملاً یعنی باشمشیر برای حفظ ریاست برای خود و خانواده خود بر ضد قدرت مرکزی خلافت قیام کرده بود . این عمل هم قیام ایذه اولوژیک او بود ، ( ایذه اولوژیک را اگر غلط ترجمه کنیم باید بگوئیم قیام فکری ) این قدم اوز بود که برداشته شد و عملی شد با همین ترتیب علت مادی قیام فارسی سره دقیقه و فردوسی هم واضح میشود . این قیام عملی شد و يك شاهنامه با فارسی بالنسبه يك از عربی بوجود آمد . اما چرا از آن بیعد مردم با فارسی شاهنامه صحبت نکردند ؟ لغاتی که قبل از آن زمان هم معمول بود و متروک نشده بود و در رودکی و دیگران بکار برده شده از آن بیعد هم معمول ماند ولی لغات دژ بجای قلعه و زوبین و خشت و امثال آن معمول عموم نشد . دلیل مادی این امر هم بر متفکر مادی معلوم است . چون قدرت مرکزی خلفا از میان رفت و دیگر علتی برای مخالفت با عرب نمانده بود . از طرف مرکز فشاری نبود تا از طرف ملت زیر دست عکس العملی تظاهر کند مذهب اسلام هم که با اوضاع اجتماعی قرون وسطی مطابقت داشت . امیر محلی که بوجود يك مذهب در توده احتیاج دارد و توده مسلمان است و از طرف مرکز اسلام هم فشار مادی وجود ندارد پس امیر محلی دیگر چه داعی دارد قیام کند ؟ برعکس از آن بیعد باز عربی دانستن گفتن ، نوشتن و وارد کردن امثله و عبارات و لغات عربی در میان روابط فارسی جزء هنرها شمرده میشود ، کتبی مثل کلیله و دمنه ( ترجمه ابوالعالی ) و دره نادری پیدا میشود ، سندی بزبان عربی هم ( بزبانی که در محیط فارسی زبانان بدان عربی اطلاق میشود ) شعر میگوید نفوذ عربی نتیجه صرف احتیاج اندوره بيك مذهب و فقدان ضرر های مادی از طرف مذهب اسلام بوده است .

چند ده سال است که از تغییر زبان فارسی صحبت می شود و این نهضت امر روز مخصوصاً شدت پیدا کرده است . خوانندگان ما چون میدانند ماتام قضا با را از يك نقطه نظر دقیق معین بحث می کنیم از ماعل این نهضت و همچنین موقعیت ما را نسبت باین نهضت میخواهند مختصراً بانها جواب میدهیم .

نهضت برای تغییر زبان فارسی مخلوط امروز دودلیل کاملاً متضاد دارد که بایستی باهم مخلوط نشود : ۱ - نهضت شوی نیسم ، ۲ - نهضت ترجمه علوم ملل غربی بفارسی .

شوی نیسم را نمی توان وطن پرستی ترجمه کرد . وطن پرستی مادی با شرایط معلوم در موارد مخصوص با خط مشی مجله دنیا موافقت کامل دارد عبارت از اینست که توده که از زمین و آب و آفتاب و معدن يك سر زمین ضروریات حیات خود را تأمین می کنند و در آن سکنی دارند بدان سر زمین علاقه مادی دارند . اگر دست خارجی بخواهد از محصولات این سر زمین که از تبدیل رنج اهالی آن به جنس بوجود آمده است ، استفاده غاصبانه کند آن توده با آن دست خارجی می جنگد . این علاقه عبارت از وطن پرستی مادی یعنی وطن پرستی حقیقی است .

اما اگر این حقیقت حالت عرفانی و پرستش روحانی پیدا کرده زیر پای تجسمات مجازی محو شده این علاقه مادی به پرستش الوان ، خاک ، اسم ، روح ، شخص مبدل می شود یعنی بطور خلاصه حالت پرستش مثل بت پرستی ، روح پرستی جن پرستی را پیدا کند آن را « شوی نیسم » مینامند . از این بیان واضح می شود وطن پرستی حقیقی يك علاقه حساب شده منطقی و مادی و شوی نیسم بکنوع بت پرستی است . حال به موضوع برگردیم .

اولین جنبش در زبان فارسی بعد از عرب زمان صفاریان است که محمد بن و صیف را



در دوره جدید با نفوذ تمدن اروپائی در ایران باز يك نهضت جدید راجع بزبان فارسی پدید میشود . در اول قرن بیستم هنوز وطن پرستی شعار مهم ملل اروپائی است و این شعار بایران هم نفوذ میکند . علی الخصوص یکمده بقلط تصور میکنند که مانع ترقیات ایران فقط مذهب اسلام است . در این توده محدود که تاحدی منورالفکر ترقی خواه وقت محسوب میشوند احساسات وطن پرستی بحوش میاید . اسکندرها ملعون خطاب میکنند . تمام تقصیر ها را بگردن عرب میاندازند . میگویند اگر عرب کتابخانه های ما را آتش زده بود مردم میدیدند که تمام این اکتشافات امروز در کتب زمان داریوش ضبط بوده است . از این احساسات خروار ها در گفته ها و نوشته های ایندسته دیده میشد اما واضح است این عده خیلی کم بودند و اکثریت که در دین خود متعصب بودند با این حرفها پشت پا میزدند .

در ایندوره بعضی کتابها بزبان فارسی خالص منتشر میشود . مثلا کتابی در سال ۱۲۷۳ یعنی ۴۱ سال قبل منتشر شد باعنوان «پرونگارش پارسی» که بیمناسبت نیست پشت جلد آن کتاب را در اینجا نقل کنیم :

پرونگارش پارسی  
کارخانه

میرزا رضا خان بکشلو قزوینی که از پی نگارش پارسی اوژده برای نمونه ازهرگونه نوشته شده است  
چاپ دوم

مخصوصی است به کتابخانه معارف - قیمت پنجهاز در خارج بعلاوه اجرت است - عنوان مکاتیب طهران - مقابل شمس العماره کتابخانه معارف شیخ محمد عالی بهجت دزفولی این پشت جلد را برای این عینا اینجا نقل کردیم که نشان دهیم موقع انتشار این کتاب « فارسی اوژده» فارسی معمولی زبان که نصف اخیر پشت جلد کتاب با آن زبان نوشته شده است در چه حالی است ؟ از عبارت «مخصوصی است ..» تا آخر پشت جلد قریب ۲۶ کلمه هست که از آن ۱۸ کلمه عربی و يك کلمه (پست) اروپائی و ۷ کلمه فارسی است

از اینجا میتوانید حدس بزنید که اگر شما کتاب مزبور را بخوانید نخواهید فهمید زیرا مثل اینست که کتابی بزبان کجراتی و یا ترکی جیفتو می خوانید و شاید اگر پشت جلد کتاب را بکنند شما در فارسی بودن کتاب هم شک نکنید . اما با وجود این می بینید که این کتاب چاپ دوم هم دارد (من نمدانم شاید بیشتر از این هم طبع شده باشد) . از اینجا بلبد نتیجه بگیرید انتشار این کتاب نتیجه بوالهوسی يك شخص نبوده بلکه يك نهضت موافق با این فکر وجود داشته است و چنانکه گفتم این نهضت از نفوذ تمدن اروپائی در توده که نسبت به مذهب جنبه شك و تردید پیدا کرده بودند پیدا شده است . این نهضت گاه شدید و گاه ضعیف ادامه داشت : (۱)

امروزه ما در يك مرحله جدید نهضت اصلاح زبان فارسی هستیم که باز بادوره های قبل فرق دارد .

امروزه ما در این موضوع يك چیز را خوب فهمیده ایم . حتما باید تمدن اروپائی فرا بگیریم . و خود را مانند يك ملت تمدن مسلح کنیم ،

به بنیم تمدن اروپائی یعنی چه ؟ یعنی علم اروپائی صنعت اروپائی و هنر اروپائی . آیا مهد علم و صنعت اروپائی یکی از ممالک اروپاست ؟ ! اروپا آمریکا و ژاپن تمام عامل پیشرفت تمدن هستند . فلان تحقیق علمی یا صنعتی که در فلان گوشه دنیا بعمل میاید فوراً در همه جا منتشر می شود . علت سهولت این ارتباط علمی با وجود اختلاف السنه ملل متمدن چیست ؟ علت عمدتاً این است که زبان علمی دنیا در حقیقت یکی است و لغات علمی که در تمام این زبانها بکار میرود در همه مشترک و تمام ریشه لاتینی و یونانی دارند . چون بتدریج زندگی علمی با زندگی عادی توأم

(۱) نگارنده این سطور هم بر حسب تقاضای سن و محدود معلومات بر محیط چنانکه از مقالات مجله ایرانشهر و مجله فرنگستان بر میاید تابع این نهضت بودم و با دوستان خود به فارسی ویژه مکاتبه می کردم که بیادکار افکار ایام جوانی خود نگاه داشته ام

میشود، اسباب‌های علمی جزء لوازم و ضروریات خانه‌ها میشود این لغات بین‌المللی علمی هم بتدریج لغات بین‌المللی عادی میگردند کسبه فرانسه و دهقان آلمان و ماهی گیر روسی تمام اسباب اندازه‌گیری درجه حرارت را ترمومتر میگویند. این لغت و این اسباب دیگر در چهار دیوار لابراتوار محبوس نیست بلکه در میان توده وسیع رائج است. همه «فون» را بمعنی صدا میدانند هر اسباب که اختراع میشود و «فون» جزء اسم آنست مثل تلفون میکروفون پارلوفون (گراموفون فونوگراف) فونولیت همه جای دنیا میدانند که بصوت مربوط است و اگر «فوتو» در اسم خود داشته باشد مربوط بنور است و الیغ. علوم مختلف مثل طب (تشریح فیزیولوژی و تریابی) فیزیک، شیمی و سایر فنون بقدری اسم گذاری دقیق دارند که اگر هر زبان بخواهد برای خود اصطلاحات جدید وضع کند علم بین‌المللی که هنوز هم بواسطه اختلاف السنه اشکال در انتشار و پشرفت در مقابله خود دارد بدتر دچار زحمت خواهد بود از اینجا علت اول نهضت برای اصلاح زبان فارسی معلوم میشود. چون ما احتیاج به علوم و صنایع اروپائی داریم باید برای لغات و اصطلاحات علمی و فنی فکری بکنیم

اما يك موضوع دیگر که باز در حقیقت نتیجه نفوذ تمدن اروپائی است میل مفراط مسا بصره جوئی وقت در آموختن و نگار کردن خط و زبان است. ما اگر خواستیم با ملل متمدن هم‌دوش باشیم باید همان دقت و ظرافتی را که آنها در موضوع خط و زبان نگار می‌برند ما هم نگار بریم، یکی از موضوعات مهم در آنها صرفه جوئی از وقت و از کار است.

پس واضح شد عامل مهم نهضت امروز برای اصلاح زبان فارسی نفوذ تمدن اروپائی بایران مخصوصاً احساس احتیاج به لغات و اصطلاحات علمی و بصره جوئی وقت است.

حال به منبم خط سیر این نهضت چگونه باید باشد؟

مجله دنیا عقیده خود را در سرمقاله شماره اول در عبارت کوتاه ولی دقیق و عمیق بطور وضوح نوشت که: ما بموقع خود لغات فرنگی

و عربی را بکار برده در عین حال از اصول فرنگی ما، و عربی ما، خود داری خواهیم کرد. . . . در این جا این عبارت را که جزء دارد کمی تفسیر کنیم. اولاً زبان فارسی مجبور است از کلمات فرنگی استفاده کند. شما دیگر امروز گراموفون و رادیو و پست و یاکت و دینامو، لابراتوار، میکروسکوپ و اتم و لنت و نظائر زیاد اینها را از زبان فارسی نمی‌توانید بیرون کنید. اگر بخواهید اسم مرض لنفوگراولو ماتوز یا کاتالیز، آنالیز، دیالیز، الکترولیز، الکتروود، کاتود، آلود انرژی بنائسیل و غیره را بفارسی ترجمه کنید شما نمی‌توانید. زیرا بمعنی این کلمات و کلماتیکه بعنوان ترجمه آنها وضع می‌شود هردو برای مبتدی تازه است ولی اگر این لغات خارجی را یاد گرفت در عین حال لغات معمول چندین زبان را آموخته ولی اگر ترجمه غلط و نارسای آنها را یاد گرفت (این ترجمه‌ها قطعاً غلط و نارسا هستند چون زبان فارسی این مفهومات علمی را اصلاً ندارد) در فهم کتب علمی بین‌المللی دچار اشکال خواهد شد. این قسمت اول بیان ما البته مورد مخالفت هم شوی نیست ما هم متمصب‌های مقدس است. دسته مخالفند چونکه تصور می‌کنند زبان فارسی کاملترین زبان است یعنی در اینجا اتفاق غریب و ناگهانی راجع به زبان فارسی اتفاق افتاده است. يك سلسله از السنه اربائی تمام از سانسکریت مشتق شده اند یکی از آنها دوچار جمله عرب و غیره شده و السنه دیگر بارهبری اکادمی‌ها در مهدی‌که علم و صنعت و ذوق هنری بیشتری داشته نمو کرده اند باوجود این زبان فارسی بمثل نامعلوم از تمام خواهران خود برای هر مقصود کاملتر است این احلاق عمومی شوی نیست هاست که خود را گول میزنند. از جو الاغ خود هم مید زدن هر چیز خود را بالاتر از دیگران حتی گوش خود را درازتر از هر حیوان می‌پندارند. شاید هم در یکی از این تصورات خود ذبحق باشند ولی حقیقت مسلم اینست که این زبان بدون لغات فرنگی نمیتواند احتیاج ک فارسی یعنی يك زبان فارسی متمدن را بر طرف کند.

ولی مرد مؤمن مقدس از يك نقطه نظر



دیگر با این بیان اول مخالف است. او تصور میکند اکمل السنه عربی است و اکمل مطالب هم در این زبان گفته شده است. اگر خبری بزبان عربی بوده دیگر قاطع است مخصوصا اگر به شعر یا مسجع و مقفی باشد. این مرد السنه اروپائی را ناقص و استعمال آنها را کفر میدانند. برای ما این دو دسته مخالف با آنکه با هم مخالفتند بـ صف واحد تشکیل میدهند ما هر دو دسته را زیر سرپوش کهنه پرستی جا میدهیم یکی کهنه ۱۳۰۰ سال می پرستند دیگری کهنه چندین هزار سال را. کجی خط مشی دسته اخیر البته زنده تر است زیرا مقدسین خود را از جنگال تعصب موجود نمیتوانند خلاص کنند بامته های الکتریک میخواهند از اهماق زنده و اوستافت بیرون آورند اگر با این تعصب ما معادن خود را بجای خرافات از زیر زمین بیرون آورده بودیم عملا از ملل درجه اول میشدیم

بگ غلط فاحش در عمل شوی نیست ها اینست که تقلید از برادران فاشیست خود کرده میخواهند بکسب از تاریخ را از میان ببرند. فاشیست ها میگویند ما جنگ بین المللی و عواقب آن را از تاریخ خود حذف کردیم و فرس میکنیم که ما دنپاله همان زمان قبل از جنگ را تهقیب میکنیم واقعا حرف از این پوچتر نمیشود مگر اینکه ادعای شوی نیست ها که آنها از این قبیل است در پوچی با بیان مزبور رقابت کند. میگویند ما سمدی و امثال آنرا که بفارسی مخلوط چیز نوشته اند از تاریخ خود دور میکنیم. گالستان کتاب ادبی نیست برای فارسی ارزش ندارد، واقعا بی مغزی این بیان هم کمتر از حرف رفقای فاشیست نیست. وقتی که مجله دنیا صحبت از پیشرفت کرد درست است ادبیات گذشته را نفی کرد ولی نفی دیالکتیک یعنی نفی دیالکتیک را در مقاله «ماتریالیسم دیالکتیک» بخوانید، ما ادبیات و تاریخ گذشته را معدوم نمیکنیم. بلکه آنرا نفی میکنیم یعنی آنرا از بین برده جزء مرحله کاملتر مینمائیم چون کهنه پرست ها تفهیدند هلهله و ولولته در گرفت که آثار ملی ما را میگیرند و حال آنکه ما بطور وضوح بیان میگردیم که مرحله کامل بدون مرحله قبل بوجود نمی

آید. ما آنچه را که نفی میکنیم در مرحله کاملتر دوباره جذب مینمائیم.

فاشیسم از محصولات جنگ بین المللی و فارسی امروز همان محصول ادبیات قرون وسطی است. چطور میتوان مخالف ادبیات فارسی قرون وسطی بود و طرفداری از آثار هزاران سال قبل کرد؟ این دیگر مرده پرستی صد در صد است. صد رحمت بان کهنه پرستی که میخواهد با فارسی یاره یاره قرون وسطی بسازد. این شوی نیست میخواهد با آن فارسی هم مخالفت کند. بقول خودش عرب ملعون هم آثار تمدن (!؟) او را از میان برده است. پس خلاصه شوی نیست میخواهد این ملت را بی همه چیز کند آثار قرون قدیمه که نداشت آثار قرون وسطی را هم از دستش بگیرد. بعقیده شوی نیسم فارسی با السنه اروپائی و هرگی لغات مشترک نباید داشته باشند. پس چاره جز واژه بافی نیست. در میان شوی نیستها بازی با کلمات و نوی - نالیسم شروع میشود. علوم و فنون صنعتی مبدل بلغت گذاری میشود. جوانانی که نه زبان و نه زبان اجنبی را میدانند برای يك مفهوم علمی که هنوز آ. علم را فراتر گرفته اند لغت وضع میکنند. (۱)

خط مشی صحیح مجله دنیا است که استعمال اصطلاحات بین المللی را ضروری میدانند، مجله دنیا این راه را پیشنهاد نمیکند. این امر چون طبیعی است قهرا بخودی خود عمل شده است و جبراً بدن ترتیب پیش خواهد رفت.

اما ثانیاً سابقاً اشاره کردیم مجله دنیا استعمال کلمات عربی را هم جایز میدانند. باید فهمید کدام کلمات عربی؟ بر خلاف عقیده نژاد پرستها هیچ نژاد ساده نیست و هیچ زبان هم جامد و مساوی حالت روز اولیه خود نیست ما يك سلسله کلمات عربی در فارسی امروز

(۱) آشناسدن باین ترجمه ها بی کیف نیست. مثلاً «اتم» را «بی تکه» و «گرام» را «بخودی» و بنا بر این «اتم گرام» را ترجمه کرده اند. مثلاً میگویند: يك بی تکه بخودی ترشی ساز داریم.



فارسی (که امروز هم کم است) سلب میکنیم برای رفیع یکمده لغات جدید غیر لازم وقت تلف میکنیم .

درست بفهمید چرا ما باخط جلی نوشتیم مکتب مادی درافکار شما توافق تولید می کند افکار مادی است که شما را از تمام این اشکالات خلاص می کند شما را بطرف پیشرفت توسعه زبان پیدا کردن لغات جدید سوق می دهد و در عین کهنه و گذشته ها را که نفی می کند جزء گنجینه مفید تمدن شما میسازد .

اما هوی نسیم افکار متضاد و پربشان دارد بملیت و آثار ملی می نازد در عین حال سعدی و مولوی را از خود دور میکند . خود را بالا ترین و گاهترین ملل میداند ( گنجشک هم شوهرش را قویترین حیوانات می پندارد ) ولی در عین حال بملت دیگر هم که در همین اشتباه غوطه و راست حق میدهد .

حال برویم بقسمت آخر عبارت مجله دنیا نوشتیم که مادر عین حال از اصول فرنگی مایی و عربی مایی پرهیز خواهیم کرد . مقصود چیست ؟ اگر ما بماندن لغات عربی ساده معمولی در فارسی فعلی فتوی میدهم مقصود این نیست که در زبان فارسی بروی کلمات عربی و فرنگی باز است . هر فکلی که يك کتاب لکتور تمام کرد ویا هر بیچه آخوند که دو روز يك کتاب از معقول یا منقول زیر بغل گرفت حق دارد هر لغت غیر ضروری یا ناهنجار عربی و فرنگی بکار برد آن لغات عربی یا فرنگی که فارسی شناخته میشود معین میگردد و تابع کامل دستور زبان فارسی میگردد . استعمال کلمات خارجی غیر از آنچه که بدین ترتیب معین شده است غلط شمرده می شود .

پس خلاصه این تفسیر جمله سابق الذکر مجله دنبارا در چند نکته میتوان بیان کرد : ۱- لغات علمی و اصطلاحات علمی ارو یا ئی وارد زبان فارسی خواهد شد ، ۲- لغات عربی معمولی و سهل در زبان فارسی باقی خواهد ماند ، ۳- لغات ناهنجار و غیر مستعمل عربی از زبان يك مکتب کهنه پرست و همچنین لغات غیر ضروری فرنگی از زبان يك مکتب فکلی از بین خواهد رفت . ۴- بالاخره در صورت احتیاج به وضع لغات

داریم مانند کتاب ، قلم ، فم ، حاضر ، لباس و غیره که بیرون کردن آنها از فارسی هم خبط و هم محال است ، مگر السنه اروپائی این همه لغات لاتین و یونانی ندارند ؟ در ضمن تکامل و تغییرات زبان فارسی يك سلسله کلمات عربی هم وارد آن شده امروز چه داعی هست که ما این لغات را بیرون کنیم ، اگر اینکار را کردیم باید قهرا يك انجمن دیگر هم تشکیل دهیم تا تشخیص دهد از کلمات فارسی قدیم کدام يك ارتباط بریسه زبان پارسی و غیره دارد آنها را هم بیرون کنیم اگر نکنیم مخالف خط متی شوی نیستی خود رفتار کرده ایم . اما شوی نیست اینقدر هم دقیق نمیتواند فکر کند . چون فاشیسم در فلان نقطه دنیا ضد یهود است ما هم باید اینجاضد عرب باشیم فکر کنید ما واقعا لغات عربی ساده موجود را بجرم سامی بودن محکوم باعدام کردیم ویا خروار ها سریشم و ژلاتین بزور یکمده کلمات مرکب بجای آنها گذاشتیم . خیال میکنند زبان فارسی بهتر شده است ؟ نه ! هر قدر لغت بیشتر باشد و اختلاف های دقیق و ظریف بین کلمات بیشتر باشد زبان برای بیان افکار دقیق رساتر است جوان خوش ذوقی مدتی فکر میکرد که در فلان مورد در عبارت « نفع و ضرر » ویا « خوب و بد » را بکار برد بالاخره هیچکدام را بکار نبرد چون « خیر و شر » از هر دو مناسب تر بود .

قطعا لغات باهم اختلافات باریکی دارند که ذوق سلیم در مقابل اختلاف تاثیر آن ها حساس است . بدیهی است لغات مشکل عربی که با وجود داشتن فارسی سهل و معمولی در نتیجه تعصب يك مشت مقدس معمول شده است باید از میان برود .

اگر بخارجیها هم نگاه کنیم خواهیم دید مثلا انگلیس ها هم خیلی ملت پرستند اما هیچ این فکر را پیدا نکرده اند که لغات لاتینی را از انگلیسی خارج کنند .

با خارج کردن این لغات ما ادبیات گذشته را برای خود نامفهوم میکنیم یعنی گم میکنیم . آزادی و میدان تعبیر افکار را بزبان



جدید در زندگی روزانه بجای لغات غلیظ ساده فارسی معمول خواهد شد . این نکات را ما پیشنهاد نمی کنیم بلکه این راه همان خط سیر خود زبان فارسی است و مافقط باید جدیت کنیم که این تکامل دستخوش شوی نیسم نشود .  
در خاتمه تذکر میدهم که یک چنین است از میان میرود .  
نہضت راجع به فرا گرفتن خط لاتین موجود است و قویتر هم خواهد شد . زیرا اصلاح خط نیز یک قدم بزرگ بجهت سهولت تعلیم و صرفه جوئی از وقت است . علی الخصوص با تقلید خط لاتین اشکال املا از زبان فارسی که از آثار عربی است از میان میرود .  
دنيا

جدید در زندگی روزانه بجای لغات غلیظ ساده فارسی معمول خواهد شد . این نکات را ما پیشنهاد نمی کنیم بلکه این راه همان خط سیر خود زبان فارسی است و مافقط باید جدیت کنیم که این تکامل دستخوش شوی نیسم نشود .  
در خاتمه تذکر میدهم که یک چنین است از میان میرود .  
نہضت راجع به فرا گرفتن خط لاتین موجود است و قویتر هم خواهد شد . زیرا اصلاح خط نیز یک قدم بزرگ بجهت سهولت تعلیم و صرفه جوئی از وقت است . علی الخصوص با تقلید خط لاتین اشکال املا از زبان فارسی که از آثار عربی است از میان میرود .  
دنيا

## تکامل موجودات زنده

معا تولید نمایند . ثانیاً این افراد خصوصیات کلی خود را بیش و کم با اختلاف خویش انتقال میدهند مثلاً زخرو گوش بطور قطع غیر زخرو گوش حیوان دیگری متولد نمی شود و نمی توان تصور کرد که حیوانی بچشم بوجود آورد که از نوع دیگر باشد فقط این حیوانات در جزئیات باید بگریز فرقی میکنند ثالثاً طرز ساختمان بدن و اعضاء موجودات ذبیحیات طوری است که منطبق با محیط مسکونی و نوع احتیاجات آنها است بطوری که در بادی امر بنظر میرسد که این اعضاء مخصوصاً برای منظور و مقصود معینی تعبیه گردیده است .

تاقرن نوزدهم مطلب بقدری بنظرها مشکل بود که اغلب گمان می کردند لاینحل است و تا آن وقت دو رشته عقیده برای حل این مشکل اظهار شده بود و شوق ثالثی برای آن قائل نبودند یکی عقیده افلاطونی و اعتقاد بوجود قالب مثالی ( مثل ) Idee اشیا و دیگر ~~فکر~~ مشائی با ارسطویی هیوئی و صورت ، بموجب عقیده افلاطون در محلی که بعد ها شاگردان و پیروانش به مشیت الهی تعبیر کرده اند نمونه های کاملی از اشیا ممکنه بمقدار نامحدودی موجود است و آن مثل اشیا است و این مثال ها نیز بچند قسمند : مثال اشیا ریاضی - مثال اشیائی که مصنوع بشر است و بالاخره مثال اشیائی که قابل ایجاد بوسیله طبیعت هستند و این قالب ها وجودشان واجب و از روی آنها افراد اشیا دسته دسته ساخته شده اند ذات مثل مستلزم خواص غیر قابل تغییر است که بوسیله همان خصوصیات تعریف میشوند بالعکس افلاطون و ارسطو معتقد بوده اند که فقط افراد موجودند و این افراد با یکدیگر از نظراعراض متغایرنند لیکن از لحاظ صورت همگی

مجموعه دنیا در شماره های قبل از نظر مادی طرز بیدایش حیات و روح را مشروحا بیان نمود در این مقاله میخواهیم علت بروز اختلافات در انواع مختلفه حیوانات را شرح دهیم .

دقت و تعمق در طبیعت فقط مفرد اشیا را بمانشان میدهد لیکن اگر این افراد را با یکدیگر بسنجیم خواهیم دید که ممکن است آنها را بطبقات و انواع مختلفه تقسیم نمود باین که میتوان خصوصیات هر یک از افراد را بکنار گذاشته و جزء اشتراک آنها را پیدا نموده و سپس افراد را با آن صفت مشترک سنجیده و بدین طریق افراد هر نوع را از انواع دیگر تفکیک نمود مثلاً احجار را و نباتات را میتوان بچند دسته تقسیم نمود و برای هر دسته نیز تقسیماتی قائل شد .

حیوانات بچندین گروه تقسیم شده و هر گروه دارای عدده زیادی افراد است که هر فرد نیز به تنهایی درجهائی با سایرین متفاوت است و همین اختلافات انفرادی است که شخصیت را تشکیل میدهد حال باید دید فلسفه مادی که مبنی حیات را با قوانین جبری طبیعی توضیح میدهد چگونه خواهد توانست بروز این اختلافات را از نظر علمی تشریح نماید . البته توضیح اختلافات احجار و فلزات چندان مشکل نیست چه کافی است ترکیبات شیمیائی و تأثرات خارجی هر یک از آنها را در نظر گرفته و علت اختلاف را توجیه نمود . اما موضوع در خصوص موجودات ذبیحیات بهمین سهولت نیست زیرا با موجودات بیجان از سه نقطه نظر متفاوتند : اولاً افراد ذبیحیات قابلیت تولد و تناسلی دارند یعنی قادرند امثال و اشباه خود را خواه منفرداً و خواه



در هریک از این اعصار نباتات و حیواناتی مخصوصی بخود آن دوره وجود داشته که فعلا بسته بسته در تجسّسات فوسیل های آنها کشف می گردد. با نباتات و حیوانات فعلی ما بسیار فرق داشته اند ( دوره ما دوره چهارمی است )

۳ - اولین مرتبه که وجود ذبجیات پیدا شده بسیار ساده بوده و در آب زیست می کرده است .

۴ - اغلب از حیوانات و نباتات فعلی شباهت به انواعی که در اعصار سابقه زندگی می کرده اند دارند مثل فیل کنونی که شباهت تامی به ماموت های سابق دارد . بطوری که دو فرض ممکن است نظر رسد یکی این که طبیعت پس از آن که موجوداتی باشکال معین بوجود آورده آنها را از بین برده و مجدداً بجای آنها موجودات دیگری تولید نموده و با اینکه تصور نموده حیوانات و انواع فعلی اعقاب همان قدیمی ها هستند الا اینکه تغییراتی در شکل و صورت آنها پیدا شد البته فرض دوم بحقیقت نزدیک تر است چه شباهت کاملی که بین موجودات جدید و ذبجیات های قدیمی وجود دارد ، قرینه بسیار قوی است به صحت فرض ثانی در صورتی که بروی اثبات فرض اولی مختصر اماره هم وجود ندارد

چنانکه علم پالئوتولوژی در اثر تحقیقات و کشفیاتی که راجع بحیوانات و نباتات قدیمی بعمل آورده ثابت نموده است معلوم می شود انواع و اجناس بطرز منظمی تغییر کرده اند مثلا اسب های قدیمی چنانکه از کشف استخوان های فوسیل شده آنها برمیاید دارای پنج انگشت بوده اند در صورتی که اسبهای امروزی يك ناخن بیشتر ندارند اگر حد وسطی بین این دو اختلاف پیدا نمیشد دلیل قوی بود بر این که فرض اول یعنی عدم انتساب انواع امروزی به انواع قدیم صحیح است لیکن در نتیجه تحقیقات عمیقی که علماء در این خصوص کرده اند حد وسط بین این دو موجود پیدا شده است . بطوریکه بعداً تشریح خواهد شد اسب پنج انگشتی کم کم با سایر منظم و مرتبسی انگشتان خود را گم کرده تا منحصر بهمین يك ناخن

بگسند و منظورش از صورت خواص اصلی اشیاء بوده صور مزبور مانند خود عالم قدیمند و همواره ملازم افراد می باشند بطوریکه جز در ذهن نمی توان آن ها را از یکدیگر مجزی نمود .

این دو عقیده که اصولاً با یکدیگر متفاوتند در دومورد بیک نتیجه منتهی میگردند اولاً بموجب این دو عقیده جهات مشترک و کلی انواع همواره ثابت و غیر قابل تغییر است ثانیاً شیهتی که بین انواع موجود است دلیل این که از یکدیگر منتسب شده اند نبوده و این هباعت لفظاً صوری و ظاهری است آنچه از ابتدا خلق شد همواره بهمین نحو خواهد ماند مجله دنیا بقدر کافی در سلسله مقالات فلسفی و اجتماعی خود علل مادی بروز اینگونه عقاید را در اجتماعات بیان نموده و بازگشت توضیح آن تکرار مکررات خواهد شد .

تحقیقات علمی قرن نوزدهم که ناهمی از تکامل مادی و تاریخی اجتماع است منتهی به نتایج سه گانه ذیل گردید : انواع مختلفه نباتات و حیوانات ثابت نیستند و برور زمان و در جریان تاریخ خود و تحولات بسیار پیدا نموده و همواره نیز در حال تغییرند ۲ - انواع از یکدیگر مجزی نیستند و نمی توان هریک را نوع علیحده و مستقلی فرض نمود . همگی کم و بیش با یکدیگر منسوب و بیک اصل منتهی می گردند ۳ - سیر تکامل و تحولات آن ها را می توان گاهلا با اصول جبری و علمی تشریح نمود بدون اینکه احتیاجی باستمداد از اتفاقات خارق العاده و معجز آسا از قبیل مشیت خداوندی داشته باشیم

در خصوص ارتقاء و تکامل موجودات ذبجیات از پالئوتولوژی که علم باحوال موجودات سابقه و فوسیل ها است می توان نتایج ذیلرا استفاده نمود :

- ۱ - اکثر نباتات و حیوانات کمونی که در زمین دیده می هوند اخیراً یعنی در زمان نسبته نزدیکی بما پیدا شده اند .
- ۲ - قبل از دوره کنونی ما ادوار دیگری بود که هر يك سالهای متمادی ادامه داشته و در اثر انقلابات ارضی از بین رفته و



شده است و گذشته از این مراتب فو سبیل و استخوان بندی حیواناتی کشف گردیده که نیکی خرنده و نیکی پرند بوده اند مثل آرکتوپتیریس و غیره مقایسه حیوانات با یکدیگر خواه از یک نوع و خواه از انواع مختلفه بیشتر نظیر بهراتانید می کنند مثلا هر گاه طبقه ~~حیوانی~~ در نظر بگیریم خواهیم دید همگی دارای خصایص مشابه هستند و اعضاء آنها بیگدیگر شبیه است همه دارای نوک با آن طرز ساختمان معین هستند نهایت یکی کج و دیگری صاف یکی پهن و آن دیگر نازک و تیز است ولی هر یک گوئی برای احتیاجات خصوصی و لازم خود تمیبه شده اند مثلا آنهایی که برای بسا کردن ثروت و تمیزه خونه ناچارند گل و لای را هم زنند دارای نوکهای پهن هستند و طیور گوشتخوار نوکهای تیز و برگشته دارند و در سایر اعضاء بدن هر یک اهم از جهاز هاضمه و اعضاء تنفسی و تناسلی و هیره همین مشابهنه دیده میشود . حال بیابیم و استخوان بندی یکی از این طیور را با استخوان بندی ذبفقار دیگر مقایسه نمایم خواهیم دید .

در این قسمت نیز شباهت تمامی موجود است همار ترکیب استخوان بندی است الا اینکه بیش و کم مطابق احتیاجات حیوان تحریف شده و تغییر کرده است و همین مشابهنه در نسوج نباتی و حیوانی نیز موجود است . بطوری که پس از دقت و مقایسه کامل بین کلیه حیوانات و نباتات گمان میرود تمام موجودات بسا هم منسوبند . این مسئله بقدری جالب دقت است که نویسندگان سابق نیز با وجود عقاید افلاطونی و ارسطویی خود حیوانات و نباتات را بدسته و یا بقول خودشان خانواده تقسیم کرده بودند نهایت لغت خانواده را بطور استعاره بیان کرده و تصور نمیکردند حقیقتی داشته باشد

از طرف دیگر در تشریح اغلب حیوانات اعضائی دیده میشود که بکلی عاقل و از کار افتاده اند نظوری که هیچگونه عملی را نمیتوان نسبت به آنها دانست . معتقدین بدم تغییر انواع و مخالفین با عقیده کامل و ارتقاء توضیح این مطلب را از طریق احتیاجی که ذبیحات در محیط مسکونی خود و ارتباطی که نوع آن احتیاجات با اوضاع آن محل دارد می دهند

لیکن باید دانست که این ارتباط همواره صحیح نیست چه بسا اعضائی وجود دارند که اساسا سلوب المنفعه و هیچگونه رفع احتیاجی از آنها متصور نیست مثل پستان مردها یا چشمهای معیب حیوانات زیر زمینی مثل موش های زیر زمینی ~~که~~ بتوپ موسوم هستند و بسا استخوان هائی که در ساختمان بعضی بالنها ( نهنگ ) در عقب دیده میشود و بجای پاهای عقب است . همچنین کف قریب صد قسم عضو در بدن انسان می شمارد ~~که~~ بکل عاری از منفعت و بیهوده است و بطور قطع از همین اعضاء در حیوانات دیگر نیز وجود دارد . برای توضیح وجود اینگونه اعضاء جز نظریه ارتقاء و تکامل انواع و قرابت و نسبت موجودات با یکدیگر نمی توان منطقا فرض دیگری نمود .

اگر نظری بچویوانات و نباتات اهلی و خانگی خود بیافکنیم و آنها را مورد مختصر دقتی قرار دهیم اختلافاتی که در هر یک از انواع مختلفه موجود است بیشتر حقیقت مطالب را بسا خواهد فهمانید .

کشفاتی که در قرن نوزدهم بوسیله علماء طبیعی مخصوصا لامارک Lamarck فرانسوی و داروین Darwin انگلیسی شد کاملاً مؤید این نظریه است . بموجب تحقیقات لامارک سه اصل کلی ذیل در دست است :

- ۱ - افراد تحت تاثیرات محیط هستند یعنی سرما و گرما خشکی و برودت در نسوج نباتی و حیوانی تغییرات کامل میدهند .
- ۲ - عمل موجد و نمو دهنده عضو است باین معنی ~~که~~ اگر مثلا شخص مرتباً ورزش نماید عضلات بازوی او قوی شده و نمومینماید در صورتیکه اگر آنرا بحال خود گذارده بوسیله ورزش تقویت ننماید ضعیف شده و از کار خواهد افتاد .

۳ - خصوصیات که افراد در طی زندگانی خود کسب مینمایند شخصا آن ها را حفظ کرده و به اخلاف خویش انتقال میدهند مثلا اردکهای اهلی و خانگی دارای پنجه های پهن تر و قوی تر از اردکهای وحشی هستند



زیرا بیشتر از آنها راه رفته و کمتر میهرند و همین دلیل رواز ارد کهای وحشی بیشتر از اهلیها است و این اختلاف از این جهت است که ارد کهای اهلی مدت مدیدی است خانگی شده و کمتر پرواز کرده اند بطوری که در اثر عدم استفاده از بال خویش پرهای آنها کم قوت شده و این خصوصیت کسبی را به اخلاف خود ارثاً انتقال داده اند و در هر نسل این صفت شدت کرده تا این حالت در این جنس اردک عمومیت پیدا نموده است

برای توضیح عقاید خود لامارک میگوید فرض کنیم مثلا در محلی که (م) نام دارد یک نوع حیوان که اسم آنرا (ج) فرض میکنیم وجود داشته باشد نظر بتوالد و تناسل افراد این نوع زیاد می گردد بنحوی که جابرای زندگی چه از نظر آذوقه و چه از حیث فضا تیک می شود عده از این افراد مجبور خواهند شد مهاجرت نمایند . فرض کنیم دسته از مهاجرین مزبور به محل (ب) و دسته دیگر از آنها به موضع (د) رفته باشند این دو محل نیز بنا بر فرض دارای آب و هوا و اقلیم مختلفند یکی بسیار گرم و در بائی و دیگری جنکلی و سرد است البته افراد نوع (ج) که به محل (ب) رفته اند مجبورند برای تهیه قوت و اغذیه خویش از آب استفاده نمایند ناچار باید فن شناگری و شیرجه رفتن را یاد بگیرند و الا محکوم بزوال خواهند بود و بعلاوه گرمای هوا در بشرف و جلد آنها تاثیراتی مینماید .

از طرف دیگر دسته که بمحل (د) مهاجرت کرده اند نظر باینکه بایستی برای غذای خود از درختان استفاده نمایند و بعلاوه هوا بسیار سرد است اجبارا از درخت بالا رفتن و آنچه که لازمه این حرفه است خواهند آموخت و ضمنا اقلیم نیز در خود آنها تاثیر کرده و تغییراتی در آنها حاصل می گردد این تغییرات کم کم بوسیله وراثت به اولاد آنها منتقل میگردد و پس از چندین هزار سال از یک نوع حیوان (ج) بجنس مختلف تولید میگردد یکی آنهایی که از محل خود حرکت نکرده و بحالت سابق باقی مانده اند و دو قسمت هه آنها می که مهاجرت کرده اند .

گرچه این توضیح بسیاری از مسائل را روشن مینماید لیکن برخی دیگر از آنها را نمیتواند تعبیر و توجیه کند مثلا درازی گردن ضرافه را چگونه تهرنمود اما باید گفت از بس گردن خود را برای خوردن بزرگ درختان دراز کرده گردن دراز شده و باطیور چون خینی بهوا جهیده اند بال و پر پیدا کرده اند. ۱۹

مطالعات داروین این اشکالات را نیز بخوبی حل نموده و بانظر به انتخاب طبیعی خود مطالب را روشن نمود مطالعه در اطراف طرق تربیت حیوانات و نباتات موجب اکتشاف داروین گردید مثلا فرض کنیم تربیت کننده کبوتری بخواهد کبوتری که منقار آن بسیار خمیده و برگشته باشد پیدا نماید تجربه نشان میدهد که در مدت بسیار کمی میتواند موفق گردد از بین جوجه هایی که بیرون آورده است یک جفت ( نر و ماده ) که منقارشان نسبت بسایرین خمیده تر بنظر میرسد انتخاب کرده و از میان جوجه هایی که بعدا از رابطه این دو پیدا میشوند نیز بطریق سابق نر و ماده که منقار خمیده تر از سایرین دارند انتخاب کرده و مجددا عمل سابق را تکرار نماید و این عمل را هر گاه چندین بار ادامه دهد قطعا بمنظور خود نائل خواهد گردید .

دلیل موفقیت حتمی این تجربه بنظر داروین دو قانون بزرگ طبیعی است ثول -- قانون تنوع و تغییر ( بچه ها هرگز عین یکدیگر با پدر و مادر خود نمیشوند و همواره بین آنها اختلافاتی وجود دارد . ) دوم - قانون توارث ( شخصیت و خصوصیات طبیعی ابوین ارثا باطفال منتقل میگردد ) .

این دو قانون در عین حال با یکدیگر متناقض و قابل اجتماع است و اعمال کامل منطبق دیالکتیک در علوم طبیعی است و بدون وجود آن دو تشریح این مسائل غیر ممکن است

پس ز آنکه داروین بوسیله تجربه ثابت کرد که بوسیله انتخاب ممکن است بنیجه مطلوبه رسید قدمی بیشتر گذاشته و مدعی می شود که نه تنها حیوانات در اثر تربیت انسانی ممکن است تغییر حالت داده و باشکال و اقسام مختلفه در آیند بلکه اصولا طبیعت خود بدون استعانت از انسان ماشین واز این عمل را انجام



سبب اضمحلال نالایقترین آنها خواهد کردید بطوری که گم کم در اثر همان مشخصات یافته آن موجود قوی شده و همان قوت موجب ضعف و انقراض سایرین میگردد

اگر قدری دقت شود شباهت کاملی که بین این عقیده و نظریه لامارک موجود است بخوبی واضح میگردد حال مثل سابق فرض کنیم افرادی از نوع (ج) در مناطق مختلفه (م) و (ب) و (د) نظر بهمان اصول سابق الذکر تقسیم شوند یعنی عده در محل اصلی خود مانده و دو دسته دیگر بدو محل مختلف مهاجرت نمایند و همانطور فرض کنیم که منطقه (ب) گرم و بحری است و منطقه (د) سرد و جنگلی حال باید دید چه قسم افرادی در محیط (ب) میتوانند زندگی کنند ؟

البته آنهایی که بواسطه اعراض و خصوصیات شخصی ساختمانشان برای زندگی در آنجا مناسبتر از سایرین است (مثلا در طیور آنهایی که منقارهای پهن تر از سایرین دارند) و در محیط (ر) آنقسمت از افرادی که بواسطه اعراض غیر عادی یا انشاقی برای زندگی در آن اقلیم مناسبتر و قابل تر هستند (مثل آنهائیکه مثلا پوستشان نسبت بسایرین اتفاقا کلفت تر است) و البته در اثر این رجحان انشاقی و نظر به قانون رقابت حیاتی آنهایی که این خصوصیات را ندارند و با دارای اینگونه اعراض و مشخصات نیستند بطور قطع در اثر ضعف خود از بین میروند و اخلاف و اطفال قایلترها جانشین آنها میگردد بطوری که پس از چندی تمام ساکنین آن محل منحصرآمرکب از زادگان همان افراد قابل خواهد بود و نژاد نالایقها یعنی آنهایی که خصوصیات مقتضی محیط نداشته اند بکلی منقرض میگردید و از همین نظر است که گمان می رود کلیه ساکنین هر محل بتوسط قدرت عاقل و ناظم شاعری برای مقصوده من آفریده شده اند و حال آنکه بطرز فوق میتوان بدون استعانت از چنین وجودی این مسئله را توضیح داد و بالاخره دیدیم که از نوع (ج) بوسیله انتخابی میکائیکی و خود بخودی دو قسم موجود دیگر منشعب گردید که ابتدا با شکل اول شباهتی ندارند یا لاقبل بسیار متفاوت و متغایرند پس

میدهد یعنی خود بخود بین بچه های حیوانات بهمان نحوی که در مورد کبوتران بیان شد انتخاب کرده و بهمای نهج فوق الذکر اقدام مینماید چه اگر خوب دقت شود بین اسب و خر و گورخر همان نسبت موجود است که بین یک کبوتر یا کبوتر طوقی که در اثر تربیت انسان تولید شده اند وجود دارد پس اگر ثابت گردیم این کبوتران بوسیله انتخاب و عملیات انسانی تغییر شکل داده اند دلیلی ندارد که خلاف آن را در باره خر گورخر و با اسب قائل شویم منتها چیزی که اسباب تولید اشکال شده این است که چه دستی و در تحت تاثیر چه عاملی این عمل یعنی انتخاب و جفت گیری این حیوانات صورت گرفته زیرا همان طوری که با داشتن دو قانون تنوع و توارث بدون دخالت انسان نمی توان انواع کبوتران مختلف پیدا کرد همان قسم هم اگر در طبیعت عاملی که بجای دست بشری کار کند نباشد این مسئله غیر مقدور است این عقیده را داروین رقابت حیاتی تشخیص داده بر حسب عقیده داروین اولاد هر محلی که افراد یک نوع از انواع مختلفه از یک قسم تغذیه می نمایند همواره رقیب یکدیگر محسوب می شوند چه اگر بعضی از آنها همه آن غذا را بخورند سایرین از گرسنگی خواهند مرد و ثانیاً در هر محیط آکل و ماکول با یکدیگر رقابت دارند چه اگر ماکولین بوسیله فراری پیدا کنند آکلین محکوم بسزوالند و همچنین اگر ماکولین باندازه کافی زرنک نباشند که خود را حفظ کنند بزودی نژاد آنها منقرض خواهند گردید ، ثالثاً در هر نقطه از نظر توالد و تناسل نرها بین خود و ماده ها با یکدیگر رقیبند . اگر قانون تنوع و وراثت و این قانون رقابت حیاتی را در نظر بگیریم خواهیم دید که طبقاً قانون چهارمی از مجموع آنها نتیجه میشود که داروین آنها را با انتخاب طبیعی نامیده است و بعد ها بنام قانون بقا قایلترها موسوم گردید . مقصود اینست که هر گونه مشخصات و خصوصیات که خواه در نوع و خواه در افراد موجود باشد و بیشتر با محیط مسکونی مطابقت نماید موجب بقا و ارتقاء دارندگان آن خواص گردیده و بالتبع



در ممالک تشکیل شدند تسلط انگلیس و فرانسه و امریکا و ژاپن در مستعمرات شدید تر شد . آلمان تحت فشار تادیه غرامات قرار گرفت . بسیاری از ممالک وسیع تجزیه شدند ترکیه جمهوری گردید . ممالک نیم مستعمره و ظاهرآ آزاد بمناطق نفوذ اقتصادی سیاست های جهانگیرانه تقسیم شدند جامعه ملل بجهت حفظ منافع ممالک غالب تشکیل گردید . این تعادل مدتی برقرار بود ولی تکامل های جدید باز آن تعادل را بهم زد با حکومت های سوسیال دمکراسی آلمان و اطریش و بعضی ممالک دیگر ممکن نبود تعادل بین کار و سرمایه تولید شود بلکه هر روز مخالفت بین آنها شدید تر میشد و در آلمان مثلا حکومت ابرت بحکومت هندنبورگ و این تقاسیم هینتر تبدیل شد . در ممالک غالب و مغلوب این حال وجود داشت جزاینکه چون ممالک مغلوب بیشتر تحت فشار بودند این تغییر شکل در آنها سریع تر انجام گرفت نقشه های اوکارنو ، داوس و بونک که برای حفظ حال تعادل بود فائده اساسی نکرد در این ضمن در ممالک نیم کولونی نهضت های ملی بوجود آمد و شوروی هم سیر تکامل مخصوص خود را داشت . تمام این عوامل (تشکیل شدن رژیم فاشیسم در نتیجه شدت اختلاف بین قوای مختلف مخصوصا غالبین و مغلوبین جنگ پیش که دسته اول طرفدار بقای اوضاع و دسته دوم طرفدار تغییر میباشد و همچنین نهضت های ملی علل درجه دوم . بالاخره جدا شدن شوروی از دستگاه معمولی اقتصاد دنیا) يك وضعیت جدید در دنیا ایجاد کرده است که قاعده عنقرب باید بیک سلسله تغییرات شدید منجر شود زیرا سیاست فاشیسم فقط بملفهای کوچک بنام میاورد ، بهودها را از فلان مملکت بیرون کرده با فلان ملت نیم مستعمره را مغلوب میکند هیچیک از این اقدامات برای حفظ تعادل مفید نیست و این دمل رسیده است باید در یک نقطه تترکد این تروکیدن بصورت جنگ بین المللی جدید و مدهش خواهد بود . جنگ آتیه که با تمام قوا دارند وسایل آنرا تهیه میکنند برای همین است . پس علل اصلی جنگ اقتصادی و مادی است . و در جامعه سرمایه داری خطر آن همیشه موجود است آلمان مخصوصا بعد از فاشیستی شدن یکی یکی قیودات نظامی و رسای را لغو کرده و خود را مسلح مینماید دول

بالتیجه در آن محیط موجودات نخواهند توانست زندگی نمایند و مقصود از لاق آن موجودی است که بواسطه خصوصیات با اعراض خارق العاده خود بیشتر متناسب با محیط مسکونی و یا کمتر متباین با آن باشد .

نظیر همین نزاع بین طبقات مختلفه اجتماع موجود است و ناچار طبقه که با وضعیت موجود اجتماع که نتیجه مستقیم تغییرات اقتصادی و مادی جامعه است توافق نداشته باشد معدوم شده جبرا طبقه که از هر حیثا مطابقت با محیط اجتماعی داشته باشد جانشین او خواهد گردید ولی تنها فرق این تغییرات با تحولات طبیعی این است که عامل آن انسان ذیشعور و بنا بر این تغییراتش در نتیجه قدرت و نیروی او انجام خواهد گرفت . تاریخ کلیه انقلابات بشر نمونه از این تحولات است | جمشید

## منظره دنیا

عدم تناسب توسعه و ترقی یکی از قوانین اساسی رژیم فعلی اقتصاد است . این عدم تناسب توسعه بین ممالک در قرن بیستم شدیدتر شده است مخالفت و ضدیتها و جنگ نیز در میان دول شدید و حتمی است . انگلستان ۱۵۰ الی ۲۰۰ سال زودتر از سایر دول مثلا از آلمان یا بدایره سرمایه داری گذاشته و صنایع خود را توسعه و آنچه که میتوانسته است بازار های خارجی را بمتاع سرمایه خود منحصر کرده است در صورتیکه آلمان که تا اوایل قرن بیستم اقتصادا یکی از دول قوی سرمایه داری و امپریالیستی میشود احتیاج بیشتری بمستعمره دارد و چون مستعمره ها در میان دولی که قبلا ترقی کرده اند تقسیم شده آلمان مجبور است ادعای سهمی نماید و چون این قضیه با صلح غیر ممکن است حل شود مجبور اطریش باسلجه متوسل میشوند علت اصلی جنگ بین المللی همین بود . میدانیم که جنگ بین المللی بضع انگلیس و فرانسه و ایتالیا و بضرر آلمان و اطریش و ترکیه تمام شده در ممالک تزار بعد از جنگ يك رژیم جدید اقتصاد شروع شد در سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ حکومت های جدید



خود در او شرکت نکنند در نتیجه مسافرت ادن به ورشو تغییر در نظریه محافل ورشو داده نشده است همانطوریکه در شماره گذشته پیش بینی شد ختم قضیه خط آهن منچوری تا اندازه باعث روشنی افق سیاست آنجا شده چنانچه سیاسیون طرفین یعنی شوروی و ژاپون نطق های مودت آمیزی نسبت بهم ایراد کرده اند دولت سوئیس باد داشتنی بدولت آلمان تسلیم و در آن از اینکه عمل دولت آلمان برضد مقررات بین المللی يك نفر مهاجر سیاسی را عنفا توقیف و به آلمان برده اند اعتراض نموده است .

دولت لیتوانی ۴ نفر از عمال فاشیست های آلمان را در ممل محکوم باعدام وعده را هم محکوم به حبسهای بامدنهای مختلفه نموده است آلمانها باین اقدام لیتوانی اعتراض کرده اند ولی دولت مزبور این اعتراض را رد کرده و این عمل را يك اقدام داخلی خود میدانند و میگویند همانطوریکه آلمان همه روزه عده را در داخله خود محکوم بحبس و اعدام مینماید و کسی هم حق مداخله در کارهای داخلی او ندارد آلمانها حق ندارند بعملیات داخلی يك دولت دیگری دخالت کرده اعتراض نمایند .

ایتالیا هنوز به تجهیزات خود در مشرق افریقا ادامه میدهد و از قرائن همچو معلوم می شود که قضیه مختلف حقه را با زور سر نیزه حل نماید .

در یونان و نیز لوس از ایتالیا ، آلمان و بلغار کمک گرفت و قرار داد بالکان در خطر بوده کار و نیز لوس خاتمه یافت آلمان هم با آرزوی زاین برای تسلط زاین بر چین موافق است .

انتخابات ۷ آوریل داتریک هم که يك « شهر آزاد » است بواسطه نفوذ فاشیسم مانند انتخابات خود آلمان بود با وجود اینها فاشیست آلمان که منتظر بود اهالی ۹۰ در صد بفرقه ناسیونال سوسیالیسم رای دهند فقط ۵۹ درصد از آراء را برد .

بالدوین معاون رئیس الوزراء انگلیس در نطقی که داشته است دلیلی برای زیاد کردن تجهیزات انگلیس تراشیده در ضمن عدم رضایت برلن را که بواسطه انتشار کتاب سفید پیدا شده است میانه کند

دیگر هم از این اقدام آلمان بیمنگ شده مسابقه تسلیم حاتی را شروع کرده اند

حکومت آلمان شانزدهم مارس لغو قید داده پنجم قرار داد ورسای را اعلان و قانون نظام اجباری را بر قرار میدارد ولی باید گفت که این اقدام بدون مقدمه نمود بلکه آلمان قبلا عملا قیودات نظامی خود را لغو کرده بود و این يك اقدام رسمی و فرمالیته پیش نبود چنانکه کوبلس در نطق اخیر خود باین قسمت اعتراف مینماید ولی این اقدام مانع از این نشد که وزرای انگلیس همانطوریکه بنا بود بسا هیتلر ملاقاتی نمایند ولی از این ملاقات هیچگونه نتیجه مسکنی گرفته نشد جز اینکه آلمان تقاضای خود را صریحتر و واضح تر نموده یعنی همانطوریکه در موقع انتشار ابلاغیه لندن گفته بود باتمام مواد ابلاغیه غیر از پیمان هوایی جدا مخالفت خود را تصریح وبعلاوه اضافه نمود که قضایای ممل دالان لهستان و سر حد چکوسلواکی باید تجدید نظر و اصلاح شود و بعلاوه در ملاقات برلن معلوم شد که آلمان شدیداً مخالف پیمان شرقی و در صدد تشکیل فرونت برضد روسیه شوروی است «آلمان هیچوقت يك سیستم مساعدت و حمایتی را در مشرق که شامل دول شوروی بشود نخواهد پذیرفت» سیاست دول بزرگ در مقابل اعلامیه ماه مارس يك شکل نبود انگلستان همانطوریکه از اول تقریباً رول میانجیگری را بخود گرفته در این مورد هم اعتراضنامه ملایمی به تنهایی به آلمان فرستاد و این اعتراضنامه بیشتر به آلمان فهماند که جدا مخالف این اقدام دولت آلمان نمیشد و نظریه او باور آنسه و ایتالیا یکی نیست ولی دولت فرانسه و ایتالیا بالاتفاق اعتراض شدیدتری ارسال و جدا مخالفت خود را با این اقدام آلمان بیان کردند

در حقیقت انگلیس با این سیاست خود آلمان را در تجهیزات نظامی و بافشاری خود تشویق مینماید ابلاغیه که بعد از ملاقات ادن با محافل مسکو صادر شد ، میگوید که اساسا در سیاست بین المللی مخالفتی بین روسیه شوروی و انگلیس وجود ندارد مسکو جدا طرفدار قرارداد های تامین دسته جمعی است و لندن هم طرفدار این قبیل قرار داد است ولو آنکه

که در این کابینه در عرض شش ماه که از عمر آن میگذرد ( از ماه اکتبر ۱۹۳۴ ) پیدا شده است .

مجلس سیم پلنی در ۲۹ مارس با ۲۶۰ رای در مقابل ۱۳۹ رای مخالف قانون اساسی جدید را تصویب کرد این قانون جدید مخلوطی است از فاشیست ایتالیا و فاشیست آلمان کنفرانس (سترزا) که صد و بیست و هشتمین کنفرانس سیاسی بعد از جنگ بود بنا به پیشنهاد انگلیس مابین انگلستان و فرانسه و ایتالیا در ۱۱ آوریل تشکیل شد . در انگلستان سه قسم جریان سیاسی وجود دارد . دسته طرفدار « سملاندید ایزولیشن » یعنی بی طرفی کامل انگلستان در مقابل اروپا ، در عوض جدیدیت برای نزدیکتر کردن تمام کانی و نیم کانی های بریتانیای کبیر با یکدیگر هستند و توجه مخصوص بطرف شرق اقصی دارند . دسته دیگر طرفداری میکنند از اینکه بریتانیای کبیر در مقابل ترازوی دول حکم شاهین ترازو را داشته باشد یعنی بهر دسته که انگلستان متقابل شود این دسته بر دسته دیگر مخالف بچربد انگلستان زیر بار هیچ تعهدی نرود از این جریان وزارت خارجه و تمام کابینه بریتانیای کبیر طرفداری میکنند بالاخره دسته سوم عقیده دارند که باید بریتانیای کبیر در تشکیلات امنیت و تضمین سرحدات دول دخالت کند از همین لحاظ تصمیمات این کنفرانس چندان مهم نشد .

دولت فرانسه از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ اقلاً ۲۰۰ میلیارد فرانک برای تسلیحات خرج کرده است و حال پس از اجرای نظام اجباری در آلمان تقاضای شش میلیارد و نیم فرانک اضافه بر بودجه مینماید که فقط از راه قرض داخلی میتواند تامین شود .

روز ۱۷ آوریل هشتصد و پنجاهمین جلسه ( فوق العاده ) شورای جامعه ملل در ژنو افتتاح یافت لاوال رئیس الوزراء و وزیر خارجه فرانسه قرار دادی را که دولت بریتانیا و فرانسه و ایتالیا درسترا تهیه کرده بودند تقدیم جامعه ملل نمود مبنی بر اینکه شورای جامعه ملل دولت آلمان را محکوم مینماید بآنکه در ۱۶ مارس قانون نظام اجباری را که مخالف عهدنامه ورسای

کنکره بین المللی نسوان بر علیه جنگ و فاشیسم در ۲۵ و ۲۶ مه در پاریس تشکیل شد بمناسبت تذکر روز سوزاندن کتابها در آلمان در ممالک مختلفه نمایشاتی بر علیه فاشیسم داده شد .

تقسه میل تارزه کردن ملل دارد عملی می شود . يك انجمن بین المللی بر علیه فاشیسم و جنگ تشکیل شده است . اتحادیه های کارگری سوسیالیست و کمونیست ممالک دارند متحد می شوند .

اتحاد جنگی بین فاشیست آلمان و فاشیست نظامی ژاپن و فاشیست پلنی دارد صورت واقعت پیدا میکند ، در حالیکه دول دنیا خود را برای جنگ بین المللی جدیدی حاضر میکنند مابین بعضی از دول جنگ برپا است مثلاً جنگ ژاپن در چین سالهاست دوام پیدا کرده است و تمام چین را تهدید می کند ، در امریکای جنوبی امریکالیست انگلیس و امریکای شمالی بدست پاراکوای و بلیوی مشغول جنگند جنگ ایتالیا و حبشه هم عنقریب اگر اتفاقات فوق العاده پیدا نشود سر خواهد گرفت

فاشیست آلمان توجه زیادی بممالک اطریش ، لیتوانی و شهر آزاد دانتزیک معطوف کرده است . اتحاد سوسیالیست ها و کمونیست ها در فرانسه باعث شد که از حملات اولیه فاشیست در آن مملکت جلو گیری شود .

چکوسلواکی از چندین طرف مورد تهدید واقع شده است از يك طرف فاشیست آلمان ایالت زودت را که شامل سه میلیون و نیم جمعیت است طلب میکنند از طرف دیگر فاشیست پلنی چشم خود را بناحیه تش دوخته است هنگری هم ناحیه سلواکی را که يك ناحیه کاملاً سلوواکیست درخواست میکنند .

پس از اجرای نظام اجباری در آلمان ممالک اطریش و هنگری و بلغار هم برای این مقصود صداهای خود را بلند نمودند در جواب آنها اتحادیه ممالک پنجگانه ( چکوسلواکی ، رومانی ، یوگوسلاوی با یونان و ترکیه ) مخالفت خود را در این موضوع تجدید نمودند .

در اسپانیول در ۲۰ مارس کابینه لرو ژیل-رپلس استعفا داد . این پنجمین بحران است



نظام حکومت فاشیست را در پلنی اعلام نمود و بیکناتور مطلق گردید و در دوازدهم مه فوت کرد پس از معاهده بین فرانسه و شوروی در دوم ماه مه معاهده بین چکوسلواکی و شوروی در شانزدهم همین ماه در بریک با ماضا رسید

بنابر اخبار جرائد انگلیس و فرانسه و امریکامحصول کارخانجات طیاره سازی در آلمان در سه ماه اول سال ۱۹۳۵ اکتلا روزی ۱۰ ماشین میباشد. وزیر جنگ فرانسه مورن قوه آلمان را از حیث طیارات جنگی برای چندی بعد بقرار ذیل نقل میکند: ۳۷۰۰ عدد طیاره که از این عده ۲۱۰۰ عدد بمب افکن و ۱۶۰۰ طیاره شکاری و غیره برای این عده طیاره ۸۰۰۰ نفر صاحبمنصب و ۵۲ هزار صاحبمنصب جزء و افراد لازم است.

ذخیره طلای مملکت ایتالیا در سال ۱۹۳۴

فقط به ۷ میلیارد لیر میرسد در اوایل ۱۹۳۵ به ۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون لیر تنزل کرد. تجارت ایتالیا در سال ۱۹۳۳ معادل یک میلیارد

و نیم کسری داشت در سال ۱۹۳۴ بنابر خبر باری سوار به دو میلیارد و نیم رسید عده بیکاران در ایتالیا تقریباً به یک میلیون میرسد بنابر این موسلینی در اکتبر گذشته واضح گفت که برای بهبودی اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایتالیا چاره جبر گرفتن مستعمرات نیست

در ۱۲ آوریل روز هژدهمین سال دخول امریکا در جنگ بین المللی ۱۵۰ هزار نفر محصل در امریکا نمایشات برضد جنگ دادند در این نمایشات چندین نفر هم از پرسورهای معروف نطق هائی کردند که یکی از آنها پرسور این شتین معروف بود.

در نوزدهم ماه مه طیاره عظیم الحثه «ماکزیم گرگی» در موقعی که بر فراز میدان هوایمائی مسکو در طیران بود یکی از بالهایش مصادف با یک طیاره دیگر شده بزمین افتاده خورد میشود

کسر بودجه در فرانسه رو بتزائد است در امسال بمبلغ شش الی هشت میلیارد میرسد از این لحاظ بود که مردم بیانگها هجوم آورده و فرانک در تهدید واقع شد در مدت کوتاهی بیش از دو میلیارد طلا از بانک فرانسه خارج

میشد اعلام نموده است این قرارداد به اتفاق آراء قبول شد فقط نماینده دانمارک از دادن رای امتناع ورزید.

در چین غربی و جنوبی مدت زیادی است که قشون دولتی در تحت اوامر چانگای چک با قشون سرخ چین میجنگد برای جنگ ششمین دفعه تدارکات خیلی زیادی دیده بودند یعنی بایک عده ۵۰۰ هزار نفری در تحت اوامر صاحبمنصبان آلمانی و رئیس کل آنها ژنرال زکت حملات خود را مدت یک سال مداومت دادند ولی بالاخره نتوانستند بر قشون سرخ فائق آیند در بلغار بواسطه بحران شدیدی که در آن مملکت حکمفرماست کابینه ژنرال سلاتو نتوانست بیش از سه ماه دوام کند و مستعفی شد پادشاه بوریس تشکیل هیئت دولت جدید را به توشو واگذار کرده است

در انتخابات بلدی فرانسه که در نهم مه شروع شد احزاب دسته چپ مخصوصاً کمونیستها موفقیت زیادی حاصل نمودند.

در دوم مه مابین فرانسه و شوروی معاهده در پاریس منعقد گردید مبنی بر اینکه اگر مملکت فرانسه و یا شوروی مورد حمله یکی از دول اروپائی واقع گردند فوراً مملکت فرانسه و شوروی یکدیگر را کمک خواهند نمود

در شهر دانزیک دولت نازی بقتلاً نرح گولدن را بمیزان ۴۲۳۷ درصد تنزل داد معتقدند که این انفلاسیون برای اهالی نتیجه وخیمی دارد. در ۱۱ ماه مه لاوال رئیس الوزراء و وزیر خارجه فرانسه بورشو مسافرت نمود راجع بقرار داد پیمان شرقی و نزدیکی پلنی بفرانسه گفتگوهای بین لاوال و بک شد ولی بکلی بی نتیجه ماند.

پس از آن لاوال از ورشو بمسکو رفت در ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ مه در مسکو باستالین ملنو و لیتونین گفتگو نمود در اعلامیه که صادر شد دوستی ما بین فرانسه و شوروی تأیید و معاهده مابین این دو مملکت باخشنودی طرفین تلقی شد.

در ۱۹۱۸ بعد از شکست آلمان بیلزودسکی بریاست دولت پلنی نائل گردید و ریاست کل قوا را در دست گرفت از دوازدهم ماه مه ۱۹۲۶ بیلزودسکی با کمک بکدسته صاحبمنصبان

های اقیانوس کبیر صورت گرفت یعنی ۱۶۰ کشتی و ۴۵۹ هواپیما ۵ میلیون میل مربع را روی دریا سیر کردند و همچنین اولین مانور آمریکا بود که در مشرب جزیره هاوانسی داده شد .

مملکت ژاپن هم خیال دارد عنقریب مانور خود را شرق تر یعنی بممالک متحده آمریکا نزدیکتر بدهد

دولت آلمان قسمت عمده بحریه خود را در آبهای دریای بالتیک تمرکز میدهد چه می خواهد بحریه خود را آنجا قویتر از بحریه شوروی بنماید

ثلث کابیه واردات مهمات جنگی دول عالم از انگلستان صادر می شود .

آلمان با یک حرارت و یک جدیت فوق العاده مشغول تسلیحات است هیچکس امروزه نمیتواند پیش گوئی کند که بالاخره فاشیست از کدام سرحد ضربه اولیه خود را خواهد زد آبادر سرحد لیتوانی یا سرحد آتریش یا چکوسلواکی یا سرحد فرانسه خواهد بود بعد از مدت های زیادی بالاخره معاهده تجارتی بین ممالک متحده آمریکا و ممالک شوروی منعقد گردید مملکت بلژیک هم ممالک شوروی را به رسمیت شناخت .

در شانزدهم ژوئیه در آلمان برای چندین دفعه بگرم خونینی از یهودی ها نمودند این اقدامات ضد یهودی انسان را بیاد همینگونه اقدامات در روسیه سابق میاندارد که بمنزله یک گونه تظاهرات سیاسی که نتیجه شکست اقتصادی است بشمار میرود بعد از آن که در دانزیک نوح کولدن را ۴۲ درصد تنزل دادند ۱ مرتبه قیمت اجناس بمیزان ۷۰ در صد بالا رفت در صورتی که مردها و مواجیهای مردم ثابت ماند .

در چهاردهم ژوئیه که روز حمله به مجپس باستیل است مردم در پاریس نمایشات عظیمی دادند که می توان آنها بزرگترین نمایشات بعد از جنگ شمرده نیم میلیون جمعیت ضد فاشیست در خیابان های پاریس در نمایشات شرکت داشتند .

بعد از ۷ سال ونیم کمسیون هاو کنفرانس

شد در دو روز اخیر تقریباً یک ملیارد طلا خارج شده برای رفع این بحران اقتصادی دو راه در نظر گرفته اند یا آن که از مخارجات بکاهد یعنی از حقوق مردم کسر بکنارند و یا نرخ فرانک را تنزل دهند

در آمریکا رئیس دیوان عالی تمیزقانون معروف را که روزولت موسس آن است مخالف با قانون اساسی مملکت اعلام کرده است . این خبر مهم اثر فوق العاده در تمام آمریکا نموده است بنابر این تمام نقشه روزولت دارد از بین میرود دردهم ماه مهوزیر خارجه چکوسلواکی مسافرتی بمسکو نموده در این مسافرت راجع به معاهده بین شوروی و چکوسلواکی مذاکره شد .

در هژدهم ژوئن معاهده بین بریطانیا و آلمان منعقد گردید بنی بر اینکه بریطانیا حاضر است که دولت آلمان قوه بحریه اش را معادل ۳۵ درصد و قوه تحت البحریش را معادل ۴۵ درصد بحریه بریطانیا بنماید . بنابر این دولت بریطانیا اشکارا به تسلیحات آلمان فاشیست کمک مینماید .

امریکا بواسطه گرفتاری های داخلی خود نمی تواند برضد ژاپون اقدامی بنماید لذا مملکت وسیع چین باداهتن ۴۰۰ میلیون جمعیت دارد یک مستعمره ژاپن میشود

در ۲۱ ژوئن اولین کنگره بین المللی نویسندگان دنیا برای دفاع از تمدن درباریس درتاتر موتوالیته تشکیل گردید

در ۱۵ ژوئیه بزرگترین دفیله که بحریه انگلیس تابحال داده است در آبهای مجاور آن مملکت صورت گرفت

مانوری که درهواپیمائی و بحریه آمریکا در ماه مه در اقیانوس کبیر داده شد تمام جزئیاتش را تحت سانسور سخت قرار داده بودند باوجود این بعضی چیزها معلوم شد :

در تمام تاریخ بحریه آمریکا این اولین دفعه بود که کلیه جهاز های آن مملکت چه آنچه در اقیانوس اطلس وجود داشت و چه جهاز هاییکه مختص اقیانوس کبیر بود کلیه را در مانور اقیانوس کبیر شرکت دادند . این بزرگترین مانوری بود که در تمام تاریخ مانور



ها دور میز گرد و جدولهای سیاسی بالاخره طرح قانونی برای اداره کردن هندوستان در پنجم ژوئن در مجلس عوام بریتانیا تصویب شد. این قانون برای ۳۵۰ میلیون نفوس نوشته شده است راجع بانتخابات هندوستان در این قانون فقط به ۲۹ ملین مرد و ۶ میلیون زن حق رای داده اند

چون دولت فرانسه از عملیات هیتلر در اروپای مرکزی خیلی ناراحت شده است تصمیم گرفته است اشکالاتی که مابین دولت فرانسه و ایتالیا است هر قسم شده برطرف نموده و خود را با ایتالیا نزدیک نماید.

بزرگترین اختلافاتی که مابین ایندو دولت هست اختلافات مستعمراتی است مخصوصا راجع با افریقا در معاهده رم که درنهم ژانویه بین لاوال و موسولینی منعقد گردید یکی از مواد مهمش آزاد گذاردن دست ایتالیا در مملکت حبشه است مسافرت نماینده بریتانیا دن به رم و گفتگوهای ایشان با موسولینی راجع بجلوگیری از جنگ با حبشه بی نتیجه ماند امروزه در اروپا غیرممکن است که یکی از دول اروپا واردجنت شود و سایر دول تماشاچی بماند بلکه در این صورت جنگ بین المللی جدیدی با تمام فجایع و کشتار ش دنیا را آتش خواهد زد

پارلیکه موسولینی برای بلعیدن حبشه داده است عبارت است از: جنگ هلی. اگر موسولینی میگوید جنگ با حبشه را برای این میکند که جا و مکان برای ایتالیا پیدا کند این عذر در مقابل مخارج و صدمات فوق العاده که برای ایتالیاها دست میدهد موجه نیست. از طرف دیگر برای استخراج و مصرف معادن حبشه مخارج هنگفت و مدت زیادی وقت لازم است. ایتالیا امروزه از حیث سرمایه نسبتا فقیر است و برای اینکه سرمایه در حبشه نفع بدهد اقلا سی سال وقت لازم است لذا هیچ يك از امپریالیستها نمی توانند زیر بار این لوکس بروند از این نقطه نظر یقین است که امپریالیسم ایتالیا برای نفع اقتصادی این جنگ را نمی کند بلکه سیاست داخلی ایتالیا موسولینی را مجبور میکند به جنگ بمصداق از این ستون بان ستون فرجی است متوسل شود موسولینی جنگ را برای اینکه جنگ کند می خواهد سه قسم ناراحتی راجع بقضیه حبشه در کابینه بریتانیا عمومیت دارد: اول تجدید

نظر در معاهده ۱۹۰۶: نباید بدون میل بریتانیا صورت گیرد ثابا تقاضای ایتالیا ناحق خواهد بود اگر حقوق بریتانیا را در افریقا تهدید کند ( راه هندوستان و سرچشمه نیل و غیره ) ثابا اگر ایتالیا در این جنگ شکست بخورد اگر چه شکست سیاسی هم باشد این شکست از تمام مللی که تحت فشار هستند بایک تهوری تلقی خواهد شد مخصوصا در این موقع که هنوز در هندوستان آرامی کامل وجود ندارد

موسولینی میداند که تقاضای هایش با امرام جامعه ملل متناقض است ولی میخواهد همان روش ژاپن و آلمان را پیش گیرد.

## اطلاعات مفید

منافع بزرگترین کارخانه های اسلحه سازی دنیا

گروپ - در آلمان در سال اخیر ۶۵ میلیون مارك نفع خالص داشته است در صورتیکه در یکسال پیش ۳۰۷ میلیون متضرر شده بود و گرس - ازمسترونک در انگلیس در سال اخیر ( ۱۹۳۴ ) ۳۰۷۰۴۳ لیره انگلیسی نفع خالص داشته است، در صورتیکه در سال ۱۹۳۳ ۱۸۸۴۱۸ لیره انگلیسی بود است یعنی در عرض یکسال دو برابر سال پیش نفع کرده است اسکودا در چکوسلاوا در سال اخیر ۱۱۲ میلیون کرون نفع خالص داشته است و اولین دفعه ایست که بعد از سه سال توانسته است بصاحبان سهم نفع پردازد شنايدر کروزو در فرانسه نیز منافع هنگفتی داشته است.

۲ - مطابق تحقیقاتی که خانمی از اهل برلن کرده است قوه دید شب پره مهمتر از قوه دید زنبور عسل است. بدین معنی که در سیمکتر رنگ سرخ بیشتر دیده میشود.

۳ - قوانین اساسی ممالک مهم فرانسه: قانون فرانسه از سال ۱۸۷۵ بیهوده کمتر تغییری کرده است این قانون در مجلس مؤسسان فقط با يك رای اضافه تصویب شده است، بدین معنی که اگر یک نفر کمتر رای داده بود اکثریت حاصل نمیشد. فرانسه جمهوری است. نمایندگان مجلس مستقیم و مخفی است

شرح ما اشكل  
من مصادرات كتاب اقليدس  
تأليف خيام - چاپ دکتر ارانی

تحت طبع است

مطب دکتر محمد بهرامی

متخصص در امراض داخلی و رادیولوژی

خیابان شیخ هادی

نوراذر و کالت میکند

کلاس مکانیک و اتومبیل رانی مهندس « دوخووتسکی »

لاله زار جنب کافه پارس

سلسله علوم دقیقه

شامل کتب ذیل :

در ۱۲ جزء

در ۱۲ جزء

در ۲ جلد

در ۲ جلد

I فیزیک

II شیمی

III بیولوژی

IV بسیکولوژی

V اصول ماتریالیسم دیالکتیک با ضمايم مختلف

کتب دیگر که ناشر سلسله در آنها شرکت داشته بدایع سعدی ، رباعیات خیام

وجه دین شرح ما اشكل من مصادرات كتاب اقليدس ، خواص احیاء کتسنده جوهر هیوقسفری

مسئول : دکتر ارانی